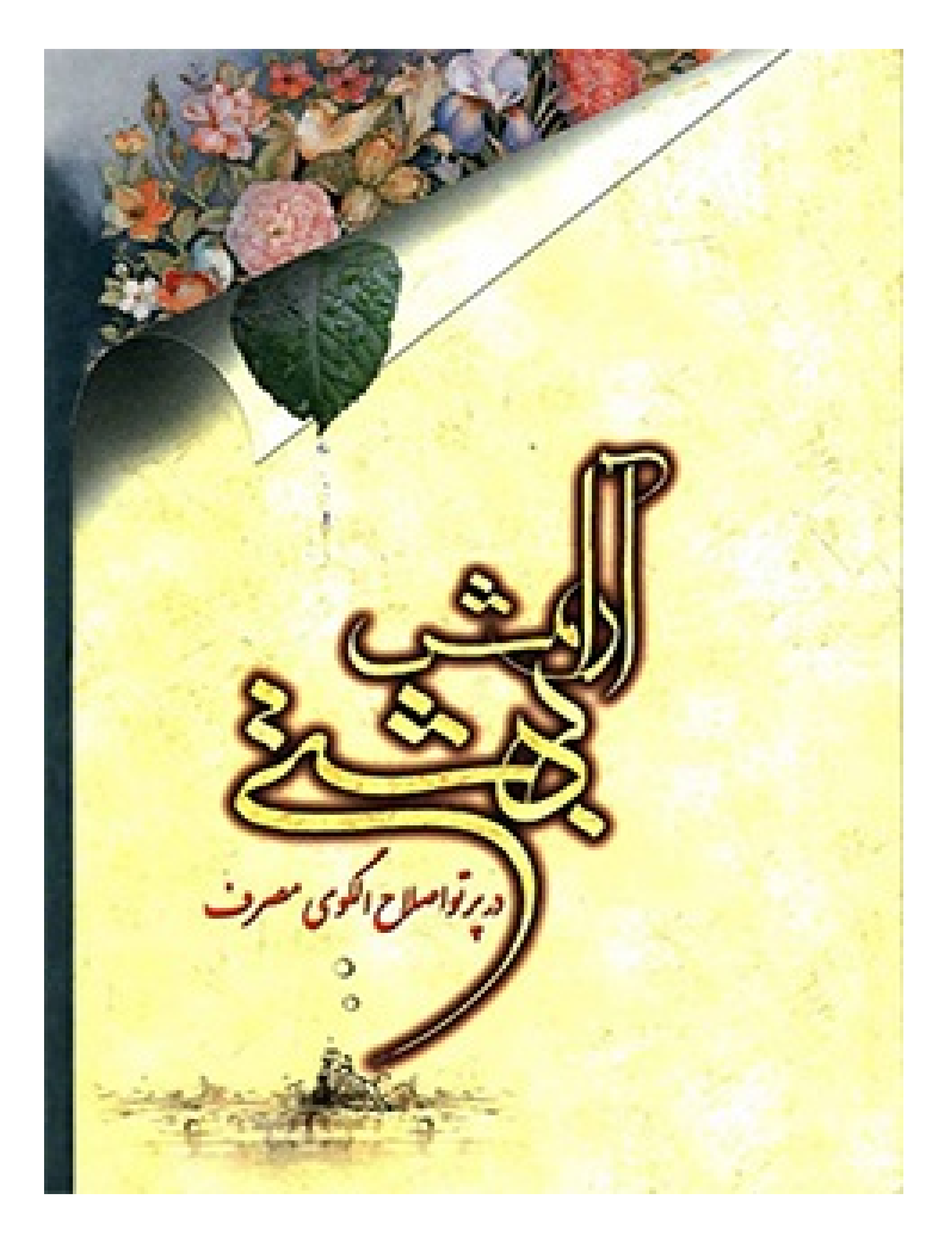

آرامش بهشتی
در پرتو اصلاح الگوی مصرف


بسم الله الرحمن الرحيم

آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف/مولف موسسه امام هادی (ع).

مشخصات نشر : قم: موسسه پیام امام هادی(ع)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۳۴۸ ص.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۸۳۷-۲۹-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Paradise tranquility ...

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۳۳] - ۳۳۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : صرفه جویی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره : BP۲۵۰/۳۵/آ۳۷ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۱۸۱۱۹

ص :۱

سخن مؤسّسه:

»» سخن مؤسّسه:

بسم الله الرحمن الرحيم

نعمتهـای روی زمین با همه گسترد گی، محـدود و در عین حال برای اسـتفاده همگان و همه نسـلها است از این رو بهره وری نا مناسب و به هدر دادن منابع، کاری است نا معقول و از نظر دینی نا مشروع.

متأسـفانه در عصـر حاضـر مسئله دُرست مصرف کردن و استفاده بهینه از امکانات به فراموشی سپرده شده و اسراف و ریخت و پاش در همـۀ زمینه ها به فرهنگ رایـج تبدیل گردیده است که البته با فرهنگ ملّی و اسـلامی، نا سازگار است از این رو رهبر معظّم انقلاـب احساس خطر کرده و سال ۱۳۸۸ را به عنوان سال اصـلاح الگوی مصـرف معرفی نمودند؛ که آغازی باشد برای زدودن فرهنگ وارداتیِ اسراف و همچنین فرهنگ سازی در زمینه مصرف صحیح و شایسته.

مؤسّسه تحقیقاتی امام هادی علیه السلام نیز برای خود وظیفه دانست که در حدّ توان در این فرهنگ سازی سهیم باشد و روش اسـلامی مصـرف را که همان حدّ تعادل و میانه روی است با اسـتفاده از آیات نورانی و سـخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام مطرح نمایـد، بدین امید که همگان، از مسـئولان دولتی و نهادهای مختلف و رسانه ها گرفته تا افراد و خانواده ها در این زمینه احسـاس مسـئولیت نموده و برای تغییر فرهنـگ نابهنجـار مصـرف غیر صـحیح و ناشایست به فرهنگ صـحیح و الگوی دُرسـت مصـرف، اقدام جدّی به عمل آورند، و با آگاهی و به کارگیری معارفی که در این مجموعه فراهم آمده است، در پرتو اصلاح الگوی مصرف به آرامش بهشتی دست یابند إن شاء اللّه.

مؤسّسه امام هادی علیه السلام

ص:۳

دیباچه

خداوند انسان را آفریده و مجموعه ای از غرائز و تمایلات را در او قرار داده است که استفاده و بکارگیری درست از هر کدام، در جای مناسب خود می توانـد او را به کمال مطلوب برساند، لکن افراط و تفریط نسبت به بهره مندی هر یک از توانایی های موجود می تواند او را به سمت و سوی هلاکت و سقوط پیش ببرد، از این رو دین اسلام اعتدال و میانه روی را یکی از برترین فضیلت هـای اخلاـقی برشـمرده و افراط و تفریـط را رذیلت اخلاـقی، بر می شـمرد، از مزایای مکتب اسـلام این است که تمام دسـتورات و مقررات آن معتـدل قرار داده شـده است، لـذا جامعه ی اسـلامی می توانـد با عمل کردن به این دسـتورات و پیاده کردن آن ها در زندگی خود به عنوان یک جامعه ی الگو و نمونه برای دیگران مطرح گردد.

قرآن کریم امت اسـلامی را امت وسط معرفی کرده است. وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَٰكُمْ أُمَّةً وَسَطًا... (۱) زندگی یک بُعدی مورد پسـند اسـلام نمی باشـد، نه همچون یهود که توجه کامل و پرداختن به مادیات و جمع آوری مال و رو آوردن به دنیا را سـفارش می کند، ونه همچون راهبان مسیحی رو آوردن به مسائل معنوی و روحی و پرهیز از مادیات را می پذیرد، آن چه مورد تاکید دین اسلام و رهبران آن بوده و هست در پیش گرفتن راه اعتدال در تمامی شؤونات زندگی است.

و مسـلمان واقعی کسـی است که در عین دنیا داری مواظب آخرت باشد و در عین داشـتن ایمان برای گذران زندگی از نعمت های دنیوی که خداوند برای انسان ها فراهم ساخته نیز به صورت شایسـته و مطلوب بهره مند گردد و استفاده ی نیکو از آن ها ببرد؛ در عین اجتماعی بودن از جنبه های معنوی نیز غافل نگردد و آن دو را مکمّل یکدیگر قرار دهد.

ص:۴

۱- ((۱)) - بقره: ۱۴۳..

تعادل و اقتصاد سالم

اهدافی که اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی بشر ترسیم نموده است بدون اقتصاد سالم قابل تأمین نیست افراط در مسائل اقتصادی موجب می شود که به بعد روحی و معنوی افراد و پیوند محکم میان آنان آسیب برسد و جامعه طبقاتی گردد عده ای فقیر و تهی دست و عده ای مرفّه و بالا دست که این وضعیت مطلوب اسلام نیست.

تنها راه، ایجاد تعادل آنهم با عمل کردن به روش و سنت اولیای الهی و دستورات دین مقدس اسلام است. امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: هر کس رغبت و نشاطش به عبادت طبق سنّت من باشد هدایت شده است و اگر مخالف سنت من باشد گمراه شده است و عملش تباه خواهد شد، ای مردم بدانید من نماز می خوانم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار می کنم و گریه می کنم و می خندم پس هر کس از راه و روش من روی بگرداند از من نیست (۱).

حتّی انفاق که یکی از خصلت های پسندیده است اگر به حدّ افراط برسد مورد پذیرش اسلام نیست خداوند خطاب به پیامبرش فرمود: وَ لَاتَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلَیٰ عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ... (۲) فرهنگ دین ما حالت افراط در هزینه کردن را اسراف می نامد که قرآن کریم بندگان خالص را کسانی می داند که در انفاق اسراف نمی کنند وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُوالَمْ یُسْرِفُواْ (۳)

نکوهش فقر

دین اسلام در عین حالی که دنیاطلبی و تجمّل گرایی و زیاده خواهی را مذمت و نکوهش کرده است فقر و ناداری را نیز نکوهش نموده است چون فقر و ناداری سبب می شود که جامعه از حالت تعادل خارج گردد و ملّت فقیر و نیازمند از نظر فرهنگی و دینی دچار آسیب شود به طوری که انسان فقیر و محتاج که دست نیاز به سوی بیگانه دراز کند فرد خوار و ذلیل و یا برده دیگران محسوب می شود چون نیازمندی با وابستگی ملازم است وکرامت انسان

۱- ((۱)) - اصول کافی: ۲ / ۸۵ ح ۱..

۲- ((۲)) - اسراء: ۲۹..

۳- ((۳)) - فرقان: ۶۷..

مخدوش می شود لذا هر فرد یا اجتماعی که در مسائل اقتصادی یک جانبه دستش به سوی دیگران دراز باشد اسیر و برده آن ها خواهد بود که علی علیه السلام فرمود: ... إحتج إلی من شئت وکن أسیره (۱).

عوامل فقر

دین اسلام افزون بر نکوهش فقر به عوامل آن نیز توجّه نموده است که یکی از عوامل آن را تن به کار ندادن می داند کسی که برای تأمین زندگی تلاش نکند و کار نکند فقیر خواهد بود و این بدترین حالت از دیدگاه اسلام برای یک مسلمان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملعون من ألقی کلّه علی الناس (۲) از رحمت خداوند دور است کسی که سربار مردم باشد. امام هشتم علیه السلام فرمود: إنّ اللّه عزّوجلّ ببغض العبد النوّام الفارغ (۳) به راستی خداوند عزّوجلّ بنده ی پر خواب بی کار را دشمن می دارد.

خداوند متعال منابع طبیعی را آفرید و در اختیار انسان قرار داد تا با بهره مندی دُرست از آن ها زندگی مناسب و بهتر برای خودشان فراهم سازد. اسلام کار و فعالیت را موجب رشد قدرت روحی و جسمی انسان می داند و متقابلاً بی کاری را سبب هرز رفتن نیروی بشر می داند.

امام علی علیه السلام فرمود: من یعمل یزداد قوه (۴) هر کس کار کند توانش افزایش می یابد.

افزون بر این، کار و تلاش در بوجود آمدن نشاط روحی نقش قابل توجّهی دارد و مانع فساد، خلاف و کارهای زشت و ناپسند می گردد.

باین نکته مهم نیز باید توجه داشت تنها انسان های نیازمند نیستند که باید کار و تلاش کنند بلکه همه باید کار و تلاش را وجه ی همّت خود قرار دهند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به دلیل بی نیازی کار را کنار گذاشته بود فرمود: هیچ گاه کار را رها مکن زیرا ترک تجارت و فعالیت، عقل را از بین می برد بلکه باز تلاش کن تا رفاه خانواده ات را بهتر کنی (۵).

اسلام برای کار و تلاش هدفمند آن چنان ارزش قائل شده است که ثواب آن را برابر جهاد در راه خدا می داند امام صادق علیه السلام فرمود: الکادّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل اللّه (۶) آنکه برای تأمین نیازمندیهای خانواده خود تلاش کند همچون پیکارگر در راه خدا است.

۱- ((۱)) - غرر الحکم: ۲ / ۵۸۴ ح ۲۳۱۱ - ۲۳۱۳..

۲- ((۲)) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۳۲ ح ۱۰..

۳- ((۳)) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۵۸ ح ۳..

۴- (۴)) - غررالحکم: ۱۵۲ ح ۲۸۰۲..

۵- (۵)) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۱۴ ح ۴..

۶- (۶)) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۶۷ ح ۱..

عامل دوم فقر و ناداری در جامعه، زیاده خواهی و سوء استفاده عدّه ای از مردم است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: فما جاع فقیر إلّابما متّع به غنیّ (۱) هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به کامیابی توانگرن.

و سومین عامل فقر، اسراف و زیاده روی و یا ریخت و پاش در هزینه و مصرف زندگی است . باید از هدر دادن و هدر رفتن نعمت های الهی پرهیز کرد و مصرف و هزینه زندگی باید بر اساس شأن افراد و شرائط زمان و مکان تنظیم گردد، ائمه ی معصومین علیهم السلام اسراف را یکی از اسباب فقر شمرده اند. إن السرف یورث الفقر (۲)اسراف و زیاده روی فقر را بدنبال می آورد.

بنابراین نه ژنده پوشی و دوری از لذت های دنیا مورد تأیید است و نه اندیشه استفاده و بهرمندی بی حدّ و حصر از مطامع دنیوی مورد پذیرش اسلام می باشد آن چه مورد توجّه امامان علیهم السلام می باشد بهره مندی درست از نعمت های الهی متناسب با شرائط زمانه در تمامی جوانب زندگی چه در لباس و پوشش باشد یا در خوراک و یا خانه... امامان معصوم علیهم السلام نیز سیره و روش زندگی شان این گونه بوده است. و در اعتراض کسانی که به امام صادق و امام باقر علیهما السلام خرده می گرفتند که چرا زندگی شما با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام تفاوت دارد می فرمودند شرائط زندگی عمومی مردم آن زمان با عصر و دوران ما تفاوت دارد، در آن زمان وضع عمومی مردم خوب نبود. اکنون بهتر شده است و اکنون آن چنان زیستن موجب می شود انسان انگشت نما شود که این خود مذموم است.

البته امام باقر و امام صادق علیهما السلام آن چه را که استفاده می کردند از دسترنج و تلاش و کار خود آنان بود و در گرمای شدید آفتاب کار می کردند و هیچ گاه از کار و تلاش دست نمی کشیدند. پس سربارِ دیگران بودن و زندگی صوفیان را در پیش گرفتن و برای توجیه آن به زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وامیرالمؤمنین علیه السلام تمسّک کردن اندیشه نا صواب و به دور از واقعیت اسلام است چنان که اندیشه اشرافی گری و اسراف و... با تمسّک به برخی از آیات و روایات دور از حقیقت می باشد.

خردمندان و بزرگان جامعه هشدار دهند

عقل و خرد اقتضا می کند که خردمندان جامعه، مردم را در برابر این بیماری مهلک که بنیانهای جامعه را دچار آسیب جدّی می کند واکسینه کنند و یا حدّ اقلّ

۱- ((۱)) - نهج البلاغه: ۵۳۳ ح ۳۲۸..

۲- ((۲)) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۶۴ ح ۱..

جلو فراگیر شدن آن را بگیرند و راه حل تعادل را که در دین اسلام راه های برون رفت از مشکلات و گرفتاری ها است، پیوسته یادآور شوند، راه اعتدال همان توجّه به عدالت در دخل و خرج های زندگی است، اسلام از طرفی به انفاق تشویق می کند و از سویی از اسراف و تبذیر در همه زمینه ها باز می دارد. از یک سو به احسان و بخشش فرا می خواند و از سوی دیگر بخل و شحّ را نکوهش می کند، جود و سخاوت را می ستاید، امساک و خودداری را مذمّت می کند، قرض دادن را امر پسندیده می داند، استقراض در غیر امور ضروری را امری نکوهیده می داند، امر به کار و تلاش و تولید می نماید، صرفه جویی را معقول و هزینه بی رویّه و ولخرجی را زشت و ناپسند می داند.

حاکمان و نخبگان آغازگران مبارزه ی فرهنگی هستند

عقل و خرد و نیز سیره ی پیشوایان دین اقتضا می کند که در هر جامعه ای سر آغاز مبارزه با فرهنگ ناصواب و اندیشه های ناپاک و انحرافی در تمامی زمینه های اخلاقی، رفتاری، اعتقادی، مادی و معنوی باید از نقطه هرمی آن یعنی نخبگان، حاکمان، دولتمردان، رؤسا و سازمان ها و نهادهای اجتماعی که نبض اداره جامعه را در دست دارند شروع شود چون مردم به زندگی آنان می نگرند و از آنان الگو می گیرند. چنانکه رسولخدا صلی الله علیه و آله فرمود: صنفان من أمّتی إذا صلحا صلحت أمتي وإذا فسدا فسدت أمّتي. قيل: يا رسول اللّه و من هما؟ قال: الفقهاء، والأمراء (۱) دو دسته از امت من هر گاه درست شوند، همه ی امت من درست می شوند؛ و هر گاه فاسد شوند، امت من همه فاسد می شوند، گفتند: ای رسول خدا، این دو دسته کیانند؟ فرمود: عالمان فرهیخته و حاکمان.

لازم به یادآوری است که روایت مذکور معنایش سلب مسئولیت از دیگر آحاد جامعه نمی باشد بلکه همه احاد وأقشار مردم از جمله خانواده ها که بنیان های اصلی جامع را تشکیلی می دهند هر کدام به نوبه خود در برابر صلاح و فساد جامعه و مبارزه با الگوهای فاسد از جمله مصرف گرایی مسئولیت خطیر و بزرگی را به عهده دارند لکن حاکمان و نخبگان از آنجایی که الگوی دیگران قرار می گیرند مسئولیت شان حساس تر و خواهد بود.

۱- ((۱)) - خصال صدوق: ۱ / ۳۷..

بخش اوّل: اسلام دین بهره بری از نعمت ها یا رهبانیت و پرهیز از نعمت ؟!

اشاره

ص:۹

سرآغاز

خداوند منّان نعمت های دنیا را برای بهره گیری بندگانش بویژه اهل ایمان قرار داده است. از این رو دین اسلام رهبانیّتی را که پیروان برخی ادیان در پیش گرفته و خود را از نعمت های حلال الهی محروم می کردند، نمی پسندد و به استفاده صحیح از مواهب پاکیزه تشویق نموده و رهبانیت را در جهاد، نماز، نماز شب، روزه و مانند آن ها می داند.

نظر اسلام درباره ی این مطالب را با بهره گیری از آیات و روایات در ذیل سه عنوان می آوریم:

«۱»اسلام دین بهره بری است

۱ - قال اللّه عزّ و جلّ:

یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلِ وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّه الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّیِّبٰتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ آمَنُوا فی الْحَیاهِ الدُّنْیا خالِصَهً یَوْمَ الْقِیامَهِ ۱ - خداوند متعال فرمود: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به هر مسجدی با خود برگیرید و [ازنعمت های الهی] بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد. بگو چه کسی زینت الهی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه و مطبوع را حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [هرچند دیگران هم استفاده می کنند] ولی در روز قیامت ویژه ی مؤمنان است.

كَذلِكَ نُفَصِّلُ الآياتِ لِقَوم يَعلَمُونَ * قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّىَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْىَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللّه ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّه ما لا تَعْلَمُونَ (۱).

۲ - من وصيّه علىّ عليه السلام إلى أهل مصر ومحمّد بن أبى بكر:

... واعلموا يا عباد اللّه أنّ المتّقين حازوا عاجل الخير وآجله، شاركوا أهل الدّنيا فى دنياهم، ولم يشاركهم أهل الدّنيا فى آخرتهم، أباحهم اللّه من الدّنيا ما كفاهم وبه أغناهم، قال اللّه عزّ اسمه:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَهَ اللّه الَّتِى أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِى الْحَياهِ الدُّنْيا خالِصَهً يَوْمَ الْقِيامَهِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲).

سكنوا الدّنيا بأفضل ما سُكنت، وأكلوها بأفضل ما اكلت، به اين گونه، آيات را براى كسانى كه آگاهند شرح مى دهيم. بگو پروردگار من فقط زشتكارى را چه آشكار و چه پنهان و گناهكارى و تجاوز به ناحق را حرام كرده، و [نيز حرام كرده است] كه چيزى را شريك خدا قرار دهيد كه دليلى درباره ى آن نازل نكرده است و اين كه چيزى را كه نمى دانيد به خدا نسبت دهيد.

۲ - از سفارش هاى اميرمؤمنان على عليه السلام به اهل مصر و محمّدبن أبى بكر:...واى بندگان خدا! بدانيد پرهيزكاران بهره نيكو را از دنيا و آخرت برگرفتند؛ با اهل دنيا در [بهره گيرى از] دنيا مشاركت داشتند ولى اهل دنيادر[بهره گيرى از] آخرت با آنان مشاركت نداشتند.

خداوند آنچه از دنيا آنان را كفايت مى كرد و بى نيازشان مى ساخت براى آنان حلال كرد.

خداوند - كه نامش عزّتمند است - مى فرمايد:

«بگو چه كسى زينت خداوند كه براى بندگانش آفريده و رزق هاى پاكيزه را حرام كرده است؟ بگو اين نعمت ها در زندگى دنيا براى كسانى است كه ايمان آورده اند [هرچند ديگران هم استفاده مى كنند] ولى در قيامت ويژه ى مؤمنان است. به اين گونه، آيات را براى كسانى كه آگاهند، شرح مى دهيم.»

آنان در بهترين منازل دنيا سكنى گزيدند، و بهترين خوردنى ها را خوردند؛

۱- (۱)) الأعراف: ۳۳ - ۳۱.

۲- (۲)) الأعراف: ۳۲.

شـاركوا أهـل الـدّنيا في دنيـاهم، فـأكلوا معهم من طيّبات ما يأكلون، وشـربوا من طيّبات ما يشـربون، ولبسوا من أفضل ما يلبسون، وسـكنوا من أفضل ما يسـكنون، وتزوّجوا من أفضل ما يتزوّجون، وركبوا من أفضل ما يركبون، أصابوا لـذّه الـدّنيا مع أهل الدّنيا وهم غداً جيران اللّه، يتمنّون عليه فيعطيهم ما تمنّوه، ولا يردّ لهم دعوه ولا ينقص لهم نصيباً من اللذّه.

فإلى هذايا عباد اللّه يشتاق إليه مَن كان له عقل، ويعمل له بتقوى اللّه، ولا حول ولا قوّه إلّاباللّه (۱).

۳ - قال الربيع بن زياد الحارثي: يا أميرالمؤمنين! ألا أشكو إليک عاصم بن زياد، أخي؟ قال: ما له؟ قال: لبس العباء وترک الملأ وغمّ أهله وحزن ولده.

فقال عليّ: ادعوا لي عاصماً، فلمّا أتاه عبس في وجهه وقال:

پس بـا اهـل دنيـا در دنيـاى آنـان مشـاركت جسـتند و بـا آنان از خوردنى هاى پاكيزه كه اهل دنيا مى خوردنـد، خوردنـد و از نوشـيدنى هاى پاكيزه نوشـيدند و از بهترين لباس ها پوشيدند و در بهترين منازلى كه اهل دنيا سكونت مى كردند ساكن شدند و با بهترين همسرانى كه اهل دنيا بر مى گزيدند ازدواج كردند و از بهترين مركب هاى اهل دنيا استفاده كردند. لذّت دنيا را با اهل دنيا بردنـد در حالى كه فردا همسايه خداوندنـد، هرچه بخواهنـد خداونـد به آنان عطا مى كنـد و درخواستى از آنان را رد نمى كند و بهره ى آنان را از لذّت ها نمى كاهد.

پس اى بندگان خدا! هر كه خردمند است به اين [امر] مشـتاق است و [از اين رو] به تقواى الهى عمل مى كند كه هيچ حركت و نيرويى نيست جز به وسيله ى خدا.

۳ - ربيع بن زياد به أميرمؤمنان عليه السلام گفت:

آيا از برادرم عاصم شكايت نكنم؟

فرمود: او چه كرده است؟

گفت: عبا[ى عزلت] پوشيده و ترک اجتماع كرده و خانواده ى خود را غمگين و فرزندانش را محزون نموده است.

أميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: عاصم را نزد من بخوانيد. هنگامى كه عاصم آمد حضرت چهره درهم كشيد و فرمود:

۱- (۱)) أمالي المفيد: ۲۶۳ وأمالي الطوسي: ۲۶ ضمن ح ۳۱، عنهماالبحار: ۳۸۷/۷۷ ضمن ح ۱۱.

ويحك يا عاصم! أ ترى اللّه أباح لك اللذّات وهو يكره ما أخذت منها! لأنت أهون على اللّه من ذلك! أوَما سمعته يقول: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ (١) ثمّ يقول: يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجانُ (٢)، وقال: وَ مِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْماً طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها (٣) أما واللّه إنّ ابتذال نِعم اللّه بالفعال أحبّ إليه من ابتذالها بالمقال، وقد سمعتم اللّه يقول: وَأَمّا بِنِعْمَةِ رَبِّك فَحَدِّثْ (۴)، وقوله: مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّه الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ (۵). إنّ اللّه خاطب المؤمنين بما خاطب به المرسلين. فقال:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَتِ ما رَزَقْناكُمْ (۶)، وقال يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَتِ وَاعْمَلُوا صالِحاً (٧)، وای بر تو ای عاصم! آیا می پنداری خداوند لذّت ها را برایت جایز کرده است ولی خوش ندارد از آن ها بهره مند شوی؟ تو در پیشگاه خدا کوچک تر از آنی.

آیا نشنیده ای که می فرماید: «دو دریا را در کنار هم قرار داد تا باهم تماس داشته باشند»، آن گاه می فرماید: «تا از آن دو، مروارید و مرجان خارج شوند» و می فرماید:

«و از هر یک [از دریاها] گوشتی تازه می خورید و زیوری از آن استخراج می کنید و می پوشید».

به خدا سوگند در نزد او، استفاده و به کارگیری نعمت ها در عمل، بهتر از به کارگیری آن در کلام است، و شنیده اید که خداوند می فرماید: «و نعمت های پروردگارت را بازگو کن». و می فرماید:

«چه کسی زینت الهی که برای بندگانش پدید آورده و رزق های پاکیزه را حرام کرده است».

خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده به همان سخنی که پیامبران را مخاطب قرار داده است و می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید از رزق های پاکیزه که روزی شما کرده ایم بخورید». و می فرماید:

«ای فرستادگان[خدا] از پاکیزه ها[ی ارزاق] بخورید و عمل شایسته به جای آورید»،

۱- ((۱)) الرحمن: ۱۹.
۲- ((۲)) الرحمن: ۲۲.
۳- ((۳)) فاطر: ۱۲.
۴- ((۴)) الضحی: ۱۱.
۵- ((۵)) الأعراف: ۳۲
۶- ((۶)) البقره: ۱۷۲.
۷- ((۷)) المؤمنون: ۵۱.

وقال رسول اللّه صلى الله علیه و آله و سلم لبعض نسائه:

ما لی أراکِ شعثاء مرهاء سلتاء؟ قال عاصم: فلِم اقتصرت یا أمیرالمؤمنین علی لبس الخشِن وأکل الجشِب؟ قال: إنّ اللّه تعالی افترض علی أئمّه العدل أن یقدّروا لأنفسهم بالقوام کی لا یتبیّغ (۱)بالفقیرفقره.فماقام علیّ علیه السلام حتّی نزع عاصم العباء ولبس ملاءه (۲).

۴- عن الکاظم علیه السلام قال: اجعلوا لأنفسکم حظّاً من الدّنیا بإعطائها ما تشتهی من الحلال وما لا یثلم المروّه وما لا سَرَف فیه، واستعینوا بذلک علی امور الدین... (۳).

۵- قال الصادق علیه السلام : لیس منّا مَن ترک دنیاه لآخرته ولا آخرته لدنیاه (۴).

و رسول خدا صلی الله علیه و آله به بعضی از همسرانش فرمود:

«چه شده که تو را ژولیده مو و سرمه نکشیده و خضاب نکرده می بینم؟».

عاصم گفت: ای أمیرمؤمنان! پس چرا شما به لباسی خشن و خوراکی ناگوار بسنده کرده اید؟

حضرت فرمود: خداوند متعال بر پیشوایان دادگستر واجب کرده است که به همان اندازه ای که آن ها را سرپا نگه می دارد، اکتفا کنند تا فقر، فقیران را به هیجان [وطغیان] نکشاند.

پس حضرت علی علیه السلام از جا برنخاست که عاصم عبا[ی عزلت] را کنار گذاشت و لباس مناسب پوشید.

۴ - امام کاظم علیه السلام فرمود: برای خود بهره ای از دنیا قرار دهید، بدین گونه که آن حلالی را که دل می خواهد و آنچه را خلاف جوانمردی نیست و آنچه را اسرافی در آن نیست، بر خود روا دارید [از آن استفاده کنید] و از آن برای امور دین کمک بگیرید... .

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: از ما نیست هرکس دنیایش را به جهت آخرتش و آخرتش را به جهت دنیایش رها کند.

ص:۱۵

۱- ((۱)) یتبیّغ: یتهیّج به. (مجمع البحرین:۲۷۴/۱).

۲- ((۲)) شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید:۳۶/۱۱،عنه البحار: ۱۷۳/۴۲ وج ۱۲۱/۷۰ ح۱۲.

۳- ((۳)) تحف العقول: ۴۱۰ ونحوه فی فقه الرّضا علیه السلام : ۳۳۷،عنه المستدرک: ۲۲۳/۸ ضمن ح۹۳۰۹.

۴- ((۴)) الفقیه: ۱۵۶/۳ ح ۳۵۷۱، عنه الوسائل: ۷۶/۱۷ ح ۲۲۰۲۵.

۶- قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : مَن طلب الدّنیا حلالاً استعفافاً عن المسأله و سعیاً علی أهله وتعطّفاً علی جاره لقی اللّه و وجهه کالقمر لیله البدر.

و مَن طلب الدّنیا مکاثراً بها حلالاً مرائیاً لقی اللّه وهو علیه غضبان (۱).

۷- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : نِعمَ العون علی تقوی اللّه الغنی (۲).

۸- عن ابن أبی یعفور قال:

قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : إنّا لنحبّ الدّنیا، فقال لی: تصنع بها ماذا؟ قال قلت: أتزوّج منها واُنفق علی عیالی وأنیل إخوانی وأتصدّق، قال لی: لیس هذا من الدّنیا، هذا من الآخره (۳).

۹ - عن الحسن بن علیّ الوشّاء عن أبی الحسن الرّضا علیه السلام قال: سمعته یقول: کان علیّ بن الحسین علیهما السلام ۶ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که از راه حلال در پی دنیا برود تا از حاجت خواهی از دیگران بی نیاز شود و برای [رفع نیاز] خانواده اش تلاش کند و به همسایه اش توجّه نماید، خداوند را ملاقات می کند در حالی که صورتش همچون ماه شب چهاردهم است.

و کسی که از راه حلال دنیا را طلب کند تا به آن فخر بفروشد و خودنمایی کند، خداوند را ملاقات می کند در حالی که بر او غضبناک است.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بی نیازی و ثروت چه یاری گر خوبی است بر تقوای الهی.

۸ - ابن أبی یعفور می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ما [نعمت های] دنیا را دوست داریم.

حضرت فرمود: با آن چه می کنی؟

عرض کردم: به وسیله آن ازدواج می کنم و برای خانواده ام خرج می کنم و به برادرانم می رسم و صدقه می دهم.

فرمود: این از [امور] دنیا [شمرده نمی شود بلکه] از [امور مربوط به] آخرت است.

۹ - از حسن بن علی وشّاء نقل شده است که از امام رضا علیه السلام شنیدم فرمود: امام سجاد علیه السلام

۱- (۱)) المصنّف لابن أبی شیبه الکوفی: ۲۵۸/۵ ح ۷.

٢- (٢)) الفقيه: ١٥٦/٣ ح٣٥٧٣ والكافي: ٧١/٥ح١، عنهما الوسائل: ٢٩/١٧ح ٢١٨٩٧.

٣- (٣)) مستدرك الوسائل: ١٦/١٣ ح١٤۶٠١.

یلبس فی الشتاء الخزّ، والمطرف الخزّ، والقلنسوه الخزّ، فیشتو فیه ویبیع المطرف فی الصیف ویتصدّق بثمنه، ثمّ یقول: مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّیِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ (۱)(۲)۱۰ - عن نوح بن شعیب عن بعض أصحابه عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: سألته عن الرجل الموسر یتّخذ الثیاب الکثیره الجیاد والطیالسه والقمّص الکثیره یصون بعضها بعضاً یتجمّل بها، أیکون مسرفاً؟ قال: لا، لأنّ اللّه عزّ و جلّ یقول: لِیُنْفِقْ ذُو سَعَهٍ مِنْ سَعَتِهِ . (۳)(۴)۱۱ - عن مسعده بن صدقه قال:

دخل سفیان الثوریّ علی أبی عبداللّه علیه السلام فرأی علیه ثیاب بیض کأنّها غِرقیٔ (۵) البیض، فقال له:

إنّ هذا اللباس لیس من لباسک.

فقال له:اسمع منّی وعِ ما أقول لک، در زمستان لباس خز می پوشید و عبای خز به دوش و کلاه خز به سر داشت و زمستان را با آن سپری می کرد و در تابستان عبای خز را می فروخت و بهای آن را صدقه می داد و آن گاه [این آیه را قراءت] می فرمود:

«چه کسی زینت خدا که برای بندگانش آفریده و رزق های پاکیزه را حرام کرده است؟».

۱۰ - نوح بن شعیب از قول یکی از یارانش نقل می کند که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره ی مرد ثروتمندی پرسیدم: او لباس های زیاد و خوب و لُباده ها و پیراهن های بسیار تهیه می کند که با بعضی از آن ها بعضی دیگر را حفظ کند و با آن ها خود را بیاراید، آیا او اسرافکار است؟

حضرت فرمود: نه، زیرا خداوند می فرماید: «باید صاحب وسعت از وسعت خود خرج کند».

۱۱ - از مسعده بن صدقه نقل شده است که روزی سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام وارد شد و دید حضرت لباس سفیدی پوشیده که مانند پوست تخم مرغ سفید است.

به حضرت گفت: این لباس [شایسته] شما نیست.

حضرت فرمود: به من گوش کن و آنچه به تو می گویم به خاطر بسپار

۱- (۱)) الأعراف: ۳۲.

۲- (۲)) الکافی: ۴۵۱/۶ ح ۴.

۳- (۳)) الطّلاق: ۷.

۴- (۴)) الکافی: ۴۴۳/۶ ح ۱۲.

۵- (۵)) الغِرقیٔ: القشره الملتزقه ببیاض البَیض. «مجمع البحرین: ۳۰۷/۳»

فإنّه خيرٌ لک عاجلًا وآجلًا إن أنت متّ علی السنّه والحقّ ولم تمت علی بدعه؛ اخبرک أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله کان فی زمان مقفر جدب، فأمّا إذا أقبلت الدّنیا فأحقّ أهلها بها أبرارها لا فجّارها، ومؤمنوها لا منافقوها، ومسلموها لا کفّارها، فما أنکرتَ یا ثوریّ! فواللّه إنّنی لمع ما تری ما أتی علیَّ مذ عقلت صباح ولا مساء وللّه فی مالی حقّ أمرنی أن أضعه موضعاً إلّاوضعته (۱).

که به درد زندگی دنیا و آخرتت می خورد، البته اگر بر سنّت [پیامبر] و [راه] حق بمیری و بر بدعت، از دنیا نروی.

بدان که پیامبر خدا در زمان کمبود و خشکسالی بود؛ اما آن گاه که دنیا روی آوَرَد، سزاوارترین اهل دنیا به [استفاده از امکانات] آن، نیکان آن هستند نه بدکاران آن، و مؤمنان آن هستند نه منافقان آن، و مسلمانان آن هستند نه کافران آن، پس ای ثوری به چه چیزی اعتراض داری؟ سوگند به خدا مرا با این حال که می بینی، از هنگام بلوغ تاکنون صبح و شامی بر من نگذشته است مگر آن که حقّی را که خدا در مال من قرار داده و فرموده است که آن را در جای خود قرار دهم، ادا کرده ام.

۱- (۱)) الکافی ۶۵/۵ ح ۱

«۲»اسلام دین رهبانیت نیست

مفهوم رهبانیت:

این لغت ازریشه ی رهبه (رَهِبَ یرهَبُ) به معنی خوف و ترس است و اسم فاعـلِ آن، راهب به معنی ترسـان و خائف است. اما در اصـطلاح، راهب به عابدان نصارا گفته می شود و رهبانیت به ترک دنیا و انجام دادن کارهایی در مسیر ترک دنیا گفته می شود که راهبان مسیحی انجام می دادند، مانند گوشه نشـینی و رفتن به کوه ها و صومعه ها و ترک نعمت های دنیا. این امر در برخی موارد با انـداختن زنجیر در گردن و پوشـیدن لباس خشن و زبر و بریدن آلت تناسـلی و مانندآن ها نیز همراه بوده است. چنین رهبانیتی در دین اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. (۱)۱ - قال اللّه سبحانه و تعالی:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً وَ إِبْراهِیمَ وَ جَعَلْنا فی ذُرِّیَّتِهِمَا النُّبُوَّهَ وَ الْکِتابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ * ثُمَّ قَفَّیْنا عَلی آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّیْنا بِعِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ آتَیْناهُ الْإِنْجِیلَ وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَهً وَ رَحْمَهً وَ رَهْبانِیَّهً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ إِلَّا ابْتِغاءَ ۱ - خداوند متعال فرمود: و همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو، نبوّت و کتاب نهادیم، پس برخی از آن ها هدایت یافته و بسـیاری از آنان گنهکارند. آن گاه به دنبال آنان پیامبران خود را پی درپی آوردیم، و عیسـی پسر مریم را از پی [آن ها] فرسـتادیم و او را انجیل دادیم و در دل های کسانی که از او پیروی کردنـد، رأفت و رحمت نهادیم و ترک دنیایی که از خود ساختند ما آن را برایشان مقرّر نکردیم [و آن ها] جز به طلب

۱- (۱)) (بر گرفته از مجمع البحرین والمنجد ولغتنامه ی دهخدا).

رِضْوانِ اللّه فَما رَعَوْها حَقَّ رِعايَتِها فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (۱).

۲ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و سلم : إنّما بُعثت بالحنيفيّه السّمحه ولم ابعث بالرّهبانيّه البدعه، ألا وإنّ أقواماً ابتدعوا الرّهبانيّه فكُتبت عليهم، فما رعوها حقّ رعايتها، ألا فكلوا اللحم وائتوا النساء وصوموا وأفطروا وصلّوا وناموا، فإنّي بذلك امرت (۲).

۳ - عن أنس بن مالك قال: إنّ رسول اللّه صلى الله عليه و سلم كان يقول: لا تشدّدوا على أنفسكم فيشدّد عليكم، فإنّ قوماً شدّدوا على أنفسهم فشدّد اللّه عليهم، فتلك بقاياهم في الصوامع والديار رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (۳). (۴)۴ - عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: إنّ اللّه تبارك وتعالى أعطى محمّداً صلى الله عليه و آله شرائع نوح و إبراهيم رضاى خدا [اين كار را پيش نگرفتند] امّا آن را چنان كه در خور رعايت بود رعايت نكردند [و گرفتار بدعت شدند].

پس كسانى از ايشان كه ايمان آورده بودند اجرشان را داديم، و بسيارى از آن ها گنهكارند.

۲ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا به دين توحيدى آسان مبعوث شدم و به رهبانيّت ابداعى مبعوث نشدم.

آگاه باشيد! اقوامى رهبانيّت را ابداع و اختراع كردند، پس برآنان واجب شد؛ امّا آن را چنان كه درخور رعايت بود رعايت نكردند، هان! گوشت بخوريد و با همسران خود بياميزيد و روزه بگيريد و افطار كنيد و نماز بخوانيد و بخوابيد، كه همانا من به اين ها امر شده ام.

۳ - انس بن مالك مى گويد رسول خدا صلى الله عليه و آله مى فرمود: بر خود سخت نگيريد كه بر شما سخت گرفته مى شود؛ زيرا قومى بر خود سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت. اين بازمانده هاى ايشان در صومعه ها و ديرها است.

[آن گاه حضرت اين آيه را قراءت فرمود:] «رهبانيّتى كه آن را ابداع كردند، ما آن را برايشان مقرر نكرديم».

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى، آيين هاى [آسمانى] نوح و ابراهيم

۱- ((۱)) الحديد: ۲۶ و۲۷

۲- ((۲)) المعجم الكبير: ۱۷۰/۸ ضمن ح۷۷۱۵.

۳- ((۳)) الحديد:۲۷.

۴- ((۴)) سنن أبي داود: ۲۷۷/۴ ضمن ح۴۹۰۴.

وموسی وعیسی علیهم السلام : التوحید والإخلاص و خلع الأنداد والفطره الحنیفیّه السمحه، ولا رهبانیه ولا سیاحه، أحلّ فیها الطَّیِّبٰتِ وحرّم فیها الخبائث ووضع عنهم إصرهم والأغلال الّتی کانت علیهم (۱).

۵ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لیس فی امّتی رهبانیه ولا سیاحه ولا زمّ (۲). (۳)۶ - عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال:

لا رهبانیه فی الإسلام، تزوّجوا فإنّی مکاثرٌ بکم الاُمم (۴).

۷ - عن علیّ - فی قوله تعالی:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرِینَ أَعْمالاً * الَّذِینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا (۵).

قال: هم الرهبان الّذین حبسوا أنفسهم فی السواری (۶).

و موسی و عیسی علیه السلام را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم عطا کرد که عبارتند از:توحید، اخلاص، کنار زدن بت ها، و آئین فطری آسان. [در آیین او] رهبانیّت و سیاحت [از مردم کنار کشیدن و جماعات را ترک کردن] نیست.

خداوند در آن، پاکیزه ها را حلال و پلیدی ها را حرام کرد و تکالیف سنگین و قید و زنجیرهایی را که بر آنان بود برداشت.

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در امّت من نه رهبانیّت هست و نه کناره گیری و عزلت و نه لگام انداختن بینی.

۶ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: رهبانیّتی در اسلام نیست. ازدواج کنید که من به شما پیروان، در برابر سایر امّتها افتخار می کنم.

۷ - امام علی علیه السلام درباره ی فرموده ی خدای متعال که «بگو آیا شما را از کسانی که بیش از همه در کارهاشان زیان کردند خبر دهیم؟ آن هایی که تلاششان در زندگی دنیا گم [و نابود] شده». فرمود:

آنان رهبانانی هستند که خود را در صومعه ها محبوس ساخته اند.

۱- ((۱)) الکافی: ۱۷/۲ ح ۱.

۲- ((۲)) زمّ الأنف: هو أن یخرق اللأنف ویعمل فیه زِمام کزمام الناقه لیقاد به«النهایه: ۲ / ۳۱۴».

۳- ((۳)) الخصال: ۱۳۷ ح۱۵۴ ومعانی الأخبار:۱۷۳ ح ۱ و فیه «رمّ» بدل «زمّ».

۴- ((۴)) دعائم الإسلام: ۲ / ۱۹۳ ح ۷۰۱.

۵- ((۵)) الکهف: ۱۰۳ و ۱۰۴.

۶- (۶)) كنز العمّال: ۴۵۸/۲ ح۴۴۹۶.

۸ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

جاءت إمرأه عثمان بن مظعون إلی النبیّ صلی الله علیه و آله فقالت: یا رسول اللّه! إنّ عثمان یصوم النهار ویقوم اللّیل،فخرج رسول اللّه صلی الله علیه و آله مغضباً یحمل نعلیه حتّی جاء إلی عثمان فوجده یصلّی، فانصرف عثمان حین رأی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فقال له:

یا عثمان! لم یرسلنی اللّه تعالی بالرهبانیّه، ولکن بعثنی بالحنیفیّه السهله السمحه، أصوم واُصلّی وألمس أهلی، فمَن أحبّ فطرتی فلیستنّ بسنّتی، ومن سنّتی النکاح (۱).

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: همسر عثمان بن مظعون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد ای رسول خدا! عثمان روز را روزه می گیرد و شب را به عبادت می پردازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که ناراحت بود و کفش خود را به دست داشت بیرون شد تا نزد عثمان آمد و دید نماز می خواند.

عثمان چون پیامبر صلی الله علیه و آله را دید دست کشید.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: عثمان! خداوند متعال مرا برای رهبانیّت نفرستاد، بلکه به آیین توحیدی سهل و آسان برانگیخت؛ روزه می گیرم و نماز می خوانم و با همسرانم آمیزش می کنم. پس هرکه آیین فطری مرا دوست دارد باید به سنّت من عمل کند، و از جمله سنّت من آمیزش با همسر است.

۱- (۱)) الکافی: ۴۹۴/۵ ح ۱.

«۳»رهبانیت مسلمانان، جهاد، نماز، روزه، نشستن در مسجد و...

۱ - عن ابن مسعود قال: کنت ردیف رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم علی حمار، فقال: یا بن امّ عبد! هل تدری من أین أحدَثَت بنو إسرائیل الرهبانیّه؟ فقلت: اللّه ورسوله أعلم. فقال: ظهرت علیهم الجبابره بعد عیسی یعملون بمعاصی اللّه، فغضب أهل الإیمان فقاتلوهم، فهُزم أهل الإیمان ثلاث مرّات، فلم یبق منهم إلّاالقلیل، فقالوا «إن ظهرنا لهؤلاء أفنونا ولم یبق للدّین أحدٌ یدعو إلیه، فتعالوا نتفرّق فی الأرض إلی أن یبعث اللّه النبیّ الّذی وعدَنا به عیسی علیه السلام - یعنون محمّداً صلی الله علیه و آله و سلم - » فتفرّقوا فی غیران الجبال وأحدثوا رهبانیّه، فمنهم مَن تمسّک بدینه ومنهم مَن کفر. ثمّ تلا هذه الآیه:

۱ - ابن مسعود می گوید: پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر درازگوشی سوار بودیم.

حضرت فرمود:ای پسر امّ عبد! آیا می دانی بنی اسرائیل چگونه رهبانیّت را پدید آوردند؟ عرض کردم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: پس از عیسی علیه السلام ستمگران برآنان مسلّط شدند و مرتکب گناهان می شدند. اهل ایمان به خشم آمدند و با آنان به پیکار پرداختند و سه بار شکست خوردند و از آنان جز اندکی باقی نماند. پس گفتند «اگر برای اینان آشکار شویم ما را نابود می کنند و کسی باقی نمی ماند که [مردم را] به سوی دین فرا خواند؛ بیایید در زمین پراکنده شویم تا خدا پیامبری را که عیسی علیه السلام به ما وعده داده است - یعنی محمّد صلی الله علیه و آله - برانگیزد». پس در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیّت را پدید آوردند؛ برخی از آن ها به دین خود تمسّک جستند و برخی کافر شدند.

سپس حضرت این آیه را خواند:

وَرَهْبانِيَّةً ابْتَدَعُوها ما كَتَبْناها عَلَيْهِمْ (۱) إلى آخرها.

ثمّ قال: يا بن امّ عبد! أتدری ما رهبانيه امّتی؟ قلت: اللّه ورسوله أعلم.قال:الهجره والجهاد والصّلاه والصّوم والحجّ والعمره (۲).

۲ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : إنّ لكلّ امّه سياحه وإنّ سياحه امّتی الجهاد فی سبيل اللّه، وإنّ لكلّ امّه رهبانيّه ورهبانيّه امّتی الرباط فی نحور العدوّ (۳).

۳ – قال أبوذرّ لرسول اللّه صلی الله علیه و آله :

يا رسول اللّه! أوصنی، قال: اوصيک بتقوی اللّه، فإنّه رأس أمرک كلّه، فقلت: يا رسول اللّه! زدنی، قال:

عليك بتلاوه القرآن، وذِكر اللّه عزّ وجلّ، فإنّه ذِكرٌ لک فی السماء، ونورٌ لک فی الأرض، قلت:

يا رسول اللّه! زدنی، قال: عليك بالجهاد، فإنّه رهبانيّه امّتی (۴).

۴ – عن أنس بن مالك قال:

توفّی ابنٌ لعثمان بن مظعون، «و رهبانیّتی که آن را ابداع کردند ما آن را برآنان ننوشتیم...».

آنگاه فرمود: ای فرزند امّ عبد آیا می دانی رهبانیّت امّت من چیست؟

عرض کردم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: هجرت و جهاد و نماز و روزه و حجّ و عمره.

۲ – پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر امّتی سیاحتی [کناره گیری و عزلتی] دارد و سیاحت امّت من جهاد در راه خدا است، و هر امّتی رهبانیّتی دارد و رهبانیّت امّت من ایستادگی و مقاومت در گلوگاه های دشمن است.

۳ – ابوذر می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا اندرزم ده.

حضرت فرمود: تو را به تقوای الهی سفارش می کنم که آن، سرآمد همه کارهای تو است.

عرض کردم: ای رسول خدا بیش تر بفرما.

فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و یاد خدای عزّ و جلّ، زیرا آن، یادآور تو در آسمان است و نوری برای تو در زمین است.

عرض کردم: بیش تر بفرما. فرمود: برتو باد به جهاد که آن، رهبانیّت امّت من است.

۴ – انس بن مالک می گوید: یکی از فرزندان عثمان بن مظعون از دنیا رفت.

۱- (۱)) الحدید: ۲۷.

۲- (۲)) مجمع البیان: ۴۵۱/۹.

۳- (۳)) المعجم الکبیر: ۱۶۸/۸ ح۷۷۰۸.

۴- (۴)) أمالی الطوسی: ۵۴۱ ضمن ح۱۱۶۳.

فاشتدّ حُزنه علیه حتّی اتّخذ من داره مسجداً یتعبّد فیه، فبلغ ذلک رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، فقال له: یا عثمان! إنّ اللّه تبارک وتعالی لم یکتب علینا الرّهبانیّه، إنّما رهبانیّه امّتی الجهاد فی سبیل اللّه. یا عثمان بن مظعون! للجنّه ثمانیه أبواب، وللنّار سبعه أبواب، أفما یسرّک أن لا تأتی باباً منها إلّاوجدت ابنک إلی جنبک آخذاً بحجزتک یشفع لک إلی ربّک؟ قال: بلی. فقال المسلمون: ولنا یا رسول اللّه فی فرطنا ما لعثمان؟ قال: نعم، لمن صبر منکم واحتسب (۱).

۵ - عن أبی الحسن علیه السلام فی قول اللّه عزّ و جلّ رَهْبَانِیَّهً ابْتَدَعُوهَا مَا کَتَبْنَهَا عَلَیْهِمْ إِلَّا ابْتِغَآءَ رِضْوَ ٰنِ اللَّهِ (۲)قال:

صلاه اللّیل (۳).

۶ - قال عثمان بن مظعون للنّبیّ صلی الله علیه و آله : إنّی قد هممت یا رسول اللّه بأن أختصی، او بسیار غمگین شد به طوری که [از مردم برید و] بخشی از خانه ی خود را مسجد کرد و در آن به عبادت پرداخت.

خبر او به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید؛ پس به او فرمود: ای عثمان! خداوند تبارک و تعالی رهبانیّت را بر ما ننوشته است، رهبانیّت امّت من جهاد در راه خدا است. ای عثمان بن مظعون! برای بهشت هشت در و برای دوزخ هفت در است؛ آیا خوشحال نمی شوی که نزد هیچ دری از بهشت نمی روی مگر آن که فرزند خود را کنار خود می بینی در حالی که دامن تو را گرفته است و به درگاه پروردگارت تو را شفاعت می کند؟

عرض کرد: آری.

مسلمان هاگفتند:ای رسول خدا! آیا برای ما نیز در فرزندان از دست رفته [بهره ای] همچون عثمان خواهد بود؟ فرمود: آری، برای کسانی از شما که صبر کنند و به حساب خدا بگذارند.

۵ - امام رضا علیه السلام درباره ی فرمایش خدای عزّ و جلّ که «رهبانیّتی را که ابداع کرده بودند، ما برآنان مقرّر نداشتیم[وآن ها] جز برای طلب رضای خدا [این کار را در پیش نگرفتند]» فرمود: نماز شب[طلب خشنودی خدا است].

۶ - عثمان بن مظعون به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من تصمیم گرفته ام خود را عقیم کنم.

۱- (۱)) أمالی الصّدوق: ۶۳ م۱۶ ح۱،عنه البحار: ۱۱۴/۷ ح۱.

۲- (۲)) الحدید:۲۷.

۳- (۳)) عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱ / ۲۲۰ ب۲۸ ح ۲۹.

فقال: مهلًا یا عثمان! فإنّ الاختصاء فی امّتی الصیام والصلاه. قال: فإنّی قد هممت بالسیاحه، فقال: مهلًا یا عثمان! فإنّ السیاحه فی امّتی لزوم المساجد وانتظار الصلاه بعد الصلاه. قال: فإنّی قد هممت أن لا آکل لحماً، فقال: مهلًا یا عثمان! فإنّی آکل اللحم واُحبّه، ولو وجدته کلّ یوم لأکلته، ولو سألت اللّه لأطعمنیه. قال: فإنّی یا نبیّ اللّه - بأبی أنت واُمّی - قد هممت أن لا أتطیّب أبداً، قال:

مهلًا یا عثمان! فإنّی أتطیّب و احبّ الطیب، الطیب من سنّتی وسنّه الأنبیاء قبلی (۱).

۷ - عن علیّ علیه السلام قال:

الجلوس فی المسجد رهبانیّه العرب، والمؤمن مجلسه مسجده وصومعته بیته (۲).

حضرت فرمود: آرام ای عثمان که خواجگی در امّت من، روزه داری و نماز است. [یعنی خواجگی در امت من نیست و به جای آن، روزه و نماز است.]

عرض کرد: تصمیم به عزلت و گوشه نشینی گرفته ام.

فرمود: آرام ای عثمان که گوشه نشینی در امت من، ملازمت مسجدها و انتظار نماز پس از نماز است.

عرض کرد: تصمیم گرفته ام که گوشت نخورم.

فرمود: آرام ای عثمان که من گوشت می خورم و آن را دوست دارم و اگر پیدا کنم هر روز آن را می خورم و اگر از خدا بخواهم، آن را روزی ام می کند.

عرض کرد: ای پیامبر خدا! - پدر و مادرم فدایت - تصمیم گرفته ام که هرگز بوی خوش به کار نبرم.

فرمود: آرام ای عثمان که من بوی خوش استفاده می کنم و آن را دوست دارم. استعمال بوی خوش از سنّت من و سنّت پیامبران پیشین است.

۷ - أمیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نشستن در مسجد رهبانیّت عرب است. مجلس مؤمن مسجد او، و صومعه ی او خانه او است.

۱- (۱)) مشکاه الأنوار: ۴۵۸ ح۱۵۳۴،عنه البحار: ۸۰/ ۳۸۲ ح۵۳ .

۲- (۲)) دعائم الإسلام: ۱۴۸/۱ ونحوه فی الکافی: ۶۶۲/۲ ح۱ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وفیه «الاتّکاء».

بخش دوّم: بایسته ها و نبایسته های عملی، اخلاقی و روحی در مصرف

اشاره

ص:۲۷

در این بخش به بعضی از مواردی اشاره می شود که در منابع دینی ما، هزینه کردن اموال در آن موارد و در آن راه ها، مورد توصیه یا تأکید قرار گرفته است. در ابتدای این بخش، در قسمت اول، آیات و روایاتی ذکر می شود که در آن ها برخی موارد مصرف مورد تأکید قرار گرفته یا بر موارد دیگر مصرف، اولویت و برتری داده شده اند.

(فصل اوّل):موارد مصرف و بایسته های آن(در چه راهی مصرف کنیم)

«۱»موارد مهم و تأکید شده در مصرف

۱ - قال اللّه تعالی: یَسْـَٔلُونَکَ مَاذَا یُنفِقُونَ قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَیْرٍ فَلِلْوَ لِدَیْنِ وَالْأَقْرَبِینَ وَالْیَتَمَیٰ وَالْمَسَکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ وَمَا تَفْعَلُوامِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللّهِ بِهِ عَلِیمٌ (۱).

۱ - خداوند تعالی فرمود: از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو هر مالی که می بخشید [بهتر است] به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تنگدستان و در راه مانده گان انفاق کنید، و هرکار خیری کنید بی شک خدا به آن آگاه است.

۱- (۱)) البقره: ۲۱۵.

۲ – وَاعْلَمُواأَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْ ءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَمَىٰ وَالْمَسَٰكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِاللّهِ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَىٰ كُلِ شَىْ ءٍ قَدِيرٌ (۱).

۳ – عن أبی مِخنَف الأزدی عن أمیرالمؤمنین علیه السلام – لمّا عوتب علی التسویه فی العطاء – قال:

أتأمرونی ویحکم أن أطلب النصر بالظلم والجور فیمن ولّیت علیه من أهل الإسلام...

واللّه لو کانت أموالهم مالی لساویت بینهم فکیف و إنّما هی أموالهم...

مَن کان فیکم له مال فإیّاه والفساد، فإنّ إعطاءه فی غیر حقّه تبذیرٌ وإسراف، وهو یرفع ذِکر صاحبه فی الناس ویضعه عند اللّه ولم یضع امرؤٌ ماله فی غیر حقّه وعند غیر أهله إلّا حرمه اللّه شکرهم، وکان لغیره ودّهم، فإن بقی معه منهم بقیّه ممّن یُظهر الشکر له ویُریه النصح ۲ – و بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید از هر چه باشد، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان و یتیمان و تنگدستان و در راه مانده است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده ی خود در روز جدایی [حق از باطل]، روزی که آن دو گروه [در بدر] با هم رودررو شدند، نازل کردیم ایمان آورده اید [حق واجب را بپردازید] و خدا بر هر چیزی توانا است.

۳ – أبومخنف أزدی از امیرمؤمنان علیه السلام – آن گاه که حضرت [از سوی مخالفان] بر تساوی در اعطای مال به دیگران مورد سرزنش قرار گرفت – نقل می کند که فرمود: وای بر شما! آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در امت اسلامی که بر آن ها ولایت دارم استفاده کنم؟ ...

به خدا سوگند اگر اموال آنان از خودم بود به گونه ای مساوی در میان آنان تقسیم می کردم، چه رسد که اموال خودشان است. ... هر یک از شما که مالی دارد از تباهی و فساد بپرهیزد؛ زیرا بخشیدن مال به کسانی که استحقاق ندارند زیاده روی و اسراف است و این کار، صاحب مال را در میان مردم بلند آوازه می سازد و نزد خداوند پست می کند. کسی مالش را در راه نادرستش مصرف نکرد و به غیر اهلش نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم کرد و دوستی آنان را متوجه دیگری ساخت، و اگر کسی از آنان همراه او باقی ماند و برای او اظهار سپاسگزاری و خیرخواهی کرد،

۱– (۱)) الأنفال: ۴۱.

فإنّما ذلک ملقٌ منه وکـذب، فإن زلّت بصاحبهم النعل ثمّ احتاج إلی معونتهم ومکافأتهم فألأم خلیل وشـرّ خدین. ولم یضع امرؤٌ ماله فی غیر حقّه وعند غیر أهله إلّا لم یکن له من الحظّ فیما اتی إلّا محمده اللئام وثناء الأشـرار ما دام علیه منعماً مفضـلاً، ومقاله الجاهل «ما أجوده» و هو عنـد اللّه بخیل، فأیّ حظّ أبور وأخسر من هـذا الحظّ؟ وأیّ فائـده معروف أقلّ من هذا المعروف؟ فمن کان منکم له مال فلیصل به القرابه و لیحسن منه الضیافه و لیفکّ به العانی و الأسیر و ابن السبیل، فإنّ الفوز بهذه الخصال مکارم الدّنیا وشرف الآخره (۱).

۴ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : خمس تمرات أو خمس قرص أو دنانیر أو دراهم یملکها الإنسان وهو یرید أن یمضیها، فأفضـلها مـا أنفقه الإنسـان علی والـدیه، چاپلوسـی و دروغ است؛ زیرا اگر روزی بلغزد و به کمـک و جبران آنـان محتاج شود، سرزنش کننده ترین رفیق و بدترین دوست خواهند بود.

و کسـی که مال خود را در راه نادرسـتش مصـرف کرد و به غیراهلش پرداخت هیچ بهره ای از آن نبرد جز ستایش انسان های پست و ثنـای آدم های بـد - آن هم تا هنگامی که به آنان بخشـش و احسان کنـد - و جز سـخنان جاهلان که می گوینـد «چه بخشنده است»؛ در حالی که او نزد خداوند بخیل محسوب می شود.

پس کـدام بهره ای نـابود شونـده تر و زیـان آورتر از این بهره است، و کـدام ثمره ی کار نیکی است که کم تر از ثمره ی این کار باشد.

پس هرکس از شما مالی دارد به خویشاوندان خود رسیدگی کند و برای مهمان نوازی نیکو، هزینه نماید و با آن، گرفتار و در بند و در راه مانده را برهاند که ثمره ی این ویژگی ها به دست آوردن بزرگواری دنیا و شرافت آخرت است.

۴ - رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: پنـج عـدد خرما یا پنج قرص نان یا دینار یا درهمی، که انسان به دست می آورد و می خواهـد آن ها را مصـرف [و ماندگار] کند پس برترین آن ها آن یک درهمی است که انسان برای پدر و مادر خود هزینه می کند

ص:۳۱

۱- (۱)) الکافی: ۳۱/۴ ضمن ح۳، عنه الوسائل: ۳۰۱/۱۶ - ۳۰۰ ح۲۱۶۰۱ وقطعهٌ منه فی نهج البلاغه (شـرح محمّد عبده): ۷/۲، عنه البحار: ۳۵۸/۷۵ ذیل ح۷۲.

ثمّ الثانیه علی نفسه و عیاله، ثمّ الثالثه علی قرابته الفقراء، ثمّ الرابعه علی جیرانه الفقراء، ثمّ الخامسه فی سبیل اللّه وهو أخسّها أجراً (۱).

۵ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أفضل الدنانیر الأربعه: دینارٌ أعطیته مسکیناً ودینارٌ أعطیته فی رقبه ودینارٌ أنفقته فی سبیل اللّه و دینارٌ أنفقته علی أهلک، و إنّ أفضلها الدّینار الّذی أنفقته علی أهلک (۲).

۶ - عن عبد الرّحمن بن الحجّاج قال: سألت أباعبداللّه علیه السلام عن قوله ولاتبذّر تبذیراً (۳).

قال: من أنفق شیئاً فی غیر طاعه اللّه فهو مبذّر و من أنفق فی سبیل الخیر فهو مقتصد (۴).

۷ - قال الصادق علیه السلام : لا خیر فیمن لایحبّ جمع المال من حلال، فیکفّ به وجهه ویقضی به دَینه ویصل به رحمه (۵).

و در مرتبه دوم، آن یک درهمی است که برای خود و عیالش صرف می کند، و در مرتبه سوم، آن درهمی که برای خویشاوندان نیازمندش خرج می کند و در مرتبه چهارم، آن یک درهمی که برای همسایگان نیازمندش مصرف می کند و در مرتبه پنجم؛ آن یک درهمی است که در راه خدا هزینه می نماید و این یکی کم ترین پاداش را دارد.

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین دینارها چهار تا است: دیناری که آن را به نیازمند ببخشی، دیناری که آن را برای آزادی برده ای بدهی، دیناری که آن را در راه خدا انفاق کنی، و دیناری که آن را برای خاندانت هزینه کنی، و برترین آن ها دیناری است که برای خاندانت هزینه کنی.

۶ - عبدالرّحمن بن حجّاج می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «ولخرجی و اسراف مکن» پرسیدم.

حضرت فرمود: هرکس چیزی را در راهی جز اطاعت خدا هزینه کند ولخرج است، و هرکس در راه خیر مصرف کند میانه رو است.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: خیری نیست در کسی که به دست آوردن مال از راه حلال را دوست ندارد تا با آن آبروی خود را حفظ کند و دَین خود را بپردازد و به نزدیکان خود رسیدگی کند.

۱- (۱)) الکافی: ۶۶/۵ ضمن ح ۱، عنه البحار: ۲۳۳/۴۷ ح ۲۲.

۲- (۲)) مستدرک الوسائل: ۲۴۱/۷ ح ۸۱۴۳.

۳- (۳)) الإسراء: ۲۶.

۴- (۴)) تفسیر العیّاشی:۲۸۸/۲ ح۵۳،عنه البحار: ۳۰۲/۷۵ ح ۱.

۵- (۵)) الفقیه: ۳ / ۱۶۶ ح ۳۶۱۸ و ثواب الأعمال:۲۱۵ ح ۱ والکافی: ۵ / ۷۲ ح ۵.

۸ – عن أبی جعفر علیه السلام قال:

واللّه لأن أحجّ حجّه أحبّ إلیَّ من أن اعتق رقبه ورقبه ورقبه ومثلها ومثلها حتّی بلغ عشراً ومثلها ومثلها حتّی بلغ السبعین.

ولأن أعول أهل بیت من المسلمین أسدّ جوعتهم وأکسو عورتهم فأکفّ وجوههم عن الناس أحبّ إلیَّ من أن أحجّ حجّه وحجّه وحجّه ومثلها ومثلها حتّی بلغ عشراً ومثلها ومثلها حتّی بلغ السبعین (۱).

۹ – عن أبی بصیر قال: قال أبو عبداللّه علیه السلام : لأن اطعم رجلاً من المسلمین أحبّ إلیَّ من أن اطعم افقاً من الناس، فقلت: وما الأُفق؟

قال: مائه ألف أو یزیدون (۲).

۱۰ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام :

لأکله اطعمها أخاً لی فی اللّه عزّ وجلّ أحبّ إلیّ َمن أن اشبع عشره مساکین، ولأن اعطی أخاً لی فی اللّه عزّ وجلّ عشره دراهم أحبّ إلیّ َمن أن اعطی مائه درهم للمساکین (۳).

۸ – امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند اگر حجّی بگزارم برایم خوشایندتر است از این که بنده ای را آزاد کنم و باز هم بنده ای و بنده ای و مانند آن تا برسد به ده نفر، و برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد.

و اگر خاندان مسلمانی را سرپرستی کنم [و مخارج آن ها را بدهم] و آنان را سیر نمایم و بر آنان لباس بپوشانم تا آبروی آنان را از مردم حفظ کنم، برایم خوش تر است از این که حجّی بگزارم و باز هم حجّی و حجّی و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده حجّ و مثل آن و مثل آن تا برسد به هفتاد حجّ.

۹ – ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یک مرد مسلمان را غذا دهم برای من دوست داشتنی تر است از این که افقی از مردم را غذا دهم.

عرض کردم: افق چیست؟

فرمود: صدهزار نفر یا بیش تر.

۱۰ – امام باقر علیه السلام فرمود:

یک لقمه که به برادر ایمانی خود بخورانم برایم خوش تر است از این که ده نادار را سیر سازم.

و اگر ده درهم به برادر ایمانی خود ببخشم برایم محبوب تر است از این که صد درهم به فقرا دهم.

۱- (۱)) الکافی: ۱۹۵/۲ ح۱۱.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۴۴ ح ۶.

۳- (۳)) مصادقه الإخوان: ۴۴، ح ۳.

۱۱ – قال الصادق علیه السلام : الید العلیا خیرٌ من الید السفلی، وابدأ بمن تعول (۱).

۱۲ – من کلام علیّ علیه السلام بالبصره وقد دخل علی العلاء بن زیاد الحارثی وهو من أصحابه یعوده، فلمّا رأی سعه داره قال: ما کنتَ تصنع بسعه هذه الدار فی الدّنیا؟ أما أنت إلیها فی الآخره کنت أحوج، وبلی إن شئت بلغت بها الآخره تقری فیها الضیف وتصل فیها الرحِم وتُطلع منها الحقوق مطالعها، فإذاً أنت قد بلغت بها الآخره (۲).

۱۱ – امام صادق علیه السلام فرمود: دست بالا [بخشنده] بهتر از دست پایین [گیرنده] است.

و بخشش را از کسانی که عهده دار خرجی آنان هستی آغاز کن.

۱۲ – أمیرمؤمنان علی علیه السلام در بصره هنگامی که [پس از جنگ] برای عیادت علاء بن زیاد حارثی – که از یاران آن حضرت بود – نزد او رفته بود، چون بزرگی خانه ی او را دید فرمود:

با وسعت این خانه در دنیا چه می کنی که در آخرت بیش تر به آن نیازمندی.

آری اگر بخواهی می توانی به وسیله ی آن به آخرت برسی:

در آن از میهمانان پذیرایی کنی و صله ی رحم انجام دهی و حقوقی که از آن برگردن تو است به صاحبانش برسانی؛ به این ترتیب به وسیله ی آن به آخرت رسیده ای.

۱- (۱)) الکافی: ۱۱/۴ ح۴ ونحوه فی المستدرک: ۲۴۰/۷ ح۸۱۳۸ عن تفسیر أبی الفتوح الرّازی مع زیاده وهی «اُمّک وأباک واُختک وأخاک ثمّ أدناک فأدناک».

۲- (۲)) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده): ۱۸۷/۲.

«۲»احسان و انفاق و صدقه

اشاره

یکی از مواردی که بر هزینه کردن مال در آن، تأکید فراوان شده است، انفاق و بخشش و صدقه دادن است. برخی انفاق ها یا به عبارت دیگر خرج کردن ها، در دین اسلام واجب دانسته شده است که بعضی آیات و احادیث آن ها در بخش های سابق گذشت (مانند احادیث مربوط به دادن خرجی خانواده).

دسته ی دیگر از انفاق ها، انفاق و احسان هایی است که در شرع مقدس اسلام واجب نشده است ولی درمورد آن ها تأکیدها و تشویق های فراوانی بیان گردیده و آثار بزرگی برای آن ها ذکر شده است. در این قسمت، آیات و روایاتی درباره ی انفاق و احسان های واجب و مستحب و مسائل مربوط به آن ها، ذکر می شود؛ از جمله: فضیلت و پاداش احسان و صدقه، تشویق به ردّ نکردن سائل، پیامدهایی خودداری از انفاق، از چه مالی انفاق کنیم، و... .

الف) فضیلت انفاق و احسان و صدقات، و آثار دنیوی و اخروی آن ها

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی: مَثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَ لُهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِ سُنبُلَهٍ مِّاْئَهُ حَبَّهٍ وَاللّهُ یُضَعِفُ لِمَن یَشَآءُ وَاللّهُ وَ ٰسِعٌ عَلِیمٌ (۱).

۱ - خداوند متعال فرمود: مثل کسانی که مالشان را در راه خدا می بخشند همچون دانه ای است که هفت خوشه برویانند که در هر خوشه ای صد دانه باشد، و خدا برای هرکس بخواهد [پاداشی] چند برابر می دهد و خدا وسعت بخش دانا است.

۱- (۱)) البقره: ۲۶۱.

۲ – وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَ لُهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱).

۳ – الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَ لُهُم بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲).

۴ – وَسَارِعُواإِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ ٰتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ *الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِى السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكَظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۳).

۵ – إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقَتِ وَ أَقْرَضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۴).

۶ – وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَتٍ عِندَ اللَّهِ وَ صَلَوَ ٰتِ الرَّسُولِ أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ ۲ – و مثل کسانی که مالشان را در طلب رضای خدا و برای تحکیم ایمان خویش انفاق می کنند همچون بوستانی بر تپه ای است که رگباری بر آن ببارد و میوه هایش را دو چندان بار آورد، و اگر رگباری هم به آن نرسد باران سبک [آن را بس است] و خدا به آنچه می کنید بینا است.

۳ – کسانی که مالشان را شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، اجر آن ها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آن ها است و نه محزون شوند.

۴ – و بشتابید به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنه ی آن آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است.

همان ها که در راحت و رنج انفاق می کنند و خشم خود را فرو می خورند و از مردم در می گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۵ – در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، واجری نیکو خواهند داشت.

۶ – و برخی بادیه نشینان هستند که به خدا و روز واپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند مایه ی تقرب به خدا و دعاهای پیامبر می دانند. بدانید که این انفاق مایه ی تقرب آنان است. به زودی خداوند ایشان را

۱- ((۱)) البقره ۲۶۵.

۲- ((۲)) البقره : ۲۷۴.

۳- ((۳)) آل عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴.

۴- ((۴)) الحدید:۱۸.

فِی رَحْمَتِهِ إِنَّ اللّهِ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱).

۷ - الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَوٰهَ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ یُنفِقُونَ (۲).

۸ - وَ مَا لَکُمْ أَلَّا تُنفِقُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ لِلّهِ مِیرَٰثُ السَّمَوَٰتِ وَ الْأَرْضِ لَایَسْتَوِی مِنکُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَتَلَ أُوْلَئِکَ أَعْظَمُ دَرَجَهً مِّنَ الَّذِینَ أَنفَقُواْ مِن بَعْدُ وَ قَتَلُواْ وَ کُلاًّ وَعَدَ اللّهُ الْحُسْنَیٰ وَ اللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ * مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ (۳).

۹ - یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَکُم مِّن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خُلَّهٌ وَلَا شَفَعَهٌ وَ الْکَفِرُونَ هُمُ الظَّلِمُونَ (۴).

۱۰ - لَیْسَ عَلَیْکَ هُدَلهُمْ وَلَکِنَّ اللّهَ یَهْدِی مَن یَشَآءُ وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَیْرٍ فَلِأَنفُسِکُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّهِ در جوار رحمت خویش در خواهد آورد، که خدا آمرزنده ی مهربان است.

۷ - خداوند متعال در توصیف متّقین می فرماید: آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز برپا می دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم، انفاق می کنند.

۸ - و شما را چه شده است که در راه خدا انفاق نمی کنید و حال آن که میراث آسمان ها و زمین از آنِ خدا است؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده انـد [با دیگران] یکسان نیستند. آن ها از حیث درجه، بزرگ تر از کسانی اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداختند. و خداوند همه را وعده ی نیکو داده است؛ و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

کیست آن کسی که به خدا وام نیکو دهد تا آن را برای وی دو چندان کند و او را [در آخرت] پاداشی کریمانه باشد؟

۹ - ای کسانی که ایمان آورده اید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی هست و نه دوستی و شفاعتی، از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید و [بدانید که] کافران، هم ایشان ستمگرانند.

۱۰ - هدایت [حتمی] آنان بر عهده ی تو نیست، بلکه خدا هرکه را بخواهد هدایت می کند. و هر مال که انفاق کنید به سود خود شما است، و جز برای طلب رضای خدا انفاق نکنید.

۱- (۱)) التوبه: ۹۹.

۲- (۲)) البقره: ۳.

۳- (۳)) الحدید: ۱۰ و ۱۱.

۴- (۴)) البقره: ۲۵۴.

وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَاتُظْلَمُونَ (۱).

۱۱ - عن أبی جعفر علیه السلام فی قول اللّه عزّ و جلّ: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ (۲) بأنّ اللّه تعالی یعطی بالواحده، عشره إلی مائه ألف فما زاد فَسَنُيَسِّرُهُ و لِلْيُسْرَىٰ (۳) قال:

لایرید شیئاً من الخیر إلّایسّره اللّه له وأمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ (۴)قال: بخل بما آتاه اللّه عزّ و جلّ وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (۵) بأنّ اللّه یعطی بالواحده عشره إلی مائه ألف فما زاد فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ (۶)قال: لایرید شیئاً من الشرّ إلّا یسّره له وَ مَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ (۷) قال: أما واللّه ما هو تردّی فی بئرٍ ولا من جبلٍ ولا من حائط، ولکن تردّی فی نار جهنّم. (۸)۱۲ - عن أبی بصیر قال: ذکرنا عند أبی جعفر علیه السلام من الأغنیاء من الشیعه، فکأنّه کره ما سمع منّا فیهم، و هر مالی که انفاق کنید [پاداش آن] به تمامی به شماداده خواهد شد و بر شما ستمی نخواهد رفت.

۱۱ - امام باقر علیه السلام درباره ی این سخن خدای عزّ و جلّ که «امّا آن که انفاق کرد و پارسایی نمود، و وعده ای نیکو را باور داشت»، فرمود: (باور) به این که خدای تعالی در برابر یکی، از ده تا صد هزار و بیش تر عطا می کند؛ [و درباره ی آیه ی] «به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت»، فرمود:

چیزی از خیر را اراده نکند جز این که خدا آن را برایش آسان سازد؛ [و درباره ی آیه ی] «و امّا آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید»، فرمود: بخل نسبت به آنچه خدای عزّ و جلّ به او داده است؛ [و درباره ی آیه ی] «و (وعده ی) نیکو را انکار کرد»، فرمود:

(تکذیب) این که خدا در برابر یکی، از ده تا صد هزار و بیش تر عطا می کند؛ [و درباره ی آیه ی] «پس به زودی راهش را به سوی دشواری هموار کنیم»، فرمود: چیزی از بدی را اراده نکند جز این که خداوند آن را برایش آسان سازد؛ [و درباره ی آیه ی] «و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید»، فرمود: به هوش باشید! به خدا سوگند او با افتادن در چاه یا از کوه یا دیوار هلاک نشد، بلکه با افتادن در آتش جهنم هلاک شد.

۱۲ - ابوبصیر می گوید نزد امام باقر علیه السلام سخن از بعضی ثروتمندان شیعه به میان آوردیم. گویا از آنچه درباره ی آنان از ما شنید خوشش نیامد

۱- ((۱)) البقره: ۲۷۲.

۲- ((۲)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۳- ((۳)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۴- ((۴)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۵- ((۵)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۶- (۶)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۷- (۷)) اللّیل: ۱۱ - ۵.

۸- (۸)) الکافی: ۴۶/۴ ح ۵.

قال: یا أبا محمّد! إذا کان المؤمن غنیّاً رحیماً وصولاً له معروف إلی أصحابه أعطاه اللّه أجر ما ینفق فی البرّ أجره مرّتین ضعفین، لأنّ اللّه تعالی یقول فی کتابه: وَ ما أَمْوالُکُمْ وَ لا أَوْلادُکُمْ بِالَّتِی تُقَرِّبُکُمْ عِنْدَنا زُلْفی إِلّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فی الْغُرُفاتِ آمِنُونَ (۱). (۲)۱۳ - عن أبی عبداللّه علیه السلام - فی قول اللّه عزّ و جلّ وَأَطْعِمُواالْبَآئِسَ الْفَقِیرَ (۳) - قال: هو الزمن الّذی لایستطیع أن یخرج لزمانته (۴).

۱۴ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ اللّه تبارک وتعالی یقول: ما من شیءٍ إلّا وقد وکّلت به مَن یقبضه غیری إلّا الصّدقه فإنّی أتلقّفها بیدی تلقّفاً، حتّی أنّ الرّجل لیتصدّق بالتمره أو بشقّ تمره فأُربّیها له کما یربّی الرجل فلوَه وفصیلَه، و فرمود:

اگر مؤمن ثروتمند، مهرورز، صله ی (رحم) کننده و نیکی کننده به دوستانش باشد، خداوند در پاداش آنچه در راه نیکی انفاق کرده است، به او دو چندان عطا می کند؛ زیرا خداوند در کتابش می فرماید «و اموال و فرزندانتان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند که آنان را بدانچه کرده اند دو برابر پاداش است و آنان در غرفه های (بهشتی) آسوده خاطر خواهند بود».

۱۳ - امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای عزّ و جلّ «و به درمانده ی مستمند غذا دهید» فرمود:

او ناتوان و زمین گیری است که به دلیل زمین گیر بودنش نمی تواند [از پی روزی] بیرون رود.

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید هیچ چیز نیست مگر این که برای گرفتن آن، کسی را جز خودم گمارده ام، غیر از صدقه که آن را خود به سرعت می گیرم. به گونه ای که وقتی شخصی خرما یا قطعه ای از خرما را صدقه می دهد، آن را برایش پرورش می دهم همان طور که کسی بچه استر و بچه شتر خود را پرورش می دهد،

۱- ((۱)) سبأ: ۳۷.

۲- ((۲)) علل الشرائع: ۶۰۴ ب۳۸۵ ح۷۳.ونحوه فی تفسیر القمّی: ۲۰۳/۲.

۳- ((۳)) الحجّ: ۲۸.

۴- ((۴)) الکافی: ۴۶/۴ ح ۴.

فیأتی یوم القیامه وهو مثل احد وأعظم من احد (۱).

۱۵ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

مَن أطعم مؤمناً من جوع أطعمه اللّه من ثمار الجنّه، ومَن سقاه من ظمأٍ سقاه اللّه من الرحیق المختوم، ومَن کساه ثوباً لم یزل فی ضمان اللّه مادام علی ذلک المؤمن من ذلک الثوب هدبه [أو] سلک. واللّه لقضاء حاجه مؤمن أفضل من صیام شهر واعتکافه (۲).

۱۶ - قال أمیرالمؤمنین - صلوات اللّه علیه - فی کلامٍ له:

و مَن یبسط یده بالمعروف إذا وجده یخلف اللّه له ما أنفق فی دنیاه ویضاعف له فی آخرته (۳).

۱۷ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله [قال] لعلیّ علیه السلام : یا علیّ! ثلاث من حقائق الإیمان: الإنفاق فی الإقتار، وانصاف الناس من نفسک، وبذل العلم للمتعلّم (۴).

پس روز قیامت (به او) در آید در حالی که همچون کوه اُحُد یا بزرگ تر از آن است.

۱۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت اطعام کند، و هرکس مؤمن تشنه ای را سیراب سازد خداوند او را از شراب خالص مهر زده سیراب کند، و هر که مؤمنی را بپوشاند، تا زمانی که کُرکی یا نخی از آن بر تن او است تحت ضمانت خداوند خواهد بود. به خدا سوگند برآوردن حاجت مؤمن از یک ماه روزه و اعتکاف آن برتر است.

۱۶ - امیرمؤمنان - که صلوات خدا بر او باد - در سخنی فرمود: هر کس هنگام یافتن [فرصت] نیکی، دستش را به آن نیکی بگشاید، خداوند آنچه را او هزینه کرده است در دنیا برایش جایگزین سازد و در آخرت برایش دو چندان کند.

۱۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی سه چیز از حقیقت های ایمان است:

انفاق کردن در حال تنگدستی۵، حق مردم را رعایت کردن (و با مردم منصفانه رفتار کردن)، و آموختن دانش به دانشجو.

-

۵) ظاهراً مقصود این است که انسان در حال تنگدستی نیز انفاق واحسان را فراموش نکند وبه اندازه ی توان خود به آن اقدام نماید.

۱- (۱)) الکافی: ۴۷/۴ ح۶.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۴۲ ح ۱.

۳- (۳)) الکافی: ۴۳/۴ ح ۴.

۴- (۴)) الخصال: ۱۲۵ ضمن ح ۱۲۱.

۱۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ثلاث مَن أتی اللّه بواحده منهنّ أوجب اللّه له الجنّه: الإنفاق من إقتار، والبشر لجمیع العالَم، والإنصاف من نفسه (۱).

۱۹ – قال علی علیه السلام إذا أملقتم فتاجروا اللّه بالصّدقه (۲).

۲۰ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن لقّم مؤمناً لقمه حلاوه صرف اللّه بها عنه مراره یوم القیامه (۳).

۲۱ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لم نُبعث لجمع المال ولکن بُعثنا لإنفاقه (۴).

۲۲ – عن أحدهما علیهما السلام قال:

ینزل اللّه المعونه من السماء إلی العبد بقدر المؤونه، فمن أیقن بالخلَف سخت نفسه بالنفقه (۵).

۲۳ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

الأیدی ثلاثه: سائله ومنفقه وممسکه، وخیر الأیدی المنفقه (۶).

۱۸ – امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز است که هرکه با یکی از آن ها به ملاقات خدا در آید خداوند بهشت را برایش واجب می کند:

انفاق کردن در حال تنگدستی، خوش رویی با همه ی مردم و با انصاف بودن [نسبت به دیگران].

۱۹ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: هرگاه تهی دست شدید به وسیله ی صدقه دادن با خدا تجارت کنید.

۲۰ – امام صادق علیه السلام فرمود: هر که یک لقمه ی شیرین در دهان مؤمنی گذارد، خداوند تلخی های روز قیامت را از او برطرف خواهد کرد.

۲۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما برای گردآوری اموال برانگیخته نشدیم، بلکه برای انفاق آن برانگیخته شدیم.

۲۲ – امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند به اندازه ی خرج بنده، از آسمان به او کمک می رساند، پس هرکه به جایگزینی (در انفاق) یقین داشته باشد، نفس او در خرج کردن بخشنده می شود.

۲۳ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دست ها سه گونه اند:

درخواست کننده، انفاق کننده، امساک کننده [بخیل].

و بهترین دست ها انفاق کننده است.

۱- (۱)) الکافی: ۱۰۳/۲ ح ۲.

۲- (۲)) نهج البلاغه - صبحی الصالح - :(ص۵۱۳، الحکمه: ۲۵۸.

۳- (۳)) ثواب الأعمال: ۱۸۱ ح ۱.

۴- (۴)) مشکاه الأنوار: ۳۲۱ ح۱۰۱۸.

۵- (۵)) الکافی: ۴۴/۴ ح ۸ .

۶- (۶)) الکافی: ۴۳/۴ ح ۶.

۲۴ – قال علیّ علیه السلام : أنفق فی حقٍّ ولاتکن خازناً لغیرک (۱).

۲۵ – عن عبداللّه بن عمر قال:

سمعت رسول اللّه صلی الله علیه و آله یقول:

تکون امّتی فی الدّنیا ثلاثه أطباق: أمّا الطّبق الأوّل فلا یحبّون جمع المال وادّخاره، ولا یسعون فی اقتنائه واحتکاره، وإنّما رضاهم من الدّنیا سدّ جوعه وستر عوره، وغناهم منها ما بلغ بهم الآخره، فاُولئک هم الآمنون الّذین لاخوفٌ علیهم ولا هم یحزنون.

وأمّا الطّبق الثّانی فإنّهم یحبّون جمع المال من أطیب وجوهه، وأحسن سُبله، یصلون به أرحامهم، ویبرّون به إخوانهم، ویواسون به فقراءهم، ولعضّ أحدهم علی الرّصف أیسر علیه من أن یکتسب درهماً من غیر حلّه أو یمنعه من حقّه أو یکون له خازناً إلی یوم موته، فاُولئک الّذین إن نوقشوا عذّبوا، و إن عفی عنهم سلموا.

وأمّا الطّبق الثّالث فإنّهم یحبّون جمع المال ممّا حلّ وحرم، ۲۴ – امام علی علیه السلام فرمود: در راه حق انفاق کن و خزانه دار غیر خود مباش.

۲۵ – از عبداللّه بن عمر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: امت من در دنیا سه گروه اند:

گروه اول جمع آوری و ذخیره مال را دوست ندارند و در نگهداری و احتکار آن تلاش نمی کنند، و از دنیا به رفع گرسنگی و پوشاندن خود و مقداری که آنان را به آخرت برساند رضایت می دهند.

پس آنان [از خطرها] در امان هستند و هیچ ترس و اندوهی بر آنان راه ندارد.

گروه دوم جمع مال را به پاک ترین صورت ها و از نیکوترین راه ها دوست دارند؛

به وسیله آن با خویشاوندان خود ارتباط برقرار می کنند و به برادران خود نیکی می کنند و با فقرا در آن شریک می شوند، و گاز گرفتن سنگ های بر هم چیده برای آنان آسان تر است از کسب یک درهم حرام یا خودداری از پرداخت حق آن یا ذخیره کردن آن تا روز مرگ.

آنان کسانی هستند که اگر به دقت حساب رسی شوند عذاب می شوند واگر از آن ها درگذرند به سلامت رد می شوند.

گروه سوم جمع مال را از راه حلال و حرام دوست دارند

ص:۴۲

۱– (۱)) عیون الحکم والمواعظ:۷۹ح۱۹۱۶.

ومنعه ممّا افترض ووجب، إن أنفقوه أنفقوه إسرافاً وبداراً، وإن أمسكوه أمسكوه بخلاً واحتكاراً، اولئك الّذين ملكت الدّنیا زمام قلوبهم حتّی أوردتهم النار بذنوبهم (۱).

۲۶ - عن أبی جعفر الباقر علیه السـلام قال: قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : مَن أطعم ثلاثه نفر من المسـلمین أطعمه اللّه من ثلاث جنان [فی] ملکوت السماء [و] الفردوس و جنّه عدن غرسها ربّنا بیده (۲).

۲۷ - قال علیّ علیه السلام : إنّ المسکین رسول اللّه، فمن منعه فقد منع اللّه، ومَن أعطاه فقد أعطی اللّه (۳).

۲۸ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن وصل أحداً من أهل بیتی فی دار هذه الدّنیا بقیراط کافیته یوم القیامه بقنطار (۴).

و از پرداخت واجبات آن خوداری می کنند.

اگر از آن انفاق کنند از روی زیاده روی و ولخرجی است و اگر آن را نگهدارند از روی بخل و احتکار است.

آنان کسانی هستند که دنیا زمام قلب آنان را در دست گرفته است تا آنان را به وسیله ی گناهانشان به آتش درآوَرَد.

۲۶ - از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هرکس سه نفر از مسلمانان را غذا دهد خداوند او را از سه بهشت اطعام می کند:

در ملکوت آسمان.

و بهشت برین (فردوس).

و بهشت خُلدی که پروردگار ما با دست قدرتش آن را کاشته است.

۲۷ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بی نوا فرستاده خدا است.

پس کسی که او را رد کند خدا را رد کرده است.

و هر کس به او عطا کند به خدا عطا کرده است.

۲۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه در این دنیا به یکی از خانـدانم به انـدازه ی یک قیراط (چهار دانه ی جو) نیکی کنـد، آن را در روز قیامت به انـدازه ی یک قنطار (صد من) جبران می کنم.

۱- (۱)) عُدّه الداعی: ۱۰۲،عنه المستدرک۱۸/۱۳ ح۱۴۶۱۲.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۴۴ ح۵.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۲۹ الحکمه۳۰۴،عنه الوسائل: ۴۲۰/۹ ح۱۲۳۸۱.

۴- (۴)) الأمالی الصدوق: ۳۲۶ م ۶۲ ح۱۴ و روضه الواعظین: ۲۷۳ وأمالی الطوسی: ۴۳۹ ح۹۸۴،عنه الوسائل: ۳۳۵/۱۶ ح ۲۱۶۹۶.

۲۹ – عن مسمع بن عبدالملک قال: کنّا عند أبی عبداللّه علیه السلام بمنی وبین أیدینا عنب نأکله. فجاء سائل فسأله فأمر بعنقود فأعطاه، فقال السائل: لا حاجه لی فی هذا إن کان درهم. قال: یسع اللّه علیک. فذهب ثمّ رجع فقال:

ردّوا العنقود. فقال: یسع اللّه لک، و لم یعطه شیئاً. ثمّ جاء سائل آخر فأخذ أبوعبداللّه علیه السلام ثلاث حبّات عنب فناولها إیّاه فأخذ السائل من یده ثمّ قال: الحمدللّه ربّ العالمین الّذی رزقنی. فقال أبوعبداللّه علیه السلام : مکانک. فحشا ملء کفّیه عنباً فناولها إیّاه.

فأخذها السائل من یده ثمّ قال:

الحمدللّه ربّ العالمین. فقال أبوعبداللّه علیه السلام : مکانک؛ یا غلام، أیّ شیء معک من الدّراهم؟ فإذا معه نحو من عشرین درهماً فیما حزرناه (۱) أو نحوها، فناولها إیّاه فأخذها.

ثمّ قال: الحمدللّه هذا منک وحدک لا شریک لک.

۲۹ – مسمع بن عبدالملک می گوید: ما در مِنا خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و انگور می خوردیم که نیازمندی آمد و از حضرت چیزی خواست.

حضرت دستور داد خوشه ی انگوری به او بدهند. نیازمند گفت: اگر ممکن است، پول بدهید؛ مرا به این نیازی نیست. حضرت فرمود: خدا گشایشت بخشد. فقیر رفت و دوباره بازگشت و گفت: خوشه ی انگور را بدهید. حضرت فرمود:

خدا گشایشت دهد. و چیزی به او نداد.

آن گاه سائل دیگری آمد. امام صادق علیه السلام سه دانه انگور گرفت و به او داد. شخص نیازمند آن ها را از دست حضرت گرفت و گفت: ستایش از آن خدا است که پروردگار اهل جهان است، همان که روزی ام داد. امام صادق علیه السلام فرمود: به جای خود باش. آن گاه دو دست مبارکش را پر از انگور کرد و به آن سائل داد. فقیر آن ها را از دست حضرت گرفت و گفت: ستایش از آن خدا است که پروردگار اهل جهان است. امام صادق علیه السلام فرمود: به جای خود باش.

سپس به غلام خود فرمود: ای غلام، چه مقدار پول همراه خود داری؟ به گمان ما بیست درهم یا همین حدود همراه او بود.

آن ها را به سائل داد و او گرفت و گفت:

ستایش از آن خدا است، [خدایا] این از جانب تو است و تو یگانه ای که هیچ شریکی نداری.

ص:۴۴

۱– (۱)) الحزر: هو تقدیر بظنّ. (مجمع البحرین: ۶۳۶/۱).

فقال أبوعبداللّه علیه السلام : مکانک.

فخلع قمیصاً کان علیه فقال:

البس هذا.

فلبسه ثمّ قال: الحمـدللّه الّذی کسانی و سترنی یا أبا عبداللّه، أو قال: جزاک اللّه خیراً. لم یدعُ لأبی عبداللّه علیه السـلام إلّابذا ثمّ انصرف فذهب.

قال: فظنّنا أنّه لو لم یدعُ له لم یزل یعطیه لأنّه کلّما کان یعطیه حمد اللّه أعطاه (1).

۳۰ - قال الرّضا لابنه الجواد علیهما السلام : یا أباجعفر! بلغنی أنّ الموالی إذا رکبت أخرجوک من الباب الصغیر، فإنّما ذلک من بخلٍ منهم لئلّا ینال منک أحدٌ خیراً، وأسألک بحقّی علیک لا یکن مـدخلک ومخرجک إلّامن الباب الکبیر، فإذا رکبت فلیکن معک ذهب وفضّه، ثمّ لا یسألک أحدٌ شیئاً إلّاأعطیته، ومَن سألک من عمومتک أن تبرّه فلا تعطه أقلّ من خمسین دیناراً والکثیر إلیـک، ومَن سألک من عمّاتک فلاتعطها أقلّ من خمسه وعشـرین دیناراً والکثیر إلیک، إنّی إنّما اریـد بـذلک امام صادق علیه السلام فرمود: به جای خود باش.

و آن گاه جامه ای را که پوشـیده بود در آورد و فرمود: این را بپوش. شـخص آن را پوشـید و گفت: ستایش از آن خدا است، آن که به من جامه عنایت کرد و مرا پوشانیـد ای امام صادق! یا گفت: خـدا به تو پاداش خیر عنایت کنـد. برای امام صادق جز به همین، دعایی نکرد و آن گاه بازگشت و رفت.

ما پنداشتیم که اگر برای حضـرت دعا نمی کرد پیوسته عطایش می فرمود؛ چون حضـرت هر چه عطایش می کرد و او خدا را می ستود حضرت باز عطایش می فرمود.

۳۰ - امـام رضـا علیه السـلام به فرزنـد خود امـام جواد علیه السـلام فرمود: ای ابـاجعفر! به من خـبر رسـیده است که چون سوار مرکب می شوی، غلامان، تو را از در کوچک بیرون می برند.

این به سـبب بخل آنان است تا خیری از تو به کسی نرسد. تو را به حقّی که بر تو دارم سوگند می دهم که ورود و خروجت از در بزرگ باشـد و چون سوار شدی طلا و نقره ای همراه خود داشـته باش و هر کس چیزی از تو درخواست کرد عطایش کن، و هریـک از عموهـایت از تو خواست که به او احسـان کنی، کم تر از پنجاه دینار به او نبخش، ولی افزون بر آن را مختاری، و هرکه از عمّه هایت از تو درخواست کرد کم تر از بیست و پنج دینار به او نده و بیش از آن را مختاری.

۱- (۱)) الکافی: ۴۹/۴ ح ۱۲.

أن یرفعک اللّه، فأنفق ولا تخش من ذی العرش إقتاراً (۱).

۳۱ - عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ذکر أصحابنا [الإخوان] فقلت: ما أتغدّی ولا أتعشّی إلّا ومعی اثنان أو ثلاثه أو أقلّ أو أکثر، فقال أبوعبداللّه علیه السلام :

فضلهم علیک أعظم من فضلک علیهم، فقلت: جعلت فداک کیف وأنا اطعمهم طعامی واُنفق علیهم مالی ویخدمهم خدمی وأهلی؟!

قال: إنّهم إذا دخلوا علیک دخلوا علیک برزقٍ کثیر، وإذا خرجوا خرجوا بالمغفره لک (۲).

۳۲ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

کان أمیرالمؤمنین - صلوات اللّه علیه - یضرب بالمَرّ ویستخرج الأرضینَ. وکان رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم یمصّ النوی بفیه ویغرسه فیطلع من ساعته. وإنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام أعتق ألف مملوک من ماله وکدّ یده (۳).

من با این کار فقط می خواهم خدا مقام تو را بالا ببرد.

پس انفاق کن و بیم تنگدستی از جانب خدای سبحان نداشته باش.

۳۱ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام از اصحاب ما یاد فرمود.

عرض کردم صبحانه و شام نمی خورم مگر این که دو یا سه نفر یا کم تر یا بیش تر از آنان با من است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

برتری آنان بر تو بیش از فضیلت تو بر آنان است.

عرض کردم: فدایت گردم! چگونه. حال آن که من غذایم را به آنان می خورانم و مالم را به آنان انفاق می کنم و خدمتکاران و خانواده ام به آنان خدمت می کنند!

فرمود: زیرا آنان چون بر تو وارد شوند روزی فراوان بر تو وارد می کنند و چون می روند با آمرزش تو خارج می شوند.

۳۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان - که صلوات خدا بر او باد - چنین بود که با بیل کار می کرد و زمین ها را می کند [وخاک ها را زیر و رو می کرد] و رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هسته را می مکید و آن را می کاشت و در همان ساعت جوانه می زد.

و امیرمؤمنان علیه السلام هزار برده را از مال و دسترنج خود آزاد کرد.

۱- (۱)) الکافی: ۴۳/۴ ح۵.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۴۴ ح۷.

۳- (۳)) الکافی: ۷۴/۵ ح۲،عنه الوسائل:۳۷/۱۷ ح۲۱۹۱۹.

۳۳ – عن الفضل بن أبی قرّه عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: قلت له:

إنّ هؤلاء یقولون: إنّ کسب المعلّم سحت، فقال: کذب أعداء اللّه، إنّما أرادوا أن لایعلّموا أولادهم القرآن، لو أنّ رجلاً أعطی المعلّم دیه ولده کان للمعلّم مباحاً (۱).

۲۳ – فضل بن ابی قرّه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این ها می گویند اجرت گرفتن بر آموزگار حرام است.

فرمود: این دشمنان خدا دروغ گفته اند؛ همانا آنان [با این فتوی] می خواهند فرزندانشان قرآن نیاموزند.

اگر کسی به اندازه ی دیه ی فرزندش به آموزگار دهد، برای آن معلم حلال است.

ص:۴۷

۱– (۱)) الفقیه: ۱۶۳/۳ ح ۳۶۰۰ الکافی: ۱۲۱/۵ح ۲، عنهما الوسائل: ۱۵۴/۱۷ ح۲۲۲۲۷.

ب) انفاق واجب

۱ – قال اللّه تعالی: وَ أَقِيمُواالصَّلَوٰةَ وَ ءَاتُواالزَّكَوٰةَ وَ ارْكَعُوامَعَ الرَّ ٰكِعِينَ (۱).

۲ – وَ أَقِيمُواْ الصَّلَوٰةَ وَ ءَاتُواالزَّكَوٰةَ وَ مَا تُقَدِّمُوالِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللّهِ إِنَّ اللّهَ بِمَاتَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲).

۳ – خُذْ مِنْ أَمْوَ ٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِم بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَکَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَ اللّهِ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳).

۴ – وَاعْلَمُواأَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْ ءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَمَىٰ وَالْمَسَـٰكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِاللّهِ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَىٰ كُلِ شَىْ ءٍ قَدِيرٌ (۴).

۱ – خداوند تعالی فرمود: «و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.»

۲ – «و نماز را بر پا داریـد و زکات را بپردازیـد و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستیـد آن را نزد خدا خواهید یافت، خداوند به اعمال شما بینا است.»

۳ – از اموال آن ها صدقه بگیر تا به آن پاکشان کنی و رشدشان دهی، و دعایشان کن که دعای تو آرامشی برای آن ها است، و خدا شنوای داناست.

۴ – «و بدانیـد هرگونه غنیمتی به دست آوریـد، از هرچه باشد، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آنِ خویشاوندان [پیامبر] و یتیمان و تنگدسـتان و در راه مانـدگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده ی خود در روزجدایی [حق از باطل]، روزی که آن دو گروه [در بدر] با هم رو در رو شدند، نازل کردیم ایمان آورده اید [حق واجب را بپردازید] و خدا بر هر چیزی توانا است.

ص:۴۸

۱- (۱)) البقره: ۴۳.

۲- (۲)) البقره: ۱۱۰.

۳- (۳)) التّوبه: ۱۰۳.

۴- (۴)) الأنفال: ۴۱.

۵ – قال علیّ علیه السلام : شرّ الأموال مالٌ لایُنفق منه و لاتؤدّی زکاته (۱).

۶ – عن الصادق علیه السلام قال:

ما من عبدٍ یمنع درهماً فی حقّه إلّا أنفق اثنین فی غیرحقّه، و ما رجلٌ یمنع حقّاً من ماله إلّاطوّقه اللّه عزّ و جلّ به حیّهً من نار یوم القیامه (۲).

۷ – عن الباقر و الصادق علیهما السلام :

ما من أحد یمنع من زکاه ماله شیئاً إلّاجعل اللّه ذلک یوم القیامه ثعباناً من نار مطوّقاً فی عنقه ینهش من لحمه حتّی یفرغ من الحساب، و هو قول اللّه تعالی سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ یَوْمَ الْقِیَمَهِ (۳) یعنی ما بخلوا به من الزّکاه (۴).

۵ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بدترین مال ها مالی است که از آن انفاق نشود و زکاتش پرداخت نگردد.

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای درهمی را از راه حقّش باز نمی دارد جز این که دو برابر آن را در راه غیر حق هزینه می کند، و هیچ مردی حقّی از مال خود را باز نمی دارد جز این که خدای عزّ و جلّ آن را در روز قیامت به شکل ماری از آتش به گردن او می آویزد.

۷ – از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است:

هرکس چیزی از زکات خود را دریغ کند، آن مال در روز قیامت اژدهایی می شود و به گردن او می پیچد و پیوسته از گوشت او می خورد تا از حساب فارغ شود، و این است فرموده ی خداوند که «بزودی آنچه که بآن بخل ورزیده اند، در روز رستاخیز طوق گردنشان می شود». یعنی آنانی که از دادن زکات بخل می ورزند.

۱– (۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۹۳ح۵۲۲۹.

۲– (۲)) الکافی: ۵۰۴/۳ ح۷.

۳– (۳)) آل عمران: ۱۸۰.

۴– (۴)) الصافی:۱۵۷/۲عن الکافی: ۵۰۲/۳ح۱، وص۵۰۴ ح ۱۰.

ج) پیامدهای امساک و خودداری از انفاق

١ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: إنّ اللّه تبارک و تعالی یبعث یوم القیامه ناساً من قبورهم، مشدوده أیدیهم إلی أعناقهم، لایستطیعون أن یتناولوا بها قِیس أنمُله، (١) معهم ملائکه یعیّرونهم تعییراً شدیداً، یقولون:

هؤلاء الّذین منعوا خیراً قلیلاً من خیرٍ کثیر، هؤلاء الّذین أعطاهم اللّه فمنعوا حقّ اللّه فی أموالهم (٢).

٢ – عن الباقر علیه السلام قال: إنّ الشّمس لتطلع ومعهاأربعه أملاک. ملَک ینادی:

یا صاحب الخیر! أتمّ وأبشر، وملَک ینادی: یا صاحب الشرّ! انزع وأقصر، وملَک ینادی: أعط منفقاً خلَفاً وآت ممسکاً تلفاً، وملَک ینضحها بالماء ولولا ذلک اشتعلت الأرض (٣).

١ – امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی روز قیامت مردمانی را از گورهایشان بر می انگیزد که دست هایشان به گردن هایشان بسته شده است و به اندازه ی سرانگشتی نمی توانند [چیزی] بگیرند. فرشتگانی همراه آنان هستند که آنان را سخت سرزنش می کنند [و] می گویند:

این ها کسانی اند که با جلوگیری از خیر اندک مانع خیر بسیار شدند، اینان کسانی اند که خدا عطایشان فرمود و آنان از دادن حقّ خداوند در اموالشان سرباز زدند.

٢ – امام باقر علیه السلام فرمود: چون خورشید برآید چهار فرشته همراه او است :

فرشته ای ندا می کند «ای صاحب خیر! [خیر خود را] کامل کن و بشارت گیر»؛ و فرشته ای ندا می کند «ای صاحب شرّ! [از شرّ خود] دست کش و کوتاه کن»؛ و فرشته ای ندا می کند «عطا کن به انفاق کننده، جایگزین را و به بخیل، تلف [مال] را» و فرشته ای بر روی آن آب [رحمت و مهر] می پاشد و اگر این نبود زمین [دل ها از کینه و بغض به هم] آتش می گرفت.

١- (١)) قِیس شِبر: أی قدر شِبر، القِیس والقِید سواء (النهایه: ١٣١/۴).

٢- (٢)) الکافی: ۵٠۶/٣ ح ٢٢.

٣- (٣)) الکافی: ۴٢/۴ ح ١.

۳ – عن الصادق علیه السلام قال: أنفق بالخلَف، واعلم أنّه مَن لم ینفق فی طاعه اللّه ابتلی بأن ینفق فی معصیه اللّه (۱).

۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن منع حقّاً للّه عزّ و جلّ أنفق فی باطلٍ مثلیه (۲).

۵ – قال علیّ علیه السلام : زوال النِعم بمنع حقوق اللّه منها وإهمال شکرها (۳).

۶ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا تقطعوا علی السائل مسألته، فلولا أنّ المساکین یکذبون ما أفلح مَن ردّهم (۴).

۳ – امام صادق علیه السلام فرمود: باقی مانده را انفاق کن، و بدان هر که در راه فرمان بری از خدا هزینه نکند، گرفتار هزینه کردن در راه نافرمانی خدا می شود.

۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس از [ادای] حقّ خداوند خودداری کند، دو برابر آن را در راه باطل هزینه نماید.

۵ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نابودی نعمت ها به سبب نپرداختن حقوق خدا از آن ها و ناسپاسی در برابر آن ها است.

۶ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درخواست سائل را رد نکنید که اگر نبود این که [برخی] فقرا دروغ می گویند، رد کننده ی آنان رستگار نمی شد.

۱- ((۱)) مشکاه الأنوار: ۳۲۱ ح ۱۰۱۹.

۲- ((۲)) الکافی: ۵۰۶/۳ ح ۲۱.

۳- ((۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۷۶ح۵۰۲۷ .

۴- ((۴)) الکافی: ۱۵/۴ ح ۱ والفقیه: ۶۹/۲ح۱۷۴۸ والتهذیب: ۱۱۰/۴ح ۳۲۰، عنها الوسائل: ۴۱۸/۹ح۱۲۳۷۳.

د) سائل را رد نکنیم

۱ – عن أبی جعفر علیه السلام قال:

کان فیما ناجی اللّه عزّ و جلّ به موسی علیه السلام قال: یا موسی! أکرم السائل ببذلٍ یسیر أو بردٍّ جمیل، لأنّه یأتیک مَن لیس بإنس ولا جانّ، ملائکه من ملائکه الرحمن یبلونک فیما خوّلتک ویسألونک عمّا نوّلتک، فانظر کیف أنت صانع یا ابن عمران (۱).

۲ – عن الباقر علیه السلام قال: ما سئل [النبیّ صلی الله علیه و آله] شیئاً قطّ فیقول «لا»، إن کان أعطی، وإن لم یکن قال «یکون». وما أعطی علی اللّه شیئاً قطّ إلّاسلّم ذلک إلیه، حتّی أن کان لیعطی الرجل الجنّه فیسلّم اللّه ذلک له (۲).

۳ – عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال:

ما سئل [النبیّ صلی الله علیه و آله] شیئاً قطّ ۱ – امام باقر علیه السلام فرمود:

از جمله اسراری که خداوند با موسی در میان گذاشت این بود که فرمود:

ای موسی! سائل را یا با بخشش اندک گرامی بدار یا با برگرداندن زیبا و مهربانانه؛

زیرا [چه بسا] کسانی نزد تو آینـد که نه انسان انـد و نه جنّ، بلکه فرشـته هایی از فرشـتگان خـدای رحمان هسـتند که تو را در آنچه به تو واگـذارده ام می آزماینـد و از آنچه به تو بخشیده ام درخواست می کنند، پس دقت کن چگونه رفتار می کنی ای فرزند عمران!

۲ – امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگز از پیامبر چیزی خواسته نشد که بفرماید نه.

اگر بود عطا می کرد و اگر نبود می فرمود «می رسد». و هرگز بر خدا عطای چیزی را ضـمانت نکرد مگر این که خدا آن را به او داد.

حتی اگر بهشت را به شخصی عطا می کرد خدا آن را به او می داد.

۳ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

هرگز از [پیامبر صلی الله علیه و آله] تقاضایی نشد

١- (١)) الكافي: ١٥/٤ ح٣ والفقيه: ٦٨/٢ح١٧٤٦، عنهما الوسائل: ٤١٩/٩ ح١٢٣٧٧.

٢- (٢)) الكافي: ١٣٠/٨ ضمن ح١٠٠ وأمالي الطوسي: ٦٩٢ ضمن ح١٤٧٠، عنهما البحار: ٢٧٧/١٦ ضمن ح١١٦.

فقال «لا» وما ردّ سائلاً حاجه إلّا بها أو بميسورٍ من القول (١).

۴ – قال عليّ عليه السلام : يا كميل! لاتردّ سائلاً ولو من شطر حبّه عنب أو شقّ تمره، فإنّ الصّدقه تنمو عند اللّه (٢).

۵ – قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تردّوا السائل ولو بظلفٍ محترق (٣).

۶ – عن النبيّ صلى الله عليه و آله : إذا طرقكم سائل ذَكرٌ بليل فلا تردّوه (۴).

٧ – قال أبوجعفرالباقر عليه السلام : أعط السائل ولو كان على ظهر فرس (۵).

٨ – قال بعضهم: كنّا جلوساً على باب دار أبى عبداللّه عليه السلام بكره، فدنا سائل إلى باب الدار فسأل فردّوه فلامهم لائمهً شديده وقال: أوّل سائل قام على باب الدّار فسأل فرددتموه؟ أطعموا ثلاثه، ثمّ أنتم بالخيار عليه، إن شئتم أن تزدادوا فازدادوا، وإلّا فقد أدّيتم حقّ يومكم.

كه بفرمايد «نه».

و هيچ سائلى را ردّ نكرد مگر اين كه يا حاجت او را برآورده ساخت يا با كلام نرم و آميخته با لطف او را بازگرداند.

۴ – اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: اى كميل! سائل را رد نكن اگر چه به قسمتى از دانه ى انگور يا نصف خرما باشد كه همانا صدقه نزد خداوند رشد مى يابد.

۵ – پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: سائل را رد نكنيد اگر چه به يک سُم سوخته باشد.

۶– پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: اگر مرد سائلى شبانه درب خانه شما را زد، او را رد نكنيد.

٧ – امام باقر عليه السلام فرمود: به سائل عطا كنيد حتى اگر سوار اسب باشد.

٨ – راوى مى گويد: صبحگاهى مقابل درب خانه ى امام صادق عليه السلام نشسته بوديم.

سائلى نزديک درب خانه آمد و كمک خواست. او را رد كردند.

حضرت آنان را شديداً سرزنش كرد و فرمود:

نخستين سائلى را كه به درب خانه آمد و درخواست كرد، رد كرديد؟!

بايد سه سائل را غذا دهيد و آن گاه اختيار با شماست؛

اگر خواستيد، به تعداد بيش ترى بدهيد، و اگر هم نداديد، تكليف آن روزتان را انجام داده ايد.

۱- (۱)) مكارم الأخلاق: ۶۱/۱ ح ۵۵.

۲- (۲)) تحف العقول: ۱۷۲.

۳- (۳)) الكافى: ۱۵/۴ ح ۶،عنه الوسائل:۴۱۹/۹ ح ۱۲۳۷۶.

۴- (۴)) عُدّه الداعى: ۱۰۱.

۵- (۵)) الكافى:۱۵/۴ ح ۲،عنه الوسائل:۴۱۷/۹ ح ۱۲۳۷۱.

وقال علیه السلام : أعطوا الواحد والإثنین والثلاثه، ثمّ أنتم بالخیار (۱).

۹ - عن الثّمالی قال: صلّیت مع علیّ بن الحسین علیهما السلام الفجر بالمدینه یوم الجمعه، فلمّا فرغ من صلاته وسُبحته نهض إلی منزله وأنا معه، فدعا مولاهً له تسمّی سکینه فقال لها:

لا یعبر علی بابی سائل إلّا أطعمتموه، فإنّ الیوم یوم الجمعه، قلت له: لیس کلّ مَن یسأل مستحقّاً؟

فقال: یا ثابت! أخاف أن یکون بعض مَن یسألنا محقّاً فلا نطعمه ونردّه فینزل بنا أهل البیت ما نزل بیعقوب وآله، أطعموهم أطعموهم... (۲).

۱۰ - قال علیه السلام : إنّا لنعطی غیر المستحقّ حذراً من ردّ المستحقّ (۳).

و فرمود: به سائل اوّل و دوّم و سوّم عطا کنید، سپس اختیار باشما است.

۹ - ابوحمزه ی ثمالی می گوید:

با امام سجاد علیه السلام نماز صبح را روز جمعه در مدینه به جای آوردم.

حضرت چون نماز و تسبیحش را تمام کرد، بلند شد و به سوی منزل رفت و من با ایشان بودم. کنیزش را که سکینه نام داشت صدا کرد و فرمود:

سائلی از در خانه ی من عبور نکند مگر این که او را اطعام کنید [غذا دهید] که امروز روز جمعه است.

عرض کردم: هر سؤال کننده ای مستحق نیست.

فرمود ای ثابت! از آن بیم دارم که کسی مستحق باشد و او را اطعام نکنیم و رد کنیم و بر ما اهل بیت، آن [بلایی] فرود آید که بر یعقوب و آل او فرود آمد. آنان را اطعام کنید، آنان را اطعام کنید... .

۱۰ - یکی از امامان علیهم السلام فرموده است:

ما غیر مستحق را احسان می کنیم از بیم آن که مستحق رد نشود.

۱- (۱)) عُدّه الداعی: ۱۰۱،عنه البحار: ۱۵۹/۹۶ ضمن ح ۳۷.

۲- (۲)) علل الشرائع: ۴۵/۱ ب۴۱ ح۱،عنه البحار:۲۷۱/۱۲ ح۴۸. وأورد صدره الحرّ العاملی فی الوسائل: ۴۱۲/۷ ح۹۷۲۶.

۳- (۳)) عُدّه الداعی: ۱۰۱، عنه البحار: ۱۵۹/۹۶ضمن ح۳۷وفیه«عنهم علیهم السلام »بدل«قال علیه السلام ».

٥) از چه مالی ببخشیم؟

١ - قال اللّه تبارک وتعالی:

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ وَاعْلَمُوٓاْ أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (١).

٢ - وَيَسَْٔلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِکَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (٢).

٣ - عن أبی عبداللّه علیه السلام فی قول اللّه عزّ وجلّ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُوامِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُواالْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ (٣)قال: کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله إذا أمر بالنّخل أن یزکّی یجیء قوم بألوان من تمر وهو من أردی التّمر، یؤدّونه من زکاتهم تمراً یقال له «الجعرور و المعافاره»، قلیله اللّحا عظیمه النّوی ١ - خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بهترین آنچه به دست آورده اید و از آنچه از زمین برایتان برآورده ایم انفاق کنید، و [چیزهای] پست را که خودتان جز با چشم پوشی نمی پذیرید، برای انفاق منظور نکنید و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است.

٢ - و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو:

مازاد نیازمندی خود را. خدا بدین سان آیات خود را برای شما روشن می سازد تا بیندیشید.

٣ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ که می فرماید «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین بر آورده ایم، انفاق کنید و در پی ناپاک آن نروید که از آن انفاق کنید» فرمود:

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد که زکات خرما را بپردازند گروهی انواعی از خرما را می آوردند که از نا مرغوب ترین خرما بود و زکاتشان را از آن می پرداختند، خرماهایی که به آن ها «جعرور و معافاره» می گفتند که پوست [گوشت] آن ها اندک و هسته هاشان بزرگ بود.

١- (١)) البقره: ٢.٢۶٧)البقره: ٢١٩.

٢- (٢)) البقره: ٢.٢۶٧)البقره: ٢١٩.

٣- (٣)) البقره: ٢.٢۶٧)البقره: ٢١٩.

وكان بعضهم يجیء بها عن التّمر الجيّد، فقال رسول اللّه صلی الله عليه و آله :

لاـتخرصوا هـاتين التّمرتين ولاتجيئوا منها بشـیء، وفی ذلک نزل وَلَا تَيَمَّمُواالْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْـتُم بِاَخِـذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوافِيهِ والإغماض أن تأخذ هاتين التّمرتين (1).

۴ – عن أبی عبداللّه عليه السـلام فی قول اللّه عزّ و جلّ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا كَسَبْتُمْ (2) فقال: كان القوم قد كسـبوا مكاسب سوء فی الجاهليّه فلمّا أسـلموا أرادوا أن يخرجوها من أموالهم ليتصدّقوا بها فأبی اللّه تبارک وتعالی إلّاأن يخرجوا من أطيب ماكسـبوا (3).

۵ – عن عثمان بن عيسی عمّن حدّثه عن أبی عبداللّه عليه السلام قال قلت:

آيتان فی كتاب اللّه عزّ وجلّ أطلبهما فلا أجدهما قال عليه السلام : ...

وما الآيه الاُخری؟ قلت: قول اللّه عزّ وجلّ: وَ مَآ أَنفَقْتُم مِّن شَیْ ءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّ ٰزِقِينَ (4)برخی از آنان نيز زكات را از خرمای خوب می آوردند.

رسول خـدا صـلی الله عليه و آله فرمود: اين دو نوع خرما [جعرور و معافاره] را به حساب نياوريد و چيزی از آن ها برای زكات نياوريد. و در اين باره [اين آيه ی شـريفه] نازل شده است «و در پی ناپاک آن نرويد كه [از آن] انفاق نماييد، در حالی كه آن را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی ميلی] نسبت به آن، نمی گرفتيد.

حضرت فرمود: مقصود چشم پوشی از گرفتن اين دو نوع خرما است.

۴ – امام صادق عليه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ، «از چيزهای پاكيزه ای كه به دست آورده ايد انفاق كنيد»، فرمود:

گروهی در زمان جاهليت از راه های نادرست اموالی به دست آورده بودند و چون اسـلام آوردند خواستند آن هارااز اموالشان خـارج كننـد و صـدقه دهنـد. خداونـد تبـارک و تعالی نپـذيرفت مگر اين كه آنچه می دادنـد از پاكيزه ترين اموالی بود كه به دست آورده اند.

۵ – عثمان بن عيسـی از شخصـی نقل می كند: به امام صادق عليه السلام عرض كردم دو آيه در كتاب خدا است كه آن دو را می جـويم ولی نمی يـابم[به وعـده ای كه در آن هـا داده شـده دست نمی يـابم] فرمود: ... و آيه ای ديگر كـدام است؟ عرض كردم: اين سـخن خـدای عزّ و جـلّ كه «و هر چيزی را انفـاق كنيـد پس خداونـد جايگزينش می كنـد و او است بهترين روزی دهندگان».

۱– (۱)) الكافی: ۴۸/۴ ح ۹.

۲- (۲)) البقره: ۲۶۷.

۳- (۳)) الکافی: ۴۸/۴ ح ۱۰.

۴- (۴)) سبأ: ۳۹.

وإنّی انفق ولا أری خلَفاً.

قال: أفتری اللّه عزّ وجلّ أخلف وعده؟ قلت: لا.

قال: فممّ ذلک؟ قلت: لا أدری.

قال: لو أنّ أحدکم اکتسب المال من حِلّه وأنفقه فی حِلّه لم ینفق درهماً إلّاأخلف علیه (۱).

۶ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أفضل الصّدقه صدقه تکون عن فضل الکفّ (۲).

و من انفاق می کنم ولی عوضی برای آن نمی بینم.

فرمود: آیا می پنداری که خدای عزّ و جلّ در وعده ای خود تخلّف می کند؟ عرض کردم: نه .

فرمود: پس چیست؟ عرض کردم:

نمی دانم.

فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلالش به دست آورد و آن را در راه حلالش هزینه کند، هیچ درهمی را انفاق نکند مگر این که جایگزینش به او برسد.

۶ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برترین صدقه، صدقه ای است که با گشاده دستی باشد.

۱- (۱)) الکافی: ۴۸۶/۲ ح ۸ .

۲- (۲)) الکافی: ۴۶/۴ ح ۳.

و) آفات انفاق «آنچه در انفاق باید از آن پرهیز کرد»

(۱)

۱ - قال اللّه تبارک و تعالی:

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلآَّ أَنَّهُمْ کَفَرُوابِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا یَأْتُونَ الصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمْ کُسَالَیٰ وَلَا یُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ کَرِهُونَ (۲).

۲ - قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَیْرٌ مِّن صَدَقَهٍ یَتْبَعُهَآ أَذیً وَاللّهِ غَنِیٌّ حَلِیمٌ (۳).

۳ - وَالَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَ لُهُمْ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَا بِالْیَوْمِ الْأخِرِ وَمَن یَکُنِ الشَّیْطَنُ لَهُ قَرِینًا فَسَآءَ قَرِینًا (۴).

۴ - الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَ لُهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ ثُمَّ لَایُتْبِعُونَ مَآ أَنفَقُوامَنًّا وَ لَآأَذیً لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنـدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۵).

۵ - وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ یُسْرِفُواوَ لَمْ یَقْتُرُواْوَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (۶).

۱ - خداونـد متعـال فرمـود: و چیزی مـانع قبول انفـاق هایشـان نشـد جز این که آن هـا خـدا و رسول او را منکر شدنـد و جز با کسالت نماز نمی گزارند و جز به کراهت انفاق نمی کنند.

۲ - سخن خوش [با نیازمندان] و گذشت، از صدقه ای که آزاری در پی دارد بهتر است و خدا بی نیاز بردبار است.

۳ - و کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کننـد و به خدا و قیامت اعتقاد ندارند [همنشـین شـیطانند]. و کسی که شیطان همدم وی باشد بد همدمی است.

۴ - کسانی که مالشان را در راه خدا می بخشـند و به دنبال بخشش خود منّت و آزاری نمی آورند، اجرشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و نه بیمی بر آن ها است و نه اندوهگین شوند.

۵ - وکسانی که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.

۱- (۱)) درباره ی آفات انفاق به جز آنچه در این جا آمـده است آیات و احادیث دیگری هم در فصل سوم ذکر خواهد شد و در نکوهش درخواست و سؤال نیز احادیثی در فصل دوّم خواهد آمد.

۲- (۲)) التوبه: ۵۴ .

۳- (۳)) البقره: ۲۶۳.

۴- (۴)) النساء: ۳۸.

٥- (٥)) البقره: ٢٦٢.

٦- (٦)) الفرقان: ٦٧.

۶ - عن هشام بن المثّنی قال:

سأل رجلٌ أبا عبداللّه علیه السلام عن قول اللّه عزّ و جلّ وَءَاتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَايُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱) فقال: کان فلان بن فلان الأنصاری - سمّاه - وکان له حرثٌ، وکان إذا أخذ یتصدّق به ویبقی هو وعیاله بغیر شیءٍ فجعل اللّه عزّ و جلّ ذلک سرَفاً (۲).

۷ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یجیء أحدکم بماله کلّه فیتصدّق به ویجلس یتکفّف الناس؛ إنّما الصدقه عن ظهر غنی (۳).

۸- عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إذا جاد اللّه تبارک و تعالی علیکم فجودوا، وإذا أمسک عنکم فأمسکوا، ولاتجاودوا اللّه فهو الأجود (۴).

۶ - هشام بن مثنی می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید که فرمود «و حقّ [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند؛ خداوند این را اسراف قرار داد.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخی از شما همه ی اموالی را که به دست می آورند صدقه می دهند، و می نشینند از مردم گدایی می کنند؛ صدقه باید ازروی بی نیازی باشد.

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خدای تبارک و تعالی بر شما بخشید شما هم ببخشید، و هرگاه از شما بازداشت، شما نیز بازدارید [و دست بکشید] و در بخشش، با خداوند رقابت نکنید که او بخشنده تر است.

۱- ((۱)) الأنعام: ۱۴۱.

۲- ((۲)) الکافی: ۵۵/۴ ح۵،عنه الوسائل:۵۵۸/۲۱ ح۲۷۸۶۸.

۳- ((۳)) مستدرک الوسائل: ۲۴۰/۷ ح۸۱۳۸ .

۴- ((۴)) الکافی: ۵۴/۴ ح ۱۱.

«۳»مواساات

الف) مفهوم مواسات

مواسات در مال به معنی شریک کردن یا صاحب اختیار کردن دیگری در مال خود، یا به او اجازه ی تصرف دادن است. در مجمع البحرین، مواساه الإخوان (۱) به معنای مشارکت با برادران در رزق و روزی و مخارج و وسایل زندگی، دانسته شده است.

ب) اهمیت و عظمت مواسات

۱ - عن المعلّی بن خنیس قال:

قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : ما حقُّ المؤمن علی المؤمن؟ قال: سبعه حقوق واجبات ما فیها حقٌّ إلّا وهو واجبٌ علیه، وإن خالفه خرج من ولایه اللّه وترک طاعته ولم یکن للّه عزّ و جلّ فیه نصیب.

قال قلت: جعلت فداک حدّثنی ماهی؟

قال: ویحک یا معلّی! إنّی شفیقٌ علیک أخشی أن تضیّع ۱ - معلّی بن خنیس می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟

حضرت فرمود: هفت حق واجب که هر یک از آن ها بر او لازم است و اگر ادا نکند از ولایت خدا بیرون رفته و فرمانبری خدا را رها کرده است و خدا را در او بهره ای نیست.

عرض کردم: فدایت شوم! به من بگویید این حقوق چیست؟

فرمود:

وای ای معلی! من به تو مهربانم، بیم دارم که آن را تباه کنی

۱- (۱)) مجمع البحرین: ج ۱ / ۴۹

ولا تحفظ، وتعلم ولا تعمل.

قلت: لا قوّه إلّاباللّه.

قال: أيسر منها أن تحبَّ له ما تحبُّ لنفسک وتکره له ما تکره لنفسک؛

والحقُّ الثّانی أن تمشی فی حاجته وتبتغی رضاه ولا تخالف قوله؛

والحقُّ الثالث أن تصِله بنفسک ومالک ویدک ورجلک ولسانک؛

والحقُّ الرابع أن تکون عینه ودلیله ومرآته وقمیصه. والحقُّ الخامس أن لاتشبَع ویجوع، ولا تلبَس ویعری، ولا تروی ویظمأ؛

والحقُّ السادس أن یکون لک امرأه وخادم ولیس لأخیک امرأه ولا خادم، أن تبعث خادمک فتغسل ثیابه وتصنع طعامه وتمهّد فراشه، فإنّ ذلک کلّه إنّما جعل بینک وبینه؛

والحقُّ السابع أن تبرَّ قَسَمه وتجیب دعوته وتشهد جنازته وتعوده فی مرضه وتشخص بدنک فی قضاء حاجته ولا تُحوِجَه إلی أن یسألک ولکن تبادر إلی قضاء حوائجه.

فإذا فعلت ذلک به وصلتَ ولایتک بولایته و ولایته بولایه اللّه عزّو جلّ (۱).

و نگه نداری، و بدانی و عمل نکنی.

عرض کردم: توانایی جز به وسیله ی خدا نیست.

فرمود: آسان ترین آن ها این است که آنچه را برای خود دوست می داری برای او دوست بداری و آنچه را برای خود خوش نداری برای او خوش نداری؛

حق دوم این است که در برآوردن حاجتش بکوشی و خشنودی اش را به دست آوری و با سخن او مخالفت نکنی؛

حق سوم این است که با جان، مال، دست، پا و زبان خود به او کمک کنی؛ حق چهارم این است که چشم او، راهنمای او، آینه ی او و پیراهن او باشی؛

حق پنجم این است که سیر نباشی در حالی که او گرسنه است، پوشیده نباشی در حالی که او عریان است، سیراب نباشی در حالی که او تشنه است؛

حق ششم این است که اگر همسر و خدمتکار داری و او نه همسر دارد و نه خدمتکار، خدمتکار خود را بفرستی تا جامه های او را بشوید و خوراکش را بپزد و بسترش [استراحتگاهش] را بگسترد، زیرا همه ی این ها میان تو و او قرار داده شده است؛

حق هفتم این است که به سوگند او وفا کنی و درخواستش را بپذیری و در تشییع جنازه اش حاضر شوی و در بیماریش او را عیادت کنی و بدنت را در برآوردن حاجتش به کار اندازی و منتظر نشوی تا از تو درخواست کند، بلکه پیش از درخواست او حاجت هایش را برآوری. چون چنین کنی دوستی خود را به دوستی او پیوند زده ای و دوستی او را به دوستی خدای عزّ و جلّ متصل ساخته ای.

۱- (۱)) الخصال: ۳۵۰ ح ۲۶.

۲ – عن ابن أعين قال: كتب بعض أصحابنا يسألون أباعبداللّه عليه السلام عن أشياء وأمرنى أن أسأله عن حقّ المسلم على أخيه، فسألته فلم يجبنى، فلمّا جئت لأودّعه قلت:

سألتكم فلم تجبنى.

قال: إنّى أخاف أن تكفروا.

إنّ من أشدّ ما افترض [اللّه] على خلقه ثلاث خصال: إنصاف المؤمن من نفسه حتّى لا يرضى لأخيه من نفسه إلّاما يرضى لنفسه، ومواساه الأخ فى المال، و ذِكر اللّه على كلّ حال؛

ليس «سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّااللّه» ولكن عندما حرّم اللّه عليه فيدَعه (۱).

۳ – عن أبان بن تغلب قال: كنت أطوف مع أبى عبداللّه عليه السلام فعرض لى رجلٌ من أصحابنا قد سألنى الذهاب معه فى حاجه. فأشار إلىَّ أن أدَع أباعبداللّه عليه السلام وأذهب إليه. فبينا أنا أطوف إذ أشار إلىَّ أيضاً، فرآه أبوعبداللّه عليه السلام ، فقال:

يا أبان! إيّاك يريد هذا؟ قلت: نعم.

قال: ومَن هو؟ قلت: رجلٌ من أصحابنا؛ –

۲ – ابن اعين مى گويد: برخى ياران ما نامه نوشتند تا از امام صادق عليه السلام مطالبى را بپرسند و از من خواستند كه از حضرت درباره ى حق مسلمان بر برادرش بپرسم. پس من از حضرت پرسيدم ولى پاسخم نداد. چون خواستم از حضرت خداحافظى كنم عرض كردم: از شما پرسيدم و پاسخم نداديد.

فرمود: بيم دارم ناسپاسى كنيد. به راستى از واجبات مورد تأكيد خداوند سه چيز است:

ميان مؤمن و خود، منصفانه رفتار كردن، تا جايى كه نپسندد براى برادرش از جانب خود جز آنچه آن را براى خود مى پسندد؛ و مواسات برادر مسلمان در مال؛ و ياد خدا در هر حال.

ياد خدا تنها گفتن «سبحان اللّه و الحمد للّه ولا إله إلّااللّه» نيست، بلكه [اين است كه] هنگام رو به رو شدن با حرام آن را ترك كند.

۳ – ابان بن تغلب مى گويد: همراه امام صادق عليه السلام طواف مى كردم كه يكى از ياران ما رسيد و از من خواست كه با او در پى حاجتى برويم و با دست خود اشاره كرد كه امام صادق عليه السلام را واگذارم و به سوى او بروم.

پس در حالى كه ما طواف مى كرديم دوباره به من اشاره كرد. امام صادق عليه السلام او را ديد و فرمود:

ای ابان آیا تو را می خواهد؟ عرض کردم: آری.

فرمود: او کیست؟ عرض کردم: یکی از یاران ما است.

ص:۶۲

۱- (۱)) مصادقه الإخوان: ۴۰ ح۳.

قال: هو مثل ما أنت عليه؟ قلت: نعم. قال:

فاذهب إليه فاقطع الطواف.

قلت: وإن كان طواف الفريضه؟

قال: نعم. قال: فذهبت معه. ثمّ دخلت عليه بعد، فسألته، قلت:

أخبرنی عن حقّ المؤمن علی المؤمن. قال: يا أبان! دعه لا تريده.

قلت: جعلت فداک. فلم أزل أردّ عليه. قال: يا أبان! تقاسمه شطر مالک. ثمّ نظر فرأی ما دخلنی.

قال: يا أبان! أما تعلم أنّ اللّه قد ذکر المؤثرين علی أنفسهم؟ قلت: بلی جعلت فداک.

قال: إذا أنت قاسمته فلم تؤثره بعدُ، تؤثره إذا أنت أعطيته من النصف الآخر (۱).

۴ - عن المفضّل بن عمر قال: قال أبوعبداللّه عليه السلام : إختبر شيعتنا فی خصلتين، فإن کانتا فيهم، و إلّا فاعزب ثمّ اعزب، قلت: ما هما؟

قال: المحافظه علی الصلوات فی مواقيتهنَّ، والمواساه للإخوان و إن کان الشیء قليلاً (۲).

فرمود: آيا او بر همان عقيده است که تو داری؟ عرض کردم: آری.

فرمود: طواف را قطع کن و به سويش برو.

عرض کردم: گرچه طواف واجب باشد؟

فرمود: آری. پس من همراه او رفتم.

بعدخدمت امام صادق عليه السلام رسيدم و به حضرت عرض کردم: از حق مؤمن بر مؤمن آگاهم فرما.

فرمود: ای ابان از اين امر در گذر که آن را نمی خواهی. عرض کردم فدايت شوم؛ و مکرّر پرسيدم.

حضرت فرمود: ای ابان! آيا مال خود را با او به نصف تقسيم می کنی؟ آن گاه حضرت به من نگريست و نگرانی مرا ديد.

فرمود: ای ابان! آيا می دانی که خداوند از کسانی که ديگران را بر خود ترجيح می دهند (ايثار کنندگان) ياد کرده است؟ عرض کردم:

آری، فدايت شوم.

فرمود: چون تو مال خود را با او تقسیم کنی او را برخود ترجیح نداده ای، بلکه هرگاه تو از نیمه ی خود به او ببخشی او را بر خود ترجیح داده ای.

۴ - مفضّل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما را به دو ویژگی امتحان کن؛ اگر آن دو را داشتند [کاملند] و اگر نداشتند دوری کن، وباز دوری کن.

عرض کردم: آن دو کدامند؟

فرمود: رعایت وقت نمازها و شریک کردن برادران در اموال، هر چند اندک باشد.

ص:۶۳

۱- (۱)) مصادقه الإخوان: ۳۸ ح ۲.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۳۶ ح ۲.

۵ – قال أبو عبد اللّه علیه السلام : قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ثلاثه لاتطیقها هذه الاُمّه: المواساه للأخ فی ماله، وإنصاف الناس من نفسه، وذِکر اللّه تعالی علی کلّ حال، ولیس هو «سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه أکبر» فقط، ولکن إذا ورد علی ما یحرم خاف اللّه (۱).

۶ – عن إسحاق بن عمّار قال:

کنت عند أبی عبداللّه علیه السلام فذکر مواساه الرّجل لإخوانه وما یجب لهم علیه، فدخلنی من ذلک أمرٌ عظیم عرف ذلک فی وجهی، فقال: إنّما ذلک إذا قام القائم، وجب علیهم أن یجهّزوا إخوانهم وأن یقوّوهم (۲).

۷ – عن السجّاد علیه السلام – من دعائه بعد رکعتی الزّوال – :

اللّهمّ... وارزقنی مواساه مَن قتّرت علیه من رزقک بما وسّعت علیَّ من فضلک (۳).

۵ – امام صادق علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: این امت تحمل سه چیز را ندارند: شریک کردن برادر [دینی] در مال خود، میان خود و مردم منصفانه رفتار کردن، و یاد خدای تعالی در هر حال.

و ذکر و یاد خدا تنها «سبحان اللّه و الحمدللّه و لا إله إلّااللّه و اللّه أکبر» نیست، بلکه [این است که] چون با حرام برخورد کرد از خدا بترسد.

۶ – اسحاق بن عمّار می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم. آن حضرت درباره ی مواسات با برادران دینی و حقوقی که آنان بر انسان دارند سخن گفت. هراس بزرگی به دلم راه یافت آن چنان که در چهره ام نمایان شد.

حضرت فرمود: این، زمانی خواهد بود که قائم [ما] قیام کند. [در آن زمان] بر آنان واجب است که برادرانشان را مجهّز کنند و آن ها را نیرومند سازند.

۷ – امام سجاد علیه السلام در ضمن دعای خود بعد از دو رکعت نماز پس از زوال خورشید، می فرمود:

بارالها! ... و با فضل گسترده ای که به من عطا کردی مواسات و کمک به کسی که روزی خود را بر او تنگ و سخت گرفته ای روزی ام فرما.

۱– ((۱)) مصادقه الإخوان: ۳۸ ح۵.

۲– ((۲)) مصادقه الإخوان: ۳۶ ح۳.

۳– ((۳)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۵۲ ضمن دعاء ۲۰ ونحوه فی ص۷۱ ضمن دعاء ۲۷ فی الاستعاذه من البلایا.

۸ - عن الوصّافی عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال (لی): یا أبا إسماعیل! أرأیتَ فیما قبلکم إذا کان الرّجل لیس له رداءٌ و عند بعض إخوانه فضل رداءٍ یطرح علیه حتّی یصیب رداءً؟

قال قلت: لا.

قال: فإذا کان لیس عنده إزار یوصل إلیه بعض إخوانه بفضل إزارٍ حتّی یصیب إزاراً؟ قلت: لا.

فضرب بیده علی فخذه ثمّ قال: ما هؤلاء بإخوه (۱).

۸ - وصّافی می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای أبااسماعیل! به من بگو آیا در میان شما چنین هست که اگر یکی از شما عبا نداشت و دیگری عبای اضافی داشت، آن را بردوش او افکند تا او از عبا بهره مند شود؟

عرض کردم: نه.

فرمود: چون یکی از شما جامه نداشت، یکی از برادرانش جامه ی اضافی که دارد به او می رساند تا او از داشتن جامه بهره مند شود؟

عرض کردم: نه.

حضرت دست خود را روی رانش زد و فرمود: اینان برادر نیستند.

ص:۶۵

۱- (۱)) مصادقه الإخوان: ۳۶ ح ۱.

«۴»هزینه کردن برای خانواده و توسعه در زندگی

۱ – عن أبی عبداللّه علیه السـلام فی قول اللّه عزّ وجلّ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَفِی الْأَخِرَهِ حَسَنَهً (۱)قال: رضوان اللّه والجنّه فی الآخره، والسّعه فی الرزق والمعایش، وحُسن الخُلق فی الدّنیا (۲).

۲ – عن الرّضا علیه السلام قال:

صاحب النّعمه یجب علیه التّوسعه عن عیاله (۳).

۳ – عن علیّ بن الحسین علیهما السلام قال: أرضاکم عنداللّه أسبغکم علی عیاله (۴).

۱ – امام صادق علیه السـلام در تفسـیر سـخن خداونـد عزّ و جلّ که می فرمایـد: «پروردگارا ما را [هم] در دنیا نیکی عطا کن و [هم] در آخرت».

فرمود: [این نیکی] خشنودی خداوند و بهشت در آخرت است، و گشایش در رزق و امور زندگی، و اخلاق نیک در دنیا.

۲ – امام رضا علیه السلام فرمود:

بر صاحبان نعمت لازم است که زندگی خانواده ی خود را توسعه بخشند.

۳ – امام سجّاد علیه السلام فرمود:

پسندیده ترین شما نزد خدا کسی است که هزینه ی زندگی خانواده اش را بهتر تأمین کند.

۱– (۱)) البقره: ۲۰۱.

۲– (۲)) الفقیـه: ۱۵۶/۳ ح۳۵۶۹ والتهذیب:۳۲۷/۶ ح۹۰۰ والکافی: ۷۱/۵ ح۲ومعانی الأخبار: ۱۷۴ ح۱، عنها الوسائل:۹/۱۷ – ۱۰۰ ح۲۱۸۴۳ وذیله.

۳– (۳)) الکافی: ۱۱/۴ ح ۵.

۴– (۴)) الکافی: ۱۱/۴ ح ۱.

۴ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أفضل دینارٍ دینارٌ أنفقه الرّجل علی عیاله، ودینارٌ أنفقه علی دابّته فی سبیل اللّه، ودینارٌ أنفقه علی أصحابه فی سبیل اللّه.

ثمّ قال: وأیّ رجلٍ أعظم أجراً من رجلٍ سعی علی عیاله صغاراً، یعفّهم ویغنیهم اللّهُ به (۱).

۵ – عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال:

تحت ظلّ العرش یوم لا ظلّ إلّا ظلّه رجلٌ خرج ضارباً فی الأرض یطلب من فضل اللّه ما یکفّ به نفسه، ویعود به علی عیاله (۲).

۶ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ملعون ملعون مَن ألقی کَلّه علی النّاس.

ملعون ملعون مَن ضیّع مَن یعول (۳).

۷ – عن زراره قال: سمعت أبا عبداللّه علیه السلام یقول: ثلاثه إن یعلمهنّ المؤمن کانت زیاده فی عمره و بقاء النعمه علیه، فقلت: و ما هنّ؟ قال:

...واصطناعه المعروف إلی أهله (۴).

۴ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین دینار دیناری است که شخص آن را برای خانواده ی خود هزینه کند و دیناری است که آن را در راه خدا برای مرکب خود هزینه کند و دیناری است که آن را در راه خدا برای یاران خود هزینه نماید.

آن گاه حضرت فرمود: پاداش کدام مرد بزرگ تر از مردی است که برای [تأمین نیاز] فرزندان صغیر خود بکوشد تا خداوند به وسیله ی او پاکدامن و بی نیازشان کند.

۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به قصد کسب و کار سفر می کند و به اندازه ی کفاف خود و هزینه ی خانواده اش، از فضل خدای عزّ و جلّ می جوید، زیر سایه ی عرش قرار می گیرد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی آن نیست.

۶ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بسیار از رحمت خدا دور است کسی که بار خود را بر دوش مردم بگذارد.

بسیار از رحمت خدا دور است کسی که خانواده ی خود را تباه سازد [و مخارج آنان را نپردازد].

۷ – زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: سه چیز است که اگر شخص مؤمن آن ها را بداند موجب افزایش عمر او و ماندگاری نعمت برای او می شود.

عرض کردم: آن ها چیست؟ فرمود: ...و نیکی کردن به خاندانش.

١- (١)) مستدرك الوسائل: ٢٤١/٧ ح٨١٤٢.

٢- (٢)) دعائم الإسلام: ١٥/٢ ح٨ .

٣- (٣)) الكافي: ١٢/٤ ح٩.

٤- (٤)) الكافي: ٤٩/٤ ح١٥.

۹ - عن الباقر عن آبائه علیهم السلام عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله أنّه نهی أن یُشبع الرّجل نفسه ویجیع أهله، وقال: کفی بالمرء هلاکاً أن یضیّع مَن یعول (۱).

۱۰ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

المؤمن یأکل بشهوه أهله، والمنافق یأکل أهله بشهوته (۲).

۱۱ - قال علیّ بن الحسین علیهما السلام :

لأن أدخل السوق ومعی دراهم أبتاع به لعیالی لحماً - وقد قرَموا - أحبّ إلیَّ من أن اعتق نسمه (۳).

۱۲ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

إذا کان الرّجل معسراً فیعمل بقدر ما یقوت به نفسه وأهله ولا یطلب حراماً فهو کالمجاهد فی سبیل اللّه (۴).

۱۳ - عن علیّ علیه السلام أ نّه قال:

ما غدوه أحدکم فی سبیل اللّه بأعظم من غدوته یطلب لولده وعیاله مایصلحهم (۵).

۹ - امام باقر علیه السلام از نیاکان خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که مرد، خود را سیر کند و خاندانش را گرسنه بگذارد، و فرمود:

برای نابودی مرد همین بس که نان خوران خود را تباه سازد [و مخارج شان را نپردازد].

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن مطابق میل خاندانش می خورد و منافق، خاندانش مطابق میل او می خورند.

۱۱- امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی اگر وارد بازار شوم و با چند درهمی که دارم برای عیالم گوشت بخرم - در حالی که آنان به خوردن گوشت اشتیاق داشته باشند - از آزاد کردن برده ای برایم خوشایندتر است.

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی تنگدست باشد و به اندازه ای کار کند که خود و خانواده اش را خوراک دهد و از پی حرام نرود، همچون پیکارگر در راه خدا است.

۱۳ - امام علی علیه السلام فرمود: حرکت و تلاش هیچ یک از شما در راه خدا، بزرگ تر از آن تلاشی نیست که به جهت فرزند و عیال خود انجام می دهد تا زندگی آنان را سامان بخشد.

۱- (۱)) دعائم الإسلام: ۱۹۳/۲ ح۶۹۹

٢- (٢)) الكافي: ١٢/٤ ح٦.

٣- (٣)) الكافي: ١٢/٤ ح١٠.

٤- (٤)) الكافي: ٨٨/٥ ح٣،عنه الوسائل:٦٧/١٧ ح٢٢٠٠٣.

٥- (٥)) دعائم الإسلام: ١٥/٢ ح٩.

۱۴ - عن محمّد بن مسلم قال: قال رجلٌ لأبی جعفر علیه السلام : إنّ لی ضیعه بالجبل أستغلّها فی کلّ سنه ثلاث آلاف درهم، فأُنفق علی عیالی منها ألفی درهم وأتصدّق منها بألف درهم فی کلّ سنه.

فقال أبوجعفر علیه السلام : إن کانت الألفان تکفیهم فی جمیع ما یحتاجون إلیه لسنتهم فقد نظرت لنفسک ووفّقت لرُشدک وأجریت نفسک فی حیاتک بمنزله ما یوصی به الحیّ عند موته (۱).

۱۴ - محمد بن مسلم می گوید: شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: در ناحیه ی کوهستان مِلکی دارم که در هر سال سه هزار درهم از آن بهره می برم که دوهزار درهم آن را برای مخارج عیالم هزینه می کنم و هزار درهم آن را صدقه می دهم.

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر دو هزار درهم، تمام نیازمندی های سال آنان را کفایت می کند پس به راستی درباره ی خود به انصاف دست یافته و هدایت خود را به دست آورده ای و نفس خود را در زمان حیاتت آن گونه قرار داده ای که شخص زنده هنگام مردنش به آن سفارش می کند.

۱- (۱)) الکافی: ۱۱/۴ ح۲

«۵»بر آوردن حوائج

الف) اهمّیّت و پاداش بر آوردن نیازهای دیگران

۱ - عن رجل من حلوان قال:

کنت أطوف بـالبیت، فأتانی رجل من أصـحابنا فسألنی قرض دینارین، وکنت قـد طفت خمسه أشواط، فقلت له اتمّ اسـبوعی ثمّ أخرج، فلمّـا دخلت فی السـادس اعتمـد علیَّ أبوعبـداللّه علیه السـلام ووضع یـده علی منکبی. قـال: فأتممت سـبعی و دخلت فی الآخر لاعتماد أبی عبداللّه علیه السلام علیَّ، فکنت کلّما جئت إلی الرکن أومأ إلیَّ الرّجل.

فقال أبوعبد اللّه علیه السلام : مَن کان هذا یؤمی إلیک؟

قلت: جعلت فداک هذا رجلٌ من موالیک، سألنی قرض دینارین، قلت: اتمّ اسبوعی وأخرج إلیک، قال:

فدفعنی أبو عبداللّه علیه السلام وقال:

۱ - مردی از اهـل حلـوان می گویـد: دور کعبـه طـواف می کردم کـه یکی از یـاران مـا بـه نزدم آمـد و از من دو دینـار قرض خواست. این در حـالی بود که من پنـج دور از طواف را انجام داده بودم. به او گفتم دور هفتم را به پایان می رسانم و بعـد می آیم. چون وارد دور شـشم شدم امام صادق علیه السـلام بر من تکیه داد و دست خود را بر شانه ام گذاشت. من دور هفتم را به پایان بردم، ولی به دلیل تکیه دادن امام صادق علیه السلام بر من، وارد دور بعدی شدم؛ پس هر گاه به رکن می رسیدم آن مرد به من اشاره می کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: آن مرد که به سویت اشاره می کند کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم! از دوسـتداران شـما است که دو دینار قرض از من می خواهد و به او گفتم دور هفتم را به پایان می برم و به نزدش می روم. امام صادق علیه السلام مرا هُل داد و فرمود:

اذهب فأعطهما إيّاه. فظننت أنّه قال «فأعطهما إيّاه» لقولى قد أنعمت له (۱).

فلمّا كان من الغد دخلت عليه و عنده عدّه من أصحابنا يحدّثهم، فلمّا رآنى قطع الحديث وقال:

لأن أمشى مع أخٍ لى فى حاجه حتّى أقضى له أحبّ إلىَّ من أن اعتق ألف نسمه و أحمل على ألف فرس فى سبيل اللّه مسرّجه ملجمه (۲).

۲ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قال اللّه تعالى: المؤمنون إخوه، يقضى بعضهم حوائج بعض، و أقضى حوائجهم يوم القيامه (۳).

۳ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن قضى لمؤمنٍ حاجهً قضى اللّه له حوائج كثيره أدناهنّ الجنّه (۴).

«برو دو دينار را به او بده».

من گمان بردم اين كه حضرت فرمود دو دينار را به او بده به جهت آن است كه من به او وعده داده بودم.

فرداى آن روز خدمت حضرت رسيدم در حالى كه عدّه اى از اصحاب ما نزد او بودند و با آنان سخن مى گفت.

چون مرا ديد سخن خود را قطع كرد و فرمود:

اين كه همراه برادرم در پى برآوردن حاجت او بروم تا آن را برآورم، نزد من خوش تر است از اين كه هزار برده آزاد كنم و با هزار اسب زين دار لگام زده شده، در راه خدا به جهاد روم.

۲ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداى متعال فرموده است.

مؤمنان با هم برادرند. برخى از آنان حاجت هاى برخى ديگر را بر مى آورند؛ من هم در روز قيامت حوائج ايشان را برآورده مى كنم.

۳ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هركه حاجتى از برادر مؤمن خود برآورد، خداوند حاجت هاى بسيارى را از او برآورده كند كه كم ترين آن ها بهشت است.

۱- ((۱)) أنعمت له أى قلت له نعم.

۲- ((۲)) المؤمن: ۴۸ ح۱۱۳، عنه المستدرك: ۴۰۲/۹ ح۱۱۱۸۵.

۳- ((۳)) مصادقه الإخوان: ۵۴ ح۵،عنه الوسائل: ۳۶۱/۱۶ ح۲۱۷۶۵.

۴- ((۴)) قرب الإسناد: ۱۱۹ ح۴۱۸،عنه البحار: ۲۸۵/۷۴ ونحوه فى ثواب الأعمال: ۱۷۵ ح۱ عن السجّاد عليه السلام ، والكافى:

١٩٣/٢ ضمن ح١ ومصادقه الإخوان: ٥٢ ح٢ عن الصادق عليه السلام .

۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ما قضی مسلمٌ لمسلمٍ حاجهً إلّا ناداه اللّه تبارک وتعالی: علیَّ ثوابک، ولا أرضی لک بدون الجنّه (۱).

۵ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

یؤتی بعبدٍ یوم القیامه لیست له حسنه، فیقال له:

اذکر تذکر هل لک من حسنه؟ قال: فیذکر فیقول:

یا ربّ! مالی من حسنه إلّا أنّ فلاناً عبدک المؤمن مرّ بی فطلب ماءاً یتوضّأ به لیصلّی فأعطیته.

قال: فیُدعی بذلک العبد المؤمن فیذکر ذلک فیقول: نعم یا ربّ، مررت به فطلبت منه فأعطانی فتوضّأت فصلّیت لک.

فیقول الربّ تبارک وتعالی: قد غفرت لک، أدخلوا عبدی الجنّه (۲).

۶ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال:

أوحی اللّه عزّ وجلّ إلی موسی علیه السلام أنّ من عبادی مَن یتقرّب إلیَّ بالحسنه ۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسلمانی حاجت مسلمانی را برآورده نسازد جز این که خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد: ثواب تو بر عهده ی من است و کم تر از بهشت را برایت نمی پسندم.

۵ – امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند که هیچ کار نیکی ندارد. به او گفته می شود:

بیندیش آیا حسنه ای را برای خود بیاد می آوری. پس مرور می کند و می گوید:

پروردگارا هیچ کار نیکی ندارم جز این که فلانی، بنده ی مؤمن تو، روزی گذرش به من افتاد و از من آب خواست که وضو بسازد و نماز بگزارد و من به او آب دادم.

آن گاه آن بنده ی مؤمن را فرا می خوانند و [گفته آن شخص را] برایش بازگو می کنند.

او می گوید: آری ای پروردگارا! به او گذر کردم و از او آب خواستم. او به من داد که با آن وضو ساختم و برای تو نماز گزاردم.

خداوند تبارک و تعالی می گوید: تو را آمرزیدم؛ بنده ام را به بهشت درآورید.

۶ – امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزّ و جلّ به موسی علیه السلام وحی کرد: کسی از بندگانم با کار نیک به من تقرّب جوید

۱- (۱)) الکافی: ۱۹۴/۲ ح۷ ومثله فی ثواب الأعمال: ۲۲۳ ح۱، عنهما الوسائل: ۳۵۸/۱۶ ح۲۱۷۵۶.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۵۴ ح ۶.عنه الوسائل: ۱۶ / ۳۶۲ ح ۲۱۷۶۶.

فأُحكّمه فی الجنّه. فقال موسی:

یا ربّ! وما تلک الحسنه؟ قال:

یمشی مع أخیه المؤمن فی قضاء حاجته قُضیت أو لم تُقض (۱).

۷ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ من أحبّ الأعمال إلی اللّه عزّ وجلّ إدخال السرور علی المؤمن وإشباع جوعته وتنفیس کربته وقضاء دَینه (۲).

۸ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

قضاء حاجه المؤمن خیرٌ من حُملان ألف فرس فی سبیل اللّه عزّ و جلّ وعتق ألف نسمه. وقال:

ما من مؤمنٍ یمشی لأخیه فی حاجهٍ إلّا کتب اللّه له بکلّ خطوهٍ حسنه، وحطّ بها عنه سیّئه، ورفع له بها درجه. وما من مؤمنٍ یفرّج عن أخیه المؤمن کربهً إلّافرّج اللّه عنه کربهً من کرَب الآخره، وما من مؤمنٍ یعین مظلوماً إلّاکان ذلک أفضل من صیام شهر واعتکافه فی المسجد الحرام (۳).

تا جایی که او را در بهشت فرمانروا قرار دهم [بهشت را در اختیارش گذارم].

موسی عرض کرد: پروردگارا آن کار نیک چیست؟

فرمود: این که همراه برادر مؤمنش در راه برآوردن حاجت او گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: از خوشایندترین کارها نزد خدای عزّ و جلّ شاد کردن مؤمن و سیر نمودن او و برطرف کردن گرفتاری او و ادای دین او است.

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: برآوردن حاجت مؤمن از [فرستادن] بار و بنه ی هزار اسب در راه خدای عزّ و جلّ، و آزاد کردن هزار برده بهتر است.

و فرمود: هیچ مؤمنی در راه برآوردن حاجت برادرش گام بر ندارد جز این که خداوند در برابر هر گامی حسنه ای برایش بنویسد و خطایی را از او بریزد و او را درجه ای بالا ببرد؛

و هیچ مؤمنی اندوهی از برادر ایمانی اش را بر طرف نسازد مگر این که خداوند اندوهی از اندوه های آخرتش را برطرف سازد؛

و هیچ مؤمنی ستم دیده ای را کمک نکند مگر این که این کارش از روزه داری یک ماه همراه با اعتکاف در مسجدالحرام، برتر است.

۱- (۱)) الكافي: ۱۹۵/۲ح۱۲، عنه الوسائل: ۳۶۰/۱۶ ح ۲۱۷۶۰.

۲- (۲)) مصادقه الإخوان: ۴۴ ح۲.

۳- (۳)) المؤمن:۴۷ح۱۱۱.

۹ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن ذهب مع أخیه فی حاجهٍ، قضاها أو لم یقضها، کان کمن عَبدَ اللّه (۱).

۱۰ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: مَن قضی حاجه لأخیه کنت واقفاً عند میزانه، فإن رجح و إلّاشفعت له (۲).

۱۱ - قال الصادق علیه السلام : لقضاء حاجه امرئٍ مؤمن أفضل من حجّه وحجّه وحجّه حتّی عدّ عشر حجج (۳).

۱۲ - عن أبی جعفر علیه السلام قال: إنّ المؤمن لترد علیه الحاجه لأخیه فلا تکون عنده فیهتمّ بها قلبه، فیدخله اللّه تبارک وتعالی بهمّه الجنّه (۴).

۱۳ - قال الصادق علیه السلام : مَن مشی فی حاجه أخیه المؤمن - یطلب بذلک ما عند اللّه - حتّی تقضی له، کتب اللّه عزّ و جلّ له بذلک مثل أجر حجّه وعمره ۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه همراه برادر [ایمانی] خود در پی برآوردن حاجت او رود، - چه آن حاجت برآورده شود یا نه، - همچون کسی است که تمام عمر خود بندگی خدا کرده است.

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس حاجت برادر خود را برآورد من روز قیامت کنار ترازوی عملش می ایستم؛ پس اگر حسناتش برتری پیدا نکند او را شفاعت می کنم.

۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی برآوردن حاجت شخص مؤمن برتر از حجّی است و حجّی و حجّی.

[راوی می گوید حضرت] تا ده حجّ شمرد.

۱۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی مؤمن، نیاز برادر ایمانی اش به او عرضه می شود و او توان برآوردن آن را ندارد و بدین جهت دلش اندوهگین می شود؛ پس خدای تبارک و تعالی او را به سبب اندوهش وارد بهشت می کند.

۱۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه به طلب رضای خدا، در راه برآوردن حاجت برادر مؤمن خود گام بردارد تا جایی که حاجت او برآورده شود، خدای عزّ و جلّ همچون پاداش یک حجّ و عمره ی

۱- ((۱)) مصادقه الإخوان: ۵۲ ح ۱،عنه الوسائل: ۳۶۸/۱۶ ح ۲۱۷۸۵.
۲- ((۲)) عوالی اللآلی: ۳۷۴/۱ ح۸۹،عنه المستدرک: ۴۰۵/۱۲ ح۱۴۴۳۳.
۳- ((۳)) أمالی الصدوق: ۳۹۸ م ۷۴ ح ۱۱،عنه الوسائل: ۳۰۵/۱۳ ح۱۷۸۰۸.
۴- ((۴)) الکافی: ۱۹۶/۲ ح۱۴،عنه الوسائل: ۳۵۷/۱۶ ح ۲۱۷۵۵.

مبرورتین، وصوم شهرین من أشهر الحرم و اعتکافهما فی المسجد الحرام.

ومَن مشی فیها بنیّه ولم تُقض کتب اللّه له بذلک مثل حجّه مبروره، فارغبوا فی الخیر (۱).

۱۴ - قال أبوعبداللّه علیه السلام :

تنافسوا فی المعروف لإخوانکم وکونوا من أهله، فإنّ للجنّه باباً یقال له «المعروف»، لایدخله إلّا مَن اصطنع المعروف فی الحیاه الدّنیا، فإنّ العبد لیمشی فی حاجه أخیه المؤمن فیوکّل اللّه عزّ و جلّ به ملَکین، واحداً عن یمینه وآخر عن شماله، یستغفران له ربّه ویدعوان بقضاء حاجته.

ثمّ قال: واللّه لرسول اللّه صلی الله علیه و آله أسرّ بقضاء حاجه المؤمن إذا وصلت إلیه من صاحب الحاجه (۲).

۱۵ - عن أبی جعفر علیه السلام قال:

مَن قضی لأخیه المؤمن حاجهً پذیرفته شده و پاداش روزه گرفتن دو ماه حرام و اعتکاف آن دو ماه در مسجدالحرام برایش ثبت می کند.

و هرکه با نیّت الهی در این راه گام بردارد ولی آن حاجت برآورده نشود، خداوند برای او مانند ثواب یک حجّ پذیرفته شده بنویسد؛

پس در انجام کار خیر کوشا باشید.

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: در نیکی کردن به برادرانتان رقابت کنید و اهل نیکی باشید؛ زیرا برای بهشت دری است که آن را «معروف» [نیکی] گویند و از آن در وارد نشود جز کسی که در زندگی دنیا کار نیک کرده باشد.

چون بنده در راه برآوردن حاجت برادر ایمانی خود گام برمی دارد، خداوند عزّ و جلّ دو فرشته را بر او می گمارد؛ یکی طرف راست او و دیگری طرف چپش که برای او از پروردگارش آمرزش می خواهند و برای برآورده شدن حاجت او دعا می کنند.

آن گاه حضرت فرمود: به خدا سوگند وقتی خبر برآورده شدن حاجت مؤمن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رسد، آن حضرت شادتر از آن کسی می شود که به حاجتش دست یافته است.

۱۵ - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد خداوند در برابر آن

۱- (۱)) الکافی: ۱۹۴/۲ ح ۹،عنه الوسائل: ۳۶۴/۱۶ ح ۲۱۷۷۲.

۲- (۲)) الکافی: ۱۹۵/۲ ح ۱۰،عنه الوسائل: ۳۵۹/۱۶ ح ۲۱۷۵۸.

كتب اللّه بها عشر حسنات، ومحا عنه عشر سيّئات، و رفع له بها عشر درجات، و كان عِدل عشر رقاب، و صوم شهر و اعتكافه فى المسجد الحرام (۱).

۱۶ – قال الإمام الحسين عليه السلام :

اعلموا أنّ حوائج الناس إليكم من نِعم اللّه عليكم، فلا تملّوا النِعم فتتحوّل إلى غيركم.

واعلموا أنّ المعروف مكسبٌ حمداً، ومعقبٌ أجراً، فلو رَأيتم المعروف رجلًا لرأيتموه حسناً جميلًا يسرّ الناظرين ويفوق العالمين.

ولو رأيتم اللؤم رأيتموه سمجاً قبيحاً مشوماً تنفر منه القلوب وتغضّ دونه الأبصار... (۲).

۱۷ – عن النبىّ صلى الله عليه و آله قال: مَن أجرى اللّه على يده فرَجاً لمسلم فرّج اللّه عنه كرب الدّنيا والآخره (۳).

ده حسنه بنويسد،

و ده بدى از او بزدايد،

و او را ده درجه بالا ببرد،

و برايش ثوابى است برابر آزادى ده برده و روزه ى يک ماه به همراه اعتكاف در مسجدالحرام.

۱۶ – امام حسين عليه السلام فرمود:

بدانيد نيازمندى هاى مردم كه به نزد شما مى آورند از نعمت هاى خداوند بر شما است؛

پس نعمت ها را به ستوه نياوريد كه به غير شما منتقل مى شوند.

و بدانيد كه كار نيك موجب ستايش مى شود و پاداش به دنبال دارد؛

پس اگر نيكى به صورت انسانى در مى آمد او را آنچنان نيكو و زيبا مى ديديد كه بينندگان را شاد مى كرد و بر اهل جهان برترى داشت.

و اگر پستى [و تبهكارى] را مى ديديد، او را آنچنان بدتركيب و زشت منظر مى ديديد كه دل ها از او نفرت پيدا مى كرد و ديدگان از ديدن او بسته مى شد... .

۱۷ – از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمود:

هر كس خداوند به دست او گرفتارى مسلمانى را برطرف سازد، خداوند گرفتارى هاى دنيا و آخرت او را برطرف مى سازد.

۱- (۱)) المؤمن: ۵۰ ح ۱۲۰،عنه المستدرك: ۴۰۶/۱۲ ح۱۴۴۳۸.

۲- (۲)) أعلام الدين: ۲۹۸،عنه البحار: ۱۲۷/۷۸ ح۱۱.

۳- (۳)) أمالی الطوسی: ۵۸۶ح ۱۲۱۲،عنه البحار: ۳۱۶/۷۴ ح۷۴.

۱۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام [قال]:

إنّ اللّه عزّ و جلّ انتخب قوماً من خلقه لقضاء حوائج فقراء من شیعه علیّ علیه السلام لیثیبهم بذلک الجنّه (۱).

۱۹ – قالت عائشه: ... ولا سئل [النبیّ صلی الله علیه و آله] شیئاً قطّ فمنعه إلّاأن یُسأل مأثماً فإنّه کان أبعد الناس منه (۲).

۲۰ – قال أبوجعفر الباقر علیه السلام :

ثلاثه من أفضل الأعمال: شبعه جوعه المسلم وتنفیس کربته وتکسو عورته (۳).

۲۱ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أطعم مؤمناً من جوع أطعمه اللّه من ثمار الجنّه، ومَن سقاه من ظمأٍ سقاه اللّه من الرّحیق المختوم، ومَن کساه ثوباً لم یزل فی ضمان اللّه مادام علی ذلک المؤمن من ذلک الثوب هدبه أو سلک.

واللّه لقضاء حاجه مؤمن أفضل من صیام شهر واعتکافه (۴).

۱۸ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ گروهی از بندگان خود را برای برآوردن حاجت های نیازمندان از شیعیان علی علیه السلام برگزیده است تا به سبب آن، بهشت را به آنان پاداش دهد.

۱۹ – عایشه می گوید: ... هرگز از [پیامبر صلی الله علیه و آله] چیزی را نخواستند که خودداری کند مگر این که گناهی خواسته می شد؛ که او دورترین مردم از گناه بود.

۲۰ – امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز از با فضیلت ترین کارها است:

سیر کردن مسلمان،

برطرف کردن گرفتاری او، و پوشاندن او از برهنگی.

۲۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت اطعام کند،

و هرکس مؤمن تشنه ای را سیراب سازد خداوند او را از شراب خالِصِ مهرزده سیراب کند،

و هر که مؤمنی را بپوشاند، تا زمانی که کُرکی یا نخی از آن بر تن او است تحت کفالت خداوند خواهد بود.

سوگند به خدا برآوردن حاجت مؤمن از یک ماه روزه و اعتکاف آن برتر است.

١- (١)) المؤمن: ۴۶ ح١٠٨،عنه المستدرک: ۴٠٢/١٢ ح١۴۴٢١.

٢- (٢)) مسند أحمد: ١٣٠/۶.

٣- (٣)) مصادقه الإخوان: ۴۴ ح۴،عنه المستدرک: ٢۶۴/١۶ ح١٩٨١۴.

۴- (۴)) مصادقه الإخوان: ۴٢ ح١.

۲۲ - عن الرّضا عن أبيه علیهما السلام انّ جعفر بن محمّد علیهما السلام کان یقول: إنّ الرّجل لیسألنی الحاجه فأُبادر بقضائها مخافه أن یستغنی عنها فلا یجد لها موقعاً إذا جاءته (۱).

۲۲ - امام رضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام می فرمود:

اگر شخصی حاجتی از من بخواهد، به سرعت حاجت او را برآورده می کنم از بیم آن که از آن چیزی که خواسته بود بی نیاز شود و وقتی بدستش رسید به کارش نیاید.

۱- (۱)) عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۱۷۷/۲ ب۴۴ ح۲،عنه البحار:۲۸۶/۷۴ح۹.

ب) جزای کسی که در حال توانمندی، حاجت مؤمن را بر آورده نمی کند

۱ – عن إسماعیل بن عمّار الصّیرفی قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : جعلت فداک! المؤمن رحمهٌ علی المؤمن؟ قال:

نعم. قلت: وکیف ذاک؟ قال: أیّما مؤمن أتی أخاه فی حاجهٍ فإنّما ذلک رحمهٌ من اللّه ساقها إلیه و سبّبها له، فإن قضی حاجته کان قد قبل الرحمه بقبولها، وإن ردّه عن حاجته وهو یقدر علی قضائها فإنّما ردّ عن نفسه رحمهً من اللّه جلّ وعزّ ساقها إلیه وسبّبها له، و ذخر اللّه عزّ وجلّ تلک الرّحمه إلی یوم القیامه حتّی یکون المردود عن حاجته هو الحاکم فیها، إن شاء صرفها إلی نفسه وإن شاء صرفها إلی غیره.

یا إسماعیل! فإذا کان یوم القیامه وهو الحاکم فی رحمهٍ من اللّه قد شرّعت له فإلی مَن تری یصرفها؟ قلت: لا أظنّ یصرفها عن نفسه. قال: لا تظنّ ولکن استیقن، فإنّه لن یردّها عن نفسه.

۱ – اسماعیل بن عمار صیرفی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مؤمن برای مؤمن رحمت است؟ فرمود: آری.

عرض کردم: چگونه؟

فرمود: هر مؤمنی که برای حاجتی نزد برادر ایمانی خود رود، این رحمتی است از جانب خدا که به سوی او رانده است و برای او آماده کرده است.

پس اگر نیازمندی او را برآورده سازد، رحمت الهی را به صورت نیکو پذیرا شده است، و اگر با این که می تواند حاجتش را برآورد، آن را رد کند، در حقیقت رحمت خدای عزّ و جلّ را که به سویش فرستاده و برایش فراهم کرده بود از خود رد کرده است، و خدای عزّ و جلّ تا روز قیامت آن رحمت را ذخیره می کند تا همان کس که حاجتش رد شده است درباره ی آن قضاوت نماید. اگر می خواهد آن را به خود برگرداند و اگر می خواهد به دیگری.

ای اسماعیل! فکر می کنی چون او روز قیامت در مورد رحمتی داور شود که خدا برای او روا داشته است به چه کسی آن را بر می گرداند؟ عرض کردم: گمان نمی برم آن را از خود برگرداند. فرمود:

گمان مدار بلکه یقین بدان که آن را هرگز از خود بر نمی گرداند.

یا إسماعیل! مَن أتاه أخوه فی حاجه یقدر علی قضائها فلم یقضها له سلّط اللّه علیه شجاعاً (۱)ینهش إبهامه فی قبره إلی یوم القیامه، مغفوراً له أو معذّباً (۲).

۲ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:مَن مشی لامرئٍ مسلم فی حاجته فنصحه فیها، کتب اللّه له بکلّ خطوهٍ حسنه ومحا عنه سیّئه، قضیت الحاجه أولم تُقض، فإن لم ینصحه فقد خان اللّه و رسوله، وکان رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم خصمه (۳).

۳ – عن عقبه بن خالد قال:

دخلت أنا والمعلّی وعثمان بن عمران علی أبی عبداللّه علیه السلام فلمّا رآنا قال: مرحباً مرحباً بکم، وجوهٌ تحبّنا ونحبّها، جعلکم اللّه معنا فی الدّنیا والآخره.

فقال له عثمان: جعلت فداک! فقال له أبوعبد اللّه علیه السلام : نعم، مه.

قال: إنّی رجل موسر.

ای اسماعیل! هرکه برادرش برای حاجتی نزد او آید و او با این که می تواند حاجتش را برآورد آن را برآورده نسازد، خداوند در قبرش ماری را بر او بگمارد که تا روز قیامت انگشت ابهامش را بگزد، خواه آمرزیده باشد و خواه معذّب [و مورد سخط خداوند].

۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه در راه برآوردن حاجت شخص مسلمان گام بردارد و او را در آن راهنمایی کند، خداوند در برابر هرگام او حسنه ای برایش بنویسد و گناهی از او بزداید، چه حاجتش برآورده شود یا نشود؛

امّا اگر او را راهنمایی نکند به خداوند و پیامبر او خیانت کرده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمن او است.

۳ – عقبه بن خالد می گوید: من و معلّی و عثمان بن عمران خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدیم.

چون حضرت ما را دید فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید. چهره هایی [هستید] که ما را دوست می دارند و ما آنان را دوست می داریم. خدا شما را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد.

عثمان به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! امام صادق علیه السلام فرمود: بله چه می خواهی؟ عرض کرد: من مرد توانگری هستم.

۱– (۱)) الشجاع: الحیّه العظیمه. (مجمع البحرین: ۴۸۵/۲).

٢- (٢)) الكافي: ١٩٣/٢ ح٥.

٣- (٣)) المؤمن: ۴۶ ح١٠٧،عنه المستدرك: ٤٣١/١٢ ح١۴۵٣۵.

فقال له: بارک اللّه لک فی یسارک.

قال: ویجیء الرّجل فیسألنی الشّیء ولیس هو إبّان زکاتی.

فقال له أبوعبداللّه علیه السلام : القرض عندنا بثمانیه عشر والصّدقه بعشره، وماذا علیك إذا كنت كما تقول موسراً أعطیته فإذا كان إبّان زكاتك احتسبت بها من الزّكاه.

یا عثمان! لا تردّه فإنّ ردّه عند اللّه عظیم.

یا عثمان! إنّک لو علمت ما منزله المؤمن من ربّه ما توانیت فی حاجته، ومَن أدخل علی مؤمن سروراً فقد أدخل علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، وقضاء حاجه المؤمن یدفع الجنون والجذام والبرص (1).

فرمود: خداوند به توانگری ات برکت دهد.

عرض کرد: کسی نزد من می آید و چیزی از من درخواست می کند، ولی زمان دادن زکات مالم نیست.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: ثواب قرض نزد ما هیجده برابر است و ثواب صدقه ده برابر؛ چه اشکالی دارد که چون توانگر هستی - چنان که می گویی - به او چیزی عطا کنی و چون زمان دادن زکات مالت فرا رسید آن را جزء زکات حساب کنی؟

ای عثمان! او را رد نکن، زیرا ردّ او نزد خداوند [گناهی] بزرگ است.

ای عثمان! اگر بدانی که جایگاه مؤمن نزد خدا چه اندازه است، در برآوردن حاجتش سستی نمی کنی. هرکه مؤمنی را شادمان سازد رسول خدا را شادمان ساخته است، و برآوردن حاجت مؤمن، دیوانگی و جذام و پیسی را از انسان برطرف می کند.

1- (1)) الکافی: 34/4 ح4،عنه الوسائل: 359/16 ح 21759.

«۶»قرض دادن

اشاره

یکی از راه های مورد تأکید در برآوردن نیاز دیگران، قرض دادن است که در اسـلام سفارش ها و فضایل زیادی در مورد آن وارد شده است. در اسـلام از یک سو درباره ی قرض دادن و نیز مهلت دادن به مقروض یا بخشـیدن قرض، سفارش شده است و از سوی دیگر، پرداخت قرض و ادای دَینی که برگردن انسـان است، مورد تأکیـد قرار گرفته است: در اینجـا آیات و روایاتی درباره ی هر دو موضوع (قرض دادن و پرداخت دین) ذکر خواهـد شـد. یادآوری می شود که مفهوم دَین أعم از مفهوم قرض است. دین شامل هر بـدهی که بر گردن انسان است نیز می شود؛ چه آن را قرض کرده باشـد یا به شـکل دیگری بدهکار شده باشد، مانند این که چیزی را غصب کرده باشد یا در معامله ای بدهکار شده باشد یا مال کسی را از بین برده باشد و... .

الف) اهمّیّت و پاداش قرض دادن و جزای ترک آن

۱ - قال اللّه سبحانه: مَن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَعِفَهُ و لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً وَاللَّهُ یَقْبِضُ وَیَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۱).

۱ - خداونـد متعال فرمود: کیست آن کس که به [بنـدگان] خـدا وام نیکویی دهـد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خدا است که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد، و به سوی او بازگردانده می شوید.

۱- (۱)) البقره: ۲۴۵.

۲ - إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقَٰتِ وَ أَقْرَضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱).

۳ - وَ أَقِيمُواْ الصَّلَوٰةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَوٰةَ وَ أَقْرِضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲).

۴ - إِن تُقْرِضُوااللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۳).

۵ - عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال:

مَن أقرض أخاه المسلم کان له بکلّ درهم أقرضه وزن جبل احد [وحرا و ثبیر] و جبال رضوی و طور سَیناء حسنات، فإن رفق به فی طلبه بعد أجله جاز علی الصراط کالبرق الخاطف اللامع بغیر حساب و لا عذاب، ومَن شکا إلیه أخوه المسلم فلم یقرضه حرّم اللّه علیه الجنّه یوم یجزی المحسنین (۴).

۲ - در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، واجری نیکو خواهند داشت.

۳ - و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید، و وام نیکو به خدا دهید، و هر کار خوبی برای خویش از پیش به فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیش تر باز خواهید یافت، و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده ی مهربان است.

۴ - اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید، و خدا [است که] سپاس پذیر بردبار است.

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر درهمی که قرض داده است، به اندازه ی کوه احد و حرا و ثبیر و کوه های رضوی و طور سینا، حسنات پاداش گیرد،

و اگر پس از فرا رسیدن وقت پرداخت، در طلب آن مدارا کند، همچون برق جهنده ی درخشان، بدون حساب و کیفر از صراط بگذرد.

و هرکس برادر مسلمانش به او اظهار نیاز کند و قرضش ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش دهد بهشت را بر او حرام کند.

۱- ((۱)) الحدید: ۱۸.

۲- ((۲)) المزّمّل: ۲۰.

۳- ((۳)) التغابن: ۱۷.

٤- (٤)) ثواب الأعمال: ٣٤١ ضمن ح١، عنه الوسائل: ٣٣١/١٨ ح٢٣٧٨٧.

۶ – قال النبیّ صلی الله علیه و سلم : رأیت علی باب الجنّه مکتوباً: القرض بثمانیه عشر والصّدقه بعشر، فقلت:

یا جبریل! ما بال القرض أعظم أجراً؟ قال: لأنّ صاحب القرض لا یأتیک إلّاوهو محتاج، وربما وقعت الصّدقه فی غنیّ (۱).

۷ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : ألف درهم اقرضها مرّتین أحبّ إلیَّ من أن أتصدّق بها مرّه، وکما لا یحلّ لغریمک أن یمطلک وهو موسر فکذلک لا یحلّ لک أن تعسره إذا علمت أنّه معسر (۲).

۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام فی قوله تعالی لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِّن نَّجْوَلهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إصلاحٍ بَیْنَ النّاسِ (۳)قال: یعنی بالمعروف، القرض (۴).

۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أقرض مؤمناً قرضاً ینتظر به میسوره ۶ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دیدم بر درب بهشت نوشته است:

ثواب قرض هیجده برابر و ثواب صدقه ده برابر است.

گفتم: ای جبرئیل چرا پاداش قرض بیش تر است؟

گفت: زیرا قرض گیرنده نزد تو نمی آید مگر آن که نیازمند است ولی صدقه چه بسا به بی نیاز داده می شود.

۷ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر هزار درهم را دوبار قرض دهم خوش تر است برای من از این که آن را یک بار صدقه دهم.

و همان طور که بر بدهکارت جایز نیست در صورت توان، دادن حقّت را به تأخیر اندازد، بر تو نیز جایز نیست که اگر می دانی او توانایی ندارد، در فشار قرارش دهی.

۸ – امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که می فرماید:

«در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازش میان مردم، فرمان دهد».

فرمود: مقصود از معروف، قرض دادن است.

۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس به مؤمنی قرض دهد و تا زمانی که بتواند برگرداند به او مهلت دهد،

۱– (۱)) کنز العمّال: ۲۱۱/۶ ح ۱۵۳۸۲.

٢- (٢)) ثواب الأعمال: ١۶٧ ح۵ والتهذيب: ١٩٢/۶ ح۴١٨، عنهماالوسائل: ٣٣۴/١٨ ح٢٣٧٩٣ وص٣۶۶ ح ٢٣٨۶١.

٣- (٣)) النساء: ١١۴.

۴- (۴)) الكافى: ٣۴/۴ ح٣، الفقيه: ۵٨/٢ ح ١٧٠٠، عنهما الوسائل: ٣١٧/١۶ ح٢١۶۴٩.

كان ماله فى زكاه، وكان هو فى صلاه من الملآئكه حتّى يؤدّيه إليه (1).

١١ - قال النبيّ صلى الله عليه و آله : مَن احتاج إليه أخوه المسلم فى قرض وهو يقدر عليه فلم يفعل، حرّم اللّه عليه ريح الجنّه (2).

مال او [در حساب] زكات است و خود او غرق در درود فرشتگان است تا زمانى كه قرض را به او برگرداند.

١٠ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هركه برادر مسلمانش براى قرض به او محتاج شود و او بتواند قرض دهد ولى ندهد، خداوند بوى بهشت را بر او حرام كند.

١- (١)) ثواب الأعمال: ١۶۶ ح ١، عنه الوسائل: ٣٣٠/١٨ ح ٢٣٧٨٥.

٢- (٢)) أمالي الصدوق: ٣۵٠ م ۶۶ ضمن ح ١.

ب) شاهد یا وثیقه گرفتن برای دین، و تعیین زمان بازگرداندن آن

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی:

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِى عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِى عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْضَعِيفًا أَوْ لَايَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُواشَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَلهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَلهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواوَلَا تَسْمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُم أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَدَهِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُواإِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُواإِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۱ - خداوند متعال فرمود:ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه به وامی تا سررسید معین ،بایکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت میان شما بنویسد و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛همان گونه[و به شکرانه ی آن]که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است بایداملا کند، و او [نویسنده] بنویسد و از خدا که پروردگار او است پروانمایدو از آن، چیزی نکاهد. پس اگرکسی که حقّ بر ذمّه ی او است، سفیه یا ناتوان است یاخودنمی تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت،املانماید.ودو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید،پس اگردومرد نبودند مردی را با دو زن، از میان گواهانی که[به عدالت آنان]رضایت دارید[گواه بگیرید] تا [اگر] یکی از آن دو فراموش کرد، دیگری وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند نباید خودداری ورزند. وازنوشتنِ بدهی چه خُرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید ،تا سر رسیدش[فرارسد].این[نوشتنِ] شما، نزد خدا عادلانه تر،وبرای شهادت استوارتر، و برای این که دچارشک نشوید[به احتیاط]نزدیک تر است،مگر آن که داد و ستد نقدی باشد که آن رامیان خود [دست به دست] برگزار می کنید؛دراین صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید.و[درهرحال]هرگاه دادو ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند،

وَ إِن تَفْعَلُواْ فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱) وَإِن كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُواكَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُواالشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ ءَاثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲).

۲ - قال أميرالمؤمنين عليه السلام :

سمعت رسول اللّه صلى الله عليه و آله يقول: ثلاثه لا يستجيب اللّه لهم بل يعذّبهم ويوبّخهم، ...والثّالث رجلٌ أوصاه اللّه تعالى أن يحتاط لدَينه بشهودٍ وكتاب فلم يفعل ذلك ودفع ماله إلى غير ثقه بغير وثيقه فجحده أو بخسه، فهو يقول «اللّهمّ يا ربّ ردّ عليَّ مالى»، يقول اللّه عزّ وجلّ له «يا عبدى! قد علّمتك كيف تستوثق لمالك ليكون محفوظاً لئلّا يتعرّض للتلف فأبيت، فأنت الآن تدعونى، وقد ضيّعت مالك وأتلفته وخالفت وصيّتى، فلا أستجيب لك...» (۳).

و اگر چنین کنید از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می دهد و خدا به هرچیزی دانا است. و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید وثیقه ای بگیرید، و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده باید سپرده ی وی را بازپس دهد و باید از خداوند که پروردگار او است، پروا کند. و شهادت را کتمان مکنید و هرکه آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می دهید دانا است.

۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود از رسول خدا شنیدم که می فرمود: خداوند دعای سه کس را مستجاب نمی کند بلکه آنان را کیفر می دهد و توبیخ می نماید. ... سوّمی شخصی است که خداوند متعال او را سفارش کرده است که برای طلب خود، با گرفتن گواهان و نوشتن، محکم کاری کند، ولی او این کار را نکرده و مال خود را بدون وثیقه به شخص غیر مطمئن داده و او آن را منکر شده یا ناقص پرداخت کرده است و آن وقت شخص طلبکار می گوید «بارالها! مالم را به من برگردان».

خداوند عزّ و جلّ به او می گوید «ای بنده ی من! به تو آموختم که چگونه برای مال خود وثیقه بگیری تا مالت محفوظ بماند و در معرض نابودی قرار نگیرد و تو امتناع کردی، اکنون مرا می خوانی در حالی که مال خود را تباه ساخته و نابود کرده ای و با سفارش من مخالفت نموده ای. من دعایت را متسجاب نمی کنم...».

۱- ((۱)) البقره: ۲۸۲.

۲- ((۲)) البقره: ۲۸۳.

۳- ((۳)) التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ۶۵۳ضمن ح ۳۷۲،عنه البحار:۱۰۴/۳۰۵ضمن ح ۱۰.

۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن ذهب حقّه علی غیر بیّنه لم یؤجر (۱).

۴ – عن عامر بن جذاعه قال:

دخل علی أبی عبداللّه علیه السلام رجلٌ فقال: یا أباعبداللّه! قرضاً إلی میسره، فقال أبوعبداللّه علیه السلام : إلی غلّه تدرک؟

فقال: لا واللّه، فقال: إلی تجاره تؤدّی؟

فقال: لا واللّه، قال: فإلی عقده تباع؟

فقال: لا واللّه، فقال: أنت إذاً ممّن جعل اللّه له فی أموالنا حقّاً.

فدعا أبوعبداللّه علیه السلام بکیسٍ فیه دراهم، فأدخل یده فناوله قبضه ثمّ قال: اتّق اللّه، ولا تسرف ولا تقتر، وکن بین ذلک قواماً، إنّ التبذیر من الإسراف، قال اللّه وَلَاتُبَذِّرْ تَبْذِیرًا . (۲) وقال: إنّ اللّه تعالی لایعذّب علی القصد (۳).

– امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس حقّش را از روی نداشتن شاهد از دست دهد، به پاداشی نمی رسد.

۴ – عامربن جذاعه می گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت: ای اباعبداللّه! تا زمان گشایش قرض می خواهم.

حضرت فرمود: تا هنگام به دست آمدن محصول؟

گفت: نه به خدا سوگند.

فرمود: تا موقع انجام تجارتی؟

گفت: نه به خدا سوگند.

فرمود: تا وقت فروش ملکی؟

عرض کرد: نه به خدا سوگند.

فرمود: پس در این صورت تو از کسانی هستی که خداوند در اموال ما برای او حقّی قرار داده است.

آن گاه حضرت کیسه ی درهمی خواست و دست خود را داخل آن کرد و یک مشت به او داد و فرمود: از خدا پروا کن و اسراف مکن و سخت نگیر و میان آن دو، معتدل باش.

ولخرجی از اسراف است و خداوند متعال می فرماید «و ولخرجی و اسراف مکن».

سپس امام فرمود: خداوند متعال کسی را بر میانه روی کیفر ندهد.

۱- (۱)) الکافی: ۲۹۸/۵ ح۳،عنه الوسائل: ۳۳۹/۱۸ح ۲۳۸۰۰.

۲- (۲)) الإسراء: ۲۶.

۳- (۳)) تفسیر العیّاشی: ۲۸۸/۲ ح۵۶،عنه المستدرک:۵۱/۱۳ ح۱۴۷۱۶ ونحوه فی ح۱۴۷۱۷وفیه «علیّ بن جذاعه».

ج) فضیلت مهلت دادن به مدیون و یا گذشتن از دین

۱ – قال اللّه تبارک وتعالی وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱).

۲ – عن الرّضا علیه السلام – وقد سأله رجل عن النّظره فی قوله تعالی فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (۲) هل لها حدٌّ یُعرف إذا صار هذا المعسر لا بدّ له من أن ینظر و قد أخذ مال هذا الرّجل وأنفق علی عیاله ولیس له غلّه ینتظر إدراکها ولا دَین ینتظر محلّه ولا مال غائب ینتظر قدومه؟ – قال: نعم، ینتظر بقدر ما ینتهی خبره إلی الإمام فیقضی عنه ما علیه من سهم الغارمین إذا کان أنفقه فی طاعه اللّه، فإن کان أنفقه فی معصیه اللّه فلا شیء له علی الإمام... (۳).

۱ – خداوند تعالی فرمود: «واگر [بدهکار] تنگدست بود پس مهلتی باید تا گشایشی یابد و این که صدقه بدهید برایتان بهتر است اگر بدانید».

۲ – شخصی از امام رضا علیه السلام درباره ی «مهلت» در آیه ی شریفه ی «پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او بدهید]» پرسید: آیا برای آن زمان و مهلت، حد و مرزی وجود دارد که معلوم شود باید به این تنگدست [تا آن زمان] مهلت داد، در حالی که مال این شخص را گرفته و برای خانواده ی خود هزینه کرده است و نه محصولات کشاورزی دارد که برداشت آن را انتظار کشد و نه طلبی از دیگران دارد که برای فرا رسیدن پایان مدت آن منتظر بماند و نه مال غایبی که منتظر به دست آمدن آن باشد؟

حضرت فرمود: آری، به اندازه ای که گزارش حال او به حاکم (شرع) برسد منتظر می ماند. در آن صورت حاکم (شرع) بدهی او را از سهمیه ی بدهکاران [تنگدست در بیت المال] پرداخت می کند. البته این در صورتی است که آن دین را در راه فرمانبری خدا هزینه کرده باشد؛ ولی اگر دین را در راه نافرمانی خدا خرج کرده باشد چیزی به عهده ی حاکم(شرع) نیست...
.

۱- (۱)) البقره: ۲۸۰.

۲- (۲)) البقره: ۲۸۰.

۳- (۳)) تفسیر العیّاشی: ۱۵۵/۱ ح ۵۲۰،عنه البحار: ۱۵۲/۱۰۳ ح ۱۸ وراجع فقه الرضا علیه السلام : ۲۶۸.

۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن أراد أن یظلّه اللّه یوم لا ظلّ إلّا ظلّه – قالها ثلاثاً فهابه الناس أن یسألوه، فقال: – فلینظر معسراً أو لیَدع له من حقّه (۱).

۴ – قال الصادق علیه السلام فی وصیّه طویله لأصحابه:

... و إیّاکم و إعسار أحدٍ من إخوانکم المسلمین أن تعسروه بالشّیء یکون لکم قبله وهو معسر، فإنّ أبانا رسول اللّه صلی الله علیه و آله کان یقول: لیس لمسلم أن یعسر مسلماً، ومَن أنظر معسراً أظلّه اللّه بظلّه یوم لا ظلّ إلّاظلّه (۲).

۵ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: یُبعث یوم القیامه قومٌ تحت ظلّ العرش و وجوههم من نور و ریاشهم من نور، جلوس علی کراسیّ من نور، قال: فتشرف لهم الخلائق فیقولون: ... هؤلاء شهداء؟

۳ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

هرکه می خواهد زیر سایه ی [حمایت] خداوند باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی اونیست – این را سه بار فرمود و مردم به سبب احترام و بزرگی آن حضرت چیزی نپرسیدند، پس ادامه داد: – باید [بدهکار] تنگدست را مهلت دهد، یا برای او از حقّ خود بگذرد.

۴ – امام صادق علیه السلام در ضمن سفارشی طولانی به اصحابش، فرمود:

...از سخت گیری بر هر یک از برادران مسلمانتان بپرهیزید؛ از این که او را – که تنگدست است – برای طلبتان در تنگنا قرار دهید؛ زیرا جدّ ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

شایسته نیست مسلمانی مسلمان دیگری را در تنگنا قرار دهد، و هرکه تنگدستی را مهلت دهد سایه ی رحمت خدا او را فرا می گیرد در روزی که هیچ سایه ی جز سایه او نیست.

۵ – از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

روز قیامت گروهی زیر سایه ی عرش خدا برانگیخته می شوند در حالی که چهره هاشان از نور و لباس های فاخرشان از نور است و بر صندلی هایی از نور نشسته اند.

آن گاه مردم آنان را می بینند و می گویند:

...اینان شهیدانند؟

۱- (۱)) الکافی: ۴/ ۳۵ح۱ والفقیه: ۵۹/۲ ح۱۷۰۵، عنهما الوسائل: ۳۱۹/۱۶ ح ۲۱۶۵۴ ورواه العیّاشی فی تفسیره: ۱۵۳/۱ ح ۵۱۳ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله .

۲- (۲)) الکافی: ۹/۸ ضمن ح۱، عنه الوسائل: ۳۶۶/۱۸ ح ۲۳۸۶۰.

فینادی منادٍ من تحت العرش أن لیس هؤلاء شـهداء، ولکن هؤلاء قومٌ کانوا ییسـرون علی المؤمنین، وینظرون المعسـر حتّی ییسر (۱).

۶ – قـال: رسول اللّه صـلی الله علیه و سـلم : یؤتی برجـلٍ یوم القیامه فیقول اللّه: انظروا فی عمله، فیقول: ربّ ما کنت أعمل خیراً غیر أنّه کان لی مال وکنت اخالط الناس، فمَن کان موسـراً یسّـِرت علیه ومَن کان معسراً أنظرته إلی میسره، قال اللّه عزّ و جلّ: أنا أحقّ مَن یسّر فغفر له (۲).

۷ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله – فی ذِکر منزله علیّ علیه السلام – :

... فإنّ اللّه یبعث یوم القیامه أقواماً تمتلئ من جهه السیّئات موازینهم فیقال لهم: هذه السیّئات فأین الحسنات؟ وإلّا فقد عطبتم.

پس منادی از زیر عرش ندا می دهد:

اینان شـهیدان نیستند، بلکه گروهی هستند که بر مؤمنان آسان می گرفتند و بدهکار تنگدست را تا زمان گشایش یافتن، مهلت می دادند.

۶ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

روز قیامت مردی را می آورند.

خداوند می فرماید:

در عمل او بنگرید.

پس او می گوید:

پروردگـارا کـار خیری انجـام نـداده ام جز ایـن کـه مـالی داشـتم و بـا مردم معاشـرت می کردم، پس هرکـه توانـایی داشت در پرداخت دین بر او آسان می گرفتم و هرکه تنگدست بود به او تا زمان توانایی مهلت می دادم.

خداوند عزّ وجلّ می فرماید:

«من سزاوارترین کسی هستم که آسان بگیرد»، پس او را می آمرزد.

۷ – رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی منزلت علی علیه السلام فرمود:

... خداوند روز قیامت اقوامی را محشور می کند که ترازوهای اعمالشان پر از گناه است.

به آنان گفته می شود این ها گناهان شماست پس حسنات شما کجاست وگرنه هلاک خواهید شد.

۱- (۱)) ثواب الأعمال: ۱۷۴ ح۱ وتفسير العيّاشي: ۱۵۴/۱ ح۵۱۸ ، عنهما الوسائل: ۳۶۶/۱۸ ح۲۳۸۶۲ و رواه المجلسی فی البحار: ۱۵۱/۱۰۳ ح۱۶عن تفسير العيّاشی.

۲- (۲)) مسند أحمد: ۴۰۷/۵ و بمعناه فی تفسير أبی الفتوح الرّازی: ۴۰۴/۲، عنه المستدرک: ۴۱۲/۱۳ ح۱۵۷۵۷.

فیقولون: یا ربّنا! ما نعرف لنا حسنات. فإذا النداء من قِبَل اللّه عزّ و جلّ:

لئن لم تعرفوا لأنفسکم عبادی حسنات فإنّی اعرّفها لکم، واُوفّرها علیکم.

ثمّ تأتی الریح برقعه صغیره وتطرحها فی کفّه حسناتهم، فترجح بسیّئاتهم بأکثر ممّا بین السماء والأرض، فیقال لأحدهم: خذ بید أبیک واُمّک وإخوانک وأخواتک وخاصّتک وقراباتک وأخدانک ومعارفک فأدخلهم الجنّه.

فیقول أهل المحشر: یا ربّنا! أمّا الذنوب فقد عرفناها، فماذا کانت حسناتهم؟ فیقول اللّه عزّ وجلّ:

یا عبادی! مشی أحدهم ببقیه دَین علیه لأخیه إلی أخیه فقال:

خذها فإنّی احبّک بحبّک لعلیّ بن أبی طالب علیه السلام ، فقال له الآخر: قد ترکتها لک بحبّک لعلیّ بن أبی طالب علیه السلام ولک من مالی ما شئت.

فشکر اللّه تعالی ذلک لهما فحطّ به خطایاهما، وجعل ذلک فی حشو صحائفهما وموازینهما، وأوجب لهما ولوالدیهما ولذرّیّتهما الجنّه... (۱).

می گویند: پروردگارا! ما برای خود حسناتی سراغ نداریم. در آن هنگام از جانب خداوند عزّ و جلّ ندا می رسد: ای بندگان من! اگر شما برای خودتان حسناتی سراغ ندارید من شما را به آن آگاه می کنم و آن را برای شما فراوان می سازم.

آن گاه باد کاغذ کوچکی را می آورد و آن را در ترازوی حسناتشان می اندازد؛ پس بر گناهانشان ترجیح می یابد به اندازه ی بیش از فاصله میان آسمان و زمین.

آن گاه به یکی از آنان گفته می شود: دست پدر و مادر و برادران و خواهران و خاصّان و نزدیکان و دوستان و آشنایان خود را بگیر و وارد بهشت کن.

اهل محشر می گویند: ای پروردگارا! گناهانشان را دانستیم، حسناتشان چه بود؟ خداوند عزّ و جلّ می فرماید: ای بندگان من! یکی از آنان که به دیگری مدیون بود سراغ آن یکی دیگر رفت و گفت: باقی مانده ی طلب خود را بگیر، من تو را به سبب محبت تو به علی بن ابی طالب علیه السلام ، دوست دارم. پس دیگری گفت: من نیز آن را به دلیل محبّتت به علی بن ابی طالب علیه السلام به تو بخشیدم و هرچه از اموالم می خواهی نیز بردار.

خداوند متعال از آن دو به جهت این کارشان سپاس گزاری کرد و خطاهایشان را فرو ریخت، و آن را در میان نامه های اعمال و در ترازوی اعمالشان قرار داد، و برای آن دو و پدر و مادر و فرزندانشان بهشت را واجب کرد.

١- (١)) التفسير المنسوب الى الامام العسكرى (ع)١٣٨ ضمن ح ٧٠ عنه البحار ٦٨/٣٨ضمن ح ٦.

۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

لئن اقرض قرضاً أحبّ إلیَّ من أن أصل بمثله... . مَن أقرض قرضاً فضرب له أجلاً ـ فلم یؤت به عند ذلک الأجل فإنّ له من الثواب فی کلّ یوم یتأخّر عن ذلک الأجل مثل صدقه دینار واحد فی کلّ یوم (۱).

۹ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: مَن یسّر علی مؤمن وهو معسر یسّر اللّه له حوائجه فی الدّنیا والآخره (۲).

۱۰ – عن الحسن بن خنیس قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : إنّ لعبدالرحمن بن سیابه دَیناً علی رجل قد مات وقد کلّمناه أن یحلّله فأبی، فقال: ویحه! أما یعلم أنّ له بکلّ درهم عشره إذا حلّله، فإذا لم یحلّله فإنّما له درهم بدل درهم (۳).

۸ – امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مالی قرض دهم برایم خوشایندتر است از این که مانند آن مال را ببخشم... .

کسی که قرض دهد و برای باز پرداخت آن زمانی تعیین کند و در آن هنگام باز پرداخت نشود، برای او در برابر تأخیر هر روز ثوابی برابر با ثواب صدقه دادن یک دینار [سکّه زر] در هر روز خواهد بود.

۹ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که بر مؤمن تنگدست آسان گیرد، خداوند حاجت هایش را در دنیا و آخرت آسان کند.

۱۰ – حسن بن خنیس می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

عبدالرّحمان بن سیابه بر مردی که از دنیا رفته است دینی دارد.

با او صحبت کردیم آن را حلال کند ولی او خودداری ورزید.

امام علیه السلام فرمود: وای بر او! آیا نمی داند که چون آن را حلال کند در برابر هر درهمی [ثواب] ده درهم را می برد، ولی اگر آن را حلال نکند تنها یک درهم طلبکار است.

۱- (۱)) ثواب الأعمال: ۱۶۷ ح۴، عنه الوسائل: ۳۳۰/۱۸ ح۲۳۷۸۳.
۲- (۲)) ثواب الأعمال: ۱۶۳ ح۱،عنه الوسائل: ۳۷۱/۱۶ح۲۱۷۹۱.نحوه فی الکافی: ۲۰۰/۲ ح۵،عنه الوسائل:۳۷۱/۱۶ح۲۱۷۹۰.
۳- (۳)) الکافی: ۳۶/۴ ح۱ وثواب الأعمال: ۱۷۴ ح۱والفقیه: ۵۹/۲ ح۱۷۰۶، وج ۱۸۹/۳ ح۳۷۱۵ والتهذیب: ۱۹۵/۶ ح۴۲۷.

۱۱ – عن إسحاق بن عمّار قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : ما للرّجل أن یبلغ من غریمه؟ قال:

لا یبلغ به شیئاً، اللّه أنظره (۱).

۱۲ – عن جابر قال: سمعته [جعفراً علیه السلام] یقول: إنّ نبیّ اللّه أطلع ذات یوم من غرفه له فإذا هو برجل یلزم رجلًا، ثمّ أطلع من العشیّ فإذا هو ملازمه، ثمّ إنّ النبیّ صلی الله علیه و آله نزل إلیهما فقال:

ما یقعدکما هاهنا؟ قال أحدهما: یا رسول اللّه! إنّ لی قِبَل هذا حقّاً قد غلبنی علیه،

فقال الآخر: یا نبیّ اللّه! له علیّ حقّ وأنا معسر ولا واللّه ما عندی،

فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أراد أن یظلّه اللّه من فَوح جهنّم یوم لاظلّ إلّا ظلّه فلینظر معسراً ولیدع له،

فقال الرّجل عند ذلک: قد وهبت لک ثلثاً وأخّرتک بثلث إلی سنه وتعطینی ثلثاً، فقال النبیّ صلی الله علیه و آله : ما أحسن هذا (۲).

۱۱ – اسحاق بن عمّار می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

شخص با بدهکار خود [که بدهی اش را نداده است] چه کند؟

فرمود: با او کاری نداشته باشد، خدا به او مهلت داده است.

۱۲ – جابر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی سر از منزل خود بیرون کرد. دید مردی مرد دیگری را رها نمی کند.

شب نیز سر بیرون کرد دید همان مرد از او جدا نمی شود.

نزد آن دو رفت و پرسید: چه چیزی شما دو تا را این جا نشانده است؟

یکی از آن دو گفت: ای رسول خدا! من بر او حقّی دارم که نمی دهد.

دیگری گفت:ای رسول خدا صلی الله علیه و آله !اوبرمن حقّی دارد، ولی من در تنگنا هستم و سوگند به خدا چیزی ندارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه بخواهد خدا او را از حرارت سوزان جهنّم – در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی او نیست – زیر سایه ی خود درآورد، باید به شخص تنگدست مهلت دهد و او را واگذارد.

در این هنگام مرد طلبکار گفت: یک سوم طلبم را بخشیدم ودریافت یک سوم را تا یک سال به تأخیر می اندازم و یک سوم

دیگر را به من بده.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه نیکو است این کار!

ص:۹۴

۱- (۱)) تفسير العيّاشي: ۱۵۴/۱ ح۵۱۶،عنه الوسائل: ۳۶۷/۱۸ ح۲۳۸۶۵.

۲- (۲)) كتاب جعفر بن محمّد بن شريح الحضرمی (ضمن الأُصول الستّه عشر): ۲۳۰ ح۵۵، عنه المستدرك: ۴۱۱/۱۳ ح۱۵۷۵۳.

۱۳ – عن بریده قال: سمعت رسول اللّه صلی الله علیه و سلم یقول: مَن أنظر معسراً فله بکلّ یوم مثله صدقه.

قال ثمّ سمعته یقول: مَن أنظر معسراً فله بکلّ یوم مثلیه صدقه.

فسأله بریده عن مثله ومثلیه، فأجاب صلی الله علیه و سلم : له بکلّ یوم صدقه قبل أن یحلّ الدَین، فإذا حلّ الدَین فأنظره فله بکلّ یوم مثلیه صدقه (۱).

۱۴ – قال الصادق علیه السلام : إنّ اللّه عزّو جلّ یحبّ إنظار المعسر، ومَن کان غریمه معسراً فعلیه أن ینظره إلی میسره إن کان أنفق ما أخذه فی طاعه اللّه، وإن کان أنفق ذلک فی معصیه اللّه تعالی فلیس علیه أن ینظره إلی میسره، ولیس هو من أهل هذه الآیه الّتی قال اللّه تعالی فَنَظِرَهُ إِلَیٰ مَیْسَرَهٍ (۲)(۳).

۱۳ – بریده می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هرکه بدهکار تنگدستی را مهلت دهد، برایش در هر روز ثواب صدقه ی برابر آن مال است.

سپس شنیدم که می فرمود: هرکس بدهکار تنگدستی را مهلت دهد برایش در هر روزی ثواب صدقه ی دو برابر آن مال است.

بریده درباره ی «برابر مال و دو برابر مال» از حضرت پرسید.

آن حضرت پاسخ داد: پیش از این که زمان پرداخت دین فرا برسد برای هر روزی ثواب صدقه ی برابر آن مال است، وچون زمان پرداخت وام فرا رسد و طلبکار او را مهلت دهد، برای او در هر روزی ثواب صدقه ی دو برابر آن است.

۱۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزّوجلّ مهلت دادن بدهکار تنگدست را دوست دارد.

هرکه بدهکارش تنگدست باشد، اگر آنچه را قرض کرده است در راه فرمانبری از خدا هزینه کرده باشد، بر شخص لازم است که تازمان گشایش به او مهلت دهد و اگر در راه نافرمانی خدا هزینه کرده باشد، بر طلبکار لازم نیست تا زمان گشایش به او مهلت دهد؛ در این صورت او مصداق سخن خدای متعال نیست که فرمود: «پس تا [هنگام] گشایش مهلتی [به او بدهید]».

ص:۹۵

۱- ((۱)) مسند أحمد: ۳۶۰/۵.

۲- ((۲)) البقره: ۲۸۰.

۳- ((۳)) الهدایه: ۳۱۷ ونحوه فی المقنع: ۳۷۶،عنهما المستدرک: ۱۳ / ۴۱۲ ح۱۵۷۵۵ ورواه المجلسی فی البحار: ۱۵۳/۱۰۳ ح۲۴عن الهدایه.

۱۵ - عن معتّب قال: دخل محمّد بن بشر الوشّاء علی أبی عبداللّه علیه السلام یسأله أن یکلّم شهاباً أن یخفّف عنه حتّی ینقضی الموسم، وکان له علیه ألف دینار، فأرسل إلیه فأتاه فقال له:

قد عرفت حال محمّد وانقطاعه إلینا، وقد ذکر أنّ لک علیه ألف دینار لم تذهب فی بطن ولا فرج وإنّما ذهبت دَیناً علی الرّجال و وضایع وضعها، وأنا احبّ أن تجعله فی حلّ، فقال: لعلّک ممّن یزعم أنّه یقبض من حسناته فتعطاها، فقال:

کذلک فی أیدینا، فقال أبوعبداللّه علیه السلام : اللّه أکرم وأعدل من أن یتقرّب إلیه عبده فیقوم فی اللّیله القرّه (۱)، أو یصوم فی الیوم الحارّ، أو یطوف بهذا البیت ثمّ یسلبه ذلک فیعطاه، ولکن للّه فضلٌ کثیرٌ یکافی المؤمن، فقال:

فهو فی حلّ (۲).

۱۵ - معتّب گوید: محمد بن بشر وشّاء خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از حضرت درخواست کرد با شهاب صحبت کند تا در مورد پرداخت هزار دیناری که به او بدهکار است آسان بگیرد تا زمان [تنگدستی] بگذرد.

حضرت سراغ شهاب فرستاد و او خدمت حضرت رسید.

حضرت فرمود: از حال محمد که به ما پناه آورده بود آگاه شدم. می گفت هزار دینار به تو بدهکار است که آن را برای شکم و ازدواج به کار نگرفته، بلکه برای دیون و ودیعه های خود استفاده کرده است. دوست دارم او را حلال کنی.

آن گاه ادامه داد: شاید تو از کسانی هستی که گمان می برند در برابر این کارش حسنات بدهکار را می گیرند و به او می دهند؟

شهاب گفت: چنین به ما خبر رسیده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بخشنده تر و عادل تر از آن است که بنده اش در شب سرد به عبادت بپردازد یا روز داغ را روزه بگیرد یا خانه ی خدا را طواف کند تا به او تقرّب جوید، سپس ثوابش را از او بگیرد و به دیگری عطا کند؛ بلکه خداوند دارای فضل بسیار است که به مؤمن می بخشد. شهاب گفت: او را حلال کردم.

۱- (۱) لیله قرّه: بارده. (النهایه: ۳۸/۴).

۲- (۲) الکافی: ۳۶/۴ ح۲،عنه الوسائل: ۳۲۲/۱۶ ح ۲۱۶۵۹ والبحار: ۳۶۴/۴۷ ح ۸۰ .

۱۶ - عن سـلمه بن محمّد بيّاع القلانس قال: مرّ أبوعبداللّه عليه السـلام على رجلٍ قد ارتفع صوته على رجل يقتضـيه شيئاً يسيراً، فقال: بكم تطالبه؟ قال: بكذا وكذا،

فقال أبوعبداللّه عليه السـلام : أما بلغك أنّه كان يقال لا دِين لمن لا مروءه له؟! (۱)۱۶ - سلمه بن محمد مى گويد: امام صادق عليه السلام بر مردى گذر كرد كه با صداى بلند چيز اندكى را از شخصى مطالبه مى كرد.

حضرت فرمود: چه مقدار از او مطالبه مى كنى؟ گفت: فلان مقدار.

امام صادق عليه السلام فرمود: آيا نشنيده اى كه گفته اند هركه جوانمردى ندارد دين ندارد؟!

ص:۹۷

۱- (۱)) الكافى: ۴۳۸/۶ ح۳،عنه الوسائل: ۱۳/۵ ح ۵۷۶۰ .

«۷»ادای دَین

الف) سفارش اسلام به بازگرداندن دین و قرض و قصد آن را داشتن

۱ – عن أبی جعفر الباقر علیه السـلام قال: کلّ ذنب یکفّره القتل فی سبیل اللّه عزّ و جلّ إلّاالدَین، لا کفّاره له إلّاأداؤه، أو یقضی صاحبه أو یعفو الّذی له الحقّ (۱).

۲ – عن بشّار عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: أوّل قطره من دم الشهید کفّاره لذنوبه إلّاالدَین، فإنّ کفّارته قضاؤه (۲).

۳ – عن أبی ثمـامه قال: قلت لأبی جعفر الثّانی علیه السـلام : إنّی اریـد أن الزم مکّه أوالمـدینه وعلیَّ دَین فما تقول؟ فقال: ارجع فأدّه إلی مؤدّی دَینک، ۱ – از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

کشته شـدن در راه خدا هر گناهی را می پوشاند جز بدهکاری را که هیچ راه پوششـی ندارد جز پرداخت آن؛ مگر آن که یار او [ولیّ او یا وارث او یا امام یا دیگری] آن را بپردازد یا طلبکار، آن را ببخشد.

۲ – بشّار از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

نخستین قطره ی خون شهید، کفاره ی گناهان او است جز بدهکاری که کفاره ی آن پرداخت آن است.

۳ – ابوثمامه می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم:

می خواهم ساکن مکه یا مدینه شوم ولی بدهکارم؛

چه می فرمایید؟

فرمود:

برگرد و دَینت را به طلبکارت بپرداز

۱- (۱)) الکافی: ۹۴/۵ ح۶،عنه الوسائل: ۳۲۴/۱۸ ح ۲۳۷۷۱.

۲- (۲)) الفقیه: ۱۸۳/۳ ح ۳۶۹۱، عنه الوسائل: ۳۲۶/۱۸ ح۲۳۷۷۵.

وانظر أن تلقى اللّه تعالى وليس عليك دَين، إنّ المؤمن لا يخون (۱).

۴ - عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله - لمّا مرّ بشابّ يسوق أبعره سماناً ليرتزق بها على عياله ويقضى دَينه - قال: إنّ له لأجراً مثل أجر الغازى وأجر الحاجّ وأجر المعتمر (۲).

۵ - عن سماعه قال: قلت لأبى عبداللّه عليه السلام : الرّجل منّا يكون عنده الشّىء يتبلّغ به وعليه دَين، أيطعمه عياله حتّى يأتى اللّه عزّوجلّ بميسره فيقضى دَينه أو يستقرض على ظهره فى خبث الزّمان وشدّه المكاسب أو يقبل الصّدقه؟

قال:يقضى بما عنده دَينه ولا يأكل أموال الناس إلّاوعنده ما يؤدّى إليهم حقوقهم، إنّ اللّه عزّوجلّ يقول: لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (۳)ولا يستقرض على ظهره إلّاوعنده وفاء ولو طاف على أبواب النّاس و مواظب باش در حالى خدا را ملاقات كنى كه بدهكار نباشى. مؤمن خيانت نمى كند.

۴ - رسول خدا صلى الله عليه و آله چون به جوانى گذر كرد كه شتران فربهى را مى چرانيد تا با آن ها روزى عيال خود را فراهم آورَد و دين خود را بپردازد، فرمود:

براى او پاداشى همچون پاداش جهادگر در راه خدا و پاداش انجام دهنده ى حجّ و پاداش عمره گزار است.

۵ - سماعه مى گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: مردى از ما اموالى دارد كه به آن قناعت مى كند [و زندگى مى گذراند] و از طرفى بدهكار است. آيا آن را براى مصرف عيال خود هزينه كند تا زمانى كه خداوند عزّ وجلّ به او وسعت دهد و آن گاه دَين خود را بپردازد؛ يا با آن بدهى خود را بدهد و در زمان پستى و سختى كسب درآمد، [براى تأمين هزينه هاى زندگى خود] قرض كند و بار سنگين آن را بر دوش كشد؛ يا صدقه ى ديگران را بپذيرد؟

حضرت فرمود: با آن بدهى خود را بپردازد، و اموال مردم را مصرف نكند [خود را مديون آن ها نكند] مگر زمانى كه چيزى داشته باشد كه حقوق آنان را بپردازد؛ خداوند عزّ و جلّ مى فرمايد:

«اموال همديگر را به ناروا مخوريد مگر آن كه داد و ستدى با رضايت يكديگر، از طرف شما [انجام گرفته] باشد»، و بار قرض را بر دوش خود ننهد مگر زمانى كه توان باز پرداخت آن را داشته باشد، گرچه به قيمت اين باشد كه درب خانه هاى مردم

۱- ((۱)) الكافى: ۹۴/۵ ح۹ والتهذيب: ۱۸۴/۶ ح۳۸۲ وعلل الشرائع: ۵۲۸ ب۳۱۲ ح۷،عنها الوسائل: ۳۲۴/۱۸ ح۲۳۷۷۲.

۲- ((۲)) دعائم الإسلام: ۱۵/۲ ح۷.

۳- ((۳)) النساء: ۲۹.

فردّوه بـاللّقمه واللّقمتين والتّمره والتّمرتين، إلّاأن يكون له وليّ يقضـى دَينه من بعـده، ليس منّا من ميّت إلّاجعل اللّه عزّ و جلّ له وليّاً يقوم فی عِدَته ودَينه فيقضی عِدَته ودَينه (۱).

۶ - عن أسباط بن سالم قال:

دخلت علی أبی عبداللّه عليه السلام فسأ لَنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت: صالح ولكنّه قد ترک التجاره، فقال أبوعبداللّه عليه السلام :

عمل الشيطان - ثلاثاً - أما علم أنّ رسول اللّه صلی الله عليه و آله و سلم اشتری عِيراً أتت من الشّام فاستفضل فيها ما قضی دَينه و قسّم فی قرابته، يقول اللّه عزّ و جلّ رِجَالٌ لَّاتُلْهِيهِمْ تِجَرَةٌ وَ لَابَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوةِ وَ إِيتَآءِ الزَّكَوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَرُ (۲) - إلی آخر الآيه - يقول القصّاص «إنّ القوم لم يكونوا يتّجرون» كذبوا، ولكنّهم لم يكونوا يدَعون الصلاه برود تا يک لقمه و دو لقمه غذا يا يک دانه و دو دانه خرما به او صدقه بدهند.

مگر [در صورتی می تواند قرض كند] كه وليّی داشته باشد كه پس از او دينش را ادا كند.

كسی از ما [اهل بيت] از دنيا نمی رود جز اين كه خدای عزّ و جلّ برايش وليّی قرار می دهد تا وعده اش را عملی كند و دينش را بپردازد.

۶ - اسباط بن سالم می گويد: خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم.

حضرت از ما پرسيد عمر بن مسلم چه كار می كند؟ عرض كردم خوب است، ولی تجارت را كنار گذاشته است.

فرمود: شغل شيطان را پيشه كرده است. - اين را سه بار فرمود. - آيا نمی داند كه رسول خدا صلی الله عليه و آله بار و متاعی را كه از شام آورده بودند فروخت و در آن سود كرد و از آن سود دَين خود را پرداخت و ميان خويشاوندانش نيز تقسيم كرد.

خداوند عزّوجلّ می فرمايد «مردانی كه هيچ تجارت و داد و ستدی، آنان را از ياد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زكات باز نمی دارد [و] از روزی كه در آن دل ها و ديدگان دگرگون شود، بيمناكند.»

قصّه گويان و دروغ پردازان آيه را اين گونه معنا می كنند: «قومی كه تجارت نمی كنند» آنان دروغ گفته اند؛ بلكه آن ها نماز

۱- (۱)) الكافی: ۹۵/۵ ح۲ والفقيه: ۱۸۴/۳ ح ۳۶۹۳ والتهذيب: ۱۸۵/۶ ح۳۸۳، عنها الوسائل: ۳۲۵/۱۸ ح۲۳۷۷۳

۲- (۲)) النّور: ۳۷.

فی میقاتها، وهو أفضل ممّن حضر الصلاه و لم یتّجر (۱).

۷ - روی: مَن کان علیه دَین ینوی قضاءه یُنصر من اللّه، حافظاه یعینانه علی الأداء، فإن قصرت نیّته نقصوا عنه من المعونه بمقدار ما یقصر منه من نیّته (۲).

۸ - قال النبیّ صلی الله علیه و آله : الـدَین دَینان: فمَن مات وهو ینوی قضاءه فأنا ولیّه، ومَن مات ولا ینوی قضاءه فـذاک الّـذی یؤخذ من حسناته، لیس یومئذٍ دینار ولا درهم (۳).

۹ - عن الباقر علیه السلام قال: إنّ اللّه عزّوجلّ مع صاحب الدَین حتّی یؤدّیه ما لم یأخذه ممّا یحرم علیه (۴).

۱۰ - عن الولیـد بن صبیـح قـال: جاء رجلٌ إلی أبی عبـداللّه علیه السـلام را در وقت خودش رها نمی کننـد، و این برتر است از کسی که در نماز حاضر شود و تجارت نکند.

۷ - از معصوم علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هرکه دینی برگردنش باشد که قصد ادای آن را داشته باشد، از جانب خدا یاری می شود، دو فرشته ی نگهبانش او را بر ادای آن یاری و کمک می کنند؛

پس اگر تصمیمش در پرداخت آن، ضعیف شود، به همان اندازه کمک آنان نیز کم می شود.

۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدهی دو گونه است:

هر که از دنیا برود و قصد پرداخت آن را داشته باشد من سرپرست [و یاری کننده] او هستم.

و هرکه از دنیا برود و قصد پرداخت آن را نداشته باشد، این همان است که از حسناتش بر می دارند، [زیرا] در آن روز دینار و درهمی نیست.

۹ - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

خداوند عزّوجلّ تا زمانی که بدهکار دینش را بپردازد همراه او است، به شرطی که آن را برای کار حرام نگرفته باشد.

۱۰ - ولید بن صبیح می گوید:

مردی خدمت امام صادق علیه السلام

۱- (۱)) الکافی: ۷۵/۵ ح۸ والتهذیب: ۳۲۶/۶ ح۸۹۷، عنهما الوسائل: ۱۴/۱۷ ح ۲۱۸۶۰.

٢- (٢)) فقه الرّضا عليه السلام : ٢٥٧،عنه البحار: ١٤٧/١٠٣ ح٨ وفيه «يُنصب من اللّه حافظان».

٣- (٣)) الجامع الصغير: ٢٦٢ ح٤٣٠٥ و كنز العمّال: ٢٣١/٦ ح ١٥٤٧٧.

٤- (٤)) الفقيه: ١٨٤/٣ ح٣٦٩٥، عنه الوسائل: ٣٢٢/١٨ ح٢٣٧٦٥.

یدّعی علی المعلّی بن خنیس دَیناً علیه. قال فقال: ذهب بحقّی.

قال: فقال له: ذهب بحقّک الّذی قتله. ثمّ قال للولید: قم إلی الرّجل فاقضه من حقّه فإنّی ارید أن أبرد علیه جلده وإن کان بارداً (۱).

آمد و ادعا کرد که معلّی بن خنیس به او بدهکار است و گفت: او حقّ مرا بُرده است.

امام فرمود: حقّ تو را آن کس برد که معلّی بن خنیس را کشت. آن گاه به ولید فرمود:

برخیز به سوی این مرد برو و حقّش را ادا کن، من می خواهم پوست معلّی را خنک کنم، گرچه خنک است.

۱- (۱)) علل الشرائع: ۵۲۹ ب۳۱۲ ح۸ ،عنه البحار: ۱۴۳/۱۰۳ ح۱۱.

ب) نکوهش عدم پرداخت دین و قرض یا قصد پرداخت نداشتن

۱ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن استدان دَیناً فلم ینو قضاءه کان بمنزله السارق (۱).

۲ - عن أحدهم علیهم السلام قال:

یؤتی یوم القیامه بصاحب الدَین یشکو الوحشه، فإن کانت له حسنات اخذت منه لصاحب الدَین. قال: وإن لم یکن له حسنات القی علیه من سیّئات صاحب الدَین، إنّ علی عهد رسول اللّه صلی الله علیه و آله مات رجلٌ وعلیه دیناران فاُخبر النبیّ صلی الله علیه و آله فأبی أن یصلّی علیه، وإنّما فعل ذلک لکیلا یجترئوا علی الدَین... (۲).

۳ - عن یونس بن ظبیان قال:

قال أبوعبداللّه علیه السلام : یا یونس! مَن حبس حقّ المؤمن أقامه اللّه یوم القیامه خمسمائه عام علی رجلیه

۱ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

هرکه قرض کند و قصد بازپرداخت آن را نداشته باشد همانند دزد است.

- از یکی از معصومین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

روز قیامت، مدیون را که از وحشت می نالد می آورند، پس اگر حسنات داشته باشد آن ها را از او می گیرند و به طلبکار می دهند، و اگر حسنات نداشته باشد از گناهان صاحب دین بر او می افکنند.

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از دنیا رفت که دو دینار بدهکار بود.

به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند؛ حضرت از نماز گزاردن بر او خودداری کرد و این کار را برای آن انجام داد که کسی بر [تأخیر] دین جرأت نَکُنَد.... .

۳ - یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

ای یونس! کسی که حقّ مؤمنی را از او باز دارد، خداوند روز قیامت پانصد سال او را سرپا نگه می دارد

۱- (۱)) الکافی: ۹۹/۵ ح۲،عنه الوسائل: ۳۲۸/۱۸ ح۲۳۷۷۹.

۲- (۲)) علل الشرائع: ۵۲۸ ب۳۱۲ ح۶،عنه البحار: ۱۴۲/۱۰۳ ح۹.

حتّی یسیل من عَرقه أودیه، وینادی منادٍ من عند اللّه: هذا الظالم الّذی حبس عن المؤمن حقّه. قال: فیوبّخ أربعین یوماً ثمّ یؤمر به إلی النّار (۱).

۴ - عن أبی حمزه قال:

سمعت أباجعفر الباقر علیه السلام یقول:

مَن حبس مال امریءٍ مسلم وهو قادر علی أن یعطیه إیّاه مخافه إن خرج ذلک الحقّ من یده أن یفتقر، کان اللّه عزّ و جلّ أقدر علی أن یفقره منه علی أن یفنی نفسه بحبسه ذلک الحقّ (۲).

۵ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: أیّما مؤمن حبس مؤمناً عن ماله وهو محتاج إلیه لم یذق واللّه من طعام الجنّه ولا یشرب من الرّحیق المختوم (۳).

۶ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله - فی حدیث المناهی - أنّه قال: ومَن یمطل علی ذی حقّ حقّه وهو یقدر علی أداء حقّه فعلیه تا آن جا که عرق او در دره ها روان می شود، و منادی از جانب خدا ندا می کند

«این همان ستمگری است که حق فلان مؤمن را بازداشته است».

پس چهل روز توبیخ می شود، سپس دستور می رسد او را به جهنم برند.

۴ - ابوحمزه می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

هرکه از ترس فقیر شدن، مال مسلمانی را با وجود توانایی بازپرداخت آن، نزد خود نگه دارد و به او ندهد، خداوند از او تواناتر است که او را به دلیل نپرداختن آن حقّ، با گرفتن جانش نیازمند کند.

۵ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

سوگند به خدا هر مؤمنی که مال مؤمنی را - که به آن نیاز دارد - نزد خود نگه دارد، غذای بهشتی را نمی چشد و از نوشیدنی سربسته ی بهشتی نخواهد نوشید.

۶ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مناهی نقل شده است که فرمود:

هرکه ادای حقّ صاحب حقّی را به تأخیر اندازد در حالی که بر پرداخت آن قادر است،

۱- (۱)) ثواب الأعمال: ۲۸۶ ح ۱.

٢- (٢)) الكافي: ١٠١/٥ ح٦،عنه الوسائل: ٣٣٢/١٨ ح٢٣٧٨٨.
٣- (٣)) ثواب الأعمال: ٢٨٦ ح٢، عنه البحار: ١٤٧/١٠٣ ح٧ .

كلّ يوم خطيئه عشّار (۱).

۷ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ليّ الواجد بالدَين يُحلّ عِرضه وعقوبته ما لم يكن دَينه فيما يكره اللّه عزّ و جلّ (۲).

۸ - عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله أ نّه قال: ليس ذنب أعظم عند اللّه بعد الكبائر من رجلٍ يموت وعليه دَين لرجال وليس له ما يقضى عنه (۳).

برای هر روز برگردن او گناه ماليات بگيران ظالم است.

۷ - پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمودند: شخص دارايى كه در پرداخت دين خود سر بدواند، [بردن] آبرو و كيفر دادنش روا است، به شرطى كه دادن دين به او در راهى نبوده باشد كه خداى عزّ و جلّ دوست ندارد.

۸ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: پس از گناهان كبيره گناهى بزرگ تر از اين نيست كه مردى از دنيا برود و برگردن او دين ديگران باشد و چيزى نداشته باشد كه با آن دينش پرداخت شود.

ص:۱۰۵

۱- (۱)) الفقيه: ۱۶/۴ ضمن ح ۴۹۷۱ (حديث المناهى) عنه الوسائل: ۳۳۳/۱۸ح ۲۳۷۹۰.

۲- (۲)) أمالى الطوسى: ۵۲۰ ح۱۱۴۶،عنه الوسائل: ۳۳۳/۱۸ ح۲۳۷۹۳.

۳- (۳)) مستدرك الوسائل: ۳۹۳/۱۳ ح۱۵۶۹۹عن تفسير أبى الفتوح.

ج) مستثنیات دین

۱ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : إنّ الدَین یقضی من صاحبه یوم القیامه إذا مات إلّامَن یدین فی ثلاث خلال:

الرّجل تضعُفُ قوّته فی سبیل اللّه فیستدین یتقوّی به لعدوّ اللّه وعدوّه، ورجلٌ یموت عنده مسلم لایجد ما یکفّنه ویواریه إلّابدَین، ورجلٌ خاف اللّه علی نفسه العُزبه فینکح خشیهً علی دینه، فإنّ اللّه یقضی عن هؤلاء یوم القیامه. (۱)۲ - عن عثمان بن زیاد قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : إنّ لی علی رجل دیناً وقد أراد أن یبیع داره فیقضینی.

قال: فقال أبوعبداللّه علیه السلام : اعیذک باللّه أن تخرجه من ظلّ رأسه (۲).

۳ - عن عبـداللّه بن المغیره عن برید العجلی قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السـلام : إنّ علیَّ دیناً - وأظنّه ۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدیون که از دنیا برود، روز قیامت دین را از او می گیرند، جز در سه مورد:

مردی که توان خود را در راه خـدا از دست می دهـد، پس قرض می کنـد تا با آن در برابر دشـمن خدا و خود، قدرت یابد؛ و مردی که مسـلمانی نزد او از دنیا می رود و جز با قرض کردن نمی توانـد چیزی فراهم کنـد که او را کفن و دفن نمایـد؛ و مرد مجرّدی که بر خود از ازدواج نکردن بترسـد و از بیم به خطر افتادن دینش، با قرض کردن ازدواج کنـد. خداوند دین این ها را روز قیامت ادا می کند.

۲ - عثمان بن زیاد می گویـد به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: من از شخصـی طلبی دارم و او می خواهـد منزل خود را بفروشد تا طلب مرا بدهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پناه بر خدا که او را از سایبانش بیرون کشی.

۳ - عبداللّه بن مغیره از برید عجلی نقل کرده است که گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

بر ذمّه ی من دینی است - و فکر می کنم که

۱- (۱)) سنن ابن ماجه: ۸۱۴/۲ ح۲۴۳۵.

۲- (۲)) الکافی: ۹۷/۵ ح۸ والتهذیب: ۱۸۷/۶ ح ۳۹۰، عنهما الوسائل: ۳۴۰/۱۸ ح۲۳۸۰۳.

قال: لأيتام - وأخاف إن بعت ضيعتی بقيت وما لی شیء، فقال:

لا تبع ضيعتک ولکن أعطه بعضاً وأمسک بعضاً (۱).

۴ - عن أبی عبداللّه عليه السلام قال:

لا تباع الدار ولا الجاريه فی الدَين، وذلک لأنّه لابدّ للرّجل من ظلّ يسکنه وخادم يخدمه (۲).

گفت: مال يتيم ها است - و بيم آن دارم که اگر ملك و زمينم را بفروشم چيزی برايم باقی نماند.

حضرت فرمود: زمين خود را نفروش، بلکه مقداری [از آن] را به او بده و برخی را [برای خود] نگهدار.

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: برای باز پرداخت دين، منزل و کنيز فروخته نمی شود؛ زيرا شخص ناچار است سرپناهی داشته باشد تا در آن سکونت کند، و خادمی داشته باشد که به او خدمت نمايد.

۱- (۱)) الکافی: ۹۶/۵ ح۴ والفقيه: ۱۸۴/۳ ح۳۶۹۶ والتهذيب: ۱۸۶/۶ ح۳۸۸، عنها الوسائل: ۳۴۰/۱۸ ح۲۳۸۰۲.

۲- (۲)) الکافی: ۹۶/۵ ح۳ وعلل الشرائع: ۵۲۹ ب۳۱۳ ح۱ والتهذيب: ۱۸۶/۶ ح۳۸۷، عنها الوسائل: ۳۳۹/۱۸ ح۲۳۸۰۱.

«۸»سرپرستی یتیمان و بی نوایان

۱ – عن أبی جعفر علیه السـلام قـال: واللّه لأن أحـجّ حجّه أحبّ إلیّ من أن اعتق رقبه و رقبه و رقبه ومثلها ومثلها حتّی بلغ عشـراً ومثلهـا ومثلهـا حتّی بلغ السـبعین، ولأـن أعول أهل بیت من المسـلمین أسـدّ جوعتهم وأکسو عورتهم فأکفّ وجوههم عن النّاس أحبّ إلیّ من أن أحجّ حجّه وحجّه وحجّه ومثلها ومثلها حتّی بلغ عشراً ومثلها ومثلها حتّی بلغ السّبعین (۱).

۲ – عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال:

مَن عال ثلاث بنات فأدّبهنّ وزوّجهنّ وأحسن إلیهنّ فله الجنّه (۲).

۱ – از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

به خـدا سوگنـد اگر حجّی بگزارم برایم محبوب تر است از این که بنده ای را آزاد کنم و باز هم بنده ای و بنده ای و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده نفر، و برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد؛

و اگر خاندان مسلمانی را سرپرستی کنم [و مخارج آن ها را بدهم] و آنان را سیر نمایم و بر آنان لباس بپوشانم تا آبروی آنان را از مردم حفظ کنم، برایم محبوب تر است از این که حجّی بگزارم و باز هم حجّی و حجّی وماننـد آن و مانند آن تا برسد به ده حج و مانند آن و مانند آن تا برسد به هفتاد حجّ.

۲ – از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

هرکه سه دختر را سرپرستی کند و آنان را تربیت نماید و به ازدواج درآورد و به آنان نیکی نماید، بهشت از آن اوست.

۱- (۱)) الکافی: ۱۹۵/۲ ح ۱۱ ونحوه فی ج ۲/۴ ح۳، عنه الوسائل: ۳۷۳/۹ ح ۱۲۲۷۳.

۲- (۲)) مسند أحمد: ۹۷/۳ ونحوه فی الجامع الصغیر: ۵۳۴ ح ۸۸۴۷ .

۳ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: مَن عال جاریتین حتّی تدرکا دخلت أنا و هو فی الجنّه کهاتین.

۱) الأدب المفرد: ۲۴۲ ح۹۱۸ ونحوه فی الجامع الصغیر: ۵۳۴ ح۸۸۴۵ .

۳ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

هرکه دو دختر بچه را سرپرستی کند تا به سن بلوغ برسند، من و او وارد بهشت می شویم همانند این دو انگشت [سبابه و وسطی].

ص:۱۰۹

«۹»زینت و تجمّل در اسلام

۱ - قال اللّه عزّوجلّ یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَکُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّه الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّیِّبٰتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ آمَنُوا فی الْحَیاهِ الدُّنْیا خالِصَهً یَوْمَ الْقِیامَهِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِکُوا بِاللّه ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَأَنْ تَقُولُوا عَلَی اللّه ما لا تَعْلَمُونَ (۱).

۱ - ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به هر مسجدی با خود برگیرید و [از نعمت های الهی] بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.

بگو چه کسی زینت الهی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه و مطبوع را حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [هرچند دیگران هم استفاده می کنند] ولی روز قیامت مخصوص مؤمنان است. به این گونه، آیات را برای مردمی که می فهمند شرح می دهیم.

بگو پروردگار من فقط زشتکاری را چه آشکار و پنهان و گناهکاری و تجاوز به ناحق را حرام کرده و این که چیزی را شریک خدا قرار دهید که دلیلی درباره ی آن نازل نکرده است و این که چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید.

۱- (۱)) الأعراف: ۳۱ - ۳۳.

۲ – قـال الصّـادق عليه السـلام : إنّ اللّه تعـالى يحبّ الجمـال والتجميل، ويكره البؤس والتباؤس، فإنّ اللّه عزّ و جلّ إذا أنعم على عبدٍ نعمةً أحبّ أن يرى عليه أثرها. قيل:

وكيف ذلـك. قـال: ينظّف ثوبه، ويطيّب ريحه، ويجصّـص داره، ويكنس أفنيته، حتّى أنّ السـراج قبل مغيب الشّـمس ينفى الفقر ويزيد فى الرّزق (۱).

۳ – عن يوسف بن إبراهيم قال: دخلت على أبى عبداللّه عليه السـلام وعلىَّ جبّه خزّ وطيلسان خزّ، فنظر إلىَّ فقلت: جعلت فداك علىَّ جبّه خزّ وطيلسان خزّ فما تقول فيه؟ فقال: وما بأس بالخزّ.

قلت: وسداه إبريسم. قال:

وما بأس بإبريسم، فقد اصيب الحسين عليه السلام وعليه جبّه خزّ.

ثمّ قـال: إنّ عبـداللّه بن عبّـاس لمّا بعثه أميرالمؤمنين عليه السـلام إلى الخوارج فواقفهم لبس أفضل ثيابه وتطيّب بأفضل طيبه ۲ – امام صادق عليه السـلام فرمود: خداونـد متعال زيبايى و آراسـتن را دوست دارد و بى نوايى و تظاهر به بينوايى را خوش ندارد؛ زيرا خداى مقتدر و شكوهمند هرگاه نعمتى را بر بنده اى عنايت مى كند دوست دارد اثر آن در او ديده شود.

پرسيده شد: چگونه؟

حضـرت فرمود: جـامه اش را پاكيزه سازد و بوى خوش اسـتفاده نمايـد و خانه اش را گـچ كارى كنـد و جلو خانه اش را جارو كنـد؛ [و اهمّيّت اين امر] تا جايى [است] كه روشن كردن چراغ پيش از غروب خورشـيد، فقر و نيازمنـدى را از بين مى برد و روزى را مى افزايد.

۳ – يوسف بن ابراهيم نقل كرده است:

بر امام صادق عليه السلام وارد شدم و عبا و لبّاده ى خزّ پوشيده بودم. حضرت نگاهى به من كرد.

عرض كردم: لباس خزّ پوشيده ام، نظر شما چيست؟ فرمود: خزّ اشكالى ندارد.

عرض كردم: تار آن از ابريشم است.

فرمود: ابريشم [به طور مخلوط] هم اشكالى ندارد، هنگامى كه امام حسين عليه السلام به شهادت رسيد عباى خزّ پوشيده بود.

سپس فرمود: هنگامى كه عبداللّه بن عبّاس را اميرمؤمنان عليه السـلام به سوى خوارج گسـيل داشت او بهترين لباسـش را به تن كرد، بهترين عطرش را به كار برد

۱- (۱)) أمالی الطوسی: ۲۷۵ ح ۵۲۶،عنه مکارم الأخلاق: ۱۰۰/۱ ح ۱۹۰ و الوسائل: ۷/۵ ح ۵۷۴۶ و البحار: ۱۴۱/۷۶ ح ۵.

ورکب أفضل مراکبه فخرج فواقفهم، فقالوا: یا ابن عبّاس! بینا أنت أفضل النّاس إذا أتیتنا فی لباس الجبابره ومراکبهم! فتلا علیهم هـذه الآیه قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّه الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ فالبس وتجمّل فإنّ اللّه جمیل یحبّ الجمال ولیکن من حلال (۱).

۴ - عن بُرید بن معاویه قال:

قال أبوعبداللّه علیه السلام لعُبید بن زیاد:

إظهار النّعمه أحبّ إلی اللّه من صیانتها، فإیّاک أن تتزیّن إلّافی أحسن زیّ قومک. قال: فما رُئی عُبید إلّافی أحسن زیّ قومه حتّی مات (۲).

۵ - قال أمیرالمؤمنین علیه السلام :

لیتزیّن أحدکم لأخیه المسلم کما یتزیّن للغریب الّذی یحبّ أن یراه فی أحسن الهیئه (۳).

و نیکوترین مرکبش را سوار شد. هنگامی که با آنان روبرو گردید گفتند:

ای ابن عبّاس! تو که در میان ما برترین مردم هستی با لباس و مرکب جبّاران نزد ما آمده ای؟!

ابن عباس این آیه را برای آنان خواند.

«بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش آفریده و پاکیزه های رزق را حرام کرده است»،

پس بپوش و زیبا باش که خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد؛ ولی باید از حلال باشد.

۴ - برید ابن معاویه می گوید امام صادق علیه السلام به عبید بن زیاد فرمود:

اظهار نعمت، نزد خدا خوشایندتر است از حفظ و نگهداری آن؛ پس بپرهیز از این که خود را جز با نیکوترین لباس قومت بیارایی.

برید ابن معاویه می گوید: [پس از سفارش حضرت] عبید تا زمان مرگش جز به نیکوترین لباس قوم خود دیده نشد.

۵ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

باید هر یک از شما خود را برای دیدار برادر مسلمان خود بیاراید، چنان که خود را برای شخص ناآشنایی می آراید که دوست دارد او را در نیکوترین شکل ببیند.

۱- (۱)) الکافی: ۴۴۲/۶ ح۷.

۲- (۲)) الکافی: ۴۴۰/۶ ح۱۵،عنه الوسائل: ۸/۵ ح ۵۷۴۷ .

۳- (۳)) الکافی: ۴۳۹/۶ ح۱۰ والخصال: ۶۱۲، عنهما الوسائل: ۱۱/۵ ح۵۷۵۵ ونحوه فی مکارم الأخلاق: ۲۲۰/۱ ح۶۴۶.

۶ - قال أميرالمؤمنين عليه السلام :

النّظيف من الثّياب يذهب الهمّ والحزن، وهو طهور للصلاه (۱).

۷ - عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال:

البسوا ثياب القطن فإنّها لباس رسول اللّه صلى الله عليه و آله وهو لباسنا، ولم نكن نلبس الشعر والصوف إلّامن علّه. وقال: إنّ اللّه عزّ وجلّ جميل يحبّ الجمال، ويحبّ أن يرى أثر نعمته على عبده (۲).

۸ - عن أبی خداش المهری قال: مرّ بنا بالبصره مولیً للرّضا عليه السلام يقال له: عُبيد، فقال:

دخل قوم من أهل خراسان على أبی الحسن عليه السلام فقالوا له: إنّ النّاس قد أنكروا عليك هذا اللّباس الّذی تلبسه، قال فقال لهم:

إنّ يوسف بن يعقوب عليه السلام كان نبيّاً ابن نبیّ، ابن نبیّ وكان يلبس الديباج ويتزرّر بالذهب ويجلس مجالس آل فرعون، فلم يضعه ذلک، وإنّما يذمّ لو احتيج منه إلى قسطه، وإنّما على الإمام أ نّه إذا حكَم عدَل ۶ - اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: لباس پاكيزه، غم و غصه را بر طرف می كند و برای نماز پاكيزه تر است.

۷ - اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: جامه از جنس پنبه بپوشيد؛ زيرا آن، لباس رسول خدا و جامه ی ما می باشد، و ما هيچ گاه لباس از جنس مو و پشم نمی پوشيم مگر به خاطر بيماری.

و فرمود: خداوند متعال زيبا است و آراستگی را دوست دارد، و دوست دارد كه اثر نعمت او در بنده اش ديده شود.

۸ - از ابی خداش مهری نقل شده است كه گفت: در بصره، يكی از غلامان امام رضا عليه السلام كه به او عبيد می گفتند با ما برخورد كرد.

او گفت: گروهی از اهل خراسان بر امام رضا عليه السلام وارد شدند و به او عرض كردند:

مردم اين لباس را كه شما پوشيده ايد مناسب نمی دانند.

حضرت به آنان فرمود: يوسف فرزند يعقوب عليهما السلام كه پيامبر و فرزند پيامبر و نوه ی پيامبر بود لباس ديبا می پوشيد و دگمه ی طلا به كار می برد و در مجالس آل فرعون [حاكمان آن زمان] می نشست و اين از شأن او نمی كاست؛ بلی، در جايی كه عدالت آن [پيشوا] مورد نياز باشد [و او كوتاهی كند] نكوهش می شود.

وظيفه ی امام اين است كه اگر داوری كند به عدل حكم كند

١- (١)) الكافي: ٤٤٤/٦ ح١٤.

٢- (٢)) الخصال: ٦١٣ ضمن حديث الأربعمائه.

وإذا وعدَ وفى وإذا حدّث صدق، وإنّما حرّم اللّه الحرام بعينه ما قلّ منه وما كثر، وأحلّ اللّه الحلال بعينه ما قلّ منه وما كثر (۱).

و هنگامی که وعده کرد وفا کند و اگر سخن گفت راست بگوید؛ و خداوند حرام را حرام کرده است، چه کم باشد چه زیاد، و حلال را حلال شمرده است، چه کم باشد چه زیاد.

ص:۱۱۴

۱- (۱)) مکارم الأخلاق: ۲۲۰/۱ ح ۶۴۷.

(فصل دوّم):کیفیت مصرف و بایسته های آن(چگونه مصرف کنیم)

اشاره

ص:۱۱۵

«۱»اهمّیّت مدیریت صحیح و آینده نگری در مصرف

۱ – عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال:الکمال کلّ الکمال: التفقّه فی الدّین، والصّبر علی النّائبه، والتّقدیر فی المعیشه (۱).

۲ – قال علیّ علیه السلام :إذاأراداللّه بعبدٍ خیراً ألهمه الإقتصاد وحُسن التّدبیر، وجنّبه سوء التّدبیر والإسراف (۲).

۳ – قال الصّادق علیه السلام : إذا أراد اللّه بقومٍ خیراً... زیّن فیهم حُسن النّظر فی تدبیر معاشهم، والرّفق بالإقتصاد فی نفقاتهم... (۳).

۴ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

یستدلّ علی الإدبار بأربع:

سوء التّدبیر، وقبح التّبذیر، وقلّه الإعتبار، و کثره الإغترار (۴).

۱ – از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

همه ی کمالات در ژرف نگری در دین،

شکیبایی بر گرفتاری ها،

و سنجش و محاسبه گری در امور زندگی است.

۲ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد، میانه روی و نیکو تدبیر کردن را به او الهام کند، و او را از بدتدبیری و زیاده روی دور سازد.

۳ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه خداوند خیر گروهی را بخواهد...

آنان را به نیک اندیشی در اداره ی زندگیشان و به مدارا در هزینه هاشان به وسیله ی میانه روی، می آراید.

۴ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دلیل پشت کردن دنیا چهارچیز است:

تدبیر و مدیریت نادرست، زیاده روی ناپسند، عبرت گرفتن کم، و فریب خوردن بسیار.

١- (١)) مستدرك الوسائل: ٥٣/١٣ ح١٤٧٢٣.

٢- (٢)) مستدرك الوسائل: ٢٦٦/١٥ ضمن ح١٨٢٠٣.

٣- (٣)) مستدرك الوسائل:١٩٠/١١ ح١٢٧١٢.

٤- (٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٥٥٢ ح١٠١٧٦.

۵ – عن الحسين قال: سمعت رجلاً يقول لأبی عبدالله عليه السلام :

بلغنی أنّ الإقتصاد والتّدبير فی المعيشه نصف الكسب.

فقال أبوعبدالله عليه السلام : لا، بل هو الكسب كلّه ومن الدّين، التّدبير فی المعيشه (۱).

۶ – عن السّجّاد عليه السلام – دعاؤه فی المعونه على قضاء الدَّين – :

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآله، واحجبنی عن السّرَف و الإزدياد، وقوّمنی بالبذل والإقتصاد، و علّمنی حُسن التّقدير، واقبضنی بلطفك عن التّبذير، وأجر من أسباب الحلال أرزاقی، و وجّه فی أبواب البرّ إنفاقی، و ازوِ عنّی من المال ما يحدث لی مخيلةً أو تأدّياً إلى بغی، أو ما أتعقّب منه طغياناً (۲).

۷ – قال علیّ أميرالمؤمنين لابنه الحسن عليهما السلام : حُسن التّدبير مع الكفاف أكفى لك من الكثير مع الإسراف (۳).

۵ – حسين گويد شنيدم مردی به امام صادق عليه السلام می گفت: شنيده ام كه ميانه روی و سنجش و مديريت در امور زندگی نيمی از كسب است؟

حضرت فرمود: نه، بلكه تمام كسب است، و سنجش و مديريت در امور زندگی، جزئی از دين است.

۶ – امام سجاد عليه السلام در دعای خود برای كمك خواستن بر ادای دين فرمود:

بارالاها! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از اسراف و زياده روی باز دار، و بر بخشش و ميانه روی پايدار بدار، و به من محاسبه گری درست [در امور زندگی] بياموز و با لطف خود مرا از هدر دادن [مال] نگه دار، و روزی هايم را از راه های حلال به سويم روان ساز، و انفاقم را در راه های خير قرار بده، و آن اموالی را كه خود برتربينی برايم پديد می آورد يا مرا به ستمگری وا می دارد يا از آن به سركشی می افتم از من بازدار.

۷ – اميرمؤمنان علی عليه السلام به فرزندش حسن عليه السلام فرمود:

تدبير نيكو همراه با داشتن روزی به اندازه ی كافی، كفايت كننده تر است برای تو از داشتن اموال فراوان همراه با زياده روی.

۱– (۱)) أمالی الطوسی: ۲۸۳/۲.

۲– (۲)) الصحيفه السجّاديه الجامعه: ۱۵۱ دعاء ۷۹.

۳– (۳)) تحف العقول: ۷۹.

۸ – قال علیّ أمیر المؤمنین علیه السلام :

القلیل مع التّدبیر أبقی من الکثیر مع التّبذیر (۱).

۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : من المروءه استصلاح المال (۲).

۱۰ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

ذر الإسراف مقتصداً، واذکر فی الیوم غداً (۳).

۱۱– قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

الحازم مَن تجنّب التّبذیر وعاف السّرَف (۴).

۱۲ – عن الولید بن صبیح قال:

کنت عند أبی عبداللّه علیه السلام فجاءه سائل فأعطاه، ثمّ جاءه آخر فأعطاه، ثمّ جاءه آخر فقال: وسّع اللّه علیک.

ثمّ قال: إنّ رجلاً ـ لو کان له مال یبلغ ثلاثین أو أربعین ألف درهم ثمّ شاء أن لا یبقی منها شیئاً إلّاوضعه فی حقٍّ لفعل فیبقی لا مال له، فیکون من الثّلاثه الّذین یردّ دعاؤهم.

۸ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

[مال] اندک با تدبیر و سنجش. ماندگارتر از [مال] بسیار با ولخرجی است.

۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سامان بخشیدن به مال و ثروت نشانه ی جوانمردی است.

۱۰ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

با میانه روی از اسراف کردن بپرهیز، و از امروز در اندیشه ی فردا باش.

۱۱ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دوراندیش کسی است که از ولخرجی دوری کند و از زیاده روی بپرهیزد.

۱۲ – ولید بن صبیح می گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، سائلی نزد او آمد و حضرت عطایش فرمود،

سپس سائل دیگری آمد و حضرت چیزی به او بخشید،

سپس سائل سوّم آمد و حضرت عطایش فرمود،

سپس چهارمی آمد و حضرت فرمود:

خدا توانگرت کند.

سپس فرمود:

اگر کسی سی یا چهل هزار درهم داشته باشد و بخواهد همه را در [راه] حقّی مصرف کند و خودش بی مال بماند، از آن سه نفری خواهد بود که دعایشان مستجاب نمی شود.

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۸ ح۱۴۸۶.
۲- (۲)) الفقیه: ۱۶۶/۳ ح۳۶۱۹، عنه الوسائل: ۶۴/۱۷ ح ۲۱۹۹۰.
۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۵۶ ح۴۷۵۱.
۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۸ ح ۱۲۲۰.

قال قلت: مَن هم؟

قال: أحدهم رجلٌ كان له مال فأنفقه فى [غير] وجهه، ثمّ قال:

يا ربّ ارزقنى، فيقول الرّبّ عزّوجلّ: ألم أرزقك؟

ورجلٌ جلس فى بيته ولاـ يسعى فى طلب الرّزق ويقول: يا ربّ ارزقنى، فيقول الرّبّ عزّوجلّ: ألم أجعل لك سبيلًا إلى طلب الرّزق.

ورجلٌ له امرأه تؤذيه فيقول:

يا ربّ خلّصنى منها، فيقول اللّه عزّ وجلّ: ألم أجعل أمرها بيدك (۱).

۱۳ – قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنّ المؤمن يأخذ بأدب اللّه عزّ وجلّ، إذا وسّع عليه اتّسع وإذا أمسك عليه أمسك (۲).

۱۴– قال علىّ أميرالمؤمنين عليه السلام :

من لم يُحسن الإقتصاد أهلكه الإسراف (۳).

۱۵ – قال السّجّاد عليه السلام – فى الإستعاذه من المكاره – :

عرض كردم: آنان چه كسانى هستند؟

فرمود: يكى كسى است كه مال دارد و آن را در غير موردش مصرف كند، سپس بگويد «پروردگارا! روزى ام دِه»، پروردگار سبحان مى فرمايد «آيا روزيت ندادم؟»

و ديگرى كسى است كه در خانه ى خود بنشيند و در طلب رزق نكوشد و بگويد «پروردگارا! روزى ام ده»، پروردگار سبحان مى فرمايد «آيا برايت راهى به سوى كسب روزى قرار نداده ام؟»

و سوّمى مردى است كه همسرى دارد كه او را آزار مى دهد، پس مى گويد «پروردگارا! مرا از دست او برهان»، خداى سبحان مى فرمايد «آيا طلاق او را در اختيار تو قرار نداده ام؟»

۱۳ – رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا مؤمن با ادب خداى عزّ و جلّ رفتار مى كند: هر وقت بر او گشايش دهد او نيز [در زندگى] توسعه دهد و هنگامى كه در دادن روزى بر او تنگ گيرد، او نيز [در مصرف كردن] سخت مى گيرد.

۱۴ – اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: هركس ميانه روى را نيك ندارد اسراف او را نابود مى كند.

۱۵ – امام سجاد عليه السلام در دعايى – كه در مورد پناه بردن به خدا از زشتى ها است – فرمود:

۱- (۱)) الفقیه: ۶۹/۲ ح ۱۷۴۹.

۲- (۲)) الکافی: ۱۲/۴ ح ۱۲.

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۴۵ ح۷۸۰۹ ونحوه فی غرر الحکم: ۶۴۱/۲ ح ۵۵۱،عنه المستدرک: ۵۴/۱۳ ضمن ح۱۴۷۲۴.

...ونعوذ بـك من تناول الإسـراف، ومن فقـدان الكفاف، ونعوذ بك من شـماته الأعـداء، ومن الفقر إلى الأكفاء، ومن معيشه فى شـدّه، وميته على غير عُـدّه، ونعوذ بك من الحسـره العظمى، والمصـيبه الكبرى، وأشـقى الشّـقاء، وسوء المآب، وحرمان الثّواب، وحلول العقاب (۱).

۱۶ - عن أبى جعفر الباقر عليه السلام قال: لقى رجلٌ أميرالمؤمنين عليه السلام وتحته وسق من نوى، فقال له:

ما هذا يا أباالحسن تحتك؟ فقال:

مائه ألف عذق إن شاء اللّه.

قال: فغرسه فلم يغادر منه نواه واحده (۲).

... و به تو پناه می بريم از دست يازيـدن به اسـراف، و از نيافتن كفاف؛ و به تو پناه می بريم از شاد شـدن دشـمنان در گرفتاری های ما، و از نيازمندی به امثال خود، و از زيستن در سختی و از مردن بر تهی دستی؛ و به تو پناه می بريم از عظيم ترين حسرت و بزرگ ترين گرفتاری، و از بدترين بدبختی ها، و از بدی بازگشتگاه و از محروم شدن از ثواب، و از فرود آمدن عذاب... .

۱۶ - امام باقر عليه السـلام فرمود: مردی اميرمؤمنان عليه السـلام را ملاقات كرد در حالی كه زير حضـرت يک بار شتر از هسته ی خرما بود. به حضرت گفت: ای اباالحسن! اين كه رويش نشسته ای چيست؟ ايشان فرمود: صدهزار شاخه نخل إن شاءاللّه.

امام باقر عليه السلام فرمود: اميرمؤمنان عليه السلام آن هسته ها را كاشت و هيچ هسته ای را دور نريخت و رها نكرد.

ص:۱۲۱

۱- (۱)) الصحيفه السجّاديه الجامعه: ۶۹ دعاء ۲۶.

۲- (۲)) الكافى: ۷۴/۵ ح۶،عنه الوسائل: ۴۱/۱۷ ح۲۱۹۳۱.

«۲»اقتصاد

الف – مفهوم اقتصاد

اقتصاد به معنی میانه روی و رفتار بینابینی است. یکی از معانی قَصد هم همین است، به طوری که گفته اند «قصد در امور» یعنی حد اعتدال بین افراط و تفریط. (۱)در قرآن کریم آمده است: مِنْهُمْ امَّهٌ مُقْتَصِدَهٌ (۲) که گفته شده است یعنی امّت معتدل در امر دین و تسلیم در برابر امر خدا (۳). در آیه ی دیگری از قول لقمان خطاب به فرزندش آمده است: وَ اقْصِدْ فِی مَشْیِکَ (۴) یعنی در راه رفتن (وروش زندگی) خود میانه رو باش.

مرحوم طبرسی ذیل آیه ی مِنْهُمْ امَّهٌ مُقْتَصِدَهٌ درباره ی معنای اقتصاد گفته است: اقتصاد یعنی استواء (تعادل و درستی) در عمل که به هدف خود منجر می شود. دلیل اشتقاق اقتصاد از ماده ی قَصْد(وارتباط آن با این لفظ) این است که اگر کسی قصد چیزی را دارد که جای آن را می داند، در راه مستقیم و درست به سوی آن حرکت می کند، برخلاف کسی که در جستجوی چیزی، متحیّر و سرگردان است (وقصد مکان معلومی ندارد).

اقتصاد در موارد مختلفی به کار می رود که یکی از موارد رایج آن، اقتصاد در خرج کردن و مصرف کردن است که به معنی اعتدال و حد وسط بین زیاده روی

۱- (۱)) ر. ک. مجمع البحرین: ۳ / ۱۴۸۳..

۲- (۲)) المائده: ۶۶..

۳- (۳)) المیزان: ۳۸/۶..

۴- (۴)) لقمان: ۱۹..

و سخت گیری است.

گفتنی است، میانه روی در بیش تر موارد، نیکو و پسندیده است و حدّ بین افراط و تفریط است، مانند شجاعت که حدّ بین تهوّر و ترس است وجود و بخشش که حدّ بین بخل و اسراف است؛ اما در برخی موارد هم لزوماً دارای بار معنایی مثبت نیست بلکه گاهی حدّ بین ممدوح و مذموم است، چنان که راغب در کتاب مفردات، در آیه ی شریفه ی فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ ٰتِ (۱) مقتصد را به همین معنا (بین ممدوح و مذموم) می داند و در آیه ی و سَفَراً قاصِداً (۲) سفر قاصد را به معنی سفر متوسط و غیر دور معنی می کند (۳).

نکته:

با توجه به این که اقتصاد، ضد اسراف و اقتار است، برخی احادیثی که در فصل سوم آمده است، به اقتصاد هم مرتبط است که به دلیل رعایت اختصار و عدم تکرار، در این جا بیان نشده است.

ص:۱۲۳

۱- (۱)) فاطر: ۳۲..

۲- (۲)) التّوبه: ۴۲..

۳- (۳)) المفردات للراغب: ۴۰۴..

ب – سفارش دین به میانه روی در ابعاد مختلف زندگی (خوراک، پوشاک، انفاق و...)

١ – قال اللّه تبارک وتعالی:

وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُواْ وَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا) (١).

٢– ولَا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلَیٰ عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (٢).

٣– عن أبی عبداللّه علیه السلام فی قول اللّه عزّ و جلّ وَیَسْئَلُونَکَ مَاذَا یُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ (٣) قال: العفو الوسط (۴).

۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام – فی حدیثٍ ذکر فیه أنّ النبیّ صلی الله علیه و آله أعطی قمیصه السائل – قال: فأدّبه اللّه علی القصد، فقال: وَ لَاتَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلَیٰ عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًامَحْسُورًا (۵)(۶).

١ – خداوند متعال در ضمن توصیف عبادالرّحمن می فرماید:

وکسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می کنند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.

٢ – هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن [وترک انفاق و بخشش منما] و بیش از حدّ [نیز] دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.

٣ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره ی این سخن خدای عزّ و جلّ که «و از تو می پرسند چه چیزی را انفاق کنند، بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را» فرمود:

عفو یعنی حد وسط و میانه.

۴ – امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله جامه ی خود را به نیازمند داد.

خداوند او را بر میانه روی واداشت و فرمود:

«و دستت را بر گردنت زنجیر مکن [و ترک انفاق و بخشش منما] وبیش از حدّ [نیز] دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرارگیری و از کارفرومانی».

١– ((١)) الفرقان: ۶٧.

٢– ((٢)) الإسراء: ٢٩.

۳- (۳)) البقره: ۲۱۹.

۴- (۴)) الکافی: ۵۲/۴ ح ۳.

۵- (۵)) الإسراء: ۲۹.

۶- (۶)) مستدرک الوسائل: ۵۱/۱۳ ح۱۴۷۱۵ وجاءفی ج ۲۶۸/۱۵ ح۱۸۲۰۹ تمام الخبر عن تفسیر العیّاشی: ۲۸۹/۲ ح۵۹.

۵ - قال الصّادق علیه السلام : المال مال اللّه، جعله ودائع عند خلقه، وأمرهم أن یأکلوا منه قصداً ویشربوا منه قصداً ویلبسوا منه قصداً وینکحوا منه قصداً ویرکبوا منه قصداً ویعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین، فمن تعدّی ذلک کان ما أکله حراماً وما شرب منه حراماً وما لبسه منه حراماً وما نکحه منه حراماً وما رکبه منه حراماً (۱).

۶ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ القصد أمرٌ یحبّه اللّه عزّ و جلّ وإنّ السّرَف أمرٌ یبغضه اللّه، حتّی طرحک النواه فإنّها تصلح للشّیء، وحتّی صبّک فضل شرابک (۲).

۷ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا أراد اللّه بأهل بیتٍ خیراً فقّههم فی الدّین و رزقهم الرّفق فی معایشهم و القصد فی شأنهم (۳).

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: مال از آنِ خدا است، آن را نزد آفریدگان خود امانت قرار داده و به آنان دستور داده است که از آن بخورند با میانه روی، و از آن بیاشامند با میانه روی، و برای پوشیدن از آن بهره ببرند با میانه روی، و برای ازدواج از آن بهره گیرند با میانه روی، و برای سواری از آن استفاده کنند با میانه روی، و باقی مانده ی آن را به مؤمنان نیازمند بدهند؛

پس هرکه از این حدود تجاوز کند آنچه را می خورد حرام است، و آنچه را می آشامد حرام است، و آنچه را می پوشد حرام است، و آنچه را برای ازدواج استفاده می کند حرام است، و آنچه را برای سوار شدن بهره می گیرد حرام است.

۶ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

میانه روی کاری است که خداوند متعال آن را دوست دارد و زیاده روی کاری است که خداوند آن را دشمن دارد؛ حتی دور انداختن هسته، چرا که به کار می آید (فایده دارد)؛ و حتی ریختن باقی مانده نوشیدنی.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه خداوند خیر خاندانی را بخواهد آنان را در دین ژرف نگر سازد و به آنان مدارا در زندگانی و میانه روی در کارهای [زندگی]شان روزی فرماید.

۱- (۱) مستدرک الوسائل: ۵۲/۱۳ ح ۱۴۷۲۰.

۲- (۲) الکافی: ۵۲/۴ ح ۲،عنه الوسائل: ۵۵۱/۲۱ ح ۲۷۸۴۲.

۳- (۳) مستدرک الوسائل: ۳۹۲/۸ ح ۹۷۷۰وج ۲۹۲/۱۱ح ۱۳۰۶۲ وج ۱۳ / ۵۰ ح ۱۴۷۱۳ وج۲۶۳/۱۵ ح ۱۸۱۹۲.

۸ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام فی ذکرالمنجیات قال:

خوف اللّه فی السّرّ و العلانیه، والقصد فی الغنی والفقر، و کلمه العدل فی الرّضا والسّخط (۱).

۹ – عن علیّ بن الحسین علیهما السلام قال: کان آخر ما أوصی به الخضرُ موسی بن عمران علیهما السلام أن قال له:

...إنّ أحبّ الاُمورإلی اللّه عزّوجلّ ثلاثه:القصدفی الجِده، والعفو فی المقدره، والرّفق بعباداللّه (۲).

۱۰ – عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال:

إنّ المؤمن أخذ من اللّه أدباً، إذا وسّع علیه اقتصد، وإذا أقتر علیه اقتصر (۳).

۱۱ – عن أمیرالمؤمنین علیه السلام :

لایری الجاهل إلّامفرطاً أومفرِّطاً (۴).

۱۲ – عن العبّاسی قال: استأذنت الرّضا علیه السلام فی النّفقه علی العیال فقال: بین المکروهین. قال فقلت: جعلت فداک لا واللّه ما أعرف المکروهین.

۸ – امام باقر علیه السلام در ضمن فرمایشی، در بیان سبب های نجات فرمود:

سه چیز موجب نجات انسان می شود:

بیم از خدا در نهان و آشکار،

میانه روی در حال بی نیازی و نیازمندی،

وسخن عادلانه در حال خشنودی و خشم.

۹ – امام سجاد علیه السلام فرمود:

آخرین سفارش خضر به موسی بن عمران علیهما السلام این بود:

...دوست داشتنی ترین امور نزد خدای عزّو جلّ سه چیز است:

میانه روی در هنگام توانگری،

گذشت در حال قدرت،

و نرمی و مدارا با بندگان خدا.

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن از خداوند أدبی را فرا گرفته است: چون خدا بر او گشایش بخشد میانه روی کند، و چون بر او تنگ و سخت گیرد به آن بسنده کند.

۱۱ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نادان یا زیاده روی می کند یا کوتاهی.

۱۲ - عبّاسی می گوید: از امام رضا علیه السلام درباره ی [مقدار] هزینه و خرجی دادن بر عیال اجازه خواستم.

فرمود: بین آن دو امر ناپسند.

عرض کردم: فدایت شوم! به خدا سوگند آن دو امر ناپسند را نمی شناسم.

۱- (۱)) الخصال:۸۴ ذیل ح۱۰ ونحوه فی الکافی: ۵۳/۴ ح ۵ عن النبیّ صلی الله علیه و آله .

۲- (۲)) الخصال: ۱۱۱ ح ۸۳.

۳- (۳)) مستدرک الوسائل: ۵۲/۱۳ ح ۱۴۷۱۸.

۴- (۴)) بحارالأنوار: ۷۱ / ۲۱۷.

قال فقال لی: یرحمک اللّه أما تعرف أنّ اللّه عزّوجلّ کره الإسراف وکره الإقتار؟

فقال: وَ الَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَ لِكَ قَوَامًا (۱). (۲)۱۳ - فی وصیّه علی علیه السلام لابنه:

اقتصد یا بنیّ فی معیشتک و اقتصد فی عبادتک (۳).

۱۴ - عن أبی عبداللّه علیه السلام - لمّا سئل عن الإقتار - قلت فما الإقتار.

قال: أکل الخبز و الملح وأنت تقدر علی غیره. و سئل عن القصد؟ قال: الخبز واللّحم واللّبن والخلّ والسّمن مرّةً هذا ومرّةً هذا (۴).

۱۵ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما من نفقهٍ أحبّ إلی اللّه من نفقه قصد، ویبغض الإسراف إلّافی حجّ وعمره (۵)حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند! آیا نمی دانی که خدای عزّ و جلّ زیادی روی و خسّت (سخت گیری) را خوش ندارد؟

پس فرمود: «و کسانی اند که چون انفاق و هزینه کنند، نه زیاده روی می کنند و نه خسّت می ورزند و میان این دو به راه اعتدال هستند.»

۱۳ - در وصیّت امیرمؤمنان علی علیه السلام به فرزندش آمده است:

فرزندم! در زندگانی و در عبادت خود میانه رو باش.

۱۴ - از امام صادق علیه السلام سؤال شد: اقتار چیست؟

فرمود: خوردن نان و نمک در صورتی که بر غیر آن توانایی داری.

سؤال شد: میانه روی چیست؟

فرمود: خوردن نان و گوشت و شیر و سرکه و روغن، یک بار این و یک بار آن.

۱۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هزینه ی میانه و معتدل محبوب ترین هزینه نزد خدا است، و خداوند زیاده روی را دشمن می دارد جز در انجام دادن حجّ و عمره.

۱- (۱)) الفرقان: ۶۷.

۲- (۲)) بحارالأنوار: ۳۴۷/۷۱ ح ۱۱عن الخصال:۵۴ح ۷۴.

٣- (٣)) بحارالأنوار:٧١ /٢١۴ ح ٩عن أمالی الطوسی: ٨ م ١ ح ٨.

۴- (۴)) الکافی: ۵۴/۴ ضمن ح ١٠.

۵- (۵)) المحاسن:٣۵٩ح٧٧ والفقیه: ٢٧٩/٢ ح ٢۴۴٨، عنهما الوسائل: ۴١٧/١١ح١۵١۴۶.

۱۶ – قال أبو محمّد العسکری علیه السلام :

إنّ للسّخاء مقداراً فإن زاد علیه فهو سرف و للحزم مقداراً فإن زاد علیه فهو جَبْن وللإقتصاد مقداراً فإن زاد علیه فهو بخل، و للشّجاعه مقداراً فإن زاد علیه فهو تهوّر... (۱).

۱۷ – عن الإمام الصّادق علیه السلام فی قوله عزّ و جلّ إِنَّهُ لَایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۲) قال: نهاهم عن الإسراف ونهاهم عن التّقتیر، ولکن أمرٌ بین أمرین، لا یعطی جمیع ما عنده ثمّ یدعو اللّه أن یرزقه فلا یستجیب له (۳).

۱۸ – عن علیّ بن جذاعه قال:

سمعت أباعبداللّه علیه السلام فی قوله لَا تُبَذِّرْ تَبْذِیرًا (۴) یقول: اتّق اللّه ولاتسرف و لاتقتر و کن بین ذلک قَواماً (۵).

۱۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ...طوبی لمن أنفق القصد و بذل الفضل (۶).

۲۰ – قال علیّ علیه السلام : غایه الاقتصاد القناعه (۷).

۱۶ – امام عسکری علیه السلام فرمود:

سخاوت را حدی است که اگر از آن بگذرد اسراف است و دور اندیشی را اندازه ای است که چون از آن بگذرد رنج و محنت است و اقتصاد (احتیاط در مصرف) را حدّی است که چون زیادتر از آن شود بُخل است و شجاعت را اندازه ای است که اگر از آن تجاوز کند تهوّر (بی باکی) است.

۱۷ – امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّو جلّ که فرمود: «خداوند اسراف گران را دوست نمی دارد» گفت:

آنان را از زیاده روی بازداشت و [نیز] آنان را از خسّت (سخت گیری) بازداشت، و [فرمود که] باید میان این دو امر باشد، وطوری نباشد که همه ی آنچه را دارد ببخشد آن گاه از خدا بخواهد روزی اش دهد که خداوند دعایش را اجابت نمی کند.

۱۸ – علی بن جذاعه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم درباره ی سخن خدای تعالی که فرمود«ولخرجی مکن» می گفت: از خدا پروا کن، زیاده روی مکن، و تنگ (و سخت) مگیر، و میان آن دو، روش میانه را برگزین.

۱۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ...خوشا به حال کسی که در انفاق میانه روی کند و زیادی را ببخشد.

۲۰ – امام علی علیه السلام فرمود: آخرین درجه ی میانه روی قناعت است.

ص:۱۲۸

۱– (۱)) بحارالأنوار:۴۰۷/۶۹ح۱۱۵وج ۳۷۷/۷۸ح۳.

٢- (٢)) الأنعام: ١٤١.

٣- (٣)) الكافي:٦٧/٥ ضمن ح ١.

٤- (٤)) الإسراء:٢٩.

٥- (٥)) تفسيرالعيّاشي:٢/ ٢٨٨ ح ٥٥.

٦- (٦)) الكافي: ١٦٩/٨ ذيل ح ١٩٠.

٧- (٧)) عيون الحكم والمواعظ: ٣٤٩ ح ٥٩٣٣ .

ج – پیامدهای رعایت و عدم رعایت اقتصاد

۱ – عن أمیرالمؤمنین علیه السلام أ نّه قال: الاقتصاد ینمی القلیل.

وقال علیه السلام :الاقتصاد ینمی الیسیر.

وقال علیه السلام :الاقتصاد نصف المؤونه.

و قال علیه السلام : لن یهلک من اقتصد.

وقال علیه السلام :لیس فی الاقتصاد تلف.

وقال علیه السلام : مَن لم یُحسن الاقتصاد أهلکه الإسراف.

وقال علیه السلام : مَن اقتصد خفّت علیه المؤن.

وقال علیه السلام : مَن اقتصد فی الغنی والفقر فقد استعدّ لنوائب الدّهر.

وقال علیه السلام :مَن صحب الاقتصاد دامت صحبه الغنی له، و جبر الاقتصاد فقره و خلله.

وقال علیه السلام : من المروءه أن تقتصد فلاتسرف (۱).

۲ – قال أمیرالمؤمنین – صلوات اللّه علیه – : القصد مثراه، والسّرَف متواه (۲).

۱ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: تعادل و میانه روی [اموال] کم را افزایش می دهد.

و نیزفرمود:اعتدال و میانه روی اندک را می افزاید.

و نیز فرمود: میانه روی و تعادل نیمی از خرجی و آذوقه است.

و نیز فرمود: هرکه میانه روی پیشه کند هرگز هلاک نشود.

و نیز فرمود: در میانه روی نابودی نیست.

و نیز فرمود: هر کس به شکلی نیکو میانه روی و تعادل را پیشه ی خود نسازد اسراف و زیاده روی او را تباه کند.

و نیز فرمود: هرکه میانه روی کند هزینه ها[ی زندگی] بر او سبک می شود.

و نیز فرمود: هرکه درحال بی نیازی و فقر میانه روی کرد، خود را در برابر گرفتاری های روزگار آماده نموده است.

و نیز فرمود: هرکه با اعتدال و میانه روی همراه شد، همیشه بی نیازی همنشـین او خواهد بود و میانه روی، فقر و کاستی های او را جبران می کند.

و نیز فرمود: از جوانمردی است که میانه رو باشی و اسراف نکنی.

۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: میانه روی ثروت است و اسراف زیان و خسارت.

۱- (۱)) مستدرک الوسائل:۵۳/۱۳ح ۱۴۷۲۴عن غررالحکم.

۲- (۲)) الکافی: ۵۲/۴ ح ۴.

۳ – عن أبی جعفر علیه السلام قال: ما خیرَ فی رجلٍ لا یقتصد فی معیشته، ما یصلح لا لدنیاه ولا لآخرته (۱).

۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: أربعه لاتستجاب لهم دعوه: ...و رجلٌ کان له مالٌ فأفسده فیقول: اللّهمّ ارزقنی، فیقال له: ألم آمرک بالاقتصاد؟ ألم آمرک بالإصلاح؟ ثمّ قال: وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُوالَمْ یُسْرِفُواوَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (۲). (۳)۵ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :...مَن اقتصد فی معیشته رزقه اللّه، ومَن بذّر حرَمه اللّه (۴).

۶ – قال الصّادق علیه السلام : ضمنتُ لمن اقتصد أن لا یفتقر (۵).

۷ – عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال:

مَن تحرّی القصد خفّت علیه المُؤن. (۶)

۸ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

علیکم بالقصد فی المطاعم، فإنّه أبعد من السّرَف وأصحّ للبدن وأعون علی العباده (۷).

۳ – امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ خیری نیست در مردی که در زندگی خود میانه روی نکند؛ نه دنیایش سامان می یابد و نه آخرتش.

۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: چهارکس دعاشان مستجاب نشود:

...و مردی که مالی دارد و آن را تباه ساخته و می گوید: بارالها! روزی ام ده.

به او گفته می شود: آیا تو را به میانه روی دستور ندادم؟ آیا به تو دستور سامان بخشی [مالت] را ندادم؟ آن گاه حضرت صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود:

«و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] حدّ وسط را بر می گزینند.»...

۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در زندگی خود میانه روی کند خداوند روزی اش بخشد و هرکه ولخرجی کند خداوند او را محروم نماید.

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود: ضمانت می کنم که هرکه میانه روی کند نیازمند نشود.

۷ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکه میانه روی را برگزید، هزینه ها بر او سبک گشت.

۸ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: در خوردنی ها میانه رو باشید که این کار از اسراف دورتر و برای صحت بدن مفیدتر و بر عبادت کمک کننده تر است.

۱- (۱)) التهذیب: ۲۳۶/۷ ح ۱۰۲۸.

۲- (۲)) الفرقان: ۶۷.

۳- (۳)) الکافی:۵۱۱/۲ح۲و نحوه فی ج ۵۶/۴ ح ۱۱.

۴- (۴)) الکافی: ۱۲۲/۲ ح ۳.

۵- (۵)) الکافی: ۵۳/۴ ح ۶.

۶- (۶)) الفقیه:۳۹۱/۴ضمن ح ۵۸۳۷.

۷- (۷)) عیون الحکم و المواعظ: ۳۴۱ ح ۵۸۳۳ .

(۳)قناعت

الف) مهفوم قناعت

قناعت یعنی راضـی بودن انسان به آنچه دارد و به آنچه سـهم او است، اگر چه کم باشد، و «قانع» کسـی است که به آنچه دارد راضی است و از کم بودن آن خشم و غضب نمی کند و چهره درهم نمی کشد، بلکه شکرگزار است (۱).

۱ - عن النبیّ صـلی الله علیه و آله قـال: جاء جبرئیـل: ... قلت: ومـا تفسـیر القناعه؟ قال: یقنع بما یصـیب من الـدّنیا، یقنع بالقلیل ویشکر الیسیر (۲).

۲ - قال علیّ علیه السلام : لم یتحلّ بالقناعه مَن لم یکتف بیسیر ماوجد (۳).

۱ - پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید: معنای قناعت چیست؟ پاسخ داد:

[یعنی آدمی] به آنچه از دنیا به او می رسد بسنده کند، به کم قانع باشد و اندک را سپاس گوید.

۲ - امام علی علیه السلام فرمود: به زیور قناعت خود را نیاراست آن کس که به [روزی] اندکی که یافت بسنده نکرد.

ص:۱۳۱

۱- (۱)) ر.ک. مجمع البحرین و تهذیب اللّغه والمنجد، ذیل ماده ی قَنَعَ.
۲- (۲)) معانی الأخبار: ۲۶۱ ضمن ح ۱،عنه الوسائل: ۱۹۴/۱۵ ضمن ح ۲۰۲۵۷
۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۱۳ح ۷۰۱۵.

ب) اهمّیّت قناعت

۱ - دعـاء أمیرالمؤمنین علیه السـلام فی لیله النّصف من شـعبان (دعـاء کمیـل): اللّهمّ إنّی أسألک سؤال خاضع متـذلّلٍ خاشعٍ أن تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمک راضیاً قانعاً وفی جمیع الأحوال متواضعاً (۱).

۲ - عن ابن مسـعود أ نّه قال: قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : لمّا اسـری بی إلی السّـماء...رأیت الجنّه و ما فیها من النّعیم، و رأیت النّار و ما فیها من عذابٍ ألیم. و الجنّه لها ثمانیه أبواب، علی کلّ بابٍ منها أربع کلمات، کلّ کلمه منها خیرٌ من الدّنیا و ما فیهـا لمن یعرفهـا ویعمـل بهـا... أمّـا أبواب الجنّه فعلی الباب الأوّل مکتوب: لا إله إلّا اللّه، محمّـد رسول اللّه، علیّ ولیّ اللّه، لکلّ شیءٍ حیله وحیله العیش أربع خصال: القناعه، ونبذ الحقد، وترک الحسد، ومجالسه أهل الخیر... (۲).

۱ - دعای امیرمؤمنان علیه السلام در شب نیمه ی شعبان (دعای کمیل): بار خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست انسان فروتن و خوار و زبون، که از من درگذری و مرا مورد رحمت قرار دهی و به عطای خود خشـنود و قانع سازی و در همه ی حالات فروتنم گردانی.

۲ - از ابن مسـعود نقل شده است که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: آن شبی که به آسمان برده شدم... بهشت و نعمت هـای موجـود در آن را دیـدم و آتش [جهنّم] و عـذاب دردنـاک آن را نگریسـتم. بهشت هشت در دارد که بر هر دری از آن چهار کلمه نوشته شده است که هر کلمه از آن ها، برای کسی که آن را بفهمد و به آن عمل کند، از دنیا و هرچه در آن است بهتر است.

...بر در اول نوشـته شـده است: معبودی جز خـدا نیست؛ محمّد فرسـتاده ی خدا است؛ علی ولیّ خدا است؛ هر چیزی را چاره و تدبیری است و چاره و تدبیر زندگانی دنیا [داشـتن] چهار خصـلت است: قناعت، دورافکندن کینه، وانهادن حسد و همنشینی با نیکان... .

۱- (۱)) مصباح المتهجّد: ۸۴۵ .

۲- (۲)) الفضائل لشاذان بن جبرئیل القمی: ۱۵۲.

۳ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : ابن آدم! عندک ما یکفیک وأنت تطلب ما یطغیک. ابن آدم! لا بقلیل تقنع ولا بکثیر تشبع. ابن آدم! إذا أصبحت معافیً فی جسدک، آمناً فی سربک عندک قوت یومک فعلی الدّنیا العفاء (۱).

۴ - قال علیّ علیه السلام : إذا أراد اللّه بعبدٍ خیراً ألهمه القناعه و أصلح له زوجه (۲).

۵ - قال أمیرالمؤمنین علیه السلام لهمّام فی صفه المؤمن: ... خاشعاً قلبُه، ذاکراً ربَّه، قانعه نفسُه، منفیّاً جهلُه، سهلاً أمرُه، حزیناً لذنبه...قانعاً بالّذی قُدّر له، متیناً صبرُه... (۳).

۶ - قال علیّ علیه السلام : اقنعوا بالقلیل من دنیاکم مع سلامه دینکم، فإنّ المؤمن البلغه الیسیره من الدّنیا تقنعه (۴).

۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فرزند آدم! نزد تو است آنچه که کفافت می کند با این حال تو آن چیزی را می طلبی که سرکشت می سازد.

ای فرزند آدم! نه به کم قانع می شوی و نه از زیاد سیر.

ای فرزند آدم! هرگاه عافیت بدن داشتی و در گروه خود [یا در راه خود] آسوده بودی و خوراک مورد نیاز روزت را داشتی پس بر [مابقی] دنیا خاک [بیفشان].

۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد قناعت را به او الهام می کند و همسرش را برایش شایسته می سازد.

۵ - امیرمؤمنان علیه السلام درباره ی ویژگی های مؤمن به همّام فرمود:

... دلش خاشع است ؛ به یاد پروردگارش می باشد؛ روحی قانع دارد؛ نادانی در او نیست؛ آسانگیر است؛ برای گناهانش اندوهگین است

... به آنچه برایش مقدرّ شده قانع می باشد؛ از صبری محکم برخوردار است... .

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

به [روزی] اندک از دنیایتان در کنار سلامت دینتان، قانع باشید؛ زیرا مؤمن از دنیا به گذران اندک زندگی قانع است.

ص:۱۳۳

۱- (۱)) الکامل فی ضعفاء الرّجال: ۱۴۰/۴ ضمن ح ۹۷۵. و راجع الجامع الصغیر: ۱ / ۲۱ ح ۶۵.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۳۱ ح ۲۹۵۰.

٣- (٣)) الكافي: ٢/٢٣٠ ضمن ح ١، عنه المستدرك: ١٨٢/١١ ضمن ح ١٢٦٨٧.
٤- (٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٨٧ ح ٢٠٨٤.

۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ینبغی للمؤمن أن یکون فیه ثمانی خصال:

وقوراً عنـد الهزاهر، صـبوراً عند البلاء، شـکوراً عند الرّخاء، قانعاً بما رزقه اللّه، لا یظلم الأعداء ولایتحامل للأصدقاء، بدنه منه فی تعب، والنّاس منه فی راحه (۱).

۸ – عن عبداللّه بن بکیر عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

...إنّ اللّه عزّ و جلّ خصّ الأنبیاء بمکارم الأخلاق، فمن کانت فیه فلیحمـد اللّه علی ذلک، ومَن لم تکن فیه فلیتضـرّع إلی اللّه عزّ و جلّ ولیسأله إیّاها. قال قلت: جعلت فداک وما هنّ؟ قال:

هنّ: الورع، والقناعه، والصبر... (۲).

۹ – قال علیّ علیه السلام : إذا رغبت فی صلاح نفسک فعلیک بالاقتصاد والقنوع والتقلّل (۳).

۷ – امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن را سزد که دارای هشت خصلت باشد:

در گرفتاری ها سنگین و آرام باشد،

در سختی شکیبا باشد،

در آسایش و خوشی شکر گزار باشد،

به آنچه خدا به او داده قانع و سازگار باشد.

به دشمنان ستم نکند،

بار خود را بر دوش دوستان نیفکند،

بدنش از او در رنج باشد و مردم از او در آسایش باشند.

۸ – عبداللّه بن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

...همانـا خـدای عزّ و جـلّ پیـامبران را با اخلاق پسـندیده ممتاز گردانیـد پس هر کس این خصـلت ها در او بود خـدا را بر آن سپاس گزارد و آن کس که این صفات در او نیست در پیشگاه خدای عزّ و جلّ تضرّع و زاری کند و آن ها را از او بخواهد.

عبداللّه بن بکیر می پرسد: فدایت شوم آن صفات چیست؟

امام علیه السلام فرمود: پارسایی، قناعت وصبر ... .

۹ - امام علی علیه السلام فرمود: هرگاه میلی به اصلاح کردن نفس خود پیدا کردی، پس بر تو باد به میانه روی و قناعت و کم خرجی.

۱- (۱)) الکافی: ۴۷/۲ ح ۱،عنه الوسائل: ۱۸۵/۱۵ ح ۲۰۲۳۵.

۲- (۲)) الکافی: ۵۶/۲ ح ۳،عنه الوسائل: ۱۹۸/۱۵ ح ۲۰۲۶۷.

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۳۷ ح ۳۱۲۴.

۱۰ – قال عليّ عليه السلام : كيف يستطيع صلاح نفسه مَن لا يقنع بالقليل؟ (۱)۱۱ – عن الرّضا عليه السلام وقد سئل عن القناعه فقال: القناعه تجمع إلى صيانه النفس... ولا يسلك طريق القناعه إلّا رجلان: إمّا متعلّل يريد أجر الآخره، أو كريم يتنزّه عن لئام النّاس. (۲)۱۲ – قال عليّ عليه السلام : القناعه سيف لا ينبو (۳).

۱۳ – قال الصادق عليه السلام لرجل:

اقنع بما قسم اللّه لک ولا تنظر إلى ما عند غيرك ولا تتمنّ ما لست نائله، فإنّه مَن قنع شبع ومَن لم يقنع لم يشبع؛ وخذ حظّك من آخرتک (۴).

۱۴ – قال الباقر عليه السلام لجابر الجعفی:

... وانزل ساحه القناعه باتّقاء الحِرص، وادفع عظيم الحِرص بإيثار القناعه، واستجلب حلاوه الزّهاده بقصر الأمل، واقطع أسباب الطمع ببرد اليأس (۵).

۱۰ – امام علی علیه السلام فرمود: کسی که به کم قانع نیست چگونه می تواند خود را اصلاح کند؟

۱۱ – از امام رضا علیه السلام درباره ی قناعت سؤال شد.

آن حضرت در پاسخ فرمود: قناعت با نگهداشتن نفس از گناه همراه است...

و راه قناعت را جز دو تن نپیمایند:

یا [انسان] بی اعتنا به دنیا که در پی پاداش آخرت است،

یا بزرگمردی که از مردمان پست دوری می گزینند.

۱۲ – امام علی علیه السلام فرمود: قناعت شمشیری است که کند نمی شود.

۱۳ – از سفارش های امام صادق علیه السلام به ابن جندب: به آنچه خدا به تو داده قانع باش و به آنچه نزد دیگری است چشم مدوز و به چیزی که به آن نمی رسی دل مبند؛ زیرا آن کس که قناعت دارد سیر است و آن کس که قناعت ندارد سیری ندارد.

و بهره ی خود را از آخرتت برگیر.

۱۴ – امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: ...

با پرهیز از آزمندی به میدان قناعت فرود آی، و با گزینش قناعت آزمندی شدید را از خود دور کن، و با کوتاه کردن آرزو شیرینی زهد را به دست آور، و با سردی نومیدی [از دیگران]، ریشه های طمع را بخشکان.

۱- (۱)) عيون الحكم والمواعظ: ۳۸۴ ح ۶۴۸۴.

۲- (۲)) نزهه الناظر و تنبيه الخاطر: ۱۲۸ ح ۹.

۳- (۳)) عيون الحكم والمواعظ: ۳۱ ح ۵۱۲ .

۴- (۴)) الكافى: ۲۴۳/۸ ح ۳۳۷،المستدرك: ۲۲۳/۱۵ ح ۱۸۰۶۴.

۵- (۵)) تحف العقول:۲۸۵،عنه البحار:۱۶۴/۷۸ضمن ح ۱.

۱۵ - قال علیّ علیه السلام : من شرف الهمّه لزوم القناعه (۱).

۱۶ - قال علیّ علیه السلام : آفه الورع قلّه القناعه (۲).

۱۷ - قال علیّ علیه السلام : ثمره العفّه القناعه (۳).

۱۸ - قال علیّ علیه السلام : لن توجد القناعه حتّی یُفقد الحرص (۴).

۱۹ - قال علیّ علیه السلام : مَن تقنّع قنع (۵).

۲۰ - عن أبی عبداللّه علیه السلام - من دعائه فی الطواف عند الرکن - :

اللّهمّ قنّعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی (۶).

۱۵ - امام علی علیه السلام فرمود: از بلندی همت، همراه بودن با قناعت است.

۱۶ - امام علی علیه السلام فرمود: آفت پارسایی کمی قناعت است.

۱۷ - امام علی علیه السلام فرمود: میوه ی پاکدامنی [خود داری از حرام] قناعت است.

۱۸ - امام علی علیه السلام فرمود: تا حرص ناپدید نشود قناعت پدیدار نگردد.

۱۹ - امام علی علیه السلام فرمود: هرکس که خود را به قناعت وادارد خوی قناعت یابد.

۲۰ - امام صادق علیه السلام در دعای خود هنگام طواف، در کنار حجر الأسود می گفت: خدایا! مرا به آنچه روزی ام کرده ای قانع ساز و آنچه را به من داده ای برایم با برکت گردان.

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۱ ح ۸۶۱۷ .
۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۲ ح ۳۷۴۱.
۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۶۱.
۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ ح ۶۸۹۶.
۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۵۱ ح ۸۰۵۵ .
۶- (۶)) التهذیب: ۱۰۵/۵ ضمن ح ۱۱.

ج) آثار و برکات مادی و روحی قناعت

۱ – قال علیّ علیه السلام : کفی بالقناعه مُلکاً، وبحُسن الخُلق نعیماً.

وسئل علیه السلام عن قوله تعالی فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوٰةً طَيِّبَةً (۱) فقال: هی القناعه (۲).

۲ – قال علیّ علیه السلام : الحرّ عبدٌ ما طمع، والعَبد حرّ ما قنع (۳).

۳ – قال الصادق علیه السلام : لو حلف القانع بتملّکه علی الدّارین لصدّقه اللّه عزّ و جلّ بذلک و لأبرّه لعظم شأن مرتبه القناعه.

ثمّ کیف لا یقنع العبد بما قسّم اللّه له و هو یقول نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَعِيشَتَهُمْ فِى الْحَيَوٰةِ الدُّنْيا (۴) فمن أذعن و صدّقه بما شاء و لما شاء بلا غفله و أیقن بربوبیّته، ۱ – امام علی علیه السلام فرمود:

پادشاهیِ قناعت، و نعمتِ خوش خلقی، [انسان را] بس است.

و از آن حضرت درباره ی فرموده ی خدای متعال که «به او زندگانی پاکیزه می دهیم» سؤال شد.

حضرت فرمود:

آن، قناعت است.

۲ – امام علی علیه السلام فرمود:

آزادِ طمع کار، برده است، و برده ی قانع، آزاد است.

۳ – امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر انسان قانع سوگند بخورد که مالک دنیا و آخرت است خدای عزّ و جلّ او را تصدیق می کند و به جهت بزرگی جایگاه قناعت، قسم او را راست می گرداند.

چگونه بنده به سهمی که خداوند عزّ وجلّ برایش مقدر کرده است قانع نباشد با آن که او می فرماید «ما روزی آنان در زندگی دنیا را میانشان تقسیم کردیم»؟ پس کسی که اقرار کند و بی هیچ غفلتی خدا را به آنچه خواسته وبرای آنچه خواسته، تصدیق کند و به ربوبیتش یقین داشته باشد،

ص:۱۳۷

۱– (۱)) النحل: ۹۷.

۲– (۲)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۰۸ الحکمه ۲۲۹، عنه البحار: ۳۴۵/۷۱ ضمن ح ۲.

۳- (۳)) شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید: ۲۹۳/۲۰ الحکمه ۳۵۸ و عیون الحکم والمواعظ:۳۳ ح ۵۹۰ و ۵۹۱.

۴- (۴)) الزّخرف: ۳۲.

أضاف تولیه الأقسام إلی نفسه بلا سبب. و مَن قنع بالمقسوم استراح من الهمّ و الکرب والتعب، و کلّما أنقص من القناعه زاد فی الرّغبه.

والطّمع فی الدّنیا أصل کلّ شرّ وصاحبها لا ینجو من النّار إلّا أن یتوب، ولذلک قال صلی الله علیه و آله و سلم «القناعه ملک لا یزول» وهی مرکب رضا اللّه تعالی تحمل صاحبها إلی داره، فأحسن التوکّل فیما لم تعطه والرّضا بما اعطیت، واصبر علی ما أصابک، فإنّ ذلک من عزم الاُمور (۱).

۴ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : من أصبح وأمسی والآخره أکبر همّه جعل اللّه له الغنی فی قلبه وجمع له أمره و لم یخرج من الدّنیا حتّی یستکمل رزقه. ومَن أصبح وأمسی والدّنیا أکبر همّه جعل اللّه الفقر بین عینیه و شتّت علیه أمره، ولم ینل من الدّنیا إلّاما قسم له (۲).

خدا را بی هیچ رابطه ای دست اندرکار قسمت ها می داند. و کسی که به روزی مقدّر قانع است از اندوه و گرفتاری و رنج آسوده است، و هر چه از قناعت کاسته شود به رغبت (وگرایش به دنیا) افزوده گردد؛ طمع (و چشم داشت) به دنیا ریشه ی هر بدی است و دارنده ی این خصلت از آتش رهایی نخواهد یافت مگر آن که توبه کند. از این رو است که پیامبر گرامی اسلام فرمود «قناعت، پادشاهیِ بی زوال است». و آن وسیله ی خشنودی خدا است که صاحبش را به خانه ی او می برد؛ پس در آنچه به تو داده نشده است بر خدا توکلی نیکو کن، و به آنچه به تو داده شده است، خشنود باش و بر سختی هایی که به تو رسد شکیبایی کن که این ها از امور مهم است.

۴ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که صبح و شام، بزرگ ترین دغدغه اش آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در جانش نهد و کار او را سامان بخشد و از دنیا نرود تا روزی خود را کامل به دست آورد. و کسی که در صبح و شام بزرگ ترین هدفش دنیا باشد، خداوند احساس فقر و نگرانی از نداری به او دهد و کارش را پریشان سازد و از دنیا به بیش از آنچه برایش مقرر شده است، دست نیابد.

(شاید معنای جمله«فمن أذعن و صدقّه...بلاسبب» این باشد که «پس کسی که اقرار کند وبی هیچ غفلتی خدا را به آنچه خواسته و برای آنچه خواسته است، تصدیق کند وبه ربوبیتش یقین داشته باشد، آیا بدون سبب (و علتی چون خدای متعال) خود را عامل روزی دهنده ی خویش می داند؟»)

۱- ((۱)) مصباح الشریعه: ۲۰۲،عنه البحار: ۷۱ / ۳۴۹ح ۱۸ مع اختلافٍ یسیر.

۲- ((۲)) ثواب الأعمال: ۲۰۱ ح ۱ و نحوه فی تحف العقول: ۴۸، عنه البحار:۱۵۳/۷۷ ح ۱۰۴.

۵ – قال علیّ علیه السلام : القناعه أهنأعیش (۱).

۶ – قال علیّ علیه السلام : أعوَنُ شیءٍ علی صلاح النفس القناعه (۲).

۷ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : الدّنیا دول، فما کان لک منها أتاک علی ضعفک، وما کان منها علیک لم تدفعه بقوّتک، و مَن انقطع رجاؤه ممّا فاته استراحت نفسه، ومَن قنع بما رزقه اللّه تعالی قرّت عیناه (۳).

۸ – قال علیّ علیه السلام : حُکِمَ علی مکثری أهل الدّنیا بالفاقه، واُعینَ مَن غنیَ عنها بالقناعه بالرّاحه (۴).

۹ – قال علیّ علیه السلام : ثمره القناعه الرّاحه (۵).

۱۰ – قال علیّ علیه السلام : ثمره القناعه العزّ (۶).

۱۱ – قال علیّ علیه السلام : خرج العزّ ۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

[زندگی با] قناعت گواراترین زندگی است.

۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

برترین مددکار برای اصلاح نفس، قناعت است.

۷ – پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دنیا در گردش است [فراز و نشیب دارد]؛ آنچه از دنیا برای تو است، با وجود ناتوانی ات به تو می رسد و آنچه به ضرر تو است، با قدرت خود نمی توانی آن را از خود دورکنی.

و کسی که از آنچه از دستش رفته است دل برکند، آسوده خاطر است و کسی که به آنچه خدا روزی اش کرده قناعت کند، شاد و خرسند می باشد.

۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

بر ثروتمندانِ اهل دنیا حکم به نیازمندی شده است و آن کس که به وسیله ی قناعت، از دنیا بی نیاز شود، با آسایش یاری شده است.

۹ – امام علی علیه السلام فرمود:

نتیجه ی قناعت آسودگی است.

۱۰ – امام علی علیه السلام فرمود:

میوه ی قناعت عزّتمندی (سربلندی) است.

۱۱ – امام علی علیه السلام فرمود: عزّت

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۳ ح ۱۹۳.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۱۲ ح ۲۴۲۴.

۳- (۳)) مشکاه الأنوار:۲۳۳ح۶۵۹ و فی البحار: ۳۶/۱۰۳ح۷۴عن التمحیص:۵۳ح ۱۰۶.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ:۲۳۳ ح ۴۴۷۱.

۵- (۵)) شرح نهج البلاغه(لابن أبی الحدید): ۲۹۶/۲۰ الحکمه ۳۸۹.

۶- (۶)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۶۳.

والغنی یجولان فلقیا القناعه فاستقرّا (۱).

۱۲ – قال علیّ علیه السلام : ثمره القناعه الإجمال فی المکتسب و العزوف عن الطلب (۲).

۱۳ – عن الصّادق علیه السلام قال: ...مَن لم یستحی من طلب الحلال وقنع به خفّت مؤونته، و نَعم أهله... (۳).

۱۴ – قال علیّ علیه السلام :کلّ قانعٍ عفیف (۴).

۱۵ – قال علیّ علیه السلام : مَن قنع حسُنت عبادته (۵).

۱۶ – قال علیّ علیه السلام : مَن لم یقنع بما قُدِّر له تعنّی (۶).

۱۷ – عن أبی الحسن الرضا علیه السلام قال: مَن لم یقنعه من الرّزق إلّاالکثیر لم یکفه من العمل إلّاالکثیر، ومَن کفاه من الرّزق القلیل فإنّه یکفیه من العمل القلیل (۷).

و بی نیازی به گردش درآمدند، چون به قناعت رسیدند قرار گرفتند.

۱۲ – امام علی علیه السلام فرمود:

میوه ی قناعت، میانه روی در کسب و کار [نداشتن حرص و طمع در آن] و بی میلی به درخواست کردن [از مردم] است.

۱۳ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... کسی که از طلب حلال شرم نکند و به آن قانع باشد، هزینه ی زندگی اش سبک شود و خانواده اش در رفاه باشند... .

۱۴ – امام علی علیه السلام فرمود:

هر قناعت کننده ای، [از آلودگی به حرام] پاک است.

۱۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

آن کس که قانع است عبادتش نیکو است.

۱۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

هر کس به آن چه برایش مقدّر شده است قانع نباشد، گرفتار رنج شود.

۱۷ – از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

کسی که جز درآمد زیاد او را راضی نکند، جز کار زیاد کفایتش نکند و کسی که به روزی اندک بسازد، کار کم او را بس است.

ص:۱۴۰

۱- (۱)) شرح نهج البلاغه(لابن أبی الحدید): ۳۰۰/۲۰ الحکمه ۴۲۸ .

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۶۸.

۳- (۳)) أعلام الدّین: ۱۲۰ ونحوه فی أمالی الطوسی: ۷۲۱ح۱۵۲۱،عنه البحار:۲۸۹/۷۰ح ۲۲.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۵ ح ۶۳۱۵.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۵۲ ح ۸۰۹۱ .

۶- (۶)) عیون الحکم و المواعظ: ۴۳۲ ح ۷۴۴۱.

۷- (۷)) الکافی: ۱۳۸/۲ ح ۵،عنه الوسائل:۵۳۱/۲۱ ح ۲۷۷۷۶.

۱۸ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : مَن رضی وقنع وتوکّل کفی الطلب (۱).

۱۹ – قال علیّ علیه السلام : رأس القناعه الرّضا (۲).

۱۸ – رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکه راضی باشد و قناعت پیشه کند و بر خدا توکل نماید از طلب [و جستجو بیش از اندازه] معاف است.

۱۹ – امام علی علیه السلام فرمود: اوج قناعت خشنودی [به روزی مقدّر] است.

۱- (۱)) الدرّ المنثور: ۲۳۴/۶.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۶۳ ح ۴۷۹۴.

د) رابطه ی بی نیازی با قناعت

١ - قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم : أوحی اللّه تعالی إلی موسی علیه السلام : إنّی وضعت خمسه أشیاء فی خمسه أشیاء والنّاس یطلبون فی خمسه اخری، فمتی یجدون؟ إنّی وضعت عزّ عبادی فی طاعتی فهم یطلبون من باب السّلطان، فمتی یجدون؟ وإنّی وضعت العلم والحکمه فی الجوع وهم یطلبون فی الشَبَع، فمتی یجدون؟ وإنّی وضعت الغنی فی القناعه وهم یطلبون فی المال، فمتی یجدون؟ وإنّی وضعت الرّاحه فی الآخره وهم یطلبون فی الدّنیا، فمتی یجدون؟ وإنّی وضعت رضای فی مخالفه هواهم وهم یطلبون فی موافقه هواهم، فمتی یجدون؟ (١)٢ - قال الصّادق علیه السلام :مطلوبات الناس فی الدّنیا الفانیه أربعه:

١ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند متعال به موسی وحی کرد که من پنج چیز را در پنج چیز نهاده ام و مردم آن را در پنج چیز دیگر جستجو می کنند؛ اما کی آن ها را خواهند یافت؟

من عزّت بندگانم را در فرمانبری از خود قرار داده ام و آنان آن را از درگاه پادشاه می جویند؛ کی به آن خواهند رسید؟ و من دانش و حکمت را در گرسنگی جای داده ام و آنان آن را در سیری می جویند؛ کی به آن دست می یابند؟

و من بی نیازی را در قناعت قرار داده ام و آنان آن را در داشتن ثروت و مال می طلبند؛ کی به آن خواهند رسید؟

و من آسایش رادر آخرت قرار داده ام و آنان آن را در دنیا می جویند؛ کی به آن می رسند؟

و من خشنودی خود را در مخالفت با هوای نفسشان قرار داده ام و آنان آن را در پیروی از هوای نفس می جویند؛ کی به آن دست می یابند؟

٢ - امام صادق علیه السلام فرمود: خواسته های مردم در دنیای فانی چهار چیز است:

١- (١)) مشکاه الأنوار: ۵۶۵ ح ١٩٠٣ و نحوه فی عوالی اللآلی: ۶١/۴ ح ١١،عنه البحار: ۴۵٣/٧٨ح ٢١، والمستدرک: ١٧٣/١٢ ح ١٣٨٠٩.

الغنى و الـدعه و قلّه الاهتمام، و العزّ. فأمّا الغنى فموجود فى القناعه، فمن طلبه فى كثره المال لم يجـده؛ وأمّا الدعه فموجوده فى خفّه المحمل، فمن طلبها فى ثقله لم يجدها؛ وأمّا قلّه الاهتمام فموجوده فى قلّه الشـغل، فمن طلبها مع كثرته لم يجدها؛ وأمّا العزّ فموجود فى خدمه الخالق، فمن طلبه فى خدمه المخلوق لم يجده (۱).

۳ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : أغنى الغنى القناعه (۲).

۴ – قال الإمام الکاظم علیه السلام :

یـا هشـام! مَن أراد الغنى بلا مال وراحه القلب من الحسـد والسـلامه فى الـدین فلیتضـرّع إلى اللّه عزّ و جلّ فى مسألته بأن یکمّل عقله، فمَن عقـل قنع بمـا یکفیه و مَن قنع بما یکفیه اسـتغنى و مَن لم یقنع بما یکفیه بى نیازى(توانگرى)، آسایش و راحتى، کم بودن غم و اندوه، و عزّت.

بى نیازى در قناعت است و کسى که آن را در فراوانى مال مى جوید به آن نمى رسد؛

خوشى و آسایش نیز در سبکبارى است و هرکس آن را در سنگین بارى بجوید به آن نمى رسد؛

همچنین کم شـدن انـدوه، به کم تر شـدن اشـتغال به کارهاى دنیا است و آن کس که با مشـغله ى زیاد آن را مى جوید آن را نمى یابد؛

عزّت و سربلندى نیز در بندگى خدا است و هر کس که آن را در چاکرى مخلوق مى جوید به آن نخواهد رسید.

۳ – امام صادق علیه السلام فرمود: بالاترین بى نیازى قناعت است.

۴ – امام کاظم علیه السلام فرمود:

اى هشام! هرکس بى نیازى بدون مال، و آسودگى دل از رنج حسد، و سلامت دینش را مى خواهد، از درگاه خداى عزّ و جلّ خاضـعانه بخواهـد که عقلش را کامل کند که هرکس خردمند شد، به آن مقدارى که نیازش را بر مى آورد قناعت مى کند و هرکه به آنچه نیازش را بر مى آورد قناعت کند، [از دیگران] بى نیاز خواهد شد و کسـى که به آنچه نیازش را بر آورد قناعت نکند

۱– (۱)) الخصال: ۱۹۸ ح ۷ و معانى الأخبار: ۲۳ح ۱ و علل الشرائع: ۴۶۸ باب ۲۲۲ ح ۲۹، عنها البحار: ۹۳/۷۳ ح ۷۰.

۲– (۲)) مشکاه الأنوار: ۲۳۱ ح ۶۵۲،عنه المستدرک: ۲۲۳/۱۵ ح ۱۸۰۶۴.

لم یدرک الغنی أبداً (۱).

۵ – قال علیّ علیه السلام : ثمره القناعه الغَناء (۲).

۶ – عن الصّادق جعفر بن محمّد علیهما السلام قال: ...خمسٌ مَن لم تکن فیه لم یتهنّ بالعیش:

الصحّه، والأمن، والغنی، والقناعه، والأنیس الموافق (۳).

۷ – قال علیّ علیه السلام : مَن قنع بالیسیر استغنی عن الکثیر، ومَن لم یستغن بالکثیر افتقر إلی الحقیر (۴).

هرگز به بی نیازی نمی رسد.

۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

میوه ی قناعت، بی نیازی است.

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج چیز است که در هرکس نباشد زندگی خوشی ندارد: تندرستی، امنیت، بی نیازی، قناعت، و همدم سازگار.

۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که به کم قانع شود، از بسیار بی نیاز گردد و کسی که با بسیار، بی نیاز نشود به [چیز] پست نیازمند گردد.

۱– (۱)) الکافی: ۱۸/۱ ضمن ح ۱۲، عنه المستدرک: ۲۲۴/۱۵ ح ۱۸۰۶۹.
۲– (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۷۹.
۳– (۳)) أمالی الصدوق: ۲۴۰ م ۴۸ ح ۱۵، عنه البحار: ۳۶۹/۶۹ ح ۸ ، وج ۶۲/۷۲ ح ۱۲ وج ۱۷۲/۸۱ ح ۱۵.
۴– (۴)) الإرشاد: ۳۰۱/۱،عنه البحار: ۴۲۲/۷۷ضمن ح ۴۰ .

(۴)بسنده کردن به مقدار مورد نیاز (کفاف) و بی نیازی جستن از دیگران

الف) مفهوم کفاف

کفاف یعنی رزق و روزی به انـدازه ی کافی و در حدّ نیاز، به گونه ی که انسان از درخواست و گـدایی کردن از دیگران بی نیاز است (۱).

ب) اهمّیّت بسنده کردن به مقدار کفاف و بی نیازی جستن از مردم، و آثار آن

۱ - من دعـاء الإمام السـجّاد علیه السـلام فی الوتر: اللّهمّ إنّ الغنیّ مَن اسـتغنی عن خلقک بک، فصلّ علی محمّـدٍ وآل محمّـد، وأغننی یا ربّ عن خلقک، واجعلنی ممّن لا یبسط کفّه إلّاإلیک (۲).

۲ - من وصـیّه النبیّ صـلی الله علیه و آله و سلم لأبی ذرّ: یا أباذرّ! إنّی قد دعوت اللّه جلّ ثناؤه أن یجعل رزق مَن ۱ - در دعای امام سجاد علیه السلام - که در نماز وتر می خواند - آمده است:

بارالها بی نیاز کسـی است که به وسـیله ی تو از آفریـدگانت بی نیازی جوید؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا ای پرودرگار از آفریدگانت بی نیاز کن و از کسانی قرار ده که دستان خود را جز به سوی تو نمی گشایند.

۲ - از سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به أبوذر است که فرمود:

ای ابوذر! من از خداوند - که ثنایش شکوهمند است - خواسته ام که روزی کسی که

۱- (۱)) ر. ک. مجمع البحرین والمصباح المنیر، ذیل ماده ی - کفف - .

۲- (۲)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۱۶۷ ضمن دعاء۸۷ .البحار:۲۸۵/۸۷ ضمن ح۷۷.

یحبّنی کفافاً، وأن یعطی من یبغضنی کثره المال والولد (۱).

۳ - قال الصّادق علیه السلام : إذا أحبّ اللّه تعالی عبداً ألهمه الطاعه، وألزمه القناعه، و فقّهه فی الدّین، و قوّاه بالیقین، فاکتفی بالکفاف، و اکتسی بالعفاف (۲).

۴ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یا علیّ! إنّ اللّه جعل الفقر أمانه عند خلقه، فمن ستره کان کالصائم القائم، ومَن أفشاه إلی مَن یقدر علی قضاء حاجته فلم یفعل فقد قتله، أما إنّه ما قتله بسیفٍ ولا رمح، ولکن بما أنکی من قلبه (۳).

۵ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

طوبی لمن أسلم وکان عیشه کفافاً وقواه سداداً (۴).

ولیس فیهما ذیله.

مرا دوست دارد به اندازه ی نیاز قرار دهد و به کسی که مرا دشمن دارد زیادی مال و فرزند عطا کند.

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه خداوند متعال بنده ای را دوست بدارد، فرمانبری از خود را به او الهام می کند و او را همدم قناعت می سازد و ژرف نگری در دین می بخشد و با یقین نیرومندش می سازد؛ پس او به اندازه ی رفع نیاز بسنده می کند و جامه ی پاکدامنی می پوشد.

۴ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! خداوند فقر را امانتی نزد بندگانش قرار داد؛ پس کسی که آن را پنهان کند همچون روزه دار شب زنده دار خواهد بود، واگر کسی آن را در نزد شخصی اظهار کند که با وجود توان نیازش را برآورده نسازد، گویی آن شخص او را کشته است، امّا بدان که این کشتن نه کشتنی است با شمشیر یا نیزه، بلکه با زخمی است که بر قلب و روان او وارد ساخته است.

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خوشا به حال مسلمانی که زندگی اش به اندازه ی نیاز و نیرویش [یا عقل و خردش] استوار باشد.

۱- (۱)) مکارم الأخلاق: ۳۶۹/۲ ضمن ح ۲۶۶۱ ونحوه فی أمالی الطوسی :۵۳۲ضمن ح ۱۱۶۲.

۲- (۲)) أعلام الدّین:۲۷۸ ،عنه البحار:۲۶/۱۰۳ح۳۴.

۳- (۳)) ثواب الأعمال: ۲۱۷ ح۱، عنه الوسائل: ۴۴۶/۹ ح ۱۲۴۶۰.

۴- (۴)) النوادر للرّاوندی: ۹۰ ح ۲۳،عنه البحار: ۶۷/۷۲ ضمن ح ۲۷ ونحوه فی الکافی: ۱۴۰/۲ ح ۲ وتنبیه الخواطر: ۱۹۵/۲،

۶ - عن علیّ بن الحسین علیهما السلام قال: مرّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم براعی إبل فبعث یستسقیه، فقال: أمّا ما فی ضروعها فصبوح الحیّ، وأمّا ما فی آنیتنا فغبوقهم (۱)، فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : اللّهمّ أکثر ماله و ولده. ثمّ مرّ براعی غنم فبعث إلیه یستسقیه، فحلب له ما فی ضروعها وأکفأ ما فی إنائه فی إناء رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم و بعث إلیه بشاه و قال: هذا ما عندنا وإن أحببت أن نزیدک زدناک. قال: فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : اللّهمّ ارزقه الکفاف.

فقال له بعض أصحابه:

یا رسول اللّه! دعوت للّذی ردّک بدعاء عامّتنا نحبّه، ودعوت للّذی أسعفک بحاجتک بدعاء کلّنا نکرهه!

فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : إنّ ما قلّ وکفی خیرٌ ممّا کثر وألهی، اللّهمّ ارزق محمّداً وآل محمّد الکفاف (۲).

۶ - امام سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برشتر چرانی گذر کرد. شخصی را فرستاد تا از او شیر بگیرد.

او در پاسخ گفت: آنچه در پستان شتران است برای صبحانه قبیله است و آنچه در ظرف ها است برای شام آنان است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بارالها! مال و فرزندانش را زیاد کن».

آن گاه به چوپانی دیگر گذر کرد و کسی را برای گرفتن شیر نزد او فرستاد.

چوپان، گوسفندها را دوشید و هر آنچه در ظرف خود داشت در ظرف رسول خدا صلی الله علیه و آله ریخت و گوسفندی هم برای حضرت فرستاد و عرض کرد: «این اندازه نزد ما بود و اگر بخواهید بیشتر می دهیم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا به مقداری که او را بس باشد روزی اش کن».

یکی از اصحاب گفت: «ای رسول خدا! برای آن شخصی که تو را ردّ کرد دعایی کردی که همه دوست داریم و برای آن که خواسته ات را برآورد دعایی کردی که هیچ یک نمی پسندیم!»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اندکی که کفایت کند بهتر است از بسیاری که دل را مشغول کند.

بارالاها محمّد و آل محمّد را به اندازه ی کفاف روزی فرما».

۱- (۱)) الغَبوق:شرب [اللبن] آخرالنهار مقابل الصبوح، (النهایه: ۳۴۱/۳).

۲- (۲)) الکافی:۱۴۰/۲ ح ۴.

٧ - عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال:

سخاء المرء عمّا فی أیدی النّاس أکثر من سخاء النفس والبذل، و مروّه الصبر فی حال الفاقه والحاجه والتعفّف والغنی أکثر من مروّه الإعطاء، وخیر المال الثّقه باللّه والیأس عمّا فی أیدی الناس (١).

٨ - قال أبوعبداللّه علیه السلام : إذا کان غروب الشمس وکّل اللّه تعالی ملَکاً بالشّمس یقول - أو ینادی - : أیّها الناس! أقبلوا علی ربّکم، فإنّ ما قلّ و کفی خیرٌ ممّا کثر و ألهی... (٢).

٩ - عن الصادق علیه السلام قال:

اتّخذ اللّه عزّوجلّ إبراهیم خلیلاً لأ نّه لم یردّ أحداً و لم یسأل أحداً غیراللّه عزّ و جلّ (٣).

٧ - امام باقر علیه السلام فرمود:

دل کندن شخص از آنچه در دست مردم است نیکوتر از بذل و بخشش مال خودش است؛

و جوانمردیی که در صبر بر تنگدستی و نیازمندی و خودداری [از درخواست] و بی نیازی وجود دارد، بزرگ تر از جوانمردی در بخشیدن اموال است.

برترین سرمایه، اعتماد به خداوند و ناامیدی از آن چیزی است که در دستان مردم است.

٨ - امام صادق علیه السلام فرمود:

چون خورشید غروب کند خداوند تعالی فرشته ای را بر خورشید می گمارد که می گوید:

ای مردمان! بر پروردگارتان روی آورید که همانا چیزی که اندک باشد و به اندازه ی نیاز، بهتر است از چیز بسیاری که دل را مشغول کند...

٩ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند ابراهیم را دوست صمیمی خود گرفت چون درخواست کسی را ردّ نکرد و جز از خدای عزّ و جلّ از کسی درخواست ننمود.

١- (١)) تهذیب الأحکام: ٣٨٧/۶ ح ١١۵٢، عنه الوسائل: ۴۵١/٩ ح ١٢۴٧۶. و جاء صدره فی مشکاه الأنوار: ۴٠۵ ح ١٣۴٣.

٢- (٢)) قرب الإسناد: ٣٩ ح ١٢۵ ونحوه فی الاختصاص: ٢٣۴.

٣- (٣)) علل الشرائع: ٣۴ ب ٣٢ ح ٢ وعيون أخبار الرّضا عليه السلام : ٧۵/٢ ب ٣٢ ح ۴،عنهما الوسائل: ۴۴١/٩ ح ١٢۴۴٢.

۱۰ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : ثلاث خصالٍ من صفه أولیاء اللّه تعالی:

الثّقه باللّه فی کلّ شیء، والغنی به عن کلّ شیء، والافتقار إلیه فی کلّ شیء (۱).

۱۱ - عن عبداللّه بن سنان قال:

سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: ثلاث هنّ فخر المؤمن وزینه فی الدّنیا والآخره:

الصّلاه فی آخر اللّیل، ویأسه ممّا فی أیدی الناس، و ولایته الإمام من آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم (۲).

۱۲ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : مَن أراد أن یکون أغنی الناس فلیکن بما فی ید اللّه أوثق منه بما فی ید غیره (۳).

۱۳ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: کان أمیرالمؤمنین - صلوات اللّه علیه - یقول:

لیجتمع فی قلبک الافتقار إلی الناس والاستغناء عنهم، فیکون افتقارک إلیهم فی لین کلامک وحُسن بِشرک، ویکون استغناؤک عنهم فی نزاهه عِرضک وبقاء عزّک (۴).

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه ویژگی از صفات اولیای خدای متعال است:

اعتماد به خدا در هر چیز، بی نیازی به وسیله ی او از هرچیز، و نیازمند بودن به او در هر چیز.

۱۱ - عبدللّه بن سنان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سه چیز مایه ی فخر و زینت مؤمن در دنیا و آخرت است: نماز در آخر شب [نمازشب]، ناامیدی او از آنچه در دستان مردم است و پذیرفتن ولایت امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله .

۱۲ - پیامبرخدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که می خواهد بی نیازترین مردم باشد، باید پشت گرمی او به آنچه در دست خدا است بیش از آن چیزی باشد که در دست غیر او است.

۱۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان - که درودهای خدا بر او باد - می فرمود:

باید در دلت احتیاج به مردم و بی نیازی از آنان جمع شود؛ [به این صورت که] احتیاج تو به آنان در نرم زبانی و خوش رویی ات باشد و بی نیازی تو از آنان در حفظ آبرو و نگهداری عزتت باشد (۵).

۱- (۱)) کنز الفوائد للکراجکی: ۲۸۸، عنه البحار: ۲۰/۱۰۳ ح ۲.

۲- (۲)) الکافی: ۲۳۴/۸ ح ۳۱۱ و أمالی الصدوق: ۴۳۷ م ۸۱ ح ۷.

۳- (۳)) الکافی: ۱۳۹/۲ ح ۸ .

۴- (۴)) الکافی: ۱۴۹/۲ ح ۷ .

۵- (۵)) انسان بایـد در دل خودبه دو چیز معتقـد باشد: ۱ – معتقـد باشد که در معاشـرت و زندگی دنیا به هم نوع خود محتاج است،چون انسان فطرتاً اجتماعی است لذا باید در معاشرت با دیگران نرم گفتار و خوش رفتار باشد. ۲ – معتقد باشد که روزی دهنـده ی او خداونـد است واو سـبب همه اسـباب می باشـد، لذا خود را بی نیاز از مردم بداند و نباید چاپلوسـی کند و خود را ذلیل و زبون سازد، بلکه در عین خوش رویی وشـیرین سـخنی، عزّت نفس و مناعت طبع خود را حفظ کند. (برگرفته از ترجمه ی اصول کافی، ج ۲۲۰/۳).

۱۴ – قال علیّ علیه السلام : الدّنیا دار مُنی لها الفناء... فارتحلوا منها بأحسن ما بحضرتکم من الزّاد، ولا تسألوا فیها فوق الکفاف، ولا تطلبوا منها أکثر من البلاغ (۱).

۱۵ – قال الإمام الهادی علیه السلام : الغنیّ قلّه تمنّیک، والرّضا بما یکفیک (۲).

۱۶ – قال علیّ علیه السلام : نال الغِنی مَن رُزق الیأس عمّافی أیدی الناس والقناعه بما اوتی والرضا بالقضاء (۳).

۱۷ – عن أبی جعفرالباقر علیه السلام قال:

أتی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم رجلٌ فقال:

علّمنی یا رسول اللّه، فقال: علیک بالیأس عمّا فی أیدی الناس فإنّه الغنی الحاضر... (۴).

۱۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

اشتدّت حال رجلٍ من أصحاب النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم ، فقالت له امرأته: لو أتیت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فسألته.

۱۴ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دنیا خانه ی آرزوها است که نابود می شود... پس با بهترین زاد و توشه ای که در اختیار دارید از آن کوچ کنید و در آن، بیش از اندازه ی نیاز خود درخواست نکنید و بیش از آن مقدار که شما را به مقصد رساند نطلبید.

۱۵ – امام هادی علیه السلام فرمود:

بی نیازی، در آرزوهای اندک و خشنود بودن به آنچه برایت کافی است، نهفته است.

۱۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که "ناامیدی از آنچه در دستان مردم است" و "قناعت به آنچه دارد" و "خشنودی به قضای الهی" روزی اش شود، به بی نیازی دست یافته است.

۱۷ – امام باقر علیه السلام فرمود: شخصی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! به من [چیزی] بیاموز.

حضرت فرمود: بر تو باد به ناامیدی از آنچه در دستان مردم است که همانا این توانگری نقد است ... .

۱۸ – امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وضعیت زندگی اش سخت شد.

همسرش به او گفت:

کاش خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفتی و از او چیزی می خواستی.

ص:۱۵۰

۱- (۱)) نهج البلاغه(صبحی الصالح):۸۵ الخطبه ۴۵.

۲- (۲)) الدرّه الباهره من الأصداف الطّاهره: ۴۲ ح ۱۳۱، عنه البحار: ۳۶۸/۷۸ ضمن ح ۳ و نحوه فی نزهه الناظر: ۱۳۸ ح ۷.

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۹۸ ح ۹۱۸۹.

۴- (۴)) المحاسن:۱۵ح۴۶،عنه البحار:۱۳۱/۷۷ح۳۶.

فجاء إلی النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم فلمّا، رآه النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم قال: مَن سألنا أعطیناه و مَن استغنی أغناه اللّه، فقال الرّجل: ما یعنی غیری. فرجع إلی امرأته فأعلمها، فقالت: إنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم بشرٌ فأعلمه.

فأتاه، فلمّا رآه رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم قال: مَن سألنا أعطیناه ومَن استغنی أغناه اللّه. حتّی فعل الرجل ذلک ثلاثاً. ثمّ ذهب الرجل فاستعار مِعوَلاً، ثمّ أتی الجبل فصعده فقطع حطباً، ثمّ جاء به فباعه بنصف مدّ من دقیق، فرجع به فأکله. ثمّ ذهب من الغد فجاء بأکثر من ذلک فباعه، فلم یزل یعمل ویجمع حتّی اشتری مِعوَلاً، ثمّ جمع حتّی اشتری بکرین (1)وغلاماً، ثمّ أثری حتّی أیسر، فجاء إلی النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم فأعلمه کیف جاء یسأله و کیف سمع النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم ، فقال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم :

قلت لک: مَن سألنا أعطیناه ومَن استغنی أغناه اللّه (2).

آن مرد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما درخواست کند به او عطا می کنیم و هر که بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز سازد. مرد با خود گفت: مقصود حضرت کسی جز من نیست. پس نزد همسر خود بازگشت و به او گزارش داد.

زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بشر است [و از حال تو خبر ندارد]، او را از حال خود آگاه ساز. مرد دوباره خدمت حضرت آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما درخواست کند عطایش می کنیم و هر که بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز می کند.

تا سه بار آن مرد چنین کرد. سپس بازگشت و کلنگی را عاریه گرفت و به جانب کوهستان رفت. بالای کوه رفته قدری هیزم برید و آورد و به نیم مُد [کم تر از چهارصد گرم] آرد آن را فروخت. آرد را به خانه برد و خورد. فردا هم رفت و هیزم بیش تری آورد و فروخت و همواره کار می کرد و می اندوخت تا خودش کلنگی خرید. باز هم اندوخت تا دو شترویک غلام خرید و ثروتمند و بی نیاز شد.

آن گاه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گزارش داد که چگونه برای درخواست آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله چه شنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به تو گفتم؛ هر که از ما در خواست کند به او عطا می کنیم و هرکه بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز می کند.

1- (1)) البکر: الفتیّ من الإبل، بمنزله الغلام من الناس.والأُنثیّ بکره، النهایه: 149/1.

2- (2)) الکافی:139/2ح7،عنه البحار:128/22ح102.

۱۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

لیس الغنی عن کثره العرَض ولکنّ الغنی غنی النفس (۱).

۲۰ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله لأبی ذرّ: یا أباذرّ! استغن بغناء اللّه یغنک اللّه. فقلت: وما هو یا رسول اللّه؟ فقال: غداء یوم وعشاء لیله، فمَن قنع بما رزقه اللّه فهو أغنی الناس (۲).

۲۱ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : قال اللّه عزّ و جلّ: إنّ من أغبط أولیائی عندی رجلًا خفیف الحال، ذا حظّ من صلاه، أحسن عباده ربّه بالغیب، وکان غامضاً فی الناس، جعل رزقه کفافاً فصبر علیه، عجّلت منیّته فقلّ تراثه وقلّت بواکیه (۳).

۲۲ – قال علیّ علیه السلام : مَن قنع برزق اللّه استغنی عن الخلق (۴).

۱۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بی نیازی در داشتن اموال فراوان نیست، بلکه بی نیازی، بی نیازی نفس است.

۲۰ – رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: ای ابوذر! به وسیله ی غنای الهی بی نیازی بجوی تا خداوند بی نیازت کند.

[ابوذر گوید] پرسیدم: ای رسول خدا! آن چیست؟

فرمود: غذای یک روز و شام یک شب؛ پس هرکس به آنچه خدا روزی اش کرده است قانع باشد غنی ترین مردم است.

۲۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: خدای عزّ و جلّ فرمود:

از میان دوستدارانم نزد من کسی بیش از دیگران مورد غبطه [هدف آرزوی دیگران] است که سبک بال است؛ از نماز بهره می برد؛ پروردگارش را در نهان، نیکو می پرستد و در میان مردم گمنام است؛ روزی خود را به اندازه ی کفاف قرار داده است و بر آن شکیبا است؛ مرگش زودرس و میراثش ناچیز است و گریه کنندگانش اندکند.

۲۲ – امام علی علیه السلام فرمود: هرکس به روزی خدا قانع باشد از مردم بی نیاز است.

۱- (۱)) تحف العقول: ۵۷، عنه البحار: ۱۶۲/۷۷ح ۱۶۷ و نحوه فی کنزالفوائد للکراجکی: ۲۸۸،عنه البحار:۲۰/۱۰۳ح ۱.

۲- (۲)) أمالی الطوسی: ۵۳۶ ضمن ح ۱۱۶۲، عنه المستدرک: ۲۲۷/۱۵ ح ۱۸۰۷۴.

۳- (۳)) الکافی:۱۴۰/۲ ح ۱ و نحوه فی ص ۱۴۱ ح ۶ و تحف العقول: ۳۸.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۴۹ ح ۷۹۵۸.

۲۳ – قال علیّ علیه السلام : الرّضا بالکفاف خیرٌ من السعی فی الإسراف (۱).

۲۴ – قال علیّ علیه السلام : الرّضا بالکفاف یؤدّی إلی العفاف (۲).

۲۵ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

قال رجلٌ للنّبیّ صلی الله علیه و آله و سلم :

یا رسول اللّه! علّمنی شیئاً إذا أنا فعلته أحبّنی اللّه من السماء وأحبّنی أهل الأرض، قال:

ارغب فیما عند اللّه یحبّک اللّه، وازهد فیما عند الناس یحبّک الناس (۳).

۲۶ – قال علیّ بن الحسین علیهما السلام للزهری: اعلم أنّ أکرم الناس علی الناس مَن کان خیره علیهم فائضاً، وکان عنهم مستغنیاً متعفّفاً.

وأکرم الناس بعده علیهم مَن کان مستعففاً وإن کان إلیهم محتاجاً، فإنّما أهل الدّنیا یتعقّبون الأَموال فمَن لم یزاحمهم فیما یتبقّونه کرم علیهم، ومَن لم یزاحمهم فیها ومکّنهم من بعضها کان أعزّ وأکرم (۴).

۲۳ – امام علی علیه السلام فرمود: راضی بودن به اندازه ی مورد نیاز، بهتر است از کوششی که در آن اسراف باشد.

۲۴ – امام علی علیه السلام فرمود: راضی بودن به مقدار مورد نیاز، به پاکدامنی می انجامد.

۲۵ – امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد:

ای رسول خدا! چیزی را به من بیاموز که چون آن را انجام دهم خداوند مرا در آسمان ها دوست بدارد و اهل زمین نیز مرا دوست بدارند.

فرمود: به آنچه نزد خدا است مشتاق باش که در این صورت خداوند تو را دوست می دارد، و از آنچه نزد مردم است کناره گیر که در این صورت مردم تو را دوست می دارند.

۲۶ – امام سجاد علیه السلام به زهری فرمود: بدان که گرامی ترین مردم در نزد مردم کسی است که خیرش بر آنان جاری باشد و خود از آنان بی نیاز و خوددار باشد. پس از او، گرامی ترین مردم در نزد آن ها کسی است که از درخواست کردن از آن ها خودداری کند، هرچند به آنان محتاج باشد. مردم به دنبال اموال هستند، پس هرکه در آنچه جمع کرده اند مزاحمشان نباشد، نزد آنان گرامی است و هرکه در آن مزاحمشان نباشد و مقداری از اموال نیز در اختیارشان بگذارد، [در نزد آن ها] عزیزتر و گرامی تر است.

١- (١)) عيون الحكم والمواعظ: ٢١ ح ١٢٤.

٢- (٢)) عيون الحكم والمواعظ: ٢٧ ح ٣٤٣.

٣- (٣)) تهذيب الأحكام: ٣٧٧/٦ ح ١١٠٢، عنه الوسائل: ٤٥١/٩ ح ١٢٤٧٥ .

٤- (۴)) الاحتجاج: ٣٢٠،عنه البحار: ١٥٦/٧٤ضمن ح ١.

۲۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

شرف المؤمن قیام اللّیل، وعزّه استغناؤه عن النّاس (۱).

۲۸ – عن العالم علیه السلام قال: الیأس ممّا فی أیدی النّاس عزّ المؤمن فی دینه، ومروّته فی نفسه، وشرفه فی دنیاه، وعظمته فی أعین الناس، وجلالته فی عشیرته، ومهابته عند عیاله، وهو أغنی الناس عند نفسه وعند جمیع الناس (۲).

۲۹ – عن عامرالشعبی قال:

تکلّم أمیرالمؤمنین علیه السلام بتسع کلمات ارتجلهنّ ارتجالاً... ثلاث منها فی المناجاه، وثلاث منها فی الحکمه، وثلاث منها فی الأدب...

وأمّا اللّاتی فی الأدب فقال:

امنن علی مَن شئت تکن أمیره، واحتج إلی مَن شئت تکن أسیره، واستغن عمّن شئت تکن نظیره (۳).

۳۰ – عن أبی الحسن الکاظم علیه السلام قال: کان لقمان علیه السلام یقول لابنه:

یابُنیّ! خذ من الدّنیا بلغه ولا تدخل فیها دخولاً یضرّ بآخرتک، ۲۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

شرافت مؤمن به شب زنده داری و عزّتش در بی نیازی او از مردم است.

۲۸ – امام رضا علیه السلام فرمود:

ناامیدی از آنچه در دستان مردم است موجب عزّت مؤمن در دینش، جوانمردی او در درونش، شرافت او در دنیایش، بزرگی او در دیدگان مردم، شکوهمندی او در میان قبیله و خاندانش، و ابهت او نزد خانواده اش می شود.

چنین شخصی بی نیازترین مردم نزد خود و نزد همه ی مردم است.

۲۹ – عامر شعبی می گوید:

امیرمؤمنان علیه السلام بدون مقدّمه ی قبلی نُه جمله فرمود... که سه تا درباره ی مناجات و سه تا درباره ی حکمت و سه تا درباره ی ادب بود... .

امّا درباره ی ادب فرمود:

بر هر که می خواهی احسان کن تا امیرش باشی، و از هر که می خواهی درخواست نیازمندی کن تا اسیرش باشی،

و از هر که می خواهی بی نیاز باش تا همانندش باشی.

۳۰ - امام کاظم علیه السلام فرمود: لقمان علیه السلام به فرزندش می گفت:

فرزندم! تنها به مقدار مورد نیاز از دنیا برگیر و در دنیا چنان فرو نرو که به آخرتت ضرر برساند

۱- (۱)) الکافی: ۲ / ۱۴۸ ح ۱.

۲- (۲)) فقه الرّضا علیه السلام : ۳۶۷.

۳- (۳)) الخصال: ۴۲۰ح۱۴،عنه البحار:۴۰۲/۷۷ ح ۲۳.

ولاترفضها فتكون عيالاً على الناس (۱).

۳۱ – عن عبدالأعلی مولی آل سام قال: استقبلت أبا عبدالله علیه السلام فی بعض طرق المدینه فی یوم صایف شدید الحرّ، فقلت: جعلت فداک حالک عند الله عزّوجلّ و قرابتک من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و أنت تجهد لنفسک فی مثل هذا الیوم! فقال: یا عبدالأعلی! خرجت فی طلب الرّزق لأستغنی عن مثلک (۲).

۳۲ – قال الصادق جعفر بن محمّد علیهما السلام : إذا کان یوم القیامه وقف عبدان مؤمنان للحساب، کلاهما من أهل الجنّه:

فقیر فی الدّنیا وغنیّ فی الدّنیا. فیقول الفقیر:

یا ربّ! علی ما اوقف؟ فوعزّتک إنّک لتعلم أنّک لم تولّنی ولایهً فأعدل فیها أو أجور، ولم ترزقنی مالاً فأُؤدّی منه حقّاً أو أمنع، ولا کان رزقی یأتینی منها إلّاکفافاً علی ما علمت وقدّرت لی.

و آن را چنان ترک نکن که هزینه ات بر دوش مردم بیفتد.

۳۱ – عبدالأعلی مولی آل سام می گوید:

در یکی از راه های مدینه، در گرمای شدید روز، با امام صادق علیه السلام روبه رو شدم.

عرض کردم: فدایت شوم! منزلت تو در پیشگاه خداوند عزّ و جلّ و خویشاوندی تو با رسول خدا صلی الله علیه و آله [معلوم است] و با این وجود تو در مثل چنین روزی خود را به سختی می اندازی؟

حضرت فرمود:

در پی طلب روزی برآمدم تا از مانند تو بی نیاز باشم.

۳۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

روز قیامت دو بنده ی مؤمن برای حسابرسی حاضر می شوند که هر دو اهل بهشتند:

بی نوا در دنیا و توانگر در دنیا.

فقیر می گوید: پروردگارا! برای چه نگه داشته شده ام؟

سوگند به عزّتت تو خوب می دانی که به من حکومتی را نسپردی تا در آن داد بستانم یا ستم نمایم و مالی ارزانی ام نداشتی تا از آن حقّی ادا کنم یا نکنم و روزی ام جز به اندازه ی کفاف نمی رسید چنان که خودت می دانستی و برایم مقدّر می فرمودی.

۱- (۱)) قصص الأنبياء للراوندی :۱۹۰ضمن ح۲۳۸.

۲- (۲)) الکافی: ۷۴/۵ ح ۳، التهذیب: ۳۲۴/۶ ح ۸۹۳، عنهما الوسائل: ۲۰/۱۷ ح ۲۱۸۷۳.

فیقول اللّه جلّ جلاله: صدق عبدی خلّوا عنه یدخل الجنّه.

ویبقی الآخر حتّی یسیل منه العرق ما لو شربه أربعون بعیراً لکفاه ثمّ یدخل الجنّه فیقول الفقیر له: ما حبسک؟ فیقول: طول الحساب، ما زال الشیء یجیئنی بعد الشیء یغفر لی ثمّ اسأل عن شیءٍ آخر حتّی تغمّدنی اللّه عزّ و جلّ منه برحمه وألحقنی بالتائبین، فمَن أنت؟ فیقول: أنا الفقیر الّذی کنت معک آنفاً.

فیقول: لقد غیّرک النعیم بعدی (۱).

۳۳ - عن الهیثم بن واقد قال:

سمعت الصادق جعفر بن محمّد علیهما السلام یقول:

مَن أخرجه اللّه عزّ و جلّ من ذلّ المعاصی إلی عزّ التّقوی أغناه اللّه بلا مال وأعزّه بلا عشیره وآنسه بلا أنیس... ومَن رضی من اللّه عزّ و جلّ بالیسیر من الرّزق رضی اللّه منه بالیسیر من العمل... (۲).

خدای جلّ جلاله می فرماید: بنده ام راست می گوید، رهایش کنید تا به بهشت در آید.

آن شخص دیگر باقی می ماند [نگه داشته می شود] تا جایی که به اندازه ای عرق می ریزد که اگر چهل شتر از آن بنوشند سیراب می شوند.

سپس وارد بهشت می شود. فقیر به او می گوید: برای چه نگهت داشتند؟

می گوید: به جهت طول حساب؛ پیوسته چیزهایی را یکی پس از دیگری از من می پرسیدند و من بخشیده می شدم تا این که خداوند عزّ و جلّ مرا با رحمتی از جانب خود فرا گرفت و مرا به توبه کاران ملحق کرد.

تو کیستی؟ فقیر می گوید: من همان بی نوایی هستم که با تو بودم. ثروتمند به او می گوید:

پس از من، نعمت های بهشتی تو را دگرگون ساخته است.

۳۳ - هیثم بن واقد می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند هرکه را از خواری گناه به عزّت و سرافرازی تقوا در آورد، او را بدون سرمایه، بی نیاز می کند و بدون قبیله و خویشاوند، عزیز می سازد، و بدون مونس، آرامش می دهد...

هر که به روزی اندک خداوند عزّ و جلّ راضی باشد خداوند به کردار اندک او خشنود می شود... .

۱- (۱)) روضه الواعظين: ۴۵۵.

۲- (۲)) الفقيه: ۴۱۰/۴ ح ۵۸۹۳ ونحوه فى مستطرفات السرائر: ۸۲ ح ۲۰، عنه البحار: ۲۷۰/۷۸ ح ۱۱۰.

۳۴ – عن الصادق علیه السلام قال: فی الإنجیل أنّ عیسی علیه السلام قال: اللّهمَّ ارزقنی غدوهً رغیفاً من شعیر، وعشیّهً رغیفاً من شعیر، ولا ـ ترزقنی فوق ذلک فأطغی، وکما أنّ الخائض فی الماء یجد بللاً لامحاله کذلک صاحب الدّنیا یجد علی قلبه رَیناً وقسوهً لامحاله (۱).

۳۵ – عن زراره قال: إنّ رجلاً ـ أتی أباعبداللّه علیه السلام فقال: إنّی لا ـ احسن أن أعمل عملاً ـ بیدی ولا احسن أن أتّجر وأنا محارَف محتاج. (۲) فقال: اعمل فاحمل علی رأسک واستغن عن الناس، فإنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم قدحمل حجراً علی عاتقه فوضعه فی حائطٍ له من حیطانه وإنّ الحجر لفی مکانه ولا یدری کم عمقه، إلّاأنّه ثَمَّ (۳) [بمعجزته] (۴).

۳۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: در انجیل آمده است که عیسی علیه السلام می گفت:

بارالها! در صبح یک گرده نان جو و در شامگاه یک گرده نان جو روزی ام فرما و بیش از آن روزی ام مفرما که طغیان کنم.

وهمان طور که فرو رونده در آب، به ناچار تری را [در خود] می یابد [تر می شود] صاحب دنیا نیز به ناچار بر قلب خود زنگار و قساوت می یابد.

۳۵ – زراره می گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد:

من با این که محروم و نیازمندم، دوست ندارم با دستانم کار کنم و دوست ندارم تجارت نمایم.

حضرت فرمود: کار کن و در مقابل حمل اشیا برای دیگران، اجرت بگیر و از مردم بی نیاز باش.

رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگ بزرگی را بر دوش خود حمل کرد و آن را در باغی از باغ هایش گذاشت.

آن سنگ در جای خودش هست و کسی نمی داند عمق آن سنگ چه اندازه است و هنوز آن جا است.

[این از معجزه ی آن حضرت می باشد].

ص:۱۵۷

۱- (۱) عُدّه الداعی:۱۱۵.

۲- (۲) المحارَف: المحروم الّذی إذا طلب لایُرزق، أویکون لایسعی فی الکسب، (مجمع البحرین: ۴۹۱/۱).

۳- (۳) أی کونه ثمّه إلی الآن یدلّ علی کثره عمقه فیدلّ علی کبرالحجر، (مرآه العقول: ۲۱/۱۹).

۴- (۴) الکافی: ۵ / ۷۶ ح۱۴،عنه الوسائل: ۳۸/۱۷ ح۲۱۹۲۲.

۳۶ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : استغنوا عن الناس ولو بشوص السواک (۱).

۳۷ – عن الإمام السجّاد علیه السلام من دعائه فی المعونه علی قضاء الدین قال:

اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله، وهب لی العافیه من دَینٍ تخلق به وجهی، ویحار فیه ذهنی، ویتشعّب له فکری، ویطول بممارسته شغلی، وأعوذ بک یا ربّ من همّ الدَین وفکره، وشغل الدَین وسهره، فصلّ علی محمّدٍ وآله، وأعذنی منه، وأستجیر بک یا ربّ من ذلّته فی الحیاه، ومن تبعته بعد الوفاه، فصلّ علی محمّدٍ وآله، وأجرنی منه بوسعٍ فاضل، أو کفافٍ واصل (۲).

۳۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

...خفّفوا الدَین، فإنّ فی خفّه الدَین زیاده العمر (۳).

۳۹ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

تعوّذوا باللّه من غلبه الدَین (۴).

۳۶ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از مردم بی نیازی بجویید حتی [در چیزی که] به ارزش آب دهان پس از مسواک زدن باشد.

۳۷ – از دعاهای امام سجاد علیه السلام در یاری از خداوند بر ادای دین است که گفت:

بارالها بر محمّد و آل او درود فرست و مرا معاف دار از بدهکاریی که با آن آبرویم را ببری و خردم در آن سرگردان شود و اندیشه ام آشفته گردد و گرفتاری ام در چاره ی آن به طول انجامد، و به تو پناه می برم ای پروردگار از اندوه بدهکاری و اندیشه ی آن، و از گرفتاری و بی خوابی آن، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده، و به تو پناه می جویم ای پروردگار از خواری دنیوی آن و از گرفتاری پس از مرگ آن، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا با توانگری بسیار یا روزی به اندازه ی نیاز که برسد، از آن برهان.

۳۸ – امام صادق علیه السلام فرمود:

بدهکاری را سبک کنید که کم بودن بدهکاری موجب افزایش عمر است.

۳۹ – امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا پناه ببرید از غلبه بدهکاری.

١- (١)) الفقيه: ٧١/٢ ح ١٧٦١، عنه الوسائل:٤٤١/٩ح ١٢٤٤٠.

٢- (٢)) الصحيفه السجّاديه الجامعه: ١٥٠ الدعاء ٧٩.

٣- (٣)) أمالى الطوسى: ٦٦٧ ح ١٣٩٦.

٤- (۴)) الكافى: ٩٢/٥ ح١ والفقيه: ١٨١/٣ ح٣٦٨٢ و التهذيب: ١٨٣/٦ ح ٣٧٧، عنها الوسائل: ٣١٥/١٨ ح ٢٣٧٤٨.

۴۰ - عن الإمام السجّاد علیه السلام - من دعائه فی الیوم الثامن والعشرین من شهر رمضان - قال:

اللّهمّ إنّی أعوذ بک من الهمّ والحزن والکسل وغلبه الدَین وغلبه بنی آدم... (۱).

۴۰ - از دعای امام سجاد علیه السلام در روز هیجدهم ماه رمضان است که گفت:

بارالها! به تو پناه می برم از غم و اندوه و تنبلی و غلبه ی بدهکاری و غلبه ی آدمیان... .

۱- (۱)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۲۸۰ ضمن الدعاء ۱۳۸.

ج) نهی از اظهار فقر و درخواست از مردم، و نکوهش چشم داشتن به مال آن ها

١ - قال أبوعبداللّه علیه السلام : ما من عبدٍ یسأل من غیر حاجه فیموت حتّی یُحوِجَه اللّه إلیها ویثبّت اللّه له بها النّار (١).

٢ - قال علیّ بن الحسین علیهما السلام :

ضمنت علی ربّی أنّه لا یسأل أحدٌ من غیر حاجه إلّااضطرّته المسأله یوماً إلی أن یسأل من حاجه (٢).

٣ - قال النبیّ صلی الله علیه و آله : مَن سأل عن ظهر غنی فصداع فی الرأس و داء فی البطن (٣).

۴ - قال النبیِّ صلی الله علیه و آله : مَن سأل الناس أموالهم تکثّراً فإنّما هی جمره فلیستقلّ منه أو لیستکثر (۴).

١ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ بنده ای نیست که بدون نیاز [چیزی را] گدایی کند، مگر این که خداوند پیش از مرگ، او را به آن نیازمند کند و به سبب آن، آتش را برایش پایدار سازد.

٢ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

از جانب پروردگارم متعهد می شوم که کسی بدون نیاز درخواست نمی کند مگر این که یک روز فقر او را مجبور می کند که از روی نیازمندی بخواهد.

٣ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه از روی بی نیازی درخواست کند، دردی در سر و بیماری در شکم دارد.

۴ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه برای افزایش [ثروت خود]، اموال مردم را درخواست کند، این درخواست، آتشی است برافروخته، چه کم بخواهد چه زیاد.

١- (١)) الکافی: ١٩/۴ ح ٣ و ثواب الأعمال: ٣٢۵ ح ١، عنهما الوسائل: ۴٣۶/٩ ح ١٢۴٢۴.
٢- (٢)) الکافی: ١٩/۴ ح ١ و الفقیه: ٧٠/٢ ح ١٧۵۴، عنهما الوسائل: ۴٣۶/٩ ح ١٢۴٢۵.
٣- (٣)) جامع الأخبار: ٣٧٩ ح ١٠۶۵،عنه البحار: ١۵۶/٩۶ ضمن ح ٢٩.
۴- (۴)) جامع الأخبار: ٣٨٠ ح ١٠۶۶،عنه البحار: ١۵۶/٩۶ ضمن ح ٢٩.

۵ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن سأل الناس وعنده قوت ثلاثه أیّام لقی اللّه تعالی یوم یلقاه ولیس فی وجهه لحم (۱).

۶ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : مَن سأل الناس شیئاً وعنده ما یقوته یومه فهو من المسرفین (۲).

۷ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : مَن فتح علی نفسه باب المسأله فتح اللّه علیه سبعین باباً من الفقر لایسدّ أدناها شی (۳).

۸ – عن محمّـد بن مسلم قال: قال أبوجعفر [الباقر] علیه السـلام : یا محمّـد! لو یعلم السائل ما فی المسأله ما سأل أحدٌ أحداً، ولو یعلم المعطی ما فی العطیّه ماردَّ أحدٌ أحداً (۴).

۹ – من وصایا النبیّ صلی الله علیه و آله لعلیّ علیه السلام : یا علیّ! لئن ادخل عن المستطرفات.

۵ – امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که غذای سه روز را داشته باشد و با این حال از مردم درخواست کند، خدا را در روز ملاقات در حالی دیدار می کند که در صورتش گوشتی نباشد.

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه چیزی را در خواست کند در حالی که غذای روز خود را دارد، از اسراف گران است.

۷ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه درِ گدایی را برخود بگشاید خداوند هفتاد درِ فقر را بر او بگشاید که هیچ چیزی نزدیک ترین آن ها را [نیز] نمی بندد.

۸ – محمد بن مسلم نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

ای محمد!

اگر درخواست کننـده می دانست که در درخواست کردن، چه [زشتی هـایی] وجود دارد، هرگز کسـی از دیگری درخواست نمی کرد؛

و اگر بخشنده می دانست که در بخشیدن چه [حسناتی] وجود دارد هرگز کسی، دیگری را ردّ نمی کرد.

۹ – از سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی!

۱- (۱)) ثواب الأعمال: ۳۲۵ ح ۱، عنه الوسائل: ۴۳۷/۹ ح ۱۲۴۲۸.

۲- (۲)) تفسیر العیّاشی: ۱۴/۲ ح ۲۸،عنه الوسائل: ۴۳۸/۹ ح ۱۲۴۳۲.

۳- (۳)) عُدّه الداعی: ۱۰۰،عنه الوسائل: ۴۳۸/۹ ح ۱۲۴۳۱.

۴- (۴)) الکافی: ۲۰/۴ ح ۲ و مستطرفات السرائر: ۱۴۴ ح ۱۴ و فی الوسائل: ۴۳۷/۹ ح ۱۲۴۲۷

یدی فی فم التّنین (۱) إلی المرفق أحبّ إلیَّ من أن أسأل من لم یکن ثمّ کان (۲).

۱۰ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

الأیـدی ثلاث: یـد اللّه العلیا، ویـد المعطی الّتی تلیها، وید المعطی أسـفل الأیدی، فاسـتعفّوا عن السؤال ما اسـتطعتم، إنّ الأرزاق دونهـا حجبٌ، فمَن شاء قنی حیاءه (۳) وأخـذ رزقه، ومَن شاء هتک الحجاب وأخـذ رزقه، والّذی نفسـی بیده لأن یأخذ أحدکم حبلاً۔ ثمّ یـدخل عرض هـذا الوادی فیحتطب حتّی لا یلتقی طرفاه ثمّ یـدخل به السوق فیبیعه بمـدّ من تمر ویأخـذ ثلثه ویتصـدّق بثلثیه، خیرٌ له من أن یسأل الناس، أعطوه أو حرّموه (۴).

۱۱ - عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم قال:

إنّ اللّه یرضـی لکم ثلاثـاً اگر دسـتم را تـا مرفق در دهـان مار بزرگ فرو برم برایم خوش تر است از این که درخواست کنم از کسی که نداشت و دارا شد.

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دست ها سه گونه اند:

دست خدا که برترین است، دست بخشنده که پس از آن است، و دست گیرنده که پایین ترین دست ها است؛

پس تا می توانید از درخواست کردن خودداری کنید.

همانا روزی ها پشت پرده ای است؛ پس هرکه خواهـد، حیا پیشه کنـد و روزی خود را دریافت کند و هرکه خواهد پرده دری کند و روزی خود را بگیرد.

سوگنـد به آن که جـانم در دست او است اگر یکی از شـما طنـابی بردارد و در پهنـای این صـحرا برود و هیزم گرد آورد - به انـدازه ای که دو طرف طناب به هم نرسـد - ، سـپس به بازار آورد و آن را در برابر یک مـد خرما بفروشـد و یک سوم آن را برای خود بردارد و دو سومش را صـدقه دهـد، برایش بهتر است از این که از مردم درخواست کنـد، چه آنـان به او ببخشـند یا نبخشند.

۱۱ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

خداوند از سه ویژگی شما خرسند می شود

۱- (۱)) التّنین: الحیّه العظیمه، (مجمع البحرین: ۲۹۷/۱).

۲- (۲)) الفقیه: ۳۷۳/۴ ضمن ح ۳۵۷۶۵، عنه الوسائل: ۴۴۰/۹ صدر ح ۱۲۴۳۹.

۳- (۳)) قنيت الحياء:لزمته،(مجمع البحرين: ۵۵۵/۳).

۴- (۴)) الكافى: ۲۰/۴ ح ۳،عنه الوسائل: ۴۳۹/۹ ح ۱۲۴۳۶.

ویسخطلکم ثلاثاً:یرضی لکم أن تعبدوه ولا تشرکوا به شیئاً، وأن تعتصموا بحبل اللّه جمیعاً، وأن تناصحوا من ولّاه اللّه أمرکم؛ ویکره لکم قیل وقال، وکثره السؤال، وإضاعه المال (۱).

۱۲ - عن أبی الحسن الأحمسی عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ اللّه عزّ و جلّ فوّض إلی المؤمن اموره کلّها و لم یفوّض إلیه أن یکون ذلیلًا، أما تسمع قول اللّه عزّ و جلّ یقول وَ لِلَّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ (۲) فالمؤمن یکون عزیزاً ولا یکون ذلیلًا.

ثمّ قال: إنّ المؤمن أعزّ من الجبل؛ إنّ الجبل یستقلّ منه بالمعاول والمؤمن لایستقلّ من دینه شیء (۳).

۱۳ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ اللّه تبارک وتعالی أحبَّ شیئاً لنفسه وأبغضه لخلقه، أبغض لخلقه المسأله وأحبّ لنفسه أن یُسأل، ولیس شیء أحبُّ إلی اللّه و از سه ویژگی شما به خشم می آید:

خداوند می پسندد که او را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید، و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید، و در مورد کسی که خداوند سرپرستی امور شما را به او سپرده است خیرخواهی کنید؛ و سه ویژگی را که خوش ندارد عبارتند از:

بگو مگو و نزاع، درخواست بسیار [از مردم]، و از بین بردن مال.

۱۲ - أبوالحسن أحمسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

خداوند عزّ و جلّ همه ی کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده است جز این که به او اجازه نداده است که خوار باشد؛ آیا نمی شنوی سخن خدای عزّ و جلّ را که می فرماید «عزّت از آن خدا و پیامبر او و مؤمنان است»؟ پس مؤمن باید عزیز باشد و نباید خوار باشد.

مؤمن محکم تر از کوه است؛ زیرا کوه با کندن به وسیله ی کلنگ ها، فرسایش می یابد، ولی مؤمن از دینش چیزی کاسته نمی شود.

۱۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی در مورد خود چیزی را دوست دارد که آن را در مورد بندگانش نمی پسندد:

درخواست بندگان از خلق را نمی پسندد و درخواست از خود را دوست دارد و چیزی نزد خداوند محبوب تر از آن نیست

۱- (۱)) الأدب المفرد: ۱۳۰ ح ۴۴۷.

۲- (۲)) المنافقون: ۸.

۳- (۳)) الکافی: ۶۳/۵ ح ۱ و نحوه فی ح ۶ و التهذیب:۱۷۹/۶ ح ۳۶۷، عنهما الوسائل: ۱۵۶/۱۶ح ۲۱۲۳۲ و ۲۱۲۳۳.

عزّ و جلّ من أن يُسأل، فلا يستحيي أحدكم أن يسأل اللّه من فضله ولو شَسع نعل (۱).

۱۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

جاءت فِخذٌ (۲) من الأنصار إلی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فسلّموا علیه فردّ علیهم السلامَ، فقالوا: یا رسول اللّه! لنا إلیک حاجه، فقال: هاتوا حاجتکم، قالوا:

إنّها حاجه عظیمه، فقال: هاتوها ما هی؟ قالوا: تضمن لنا علی ربّک الجنّه، قال: فنکس رسول اللّه صلی الله علیه و آله رأسه ثمّ نکت فی الأرض ثمّ رفع رأسه فقال: أفعل ذلک بکم علی أن لا تسألوا أحداً شیئاً.

قال: فکان الرّجل منهم یکون فی السّفر فیسقط سوطه فیکره أن یقول لإنسان «ناولنیه» فراراً من المسأله، فینزل فیأخذه، ویکون علی المائده فیکون بعض الجلساء أقرب إلی الماء منه فلا یقول: «ناولنی»، حتّی یقوم فیشرب (۳).

که مورد درخواست قرار گیرد، پس هیچ یک از شما حیا نکند که از فضل خدا طلب کند، گرچه بند کفشی باشد.

۱۴ – امام صادق علیه السلام فرمود:

قبیله ای از انصار خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند. بر حضرت سلام کردند و آن حضرت پاسخ داد.

سپس گفتند: ای رسول خدا! ما از تو درخواستی داریم. فرمود: بفرمایید؟ عرض کردند: خواسته ی ما بزرگ است.

فرمود: بگویید، چیست؟

گفتند: از جانب پروردگارت بهشت را برای ما ضمانت کن.

حضرت سرمبارکش را پایین انداخت، سپس با نوک انگشت به زمین کوبید، آن گاه سر خود را بلند کرد و فرمود:

این کار را برای شما انجام می دهم به این شرط که چیزی را از کسی نخواهید.

امام صادق علیه السلام فرمود: بسا یکی از آنان در سفر بود و تازیانه اش می افتاد؛ ولی خوش نداشت به کسی بگوید «آن را به من بده» تا درخواستی از کسی نکرده باشد؛ بلکه خود [از مرکب] پایین می آمد و آن را بر می داشت.

گاهی نیز یکی که از آن ها که بر سر سفره بود به کسی که به آب نزدیک تر بود نمی گفت «آن را به من بده»، بلکه خود بر می خاست و می نوشید.

۱- (۱)) الکافی: ۴ / ۲۰ ح ۴ والفقیه: ۷۰/۲ ح ۱۷۵۷، عنهما الوسائل: ۳۲/۷ ح ۸۶۳۳ .

۲- (۲)) الفِخذ: دون القبیله و فوق البطن، (مجمع البحرین: ۳۶۹/۳) .

۳- (۳)) الکافی: ۲۱/۴ ح ۵ و الفقیه: ۷۱/۲ ح ۱۷۶۰، عنهما الوسائل: ۴۳۹/۹ ح ۱۲۴۳۷.

۱۵ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله یوماً لأصحابه: ألا تبایعونی؟ فقالوا:

قد بایعناک یا رسول اللّه، قال:

تبایعونی علی أن لا تسألوا الناس شیئاً. فکان بعد ذلک تقع المِخصَره (۱) من ید أحدهم فینزل لها ولا یقول لأحد «ناولنیها» (۲).

۱۶ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: ما کان فی شیعتنا فلا یکون فیهم ثلاثه أشیاء: لا یکون فیهم مَن یسأل بکفّه، ولا یکون فیهم بخیل... (۳).

۱۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

شیعتنا مَن لا یسأل الناس شَیئاً ولو مات جوعاً (۴).

۱۸ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : لاتسألوا إخوانکم الحوائج فیمنعوکم فتغضبون و تکفرون (۵).

۱۵ – روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

آیا با من بیعت نمی کنید؟

گفتند: ای رسول خدا! ما با تو بیعت کردیم.

فرمود: با من بیعت کنید که از مردم چیزی را نخواهید.

پس از آن چنین بودند که هرگاه [چیزی همچون] عصا از دست یکی شان می افتاد، خودش برای برداشتن آن خم می شد و به دیگری نمی گفت «آن را به من بده».

۱۶ – امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه در شیعیان ما باشد سه چیز در آن ها نیست:

در میان آن ها گدای سائل به کفّ [کسی که دست گدایی جلوی دیگران دراز می کند] نیست، و در میانشان بخیل نیست... .

۱۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

شیعه ی ما کسی است که چیزی را از مردم درخواست نمی کند، گرچه از گرسنگی بمیرد.

۱۸ – امام صادق علیه السلام فرمود:

حاجت ها را از برادرانتان نخواهید که امتناع می وَرزند و آن گاه شما خشم می گیرید و [نسبت به یکدیگر] ناسپاس می شوید.

۱- (۱)) المِخصَره: كلّ ما أمسكه الإنسان بيده من عصاًو نحوها (مجمع البحرين: ۶۵۴/۱) .

۲- (۲)) عُدّه الداعی: ۹۹،عنه الوسائل: ۴۴۳/۹ح ۱۲۴۵۱ والبحار: ۱۵۸/۹۶ ضمن ح ۳۷ .

۳- (۳)) الخصال:۱۳۱ح۱۳۷،عنه البحار: ۶۳/۷۹ ح ۱.

۴- (۴)) عُدّه الداعی: ۹۹،عنه الوسائل: ۴۴۳/۹ ح ۱۲۴۴۸ والبحار: ۱۵۹/۹۶ ضمن ح ۳۷.

۵- (۵)) مصادقه الإخوان: ۵۴ ح ۱،عنه الوسائل: ۴۴۲/۹ ح ۱۲۴۴۴.

۱۹ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : إنّ المسأله لا تحلّ إلّاالفقرٍ مدقع، أو غرمٍ مفظع (۱).

۲۰ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : لا تصلح المسأله إلّافی ثلاث: فی دمٍ منقطع، أو غرمٍ مثقل، أو حاجهٍ مدقعه (۲).

۲۱ – قال علیّ لابنه الحسن علیهما السلام :

اعلم یقیناً أنّک لن تبلغ أمَلک، و لن تعدو أجَلک، و أ نّک فی سبیل مَن کان قبلک، فخفّض فی الطلب، وأجمل فی المکتسب، فإنّه رُبّ طلَب قد جرّ إلی حرَب (۳) فلیس کلّ طالب بمرزوق، ولاکلّ مجمل بمحروم.

و أکرم نفسک عن کلّ دنیّه وإن ساقتک إلی الرغائب،فإنّک لن تعتاض بما تبـذل من نفسک عوضاً، و لا تکن عبد غیرک وقد جعلک اللّه حرّاً. وما خیرُ خیرٍ لایُنال إلّا بشرّ، ویُسرٍ لایُنال إلّابعُسر (۴).

۱۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

درخواست کردن[از دیگران] جز برای نیاز سخت و زمین گیر کننده یا بدهی غیرقابل تحمل، روا نیست.

۲۰ – امام صادق علیه السلام فرمود: درخواست از دیگران جز در سه مورد شایسته نیست:

خون بهایی که گردن گیر شده است، بدهی سنگین، یا نیاز سخت و ذلت بار.

۲۱ – امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود:

یقین بـدان که تو هرگز به آرزوی خود نخواهی رسید و از مرگ خود نخواهی رست و تو در راه کسانی هستی که پیش از تو بودنـد، پس در تلاـش خود [برای مـال و دارایی] مـدارا کن و آسـان گیر و در آنچه به دست می آیـد به نیکویی و میـانه روی رفتار کن؛ زیرا بسا تلاشی که به نابودی بینجامد؛ که هر تلاش کننده ای کامیاب و هر میانه رویی محروم نیست.

و نفس خود را از هر زبونی گرامی دار هر چند تو را به خواسـته هایت برساند؛ زیرا هرگز به اندازه ی آنچه از نفس خود هزینه می کنی عوض نخواهی گرفت.

و بنـده دیگری مباش که خـداتو را آزاد آفریـده است. و آن نیکویی که جز با بـدی بدست نیاید چه خیری دارد؟ و آن آسانی که جز با دشواری به آن نرسند، چه آسانی ی دارد؟

۱- (۱)) جامع الأخبار: ۳۷۹ ح ۱۰۶۲،عنه البحار: ۱۵۶/۹۶ ضمن ح ۲۹ ونحوه فی المصنّف لابن أبی شیبه: ۱۰۰/۳ ح ۳.

۲- (۲)) الخصال: ۱۳۵ ح ۱۴۸، عنه الوسائل: ۴۴۷/۹ ح ۱۲۴۶۴.

۳- (۳)) الحَرب، نهب مال الإنسان و ترکه لاشیء له، (النهایه: ۳۵۸/۱).

٤- (٤)) نهج البلاغه (صبحى الصالح):٤٠١ضمن كتاب ٣١، عنه البحار: ٣٩/١٠٣ ضمن ح ٨٨ .

۲۲ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله لأبی ذرّ - رحمه اللّه علیه - : یا أباذرّ! إیّاك والسؤال فإنّه ذلّ حاضر، وفقر تتعجّله، وفیه حسابٌ طویلٌ یوم القیامه...یا أباذرّ! لا تسأل بكفّك، وإن أتاك شیء فاقبله (۱).

۲۳ - عن عبدالأعلى بن أعین قال:

سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول:طلب الحوائج إلى الناس استلاب للعزّ ومذهبه للحیاء، والیأس ممّا فی أیدی الناس عزّ للمؤمن فی دینه، والطمع هو الفقر الحاضر (۲).

۲۴ - قال علیّ لابنه الحسن علیهما السلام :

اعلم یـابُنیّ أنّ الرزق رزقـان: رزق تطلبه، و رزق یطلبک فـإن أنت لم تـأته أتـاك. مـا أقبـح الخضوع عنـد الحاجه والجفاء عند الغنی؟ إنّما لک من دنیاك ما أصـلحتَ به مثواك، وإن كنت جازعاً على ما تفلّت من یدیك فاجزع على كلّ ما لم یصل إلیك (۳).

۲۲ - رسول خدا صلى الله علیه و آله به ابوذر - كه رحمت خدا بر او باد - فرمود:

ای ابوذر! از سؤال كردن بپرهیز كه ذلّتی است حاضـر و آمـاده، و فقری است كه به سویش می شـتابی، و حسـاب آن در روز قیامت طولانی است. ...

ای ابوذر! دست به درخواست دراز مكن و اگر چیزی به تو دادند بپذیر.

۲۳ - عبدالأعلى بن اعین می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم كه می فرمود:

حاجت خواسـتن از مردم موجب سـلب عزّت و از بین رفتن حیا می گردد و ناامیدی از آنچه در دسـتان مردم است سـبب عزّت مؤمن در دینش می شود، و طمع فقری است حاضر و آماده.

۲۴ - امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: ای پسرم! بدان كه روزی دو قسم است:

یكی آن كه تو آن را می جویی، و دیگری آن كه او تو را می جوید و اگر تو به سوی آن نروی خودش به تو خواهد رسید.

چه زشت است فروتنی به هنگـام نیـاز و سـتمكاری به هنگـام بی نیـازی. همانا سـهم تو از دنیا آن انـدازه خواهـد بود كه با آن سرای آخرت خود را اصـلاح كنی. اگر برای چیزی كه ازدست می دهی بی تابی می كنی، پس برای هر چیزی كه به دست تو نرسیده نیز بی تابی كن.

۱- (۱)) الخصال: ۱۸۲ ح ۲۴۹ و نحوه فی الفقیه: ۳۷۵/۴ ضمن ح ۵۷۶۵ ، عنه الوسائل: ۴۴۱/۹ ذیل ح ۱۲۴۳۹.

۲- (۲)) الکافی: ۱۴۸/۲ ح ۴،عنه الوسائل: ۴۴۹/۹ ح ۱۲۴۷۰.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۰۴ ضمن کتاب ۳۱، عنه البحار: ۴۰/۱۰۳ ضمن ح ۸۸ أوردصدره،وأورده ذیله فی:ج۲۱۲/۷۷ضمن ح ۱.

۲۵ – قال لقمان لابنه: یا بُنیّ! ذقت الصبر وأکلت لحاء الشجر فلم أجد شیئاً هو أمرُّ من الفقر، فإن بلیتَ به یوماً فلا تظهر الناس علیه فیستهینوک ولا ینفعوک بشیء، ارجع إلی الّذی ابتلاک به فهو أقدر علی فرَجک، و سله، مَن ذا الّذی سأله فلم یعطه أو وثق به فلم ینجه؟ (۱)۲۶ – عن مفضّل بن قیس بن رمّانه قال: دخلت علی أبی عبداللّه علیه السلام فذکرت له بعض حالی، فقال: یا جاریه! هاتی ذلک الکیس.

هذه أربعمائه دینار وصلنی بها أبوجعفر فخذها وتفرّج بها.

قال فقلت: لا واللّه جعلت فداک ما هذا دهری ولکن أحببت أن تدعو اللّه عزّ و جلّ لی. قال: فقال:

إنّی سأفعل، ولکن إیّاک أن تخبر الناس بکلّ حالک فتهون علیهم (۲).

۲۷ – قال أبوعبداللّه علیه السلام ثلاثه مَن عازّهم ذلّ:الوالد، والسلطان، والغریم (۳).

۲۵ – لقمان به فرزندش گفت: ای پسرم! طعم گیاه صبر [گیاهی است تلخ] را چشیدم و پوست درخت را خوردم، ولی چیزی را تلخ تر از فقر نیافتم.

اگر روزی به آن گرفتار شدی مردم را بر آن آگاه نکن که تو را خوار می شمرند و سودی به تو نمی رسانند؛ به سوی خدا که تو را به آن مبتلا ساخت بازگرد که او بر گشایش تو تواناتر است، و از او بخواه. چه کسی از او خواست که عطایش نکرد یا به او اطمینان کرد که نجاتش نداد؟

۲۶ – مفضّل بن رمّانه می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم وحالم را برایش بازگو کردم.

آن حضرت [به کنیزش] فرمود: ای کنیز آن کیسه را به من بده.

[آن گاه روبه من کرد و فرمود:] این چهارصد دینار است که ابوجعفر آن را به من داده است.

بگیر و با آن کار خود را گشایش بخش.

عرض کردم: نه سوگند به خدا، فدایت شوم! هدفم این نیست؛ ولی دوست دارم برایم از خدا بخواهی.

حضرت فرمود: این کار را می کنم، ولی بپرهیز از این که مردم را از همه ی احوالت با خبر کنی که نزد آنان خوار و سبک می شوی.

۲۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس با سه نفر [در عزّتشان] هماوردی کند خوار می شود: پدر، فرمانروا و طلبکار.

١- (١)) الكافي: ۴ / ٢٢ ح ٨ ،عنه الوسائل: ٩/۴۴۵ ح ١٢۴۵٩.

٢- (٢)) الكافي: ۴/٢١ ح ٧.

٣- (٣)) الخصال: ١٩۵ ح ٢٧٠، عنه الوسائل: ٣٢٧/١٨ح٢٣٧٧٧ والبحار: ١۴۶/١٠٣ ح٢ وفيه «عاداهم» بدل «عازّهم».

۲۸ – عن علیّ علیه السلام قال: إیّاکم و الدَین، فإنّه مذلّه بالنهار ومهمّه باللّیل، وقضاء فی الدّنیا وقضاء فی الآخره (۱).

۲۹ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : الدَین ینقص من الدِین والحسب (۲).

۳۰ – قال علیّ علیه السلام : خیر الغنی ترک السؤال، وشرّ الفقر لزوم الخضوع (۳).

۳۱ – روی: مَن أبدی ضرّه إلی الناس فضح نفسه عندهم (۴).

۳۲ – عن العالم علیه السلام قال: و قوا دینکم بالاستغناء باللّه عن طلب الحوائج، واعلموا أنّه من خضع لصاحب سلطان جائر أو لمخالف طلباً لما فی یدیه من دنیاه أهمله اللّه و مقت علیه و وکّله إلیه، فإن هو غلب علی شیء من دنیاه نزع اللّه منه البرکه و لم ینفعه بشیء فی حجّته ولاغیره من أفعال البرّ (۵).

۲۸ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

از قرض کردن بپرهیزید که آن سبب خواری روز و اندوه شب است،

و ادای آن در دنیا واجب وگرنه در آخرت لازم است.

۲۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بدهکاری از دین و شرافت می کاهد.

۳۰ – امام علی علیه السلام فرمود:

برترین بی نیازی درخواست نکردن است و بدترین نیازمندی، فروتنی پیوسته [در برابر نااهلان] است.

۳۱ – روایت شده است که هرکس تنگنا و ناخوشی خود را برای مردم فاش کند، خود را نزد آنان رسوا ساخته است.

۳۲ – امام رضا علیه السلام فرمود:

با بی نیازی جستن از حاجت طلبی [از مردم] با کمک خداوند، دِین خود را محافظت کنید و بدانید هرکه در برابر سلطان ستمگر یا شخص مخالف حق، برای به دست آوردن دنیای آنان خضوع کند، خداوند به او توجه نمی کند و بر او خشم می گیرد و او را به آنان وا می گذارد.

پس اگر او به چیزی از دنیای آنان دست یابد، خداوند برکت را از آن می گیرد و آن مال به او در حجّ و در افعال نیک دیگرش سودی نمی بخشد.

١- (١)) الكافی:٥/٩٥ح١١والفقیه:٣/١٨٢ح ٣٦٨٥.

٢- (٢)) الفردوس للدّیلمی: ٢/٢٢٨ ح ٣١٠١ ، عنه الجامع الصغیر: ٢٦٢ ح٤٣٠٧ .

٣- (٣)) الإرشاد:١/٣٠٤،عنه البحار:٧٧/٤٢٣ضمن ح ٤٠

٤- (٤)) فقه الرّضا علیه السلام : ٣٦٧،عنه المستدرک: ٧/٢٣١ ضمن ح ٨١١٥ .

٥- (٥)) فقه الرّضا علیه السلام : ٣٦٧،عنه البحار: ٧٥/١٠٨ ضمن ح ١١.

۳۳ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : مَن لم یتعزّ بعزاء اللّه (۱) تقطّعت نفسه حسرات علی الدّنیا، ومَن أتبع بصره ما فی أیدی الناس کثر همّه ولم یشف غیظه، ومَن لم یر للّه عزّ و جلّ علیه نعمه إلّافی مطعمٍ أو مشربٍ أو ملبسٍ فقد قصر عمله و دنا عذابه (۲).

۳۴ – عن الهیثم قال: حدّثنی بعض أصحاب جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام قال: دخلت علی جعفر علیهما السلام وموسی بین یدیه، وهو یوصیه بهذه الوصیّه، فکان ممّا حفظت منها أن قال:

یا بُنیّ! اقبل وصیّتی واحفظ مقالتی، فإنّک إن حفظتها تعیش سعیداً وتموت حمیداً. یا بُنیّ! مَن قنع بما قُسم له استغنی، ومَن مدّ عینه إلی ما فی ید غیره مات فقیراً، ومَن لم یرض بما قسَم اللّهُ له اتّهم اللّه فی قضائه... (۳).

۳۳ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با تسلیت و دلجویی خداوند تسلی نجوید [و در مقابل ناملایمات بردباری نکند] نفسش از حسرت های پی درپی بر دنیا بند آید، و هرکس به آنچه در دست مردمان است چشم داشته باشد اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد، و هر که برای خدای عزّ و جلّ در خودش جز در خوردن یا نوشیدن یا جامه پوشیدن نعمتی نبیند، یقیناً کردارش کم و عذابش نزدیک است.

۳۴ – هیثم نقل می کند:

یکی از یاران امام صادق علیه السلام برایم گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که فرزندش موسی نزد او بود و به او سفارشی می فرمود.

بخش هایی از آن سفارش که به ذهن سپرده ام این است :

پسرم ! سفارشم را بپذیر و گفته ام را حفظ کن که اگر آن را پاس داشتی خوشبخت خواهی زیست و خوشنام و ستوده خواهی مرد. فرزندم! هرکس به آنچه خدا به او داده قانع شود، بی نیاز است، و هرکس به آنچه در دست دیگری است چشم بدوزد تهی دست می میرد، و آن کس که به روزی خدا راضی نباشد خدا را در قضایش متهم ساخته است... .

۱- (۱)) أی:أنّ مَن لم یصبر و لم یسل أو لم یحسن الصبر و السلوه علی مارزقه اللّه من الدّنیا ... تقطّعت نفسه متحسّراً حسرهً بعد حسره علی مایراه فی یدی غیره ممّن فاق علیه فی العیش،(الوافی:۸۹۰/۵).

۲- (۲)) الکافی:۳۱۵/۲ح۵،عنه البحار:۷/۷۳ح۲.

۳- (۳)) تهذیب الکمال: ۴۲۷/۳ ضمن ح ۹۳۳و نحوه فی کشف الغمّه: ۳۶۹/۲،عنه البحار: ۲۰۱/۷۸ ح ۳۳.

(۵)رعایت تناسب با زمان و مکان

۱ - عن حمّاد بن عثمان قال:

كنت حاضراً عند أبی عبداللّه علیه السلام إذ قال له رجل: أصلحك اللّه، ذكرتَ أنّ علیّ بن أبی طالب علیه السلام كان یلبس الخشن، یلبس القمیص بأربعه دراهم، وما أشبه ذلك، ونری علیك اللّباس الجیّد؟! قال فقال له: إنّ علیّ بن أبی طالب علیه السلام كان یلبس ذلك فی زمان لا ینكر، ولو لبس مثل ذلك الیوم لشُهر به، فخیر لباس كلّ زمان لباس أهله، غیر أنّ قائمنا إذا قام، لبس لباس علیّ علیه السلام وسار بسیرته. (۱)۲ - عن محمّد بن علیّ رفعه قال:

مرّ سفیان الثوری فی المسجد الحرام فرأی أبا عبداللّه علیه السلام وعلیه ثیاب كثیره القیمه حسان، ۱ - حمّاد بن عثمان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام حاضر بودم كه مردی به او گفت:

خداوند امورت را اصلاح كند! خود فرمودی كه أمیرمؤمنان علیه السلام لباس خشن می پوشید، پیراهن چهاردرهمی و مشابه آن می پوشید، و اكنون بر تن تو لباس فاخر می بینیم؟!

امام به او فرمود: أمیرمؤمنان علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید كه ناپسند دانسته نه می شد و اگر امروز كسی آن را بپوشد انگشت نما می شود.

بهترین لباس برای هر زمان لباس اهل آن زمان است، جز این كه وقتی قائم ما قیام كند لباس علی علیه السلام را می پوشد و به روش او عمل می كند.

۲ - از محمد بن علی نقل شده است كه گفت: سفیان ثوری از مسجد الحرام می گذشت. امام صادق علیه السلام را دید كه لباس های قیمتی زیبایی به تن دارد.

۱- (۱)) الكافی: ۴۴۴/۶ ح ۱۵.

فقال: واللّه لآتینّه ولأوبّخنّه، فدنا منه فقال: یا ابن رسول اللّه! ما لبس رسول اللّه صلی الله علیه و آله مثل هذا اللباس ولا علیّ علیه السلام ولا أحد من آبائک! فقال له أبوعبداللّه علیه السلام : کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی زمان قتر مقترّ، وکان یأخذ لقتره و اقتداره، وإنّ الدّنیا بعد ذلک أرخت عزالیها (1)فأحقّ أهلها بها أبرارها. ثمّ تلا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّه الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّبتِ مِنَ الرِّزْقِ (2)ونحن أحقّ مَن أخذ منها ما أعطاه اللّه، غیر أنّی یا ثوری ماتری علیَّ من ثوب إنّما ألبسه للنّاس.

ثمّ اجتذب ید سفیان فجرّها إلیه ثمّ رفع الثوب الأعلی و أخرج ثوباً تحت ذلک علی جلده غلیظاً فقال: هذا ألبسه لنفسی وما رأیته للنّاس.

ثمّ جذب ثوباً علی سفیان أعلاه غلیظ خشن و داخل ذلک ثوب لیّن، فقال: لبست هذا الأعلی گفت: به خدا نزد او می روم و او را توبیخ می کنم. به حضرت نزدیک شد و گفت:

ای فرزند رسول خدا! نه رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین لباسی می پوشید و نه أمیرمؤمنان علیه السلام و نه هیچ یک از پدرانت.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزگار سختی و فقر بود؛ از این رو از دنیا به اندازه ی مناسب همان زمان بهره می گرفت و بعد از آن دوران، دنیا گشایش یافت [زندگی دنیا آسان تر و مرفه تر شد]، پس سزاوارترین مردم دنیا به [استفاده از نعمت های] آن نیکان آن هستند.

آن گاه حضرت این آیه را قراءت کرد: «بگو چه کسی زینت خدا که برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است».

[سپس فرمود:] و ما سزاوارترین کسی هستیم که از آنچه خدا عطا کرده بهره گیریم؛ جز این که ای ثوری! این لباسی را که می بینی، برای مردم پوشیده ام.

آن گاه دست سفیان را گرفت و لباس رو را کنار زد و لباس زیر را که با پوست بدن تماس داشت و زبر و خشن بود، نمایان کرد و دست سفیان را بر آن گذاشت و فرمود: این لباسی است که برای خود پوشیده ام و آن را که دیدی، برای مردم.

سپس لباس سفیان را کشید که لباس روی او زبر و خشن و لباس زیرش نرم بود؛ پس فرمود: این لباس رو (خشن) را

۱- ((۱)) - العزالی: و هو فم المَزاده، (مجمع البحرین: ۱۷۴/۳) و المَزاده: القربه.

۲- ((۲)) - الأعراف: ۳۲.

للنّاس ولبست هذا لنفسک تسرّها (1).

۳ - عن عبداللّه بن سنان قال:

سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: بینا أنا فی الطّواف وإذا برجلٍ یجذب ثوبی وإذا هو عبّاد بن کثیر البصری فقال:

یا جعفر بن محمّد! تلبس مثل هذه الثیاب وأنت فی هذا الموضع مع المکان الّذی أنت فیه من علیّ علیه السلام ؟!

فقلت: ثوب فرقبیّ (2) اشتریته بدینار، وکان علیّ علیه السلام فی زمان یستقیم له ما لبس فیه، ولو لبست مثل ذلک اللباس فی زماننا لقال الناس: هذا مرائی مثل عبّاد (3).

۴ - عن محمّد بن عیسی قال:

أخبرنی مَن أخبر عنه - یعنی الرّضا علیه السلام - أنّه قال: إنّ أهل الضعف من موالیّی یحبّون أن أجلس علی اللّبود (4) وألبس الخشن، ولیس یتحمّل الزّمان ذلک (5).

برای مردم پوشیده ای و آن لباس زیر (نرم) را که پنهان کرده ای، برای خود به تن کرده ای.

۳ - عبداللّه بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود:

در طواف بودم که مردی لباسم را کشید.

دیدم عبّاد بن کثیر بصری است.

گفت ای جعفر بن محمد! در چنین مکانی با نسبتی که با علی علیه السلام داری چنین لباسی می پوشی؟!

گفتم این لباس کتان سفید مصری است که به یک دینار خریده ام، و أمیرمؤمنان علیه السلام لباس مناسب زمان خود را می پوشید و اگر آن لباس را من در این زمان بپوشم، مردم می گویند این نیز مثل عبّاد، ریاکار است.

۴ - محمد بن عیسی می گوید از امام رضا روایت شده است که فرمود:

دوستان کوته فکر من دوست دارند که من بر روی نمد بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که زمانه آن را نمی پذیرد.

۱- (۱)) الکافی: ۴۴۲/۶ ح ۸.

۲- (۲)) هو ثوبٌ مصری أبیض من کتّان، (النهایه: ۴۴۰/۳).

۳- (۳)) الکافی: ۴۴۳/۶ ح ۹.

٤- (٤)) اللّبد: الصوف، (الصحاح: ٥٣٣/٢).
٥- (٥)) مكارم الأخلاق: ٢٢٠/١ ح ٦٤٨.

۵ - عن عبداللّه بن سلیمان قال: سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول:

إنّ علیّ بن الحسین علیهما السلام کان رجلاً صرداً (۱) وکان یشتری الثوب الخزّ بألف درهم أو خمسمائه درهم، فإذا خرج الشتاء باعه وتصدّق بثمنه ولم یکن یصنع ذلک بشیءٍ من ثیابه غیر الخزّ (۲).

۶ - عن الرّضا علیه السلام قال: ینبغی للمؤمن أن ینقص من قوت عیاله فی الشتاء ویزید فی وقودهم (۳).

۵ - عبداللّه بن سلیمان می گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود:

امام سجاد علیه السلام تحمل سرما را نداشت.

لباس خز به پانصد یا هزار درهم می خرید و وقتی زمستان تمام می شد می فروخت و بهای آن را صدقه می داد؛ ولی این کار را با سایر لباس هایش انجام نمی داد.

۶ - امام رضا علیه السلام فرمود: برای مؤمن شایسته است که در زمستان از خوراک خانواده اش کم کند و بر وسیله ی گرمایی آنان بیفزاید.

۱- (۱)) رجلٌ مصراد: لایصبر علی البرد، (لسان العرب: ۲۴۸/۳).

۲- (۲)) مکارم الأخلاق: ۲۳۷/۱ ح ۶۹۹.

۳- (۳)) الکافی: ۱۳/۴ ح ۱۴.

(۶)شکر نعمت

الف) اهمّیت شکر و تأکید دین بر آن

۱ – قال اللّه تبارک وتعالی یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ کُلُواْ مِن طَیِّبَتِ مَا رَزَقْنَکُمْ وَ اشْکُرُواْ لِلَّهِ إِن کُنتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱).

۲ – فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ وَ اشْکُرُواْ لِی وَ لَاتَکْفُرُونِ (۲).

۳ – کَذَ لِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمْ ءَایَتِهِ ی لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۳).

۴ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم : الإیمان نصفان: نصف فی الصّبر، ونصف فی الشّکر (۴).

۵ – عن علیّ علیه السلام قال: شرّ النّاس مَن لا یشکر النّعمه ولا یرعی الحرمه (۵).

۱ – خداوند متعالی فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمت های پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید اگر تنها او را می پرستید.

۲ – پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من سپاس گزاری کنید و ناسپاسی ام نکنید.

۳ – خداوند بدین گونه آیات خود را برای شما روشن می سازد، باشد که سپاس دارید.

۴ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان دو نیمه دارد:

نیم آن در صبر نهفته است و نیم آن در سپاس گزاری.

۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

بدترین مردم کسی است که از نعمت سپاس گزاری نکند. و حرمت را رعایت ننماید.

۱- (۱)) البقره: ۱۷۲.

۲- (۲)) البقره: ۱۵۲.

۳- (۳)) المائده: ۸۹ .

۴- (۴)) تحف العقول: ۴۸ .

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۹۳ ح ۵۲۱۹ .

۶ – عن أبی حمزه الثمالی قال: سـمعت أباجعفر[الباقر] علیه السـلام یقول: العبـد بین ثلاثه: بلاء وقضاء ونعمه. فعلیه فی البلاء من اللّه الصبر فریضه، وعلیه فی القضاء من اللّه التسلیم فریضه، وعلیه فی النعمه من اللّه عزّ و جلّ الشکر فریضه (۱).

۷ – قال علیّ علیه السـلام فی وصف المتّقین: ...یعمل الأعمال الصالحه وهو علی وجَل، یمسـی وهمّه الشکر، یصبح وهمّه الذِکر (۲).

۸ – عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم عند عائشه لیلتها، فقالت:

یا رسول اللّه! لِمَ تُتعِب نفسک وقد غفر اللّه لک ما تقدّم من ذنبک وما تأخّر؟ فقال: یا عائشه! ألا أکون عبداً شکوراً (۳).

۹ – قال علیّ علیه السلام : مصیبهٌ یُرجی أجرها خیرٌ من نعمهٍ لا یؤدّی شکرها (۴).

۶ – ابوحمزه ی ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

بنده میان سه چیز است: بلا، قضا و نعمت؛

پس در برابر بلا از جانب خدا، شکیبایی بر او واجب است.

و در برابر قضای الهی، تسلیم شدن بر او لازم است،

و در برابر نعمت خدای عزّ و جلّ، سپاس گزاری بر او واجب است.

۷ – امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف پارسایان فرمود:

...کارهای شایسته انجام می دهد در حالی که بیمناک است؛ شب می کند در حالی که دغدغه اش سپاس گزاری است؛ صبح می کند در حالی که دغدغه اش یاد خدا است.

۸ – امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود در شبی که نوبتش بود.

عایشه عرض کرد:

ای رسول خدا! چرا خودت را به رنج و خستگی می اندازی در حالی که خداوند گناه گذشته و آینده ی تو را آمرزیده است؟

فرمود: ای عایشه! آیا بنده ی سپاس گزار خدا نباشم؟

۹ – امام علی علیه السلام فرمود: مصیبتی که امید به پاداش آن باشد بهتر است از نعمتی که سپاسش ادا نشود.

۱- (۱)) الخصال: ۸۶ ح ۱۷.

۲- (۲)) تحف العقول: ۱۶۱.

۳- (۳)) الکافی: ۹۵/۲ ح ۶.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ:۴۸۹ح۹۰۷۵.

۱۰ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

الطـاعم الشـاکر له من الأجر کأجر الصائم المحتسب، والمعافی الشاکر له من الأجر کأجر المبتلی الصابر، والمعطی الشاکر له من الأجر کأجر المحروم القانع (۱).

۱۱ - قال علیّ علیه السلام : الخیر الّذی لاشرّ فیه الشکر مع النعمه والصبر علی النازله (۲).

۱۲ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : العفاف زینه الفقر، والشکر زینه الغنی (۳).

۱۳ - عن أمیرالمؤمنین علیه السـلام قـال: ... أکثروا ذِکر اللّه عزّ و جـلّ علی الطعـام ولاـ تطغوا، فإنّهـا نعمهٌ من نِعم اللّه ورزقٌ من رزقه، یجب علیکم فیه شکره وحمده، أحسنوا صحبه النِعم قبل فواتها، فإنّها تزول وتشهد علی صاحبها بما عمل فیها.

مَن رضی عن اللّه عزّوجلّ بالیسیر من الرّزق رضی اللّه منه بالقلیل من العمل.

۱۰ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که با سپاس گزاری غذا می خورد پاداشی همانند پاداش روزه دار با اخلاص دارد؛

و اجر انسان تندرست شکرگزار، همانند اجر بیمار شکیبا است؛

و شخص برخوردار شکرگزار، پاداشش بسان پاداش تهی دست قانع است.

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود: سپاس گزاری با نعمت، و شکیبایی بر بلا، خیر محض است.

۱۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

پاکی و درستی زینت فقر است وسپاس گزاری زینت بی نیازی است.

۱۳ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

... به هنگام طعام خدا را بسیار یاد کنید و سرکشـی نکنید؛ زیرا این، نعمتی است از نعمت های خداوند و رزقی است از روزی های او که سپاس و ستایش خداوند برای آن، بر شما واجب است.

با نعمت ها خوب همراهی کنید پیش از آن که آن ها را از دست بدهید؛ چرا که آن ها از بین می روند و بر ضد صاحب خود به دلیل رفتاری که با آن ها کرده است گواهی می دهند.

هر که به روزی اندک از جانب خدا خشنود شود، خداوند به کردار اندک او خشنود می گردد.

۱- (۱)) الکافی: ۹۴/۲ ح ۱،عنه الوسائل: ۳۱۰/۱۶ ح ۲۱۶۲۷.

۲- (۲)) تحف العقول: ۲۳۴.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۹ الحکمه ۶۸ .

إيّاكم والتفريط فتقع الحسره حين لا تنفع الحسره... (۱).

۱۴ - عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: إنّ نوحاً إنّما سمّی عبداً شکوراً لأنّه کان یقول إذا أمسی وأصبح:

اللّهمّ إنّی اشهدک أنّه ما أمسی وأصبح بی من نعمهٍ أو عافیهٍ فی دینٍ أو دنیا فمنک وحدک لا شریک لک، لک الحمد ولک الشکر بها علیَّ حتّی ترضی، وبعد الرضا إلهنا (۲).

۱۵ - قال أبو عبداللّه علیه السلام : ما أقلّ مَن شکر المعروف (۳).

از کوتاهی کردن بپرهیزید که دچار حسرت می شوید در زمانی که حسرت خوردن سودی ندارد ... .

۱۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: نوح بنده ای بسیار سپاس گزار نامیده شد، زیرا او در هر صبح و شام می گفت:

بارالها! من تو را گواه می گیرم که در این صبح و شام هر نعمت یا عافیتی که در دین یا دنیا دارم از جانب تو است؛ تو یکتایی هستی که هیچ شریکی نداری؛ بر من است که تو را برای این نعمت ها ستایش و سپاس گزاری کنم تا خشنود شوی، و پس از خشنودی نیز [سپاس گزاری بر من لازم است] ای معبود ما!

۱۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: سپاس گزار نیکی ها چقدر کم است.

۱- (۱)) الکافی: ۹۴/۲ ح ۱،عنه الوسائل: ۳۱۰/۱۶ ح ۲۱۶۲۷.

۲- (۲)) تحف العقول: ۲۳۴.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۹ الحکمه ۶۸ .

ب) ثواب شکر و آثار آن

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی: وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ (۱).

۲ - إِن تَکْفُرُوافَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنکُمْ وَ لَایَرْضَی لِعِبَادِهِ الْکُفْرَ وَ إِن تَشْکُرُوایَرْضَهُ لَکُمْ (۲).

۳ - وَلَقَدْ ءَاتَیْنَا لُقْمَنَ الْحِکْمَهَ أَنِ اشْکُرْ لِلَّهِ وَ مَن یَشْکُرْ فَإِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ (۳).

۴ - وَمَن یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن یُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَهِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِی الشَّکِرِینَ (۴).

۵ - أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِیُرِیَکُم مِنْ ءَایَتِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ (۵).

۱ - خداوند تعالی فرمود: و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاس گزاری کنید البته نعمت شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی کنید عذاب من بسیار سخت است.

۲ - اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی نیاز است و کفر را برای بندگانش نمی پسندد واگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد.

۳ - والبته لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس دار و هرکه سپاس دارد تنها به سود خود سپاس می دارد و هرکس کفران کند البته خدا بی نیاز ستوده است.

۴ - و هرکه پاداش دنیا خواهد از آن به او می دهیم و هرکه پاداش آخرت خواهد [نیز] از آن به او می دهیم و به زودی شاکران را پاداش خواهیم داد.

۵ - آیا ندیدی که کشتی ها به نعمت خدا در دریا حرکت می کنند تا برخی از نشانه های خود را به شما نشان دهد؟

قطعاً در این [قدرت نمایی] برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه ها است.

ص:۱۷۹

۱- (۱)) ابراهیم: ۷.

۲- (۲)) الزّمر: ۷.

۳- (۳)) لقمان: ۱۲.

۴- (۴)) آل عمران: ۱۴۵.

۵- (۵)) لقمان: ۳۱.

۶ – قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : إذا وصلت إلیکم أطراف النِعم فلا تنفّروا أقصاها بقلّه الشکر. یابن آدم! إذا رأیت ربّک سبحانه یتابع علیک نعمهً فاحذره، و مَن اعطی الشکر لم یُحرم الزیاده، قال اللّه تعالی لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ (۱) احذروا نفار النِعم فما کلّ شارد بمردود (۲).

۷ – قال الصادق علیه السلام : لم یستزد فی محبوبٍ بمثل الشکر ولم یستنقص من مکروهٍ بمثل الصبر (۳).

۸ – قال علیّ علیه السلام : ما کان اللّه لیفتح علی عبدٍ باب الشکر ویغلق عنه باب الزیاده (۴).

۹ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مکتوبٌ فی التوراه: اشکر مَن أنعم علیک، وأنعِم علی مَن شکرک، ۶ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

چون نشانه های نعمت ها برای شما آشکار شد، با سپاس اندک آن ها را از خود دور مسازید.

ای فرزند آدم! چون دیدی پروردگارت – که منزّه است – نعمتی را بر تو پیوسته می دارد از او بپرهیز.

و هرکه را [توفیق] سپاس دادند از افزایش نعمت محروم نماند؛ خداوند فرمود «اگر واقعاً سپاس گزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد».

از گریختن نعمت ها بپرهیزید زیرا هر گریخته ای باز نمی گردد.

۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ چیزی همچون سپاس گزاری، امر مورد پسند را نمی افزاید، و هیچ چیزی مانند شکیبایی، از ناخوشی نمی کاهد.

۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

خداوند چنین نیست که درب سپاس گزاری را بر بنده ای بگشاید و درب فزونی نعمت ها را بر او ببندد.

۹ – امام صادق علیه السلام فرمود:

در تورات ثبت است که هرکه به تو نعمت داد سپاس گزارش باش و هرکه از تو سپاس گزاری کرد نعمتش ده؛

ص:۱۸۰

۱– ((۱)) ابراهیم: ۷.

۲– ((۲)) روضه الواعظین:۴۷۳ ومثل صدره فی نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۰ الحکمه ۱۳، وذیله فی ص ۵۱۱الحکمه ۲۴۶.

۳– ((۳)) تحف العقول: ۳۶۳.

۴- (۴)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۵۳ الحکمه ۴۳۵ و نحوه فی الکافی: ۹۴/۲ ح ۲ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله .

فإنّه لا زوال للنعماء إذا شكرت، ولا بقاء لها إذا كُفِرَت، الشكر زيادةٌ فی النِعم وأمانٌ من الغِيَر (۱).

۱۰ - عن الباقر علیه السلام قال:

لا ينقطع المزيد من اللّه حتّى ينقطع الشكر من العباد (۲).

۱۱ - قال علیّ علیه السلام : لن يقدر أحدٌ أن يستديم النِعم بمثل شكرها، ولا يزينها بمثل بذلها (۳).

۱۲ - قال الإمام الهادی علیه السلام :

ألقوا النِعم بحُسن مجاورتها، والتمسوا الزياده منها بالشكر عليها، واعلموا أنّ النفس أقبل شیءٍ لما اعطيت، وأمنع شیءٍ لما سئلت، فاحملوها على مطيّه لا تبطئ إذا ركبت، ولا تسبق إذا تقدّمت... (۴).

زیرا با سپاس گزاری، نعمت ها نابود نشود، و با ناسپاسی پایدار نماند.

سپاس گزاری موجب افزایش نعمت ها و ایمنی از دگرگونی ها است.

۱۰ - امام باقر علیه السلام فرمود:

افزایش [نعمت ها] از جانب خدا قطع نمی شود تا زمانی که سپاس از جانب بندگان قطع شود.

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود:

هیچ کس نمی تواند نعمت ها را به چیزی مانند سپاس از آن ها، ماندگار کند و نمی تواند آن ها را به چیزی مانند بخشیدن آن ها، نیکو سازد.

۱۲ - امام هادی علیه السلام فرمود:

نعمت ها را دریابید با خوش همسایگی با آن ها،

و افزایش آن ها را بخواهید با سپاس گزاری بر آن ها، و بدانید که نفس آدمی وقتی مورد عطا قرار می گیرد روی آورترین چیز است و وقتی مورد درخواست واقع می شود خودداری کننده ترین چیز است؛

پس آن را بر مرکب راهواری سوار کنید که چون سوار شود کندی نکند، و چون پیش افتد سبقت نگیرد... .

۱- (۱)) الکافی: ۹۴/۲ ح ۳ ونحوه فی مشکاه الأنوار: ۶۹ ح ۱۱۴،عنه البحار: ۵۵/۷۱ ضمن ح ۸۶ .

۲- ((۲)) مشکاه الأنوار: ۷۱ ح ۱۲۵،عنه البحار: ۵۴/۷۱ ضمن ح ۸۶ و نحوه فی تحف العقول: ۴۵۷.

۳- ((۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ح ۶۹۰۳.

۴- ((۴)) نزهه الناظر وتنبیه الخاطر: ۱۴۳ ح ۳۱.

۱۳ – عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال: استتمّوا نِعم اللّه بالتسليم لقضائه والشكر على نعمائه، فمَن لم يرض بهذا فليس منّا ولا إلينا (۱).

۱۴ – من دعاء الإمام السجّاد عليه السلام فى الشكر: يا مَن فضُل إنعامه إنعام المنعمين، وعجز عن شكره شكر الشاكرين... يا مَن جعل الصبر عوناً على بلائه، وجعل الشكر مادّةً لنعمائه، قد جلّت نعمتك عن شكرى، فتفضّل على إقرارى بعجزى بعفوٍ أنت أقدر عليه وأوسع له منّى... (۲).

۱۵ – قال علىّ عليه السلام : فى شكر النِعم دوامُها (۳).

۱۶ – قال الرضا عليه السلام : اتّقوا اللّه، وعليكم بالتواضع والشكر والحمد، إنّه كان فى بنى إسرائيل رجلٌ فأتاه فى منامه مَن قال له:

۱۳ – اميرمؤمنان عليه السلام فرمود:

نعمت های خدا را با تسليم بودن در برابر قضای او و سپاس بر نعمت هايش كامل كنيد، پس هر كه اين را نپسندد از ما و به سوی ما نيست.

۱۴ – از دعای امام سجاد عليه السلام است درباره ی شكر كه گفت:

ای كسی كه احسان او بر احسان همه ی احسان كنندگان برتری دارد و از سپاس او سپاس همه ی سپاس گزاران ناتوان است...

ای كسی كه شكيبايی را ياری گر بلاهايش قرار داد و سپاس را وسيله ی جذب نعمت هايش!

نعمت تو از سپاس من برتر است، پس با اقراری كه به ناتوانی ام دارم، به عفو خود بر من تفضّل كن كه تو بر آن قادرتر و به آن تواناتر از من هستی... .

۱۵ – اميرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

سپاس گزاری از نعمت ها دوام آن ها را با خود دارد.

۱۶ – امام رضا عليه السلام فرمود:

از خدا پروا كنيد، و بر شما باد به فروتنی و سپاس و ستايش.

در ميان بنی اسرائيل مردی بود كه كسی به خواب او آمد و گفت:

۱- (۱)) مشکاه الأنوار: ۷۲ ح ۱۳۲،عنه البحار: ۳۶۶/۷۷ ضمن ح ۳۳.

۲- (۲)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۱۸۶ دعاء ۹۹.

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۵۴ ح۶۰۰۸ونحوه فی ص۳۹۷ح۶۷۳۶.

إنّ لک نصف عمرک سعةً فاختر أیّ النصفین شئت؟

فقال: إنّ لی شریکاً. فلمّا أصبح الرجل قال لزوجته:

قد أتانی فی هذه اللیله رجلٌ فأخبرنی أنّ نصف عمری لی سعةً فاختر أیّ النصفین شئت، فقالت له زوجته:

اختر النصف الأوّل، فقال: لکِ ذاک. فأقبلت علیه الدّنیا، فکان کلّما کانت نعمه قالت زوجته:

جارک فلان محتاج فصِلهُ، وتقول: قرابتک فلان فتعطیه. وکانوا کذلک کلّما جاءتهم نعمه أعطوا وتصدّقوا وشکروا. فلمّا کان لیله من اللّیالی أتاه الرّجل فقال: یا هذا! إنّ النصف قد انقضی فما رأیک؟ قال: لی شریک.

فلمّا أصبح الصبح قال لزوجته: أتانی الرجل فأعلمنی أنّ النصف قد انقضی، فقالت له زوجته: قد أنعم اللّه علینا فشکرنا واللّه أولی بالوفاء. قال: فإنّ لک تمام عمرک (۱).

نیمی از عمرت را می توانی در گشایش باشی، هر کدام از دو نیمه را می خواهی برگزین.

آن مرد گفت: من همکار و شریکی دارم [و باید با او مشورت کنم]. چون شب سرآمد و صبح فرا رسید به همسر خود گفت:

امشب مردی به خوابم آمد و به من خبر داد که نیمی از عمرم را در گشایش هستم و هرکدام از دو نیمه را بخواهم، می توانم برگزینم.

همسرش به او گفت نیمه ی اول را برگزین و او پذیرفت.

پس دنیا به او روی آورد. هرگاه نعمتی به دست می آورد همسرش می گفت: فلان همسایه ی تو نیازمند است به او رسیدگی کن، فلانی خویشاوند تو است به او ببخش، و این چنین بود که هرگاه نعمتی به آن ها می رسید آن را می بخشیدند و صدقه می دادند و سپاس می گفتند.

شبی از شب ها آن شخصی که در خواب دیده بود، نزد او آمد و گفت:

ای مرد! نصف عمرت به پایان رسید، نظرت چیست؟

گفت: من شریک و همکاری دارم. چون صبح فرارسیدبه همسرش گفت: آن مرد نزد من آمد و مرا آگاه ساخت که نیمه ی عمر تو به پایان رسیده است.

همسرش به او گفت: خداوند بر ما نعمت داد و ما سپاس خدا را به جا آوردیم وخداوند سزاوارتر به وفا کردن است. خطاب رسید:

نعمت برای تو است در تمام عمرت.

۱- (۱)) مشكاة الأنوار: ۶۹ ح ۱۱۲،عنه البحار: ۵۴/۷۱ ضمن ح ۸۶ .

۱۷ – قال علیّ علیه السلام : زوال النِعم بمنع حقوق اللّه منها و إهمال شکرها (۱).

۱۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

لیکن طلبک للمعیشه فوق کسب المضیّع ودون طلب الحریص الراضی بدنیاه المطمئنّ إلیها، ولکن أنزل نفسک من ذلک بمنزله المنصف المتعفّف، ترفع نفسک عن منزله الواهن الضعیف و تکتسب ما لابدّ منه، إنّ الّذین اعطوا المال ثمّ لم یشکروا لا مال لهم (۲).

۱۹ – عن الصادق علیه السلام قال:

مَن شکر اللّه علی ما افید فقد استوجب علی اللّه المزید، ومَن أضاع الشکر فقد خاطر بالنِعم ولم یأمن التغیّر والنِقم (۳).

۲۰ – قال الصادق علیه السلام : النعمه وحشیّه فاشکلوها بالشکر (۴).

۱۷ – امام علی علیه السلام فرمود: نابودی نعمت ها به سبب ادا نکردن حقوق خدا از آن ها و کوتاهی در شکر آن ها است.

۱۸ – امام صادق علیه السلام فرمود: تلاش تو برای به دست آوردن نیازهای زندگی باید بیش تر از تلاش شخص تباه گر [عمر و مال] و کم تر از تلاش شخص حریص باشد که به دنیای خود خشنود و مطمئن است؛ بلکه خود را از این جهت در جایگاه شخص با انصاف پرهیزگر قرار ده تا وجودت از جایگاه انسان سست نهاد ناتوان ترقی کند و آنچه را چاره از آن نداری به دست آوری.

آنانی که اموالی به آن ها عطا شد و سپاس گزاری نکردند، هیچ مالی ندارند.

۱۹ – امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه خدا را بر آنچه عطا شده است سپاس گوید، همانا از جانب خداوند مستحق فزونی شده است

و هرکه سپاس را تباه سازد، نعمت ها را به خطر انداخته است و از دگرگونی و کیفر ایمن نیست.

۲۰ – امام صادق علیه السلام فرمود:

نعمت، گریزان است پس آن را با طناب شکر ببندید.

ص:۱۸۴

۱– (۱)) عیون الحکم والمواعظ:۲۷۶ح۵۰۲۷ .

۲– (۲)) الکافی: ۸۱/۵ ح ۸ ،عنه الوسائل:۴۸/۱۷ ح ۲۱۹۵۰.

۳- (۳)) مشكاه الأنوار: ۷۰ ح ۱۱۵،عنه البحار: ۵۵/۷۱ ضمن ح ۸۶ .

۴- (۴)) روضه الواعظين: ۴۷۳ .

۲۱ – قال علیّ بن شعیب:

دخلت علی أبی الحسن الرّضا علیه السلام فقال لی: یا علیّ!

...أحسنوا جوار النِعم فإنّها وحشیّه ما نأت عن قومٍ فعادت إلیهم (۱).

۲۲ – قال الإمام الهادی علیه السلام :

الشاکر أسعد بالشکر منه بالنعمه الّتی أوجبت الشکر، لأنّ النِعم متاع، والشکر نِعم و عُقبیٰ (۲).

۲۳ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : ثلاثه لا یضرّ معهنّ شیء:

الدعاء عند الکرب و الاستغفار عند الذنب و الشکر عند النعمه (۳).

۲۴ – قال علی علیه السلام : أحقّ الناس بزیاده العمر أشکَرُهم لما اعطی منها (۴).

۲۵ – عن أبی بصیر عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال:

تقول ثلاث مرّات إذا نظرت إلی المبتلی من غیر أن تُسمعه:

۲۱ – علی بن شعیب می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و به من فرمود: ای علی!

... با نعمت ها خوش همسایگی کنید که گریزپایند؛ از قومی فرار نکردند که دوباره به سویشان بازگردند.

۲۲ – امام هادی علیه السلام فرمود:

خوشبختی ناشی از شکر که نصیب سپاس گزار می شود، از خوشبختی ناشی از نعمتی که موجب شکر شده، بیش تر است؛ زیرا نعمت، متاع [دنیا] است و شکر، نعمت است و پاداش.

۲۳ – امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که با وجود آن ها هیچ چیزی زیان نرساند:

دعا به هنگام گرفتاری،

درخواست آمرزش به هنگام گناه،

و سپاس گزاری به هنگام نعمت.

۲۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

سزاوارترین مردم به افزایش عمر، سپاس گزارترین آنان است بر آنچه عطا شده است.

۲۵ - أبوبصیر نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

چون نگاهت به شخص گرفتار افتاد، بی آن که او بشنود سه بار بگو

۱- (۱)) تحف العقول:۴۴۸،عنه البحار: ۳۴۱/۷۸ ح ۴۱.

۲- (۲)) تحف العقول: ۴۸۳.

۳- (۳)) مشکاه الأنوار: ۶۹ ح ۱۱۳،عنه البحار: ۵۵/۷۱ ضمن ح ۸۶ و نحوه فی الکافی:۹۵/۲ح۷وفیه«ثلاث».

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۱۴ ح ۲۵۱۴.

الحمد للّه الّذی عافانی ممّا ابتلاک به، ولو شاء فعل. قال: مَن قال ذلک لم یصبه ذلک البلاء أبداً (۱).

۲۶ - عن أبی بصیر قال: قال أبوعبداللّه علیه السلام :

إنّ الرجل منکم لیشرب الشربه من الماء فیوجب اللّه له بها الجنّه.

ثمّ قال: إنّه لیأخذ الإناء فیضعه علی فیه فیسمّی ثمّ یشرب فینحّیه وهو یشتهیه فیحمد اللّه، ثمّ یعود فیشرب ثمّ ینحّیه فیحمد اللّه، ثمّ یعود فیشرب ثمّ ینحّیه فیحمد اللّه، فیوجب اللّه عزّ و جلّ بها له الجنّه (۲).

۲۷ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

مَن سجد سجدهً لیشکر نعمهً وهو متوضّئ کتب اللّه له عشر حسنات، ومحا عنه عشر خطیئات عظام (۳).

«ستایش خدا را که مرا از بلایی که به آن گرفتارت کرد معاف و سالم داشت و اگر می خواست، گرفتار می کرد». سپس حضرت فرمود:

هر که این را بگوید هیچ گاه آن بلا و گرفتاری به او نرسد.

۲۶ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی از شما جرعه ای آب می نوشد که خداوند به سبب آن، بهشت را برایش واجب می کند.

[به این صورت که] او ظرف را بر دهان خود می گذارد و «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» می گوید؛ سپس می نوشد و آن گاه با این که هنوز میل دارد، آن را کنار می گیرد و [الحمد للّه می گوید]؛ بعد دوباره می نوشد و سپس دوباره آن را دور می برد و [الحمد للّه می گوید]؛ آن گاه بر می گرداند و می نوشد و باز دور می برد و [الحمد للّه می گوید]. بدین سبب خدای عزّ و جلّ بهشت را برای او واجب می کند.

۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که برای سپاس گزاری از نعمتی سجده ی با وضو انجام دهد خدا برایش ده حسنه بنویسد، وده خطای بزرگ را از او بزداید.

۱- (۱)) الکافی: ۹۷/۲ ح ۲۰.

۲- (۲)) الکافی: ۹۶/۲ ح ۱۶.

۳- (۳)) مشکاه الأنوار: ۶۷ ح ۱۰۴،عنه البحار: ۲۱۹/۸۶ ح ۳۸.

۲۸ – عن عمر بن یزید قال:

قلت لأبی عبـداللّه علیه السـلام : إنّی سألت اللّه عزّ و جلّ أن یرزقنی مالاً فرزقنی، وإنّی سألت اللّه أن یرزقنی ولـداً فرزقنی ولـداً، وسألته أن یرزقنی داراً فرزقنی، وقد خفت أن یکون ذلک استدراجاً (۱)، فقال: أما واللّه مع الحمد فلا (۲).

۲۸ – عمربن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

من از خدای عزّ و جلّ خواستم مالی روزی ام فرماید و آن را روزی ام کرد، و از او خواستم که فرزندی روزی ام کند و چنین کرد، و از او خواستم خانه ای روزی ام کند و او روزی ام فرمود؛ بیم دارم که این استدراج باشد.

حضرت فرمود: به هوش باش سوگند به خدا اگر با ستایش او [همراه باشد] استدراج نیست (۳).

ص:۱۸۷

۱- (۱)) استدراج اللّه تعالی العبد أنه کلّما جدّد خطیئةً جدّد له نعمةً وأنساه الاستغفار، أو أن یأخذه قلیلاً قلیلاً ولا یباغته، (القاموس: ۳۹۵/۱).

۲- (۲)) الکافی: ۹۷/۲ ح ۱۷،عنه البحار: ۳۲/۷۱ ح ۱۲ ونحوه فی مشکاه الأنوار: ۱۱۶/۷۰ مع اختلافٍ یسیر.

۳- (۳)) اشاره به آیه ی شریفه ی «سنستدرجهم من حیث لایعلمون» است. مجمع البحرین در معنای آیه گوید: یعنی آن ها را اندک اندک می گیریم و ناگهان گرفتارشان می کنیم. بنده هرگاه گناهی انجام دهد خدا به او نعمت دهد و توبه و استغفار را از یاد او ببرد.

ج) تشکر از واسطه ی نعمت (مخلوق) و جبران لطف او

۱ – الإمام الکاظم علیه السلام فی وصیّته لهشام: یا هشام! قول اللّه هَلْ جَزَآءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ (۱) جرت فی المؤمن والکافر والبرّ والفاجر. مَن صُنِع إلیه معروف فعلیه أن یکافئ به، ولیست المکافأه أن تصنع کما صنع حتّی تری فضلک، فإن صنعت کما صنع فله الفضل بالابتداء (۲).

۲ – عن عمّار الدهنی قال:

سمعت علیّ بن الحسین علیهما السلام یقول:

إنّ اللّه یحبّ کلّ قلبٍ حزین ویحبّ کلّ عبدٍ شکور، یقول اللّه تبارک وتعالی لعبدٍ من عبیده یوم القیامه: أشکرت فلاناً؟ فیقول: بل شکرتک یا ربّ، فیقول:

لم تشکرنی إذلم تشکره. ثمّ قال:

أشکرکم للّه أشکرکم للناس (۳).

۱ – امام کاظم علیه السلام در سفارش خود به هشام بن حکم فرمود:

ای هشام! سخن خدای متعال که فرمود «آیا پاداش نیکی جز نیکی است» درباره ی مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار، همه، جاری است؛ به هر که احسانی شود، بر او است که آن را جبران کند، و جبران به این نیست که هر آنچه او انجام داده است تو انجام دهی مگر این که فضل و برتری خود را نشان دهی، و اگر همان کنی که او برای تو انجام داد، او به سبب آغاز کردن، بر تو برتری دارد.

۲ – عمّار دهنی می گوید از امام سجاد علیه السلام شنیدم می فرمود:

خداوند هر دل غمگین و هر بنده ی سپاس گزاری را دوست دارد.

خداوند تبارک و تعالی روز قیامت به بنده ای از بندگان خود می فرماید «آیا از فلانی سپاس گزاری کردی؟» بنده می گوید «پروردگارا! من از تو سپاس گزاری کردم». خداوند می فرماید «از من سپاس گزاری نکردی چون از او سپاس گزاری ننمودی». سپس امام علیه السلام فرمود:

سپاس گزارترین شما از خداوند کسی است که از مردم بیش تر سپاس گزاری کند.

۱– (۱)) الرّحمن: ۶۰.

٢- (٢)) تحف العقول: ٣٩٥.

٣- (٣)) الكافي: ٩٩/٢ ح ٣٠.

۳ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم : یؤتی بعبدٍ یوم القیامه فیوقف بین یدی اللّه عزّ و جلّ فیأمر به إلی النّار، فیقول: أی ربّ! أمرت بی إلی النار وقد قرأت القرآن! فیقول اللّه:

أی عبدی! إنّی أنعمت علیک فلم تشکر نعمتی، فیقول: أی ربّ! أنعمت علیَّ بکذا فشکرتک بکذا، وأنعمت علیَّ بکذا وشکرتک بکذا. فلا یزال یحصی النعمه ویعدّد الشکر. فیقول اللّه تعالی:

صدقت عبدی، إلّاأنّک لم تشکر مَن أجریت لک نعمتی علی یدیه، وإنّی قد آلیت علی نفسی أن لا أقبل شکر عبدٍ لنعمه أنعمتها علیه حتّی یشکر مَن ساقها من خلقی إلیه (۱).

۴ – عن الإِمام زین العابدین علیه السلام فی رساله الحقوق:

...أمّا حقّ من سَرَّک اللّه به و علی یدیه، فإن کان تعمّدها لک حمدتَ اللّه أوّلاً ثمّ شکرتَه ۳ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند و در پیشگاه خدای عزّ و جلّ نگه می دارند، پس دستور می دهد او را به سوی آتش ببرند.

آن بنده می گوید: پروردگارا! دستور دادی مرا به سوی آتش ببرند در حالی که من قرآن تلاوت کرده ام! خداوند می فرماید:

ای بنده ی من! من بر تو نعمت دادم ولی نعمتم را سپاس گزاری نکردی. بنده می گوید:

پروردگارا! فلان نعمت را بر من عطا کردی و من در برابر آن، شکر تو را به جا آوردم، وفلان نعمت را به من دادی و من در برابر آن شکر تو را به جا آوردم.

به این ترتیب بنده پیوسته نعمت و شکر آن را می شمارد. آن گاه خداوند می فرماید:

بنده ی من! راست گفتی، اما تو از کسی که نعمتم را به وسیله ی او به تو رساندم سپاس گزاری نکردی، و من با خود پیمان بسته ام که سپاس بنده ای از نعمتی که به او داده ام را نپذیرم مگر این که از کسی که آن نعمت را به او رسانده است سپاس گزاری کند.

۴ – امام سجاد علیه السلام در رساله ی حقوق خود می فرماید:

...اما حقّ کسی که خداوند تو را به وسیله ی او و با دستان او خشنود ساخته این است که اگر قصدش خشنودی تو بوده است نخست خدا را ستایش کنی، آن گاه برای پاداش او،

۱- (۱)) أمالی الطوسی: ۴۵۰ ضمن ح ۱۰۰۵، عنه الوسائل: ۳۱۲/۱۶ ح ۲۱۶۳۵،والبحار: ۷/ ۲۲۳ ح ۱۴۱،وج ۷۰/۶۶ ضمن ح

.۲۵

علی ذلک بقدْره فی موضع الجزاء وکافأتَه علی فضل الابتداء وأرصدتَ له المکافأه، وإن لم یکن تعمّدها حمدتَ اللّه و شکرتَه و علمتَ أنّه منه... (۱).

۵ – قال علیّ بن الحسین علیهما السلام : ...أمّا حقّ ذی المعروف علیک فأن تشکره وتذکر معروفه، وتکسبه المقاله الحسنه، وتخلص له الدعاء فیما بینک وبین اللّه عزّ و جلّ، فإذا فعلت ذلک کنت قد شکرته سرّاً وعلانیه، ثمّ إن قدرت علی مکافأته یوماً کافأته (۲).

۶ – قال علیّ علیه السلام : المکافأه عِتق (۳).

۷ – قال علیّ علیه السلام : المعروف غُلٌّ لا یفکّه إلّاشکرٌ و مکافأه (۴).

۸ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: کان أمیرالمؤمنین – صلوات اللّه علیه – یقول:

به همان اندازه از او سپاس گزاری کنی، و او را بر مزیّت پیشقدم شدن جزا دهی و درصدد جبران آن باشی.

و اگر او در کار خود چنین قصدی نداشته است خدا را ستایش کنی و او را سپاس بگزاری و بدانی که این شادی از جانب او است.

۵ – امام سجاد علیه السلام فرمود:

... اما حقّ نیکی کننده بر تو آن است که او را سپاس گویی و نیکی اش را بیان کنی و نام نیک را برایش به دست آوری و میان خود و خدای عزّ و جلّ خالصانه برایش دعا کنی.

چون این ها را انجام دادی، در نهان و آشکار سپاسش گفته ای؛

آن گاه اگر روزی بر جبران کار او توانایی یافتی، آن را جبران کنی.

۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

جبران، نوعی آزادی است.

۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

احسان و نیکی زنجیری است، که آن را نمی گشاید جز سپاس گزاری و جبران.

۸ – امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان – که صلوات خدا بر او باد – می فرمود:

۱- (۱)) تحف العقول: ۲۷۱ عنه البحار: ۲۰/۷۴ ح ۶۲.

۲- (۲)) الفقيه: ۶۲۲/۲ ضمن ح ۳۲۱۷ والخصال: ۵۶۸ ضمن ح ۱ وأمالى الصدوق: ۴۵۴ م ۵۹ ح ۶۱، عنها الوسائل: ۱۷۶/۱۵ ضمن ح ۲۰۲۲۶.

۳- (۳)) عيون الحكم والمواعظ: ۳۵ ح ۶۷۵.

۴- (۴)) عيون الحكم والمواعظ:۵۳ ح ۱۳۷۶، عنه المستدرك: ۳۵۶/۱۲ ضمن ح ۱۴۲۸۱.

مَن صنع بمثل ما صنع إليه فإنّما كافأه، ومَن أضعفه كان شكوراً، ومَن شكر كان كريماً، ومَن علم أنّ ما صنع إنّما صنع إلى نفسه لم يستبط الناس فی شكرهم ولم يستزدهم فی مودّتهم، فلاـ تلتمس من غيرك شكر ما أتيت إلى نفسك ووقيت به عِرضك، واعلم أنّ الطالب إليك الحاجه لم يكرم وجهه عن وجهك، فأكرم وجهك عن ردّه (۱).

۹ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم قال: مَن استعاذ باللّه فأعيذوه، ومَن سألكم باللّه فأعطوه، ومَن دعاكم فأجيبوه، ومَن أتی عليكم معروفاً فكافئوه، فإن لم تجدوا ما تكافئوه فادعوا له حتّی تعلموا أن قد كافأتموه (۲).

۱۰ - عن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم قال: من اعطی عطاءً فوجد فليجزِ به، ومَن لم يجد فليثن، فإنّ مَن أثنی فقد شكر، ومَن كتم فقد كفر، هرکه نیکی کند به مانند آنچه به او نیکی شده، آن را جبران کرده است، و هر که دو برابر آن انجام دهد سپاس گزار است و هر که سپاس گزار باشد کریم است. و هر که بداند آنچه انجام داده، برای خود کرده است، مردم را در سپاس گزاری کُند نمی شمارد و افزایش محبت آنان را به خود خواستار نمی شود؛

پس سپاس گزاری از کاری که برای خود انجام داده ای و با آن آبروی خود را نگهداشته ای از دیگری مخواه و بدان هر که از تو حاجتی خواهد، آبروی خود را در برابر آبروی تو ارج ننهاده است، پس به آبرومندی خود احترام کن و ردّش مکن.

۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه به خداپناه برد پناهش دهید و هر کس با واسطه قرار دادن خدا، از شما درخواست کرد عطایش کنید و هر که شما را خواند اجابتش کنید و هر که بر شما احسان کرد جبرانش کنید و اگر چیزی برای جبران نیافتید برایش دعا کنید تا بفهمانید که جبرانش کرده اید.

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس عطایی دریافت کرد پس اگر می تواند آن را جبران کند و اگر نتوانست مدح و ثنایش گوید؛ زیرا هر که ثنا گوید سپاس گزاری کرده است و هرکه کتمان کند [و هیچ نگوید] ناسپاسی نموده است

۱- ((۱)) الکافی: ۲۸/۴ ح۱،عنه الوسائل: ۱۶ /۳۰۵ ح ۲۱۶۱۲ ونحوه فی معانی الأخبار: ۱۴۱ح ۱ عنه البحار: ۲۸۶/۷۴ ح ۱۰.

۲- ((۲)) مسند أحمد: ۶۸/۲.

ومَن تحلّی بما لم یعطه کان کلابس ثوبَی زور (۱).

۱۱ - عن أنس قال:قال المهاجرون:

یا رسول اللّه! ما رأینا مثل قوم قدِمنا علیهم المدینه أحسن بذلاً من کثیر ولا أحسن مواساهً من قلیل، قد کفونا المؤونه وأشرکونا فی المهنأ، فقد خشینا أن یکونوا یذهبون بالأجر کلّه، فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : کلّا، ما أثنیتم به علیهم ودعوتم اللّه لهم (۲).

۱۲ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : کفاک بثنائک علی أخیک إذا أسدی إلیک معروفاً أن تقول له «جزاک اللّه خیراً» وإذا ذکر ولیس هو فی المجلس أن تقول «جزاه اللّه خیراً» فإذاً أنت کافأته (۳).

و کسی که خود را به چیزی که ندارد [از او نیست] بیاراید، همچون کسی است که جامه ی نیرنگ پوشیده است.

۱۱ - انس می گوید مهاجرین به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند:

ای رسول خدا! ما میزبانی همچون گروه انصار ندیده ایم که در مالِ زیاد این گونه بخشنده و در مالِ اندک این گونه مواساتگر (شریک کننده درمال خود) باشند.

آنان هزینه های ما را عهده دار شده اند و در خوشی های ما شریک گشته اند، و ما بیم داریم که همه ی ثواب ها را آنان ببرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز چنین نخواهد بود تا زمانی که شما آنان را بر این امر ثنا وسپاس گویید وبرایشان در پیشگاه خدا دعا کنید.

۱۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون برادرت کار نیکی برایت انجام داد، در ستایش و ثنای او کافی است که به او بگویی.

«خدا تو را پاداش خیر دهد» و اگر از او یاد شد و او در آن جا حاضر نبود بگویی «خدا او را پاداش خیر دهد»؛ اگر چنین کنی کار نیک او را جبران کرده ای.

۱- ((۱)) سنن الترمذی: ۳۷۹/۴ ح ۲۰۳۴ و نحوه فی مسند أحمد: ۹۰/۶.

۲- ((۲)) السنن الکبری للبیهقی: ۱۸۴/۹ ح ۱۲۲۶۵ و نحوه فی ح ۱۲۲۶۶، و مسند أحمد: ۲۰۰/۳.

۳- ((۳)) کتاب الزهد: ۳۳ ح ۸۵عنه الوسائل: ۳۰۷/۱۶ ح ۲۱۶۱۸.

د) چگونگی شکر

۱ - قال اللّه تباک وتعالی:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱).

۲ - عن أبی بصیر قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : هل للشكر حدٌّ إذا فعله العبد كان شاكراً؟ قال:

نعم، قلت: ما هو؟ قال: یحمد اللّه علی كلّ نعمه علیه فی أهلٍ ومال، وإن كان فیما أنعم علیه فی ماله حقٌّ أدّاه، ومنه قوله عزّوجلّ:

سُبْحَٰنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ (۲)،

ومنه قوله تعالی رَبِّ أَنزِلْنِی مُنزَلًا مُبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِینَ (۳)،

وقوله: رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَل لِّی مِن لَدُنكَ سُلْطَٰنًا نَصِیرًا (۴)(۵)۱ - خداوند متعال فرمود: و به راستی خدا شما را در بدر یاری داد در حالی که ناتوان بودید.

پس از خدا بترسید، باشد که شکر او را به جا آورید.

۲ - ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا برای سپاس حدّی است که چون بنده آن را انجام دهد سپاس گزار باشد؟

فرمود: آری. عرض کردم آن چیست؟

فرمود: خداوند را بر هر نعمتی که در اهل و مال به او داده است بستاید، و اگر در اموالش که به او عطا کرده است حقّی باشد، آن را ادا کند.

در همین باره است این سخن خداوند عزّ و جلّ

«پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و گرنه ما را یارای [رام ساختن] آن نبود»

و نیز این سخن خداوند متعال «پروردگارا! مرا در جایی پر برکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی»

و همچنین سخن او که فرمود: «پروردگارا! مرا [در هرکاری] به درستی داخل کن و به درستی خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش [بر دشمن] قرار ده».

١- ((١)) آل عمران: ١٢٣.

٢- ((٢)) الزخرف: ١٣.

٣- ((٣)) المؤمنون: ٢٩.

٤- ((٤)) الإسراء: ٨٠ .

٥- ((٥)) الكافي: ٢/٩٦ ح ١٢.

۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

شکر النعمه اجتناب المحارم، و تمام الشکر قول الرجل: الحمد اللّه ربّ العالمین (۱).

۴ – من مواعظ النبیّ صلی الله علیه و آله :

...أمّا علامه الشاکر فأربعه:

الشکر فی النعماء، والصبر فی البلاء، والقنوع بقسْم اللّه، ولا یحمِد ولا یعظِّم إلّااللّه (۲).

۵ – قال علی علیه السلام : حقٌّ علی مَن انعم علیه أن یُحسن مکافأه المنعم، فإن قصر عن ذلک وسعه فعلیه أن یُحسن الثناء، فإن کلَّ عن ذلک لسانه فعلیه بمعرفه النعمه و محبّه المنعم بها، فإن قصر عن ذلک فلیس للنعمه بأهل. (۳)۶ – من وصیّه الإمام الصادق علیه السلام لبعض أصحابه:

...لا یفقدک اللّه من حیث أمرک، ولا یراک من حیث نهاک.

ما أنعم اللّه علی عبدٍ بنعمهٍ ۳ – امام صادق علیه السلام فرمود: سپاس گزاری نعمت، دوری از محرمات است، و کامل کردن سپاس، گفتن «الحمدللّه ربّ العالمین» است.

۴ – از اندرزهای پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود:

... نشانه ی شخص سپاس گزار چهار چیز است:

سپاس گزاری در نعمت ها،

شکیبایی در گرفتاری ها،

قناعت به سهم تعیین شده از جانب خدا،

و این که جز خدا را نستاید و بزرگ ندارد.

۵ – امام علی علیه السلام فرمود: سزاوار است هر کس به او نعمت داده شده است، نعمت دهنده را به خوبی جزا دهد و اگر توانایی آن را ندارد، بر او لازم است به خوبی مدح و ثنایش گوید و اگر زبانش از آن ناتوان است بر او است که نعمت را بشناسد و به عطاکننده ی آن محبّت کند، اگر از آن هم ناتوان است پس شایسته ی نعمت نیست.

۶ – از سفارش امام صادق علیه السلام به برخی اصحاب خود:

... خداوند تو را از جایی که دستور داده است، غایب نبیند، و در جایی که تو را از آن بازداشته است حاضر نبیند.

خداوند نعمتی را به بنده ای عطا نکرد

ص:۱۹۴

۱- (۱)) الکافی: ۹۵/۲ ح ۱۰.

۲- (۲)) تحف العقول: ۲۰.

۳- (۳)) أمالی الطوسی: ۵۰۱ ح ۱۰۹۷،عنه الوسائل: ۳۰۹/۱۶ ح ۲۱۶۲۳وبحارالأنوار: ۵۰/۷۱ ح ۶۷.

فشكرها بقلبه إلّااستوجب المزيد بها قبل أن يظهر شكرها على لسانه.

مَن قصُرت يده عن المكافأه فليطل لسانه بالشكر، ومن حقّ شكر نعمه اللّه أن يشكر - بعد شكره - مَن جرت تلك النعمه على يده (۱).

۷ - عن محمّد بن عجلان قال: سمعت أباعبداللّه عليه السلام يقول:

أحسنوا جوار النِعم، قلت: وما حُسن جوار النِعم؟

قال: الشكر لمن أنعم بها وأداء حقوقها (۲).

۸ - عن أبى عبداللّه عليه السلام قال: ما أنعم اللّه على عبدٍ من نعمهٍ فعرفها بقلبه وحمد اللّه ظاهراً بلسانه فتمّ كلامه حتّى يؤمر له بالمزيد (۳).

۹ - عن أبى عبداللّه عليه السلام قال:

مَن أنعم اللّه عليه بنعمهٍ فعرفها بقلبه فقد أدّى شكرها (۴).

كه او شكرش را در دل خود به جا آورد مگر آن كه پيش از به زبان آوردن شكر، مستحق افزايش آن نعمت شد.

هر كه دستش از جبران كوتاه است بايد زبانش به سپاس باز باشد.

از حقوق شكر نعمت خداوند اين است كه پس از سپاس گزارى از خداوند، از كسى كه آن نعمت بر دست او جارى شده است نيز سپاسگزارى كند.

۷ - محمد بن عجلان مى گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم مى فرمود: قدر نعمت ها را بدانيد.

عرض كردم: قدردانى از نعمت ها چيست؟

فرمود: سپاس گزارى از كسى كه آن ها را به شما بخشيد، و ادا كردن حقوق آن ها.

۸ - امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند نعمتى به بنده اى نداد كه آن را با دل بشناسد و در ظاهر با زبان خود ستايش خدا را گويد، مگر اين كه وقتى سخنش تمام شد دستور داده شد كه بر نعمت او بيفزايند.

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکه را خداوند نعمتی داد و او آن نعمت را از دل شناخت، شکر آن را ادا کرده است.

۱- (۱)) بشاره المصطفی:۳۴۲ضمن ح۳۵

۲- (۲)) الکافی: ۳۸/۴ ح ۲ و التهذیب: ۱۰۹/۴ ح ۳۱۵، عنهما الوسائل: ۳۲۷/۱۶ ح ۲۱۶۷۴.

۳- (۳)) الکافی: ۹۵/۲ ح ۹.

۴- (۴)) الکافی: ۹۶/۲ ح ۱۵.

۱۰ – عن النعمان بن بشیر قال: قال النبیّ صلی الله علیه و سلم علی المنبر:

مَن لم یشکر القلیل لم یشکر الکثیر، ومَن لم یشکر الناس لم یشکر اللّه، التحدَّث بنعمه اللّه شکر وترکها کفر، والجماعه رحمهٌ والفرقه عذاب (۱).

۱۱ – قال الباقر علیه السلام فی وصیّته لجابر الجعفی: تخلّص إلی عظیم الشکر باستکثار قلیل الرزق واستقلال کثیر الطاعه.

واستجلب زیاده النِعم بعظیم الشکر، والتوسّل إلی عظیم الشکر بخوف زوال النِعم (۲).

۱۲ – قال علیّ علیه السلام : لن یستطیع أحدٌ أن یشکر النِعم بمثل الإنعام بها (۳).

۱۳ – عن عمر بن یزید قال:

سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: شکر کلّ نعمه وإن عظُمت أن تحمد اللّه عزّ وجلّ علیها (۴).

۱۰ – نعمان بن بشیر می گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله بالای منبر فرمود:

هرکس نعمت اندک را سپاس نگوید از نعمت بسیار نیز سپاس گزاری نمی کند

و هرکس، از مردم سپاس گزاری نکند از خدا نیز سپاس گزاری نمی کند.

یادآوری نعمت سپاس گزاری است و ترک آن کفران است.

با هم بودن رحمت است و پراکندگی عذاب.

۱۱ – امام باقر علیه السلام در سفارش خود به جابر جعفی فرمود:

با زیاد شمردن روزی اندک و کم شمردن طاعت بسیار به شکر فراوان دست یاب،

و با شکر و سپاس بسیار افزایش نعمت را به دست آور،

و با بیم از زوال نعمت ها به شکر بسیار برس.

۱۲ – امام علی علیه السلام فرمود: هیچ کسی نمی تواند شکر نعمت ها را با چیزی همچون بخشیدن آن ها ادا کند.

۱۳ – عمر بن یزید می گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

سپاس هر نعمتی گرچه بزرگ باشد این است که خدای عزّ وجلّ را بر آن ستایش کنی.

۱- (۱)) مسند أحمد: ۲۷۸/۴.

۲- (۲)) تحف العقول: ۲۸۶.

۳- (۳)) عيون الحكم والمواعظ: ۴۰۸ ح ۶۹۲۰.

۴- (۴)) الكافي: ۹۵/۲ ح ۱۱.

۱۴ – عن معمّر بن خلّاد قال:

سمعت أبا الحسن [الرضا] – صلوات اللّه علیه – یقول:

مَن حمد اللّه علی النعمه فقد شکره، وکان الحمد أفضل من تلک النعمه (۱).

۱۵ – عن حمّاد بن عثمان قال: خرج أبوعبداللّه علیه السلام من المسجد وقد ضاعت دابّته، فقال:

لئن ردّها اللّه علیَّ لأشکرنّ اللّه حقّ شکره. قال: فما لبث أن اتی بها، فقال: الحمد للّه، فقال له قائل:

جعلت فداک ألیس قلت لأشکرنّ اللّه حقّ شکره؟ فقال أبوعبداللّه علیه السلام :

ألم تسمعنی قلتُ الحمد اللّه؟ (۲)۱۶ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم إذا أتاه ما یحبّ قال

«الحمد للّه المحسن المجمل» وإذا أتاه ما یکرهه قال «الحمد للّه علی کلّ حال، والحمد للّه علی هذه الحال» (۳).

۱۴ – معمّربن خلاد می گوید: از امام رضا – که صلوات خدا بر او باد – شنیدم می فرمود:

هرکه خدا را بر نعمتی بستاید او را سپاس گفته است، و حمد و ستایش، برتر از آن نعمت است.

۱۵ – حمادبن عثمان می گوید: امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون آمد و مرکبش گم شده بود.

فرمود: اگر خداوند آن را به من برگرداند حق سپاس گزاری او را به جای می آورم.

اندکی نگذشت که آن را آوردند.

فرمود: «الحمدللّه».

کسی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! مگر نفرمودی «حق سپاس گزاری و شکر خدا را به جای می آورم»؟

امام صادق علیه السلام فرمود: مگر نشنیدی که گفتم «الحمدللّه»؟

۱۶ – امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هرگاه امری خوشایند برایش پیش می آمد می گفت «ستایش از آنِ خدای نیکوکار زیباگر است»

و چون امری ناخوشایند برایش پیش می آمد می گفت

«ستایش از آنِ خدا است در هر حال، و ستایش مخصوص خدا است در این حال».

ص:۱۹۷

۱- (۱)) الکافی: ۹۶/۲ ح ۱۳.

۲- (۲)) الکافی: ۹۷/۲ ح ۱۸.

۳- (۳)) (مشکاه الأنوار: ۷۰ ح ۱۱۹،عنه البحار: ۲۱۴/۹۳ ضمن ح ۱۷)

۱۷ – عن الصادق علیه السلام قال:

إنّی لُأحبّ أن لاتجدَّد لی نعمةٌ إلّا حمدت اللّه علیها مائه مرّه (۱).

۱۸ – قال السجّاد علیه السلام : سبحان مَن جعل الاعتراف بالنعمه له حمداً، سبحان مَن جعل الاعتراف بالعجز عن الشکر شکراً (۲).

۱۹ – أوحی اللّه إلی داود:

یا داود! اشکرنی،

قال: وکیف أشکرک یا ربّ والشکر من نعمک تستحقّ علیه شکراً، قال: یا داود! رضیت بهذا الاعتراف منک شکراً (۳).

۲۰ – عن إسماعیل بن الفضل قال: قال أبوعبداللّه علیه السلام :

إذا أصبحت وأمسیت فقل عشر مرّات «اللّهمّ ما أصبحت بی من نعمهٍ أو عافیهٍ من دینٍ أو دنیا فمنک وحدک لا شریک لک، لک الحمد ولک الشکر بها علیَّ یا ربّ حتّی ترضی وبعد الرضا» ۱۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

من دوست دارم نعمت تازه ای به من نرسد مگر این که خدا را برآن صدبار بستایم.

۱۸ – امام سجاد علیه السلام فرمود:

منزّه است خدایی که اعتراف به نعمت را ستایش قرار داد.

منزّه است خدایی که اقرار به ناتوانی از سپاس گزاری را شکر قرار داد.

۱۹ – خداوند به داود علیه السلام وحی کرد:

ای داود! مرا سپاس گزار.

او گفت: پروردگارا چگونه تو را سپاس گزارم در حالی که سپاس و شکر، خود از نعمت های تو است و برای آن باز مستحق سپاس می شوی.

خداوند فرمود: ای داود! این اعتراف تو را به عنوان سپاس پسندیدم.

۲۰ – اسماعیل بن فضل نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: چون صبح و شام کردی ده بار بگو:

«بارالها! در این صبح هر نعمتی یا عافیت و سلامتی که در دین یا دنیا دارم از جانب تو است، تو یکتایی هستی که هیچ شریکی

نداری، پروردگارا! ستایش تو و سپاس گزاری از تو در برابر آن نعمت ها بر من بایسته است تا آن گاه که خشنود شوی و پس از خشنودی [نیز]».

۱- (۱)) مشکاه الأنوار: ۷۰ ح ۱۱۷،عنه البحار:۲۱۴/۹۳ ضمن ح ۱۷.

۲- (۲)) تحف العقول: ۲۸۳.

۳- (۳)) عُدّه الداعی: ۲۳۹.

فإنّک إذا قلت ذلک کنت قد أدّیت شکر ما أنعم اللّه به علیک فی ذلک الیوم وفی تلک اللّیله (1).

[پس حضرت فرمود:] اگر تو این را بگویی، سپاس آنچه را که خداوند در آن شب و روز به تو بخشیده است، ادا کرده ای.

۱- (۱)) الکافی: ۹۹/۲ ح ۲۸.

(۷)اظهار نعمت

۱ – استعدی زیاد بن شدّاد الحارثی (صاحب رسول اللّه صلی الله علیه و آله) علی أخیه عُبیداللّه بن شدّاد فقال:

یا أمیرالمؤمنین! ذهب أخی فی العباده وامتنع أن یساکننی فی داری ولبس أدنی ما یکون من اللباس، قال: یا أمیرالمؤمنین! تزیّنت بزینتک ولبست لباسک، قال: لیس لک ذلک، إنّ إمام المسلمین إذا ولی امورهم لبس لباس أدنی فقیرهم لئلّا یتبیّغ بالفقیر فقره فیقتله، فلأعلمنّ ما لبست إلّامن أحسن زیّ قومک وَ أَمَّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ (۱)فالعمل بالنعمه أحبّ إلیَّ من الحدیث بها (۲).

۱ – زیاد بن شدّاد حارثی (از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) از دست برادرش عبیداللّه بن شدّاد، امیرمؤمنان علیه السلام را به یاری طلبید و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! برادرم به عبادت روی آورده است و از این که با من در خانه ام زندگی کند پرهیز می کند و بی ارزش ترین جامه را پوشیده است. عبیداللّه بن شدّاد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! من هم چون شما خود را آراسته ام و مانند شما لباس پوشیده ام. حضرت فرمود: این کار برای تو روا نیست؛ زیرا پیشوای مسلمانان چون امور آنان را عهده دار شود پست ترین لباس نیازمندان آنان را می پوشد تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا بدر نبرد که او را بکشد؛ پس همانا به تو می گویم که نپوشی مگر از نیکوترین لباس مناسب در میان نزدیکان و آشنایانت [و این آیه را قراءت فرمود] «و اما نعمت پروردگارت را بازگوی» [و ادامه داد:] پس به کار بستن نعمت، نزد من محبوب تر است از یاد آن.

ص:۲۰۰

۱- (۱)) الضّحی: ۱۱.

۲- (۲)) الاختصاص: ۱۵۲، عنه المستدرک: ۲۳۷/۳ ح ۳۴۷۱.

۲ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : إنّی لأکره للرجل أن یکون علیه نعمهٌ من اللّه فلا یظهرها (۱).

۳ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : قال کلوا واشربوا وتصدّقوا فی غیر سرَف و لا مخیله، إنّ اللّه تعالی یحبّ أن یری أثر نعمته علی عبده (۲).

۴ – عن الصادق علیه السلام أنّ سفیان الثوری دخل علیه فرأی علیه ثیاباً رفیعه فقال:

یا ابن رسول اللّه! أنت تحدّثنا عن علیّ أنّه کان یلبس الخشن من الثیاب و الکرابیس و أنت تلبس القوهی و المروی، فقال: ویحک یا سفیان! إنّ علیّاً علیه السلام کان فی زمن ضیق، وإنّ اللّه قد وسّع علینا، ویستحبّ لمن وسّع اللّه علیه أن یُری أثر ذلک علیه (۳).

۵ – عن جعفر بن محمّد عن أبیه عن آبائه علیهم السلام أنّ علیّاً کان یقول:

ینبغی للرجل إذا أنعم اللّه علیه بنعمه ۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

من دوست ندارم کسی نعمتی از جانب خدا داشته باشد و آن را اظهار نکند.

۳ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بخورید و بیاشامید و بدون اسراف و خود برتربینی صدقه دهید؛ زیرا خداوند متعال دوست دارد که اثر نعمت او در بنده اش دیده شود.

۴ – درباره ی امام صادق علیه السلام نقل شده است که روزی سفیان ثوری خدمت حضرت رسید و او را در جامه ی شکوهمندی دید و گفت:

ای فرزند رسول خدا! شما برای ما نقل کردید که علی علیه السلام لباس خشن و کرباس می پوشید در حالی که شما لباس قوهی [جامه ای سفید رنگ] و مروی می پوشید.

حضرت فرمود: وای بر تو ای سفیان، علی علیه السلام در وضعیت و زمانی سخت بود و خداوند امروز بر ما توسعه داده است، و برای کسی که خدا بر او توسعه داده است خوب است اثر آن در او دیده شود.

۵ – امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خود، از نیاکانش نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام می فرمود:

برای انسان شایسته است که چون خداوند نعمتی به او ارزانی داشت،

١- ((١)) الكافي: ٤٣٩/٦ ح ٩،عنه الوسائل: ٨/٥ ح ٥٧٥٠ .

٢- ((٢)) المستدرك على الصحيحين: ١٥٠/٤ ح ٧١٨٨ .

٣- ((٣)) دعائم الإسلام:١٥٥/٢ ضمن ح ٥٥٠ ،عنه المستدرك: ٢٤٠/٣ ضمن ح ٣٤٨٠.

أن یُری أثرها علیه فی ملبسه ما لم یکن شهره (۱).

۶ – عن أبی الأحوص عن أبیه أنه أتی النبیّ صلی الله علیه و سلم فی ثوب دون، فقال له النبیّ صلی الله علیه و سلم : ألك مالك؟ قال:

نعم، قد آتانی اللّه من كلّ المال، قال: من أیّ المال؟ قال: آتانی اللّه من الخیل والرقیق، فقال له النبیّ صلی الله علیه و سلم : إذا آتاك اللّه مالاً فلیُر علیك أثر نعمته وكرامته (۲).

۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

إذا أنعم اللّه علی عبده بنعمهٍ فظهرت علیه سمّی حبیب اللّه محدّثاً بنعمه اللّه، وإذا أنعم اللّه علی عبدٍ بنعمه فلم تظهر علیه سمّی بغیض اللّه مكذّباً بنعمه اللّه (۳).

۸ – عن أبی بصیر قال: بلغ أمیرالمؤمنین علیه السلام أنّ طلحه والزبیر یقولان: لیس لعلیّ مال.

قال: فشقّ ذلك علیه، فأمر وكلاءه أن یجمعوا غلّته اثر آن در لباس پوشیدنش نمایان باشد، به اندازه ای که لباس شهرت نباشد.

۶ – ابوالاحوص از پدر خود نقل می کند که روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید در حالی که جامه ای حقیر و پست بر تن داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا مال داری؟

عرض کرد: آری، خداوند هر نوع مالی به من بخشیده است.

حضرت فرمود: چه نوع مالی؟

عرض کرد: خداوند اسب و غلام به من بخشیده است.

حضرت فرمود: هرگاه خداوند مالی را به تو داد باید اثر نعمت و کرامت او در تو دیده شود.

۷ – امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند نعمتی به بنده ی خود عنایت کند و آن نعمت بر او نمایان باشد، آن بنده چنین نامیده می شود:

دوستدار خدا و آشکارکننده ی نعمت خدا؛ و هرگاه خداوند نعمتی به بنده ای عطا کند و آن بر او آشکار نباشد، بنده چنین نام می گیرد:

منفور خدا و تکذیب کننده ی نعمت خدا.

۸ - ابوبصیر می گوید: امیرمؤمنان علیه السلام اطلاع یافت که طلحه و زبیر می گویند: «علی مالی ندارد».

این بر حضرت گران آمد و به وکلای خود دستور داد که عایدات و درآمدهای او را جمع آوری کنند.

۱- (۱)) دعائم الإسلام: ۱۵۳/۲ ح ۵۴۳،عنه المستدرک: ۲۳۶/۳ ح ۳۴۶۹.

۲- (۲)) المعجم الکبیر:۲۷۸/۱۹صدر ح ۶۱۰.

۳- (۳)) الکافی: ۴۳۸/۶ ح ۲،عنه الوسائل: ۸/۵ ح ۵۷۴۹ .

حتّی إذا حال الحول أتوه وقد جمعوا من ثمن الغلّه مائه ألف درهم فنشرت(فنثرت - خ ل) بین یدیه، فأرسل إلی طلحه و الزبیر فأتیاه فقال لهما: هذا المال واللّه لی لیس لأحدٍ فیه شیء - وکان عندهما مصدّقاً - . قال: فخرجا من عنده وهما یقولان: إنّ له لمالاً (۱).

۹ - عن علیّ علیه السلام قال: الدهن یظهر الغنی، والثیاب تظهر الجمال، وحُسن الملکه یکبت الأعداء (۲).

چون یک سال گذشت خدمت حضرت رسیدند در حالی که از قیمت عایدات صدهزار درهم گرد آورده بودند و آن ها مقابل حضرت ریخته بود.

حضرت دنبال طلحه و زبیر فرستاد و آنان آمدند.

حضرت به آن دو فرمود: «سوگند به خدا این اموال از آنِ من است و هیچ کس حقّی در آن ندارد» - و حضرت نزد آن دو مورد تصدیق بود - آن دو از نزد حضرت بیرون رفتند در حالی که می گفتند «او چه اموال زیادی دارد!»

۹ - امام علی علیه السلام فرمود: روغن (عطر) مالیدن بی نیازی را آشکار می نماید، و پوشیدن لباس، آراستگی را نمایان می کند، و نیکویی حکومت، دشمنان را خوار می سازد.

۱- (۱)) الکافی: ۴۴۰/۶ ح ۱۱،عنه الوسائل: ۹/۵ ح ۵۷۵۲.

۲- (۲)) الخصال: ۹۱ ح ۳۳، عنه الوسائل: ۱۵۷/۲ ح ۱۷۹۹.

(فصل سوّم):پرهیزها و نبایسته های عملی و اخلاقی مرتبط با مصرف

اشاره

ص:۲۰۵

(۱)کفران نعمت

الف) نکوهش کفران نعمت و جزای آن

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ (۱)۲ - عن أبی عمرو الزبیری عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: قلت له:

أخبرنی عن وجوه الکفر فی کتاب اللّه عزّ و جلّ قال: الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه أوجه:

... والوجه الثالث من الکفر کفر النِعم، وذلک قوله تعالی یحکی قول سلیمان علیه السلام : هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى لِيَبْلُوَنِى ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن كَفَرَ ۱ - خداوند متعال فرمود: و خداوند شهری را مثال زده است که امن و آرام بود و رزقش به وفور از هر طرف به آن می رسید، اما کفران نعمت خدا کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.

۲ - ابوعمرو زبیری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

مرا آگاه ساز که کفر در کتاب خدای عزّ و جلّ چند صورت دارد؟

فرمود: کفر در کتاب خدا پنج قسم است:

...قسم سوم کفر، کفر و ناسپاسی نعمت است و گفتار خدای متعال در این باره است، آن جا که سخن سلیمان را حکایت می کند

«این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هرکه سپاس گزاری کند به راستی برای خود سپاس گزاری می کند و هرکه ناسپاسی کند

۱- (۱)) النحل: ۱۱۲.

فَإِنَّ رَبِّی غَنِیٌّ کَرِیمٌ (۱).

وقال: لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ (۲) وقال: فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ وَ اشْکُرُوالِی وَ لَاتَکْفُرُونِ (۳)(۴)۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ویلٌ لمن یبدّل نعمه اللّه کفراً... (۵).

۴ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم : أسرع الذنوب عقوبهً کفران النعمه (۶).

۵ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : ثلاثه من الذنوب تعجَّل عقوبتها ولا تؤخَّر إلی الآخره: عقوق الوالدین و البغی علی الناس وکفر الإحسان (۷).

۶ – قال علیّ علیه السلام : کافر النعمه مذمومٌ عند الخالق و الخلائق (۸).

به راستی پروردگارم بی نیاز و کریم است»

و نیز می فرماید:

«اگر واقعاً سپاس گزاری کنید، همانا [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود»

و می فرماید: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرم را به جای آرید و مرا ناسپاسی نکنید».

۳ – امام صادق علیه السلام فرمود:

وای به حال کسی که ناسپاسی را جایگزین نعمت خدا کند.

۴ – پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

گناهی که کیفرش زودتر از همه ی گناهان دامن انسان را می گیرد ناسپاسی نعمت است.

۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سه گناه است که کیفر آن ها در دنیا داده می شود و به روز قیامت نمی افتد:

عاق والدین، ستم بر مردم و ناسپاسی احسان.

۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

کفران کننده ی نعمت، نزد آفریدگار و آفریدگان نکوهیده است.

۱- (۱)) النمل: ۴۰.

۲- (۲)) إبراهیم: ۷.

۳- (۳)) البقره:۱۵۲.

۴- (۴)) الکافی:۳۸۹/۲ح۱.

۵- (۵)) المحاسن: ۲۶۵ ح ۳۴۰.

۶- (۶)) الأمالی الطوسی: ۴۵۰ ضمن ح ۱۰۰۵، عنه الوسائل: ۳۱۲/۱۶ ح ۲۱۶۳۴ والبحار: ۷۰/۶۶ ح ۲۵.

۷- (۷)) أمالی المفید: ۲۳۷ ح ۱ و نحوه فی أمالی الطوسی: ۱۳ ح ۱۷،عنه الوسائل: ۳۱۲/۱۶ ح ۲۱۶۳۳.

۸- (۸)) عیون الحکم والمواعظ:۳۹۷ح ۶۷۲۶.

۷ – قال علیّ علیه السلام : کافر النعمه کافر فضل اللّه (۱).

۸ – قال علیّ علیه السلام : إنّ کفر النِعم لؤم، ومصاحبه الجاهل شؤم (۲).

۹ – قال علیّ علیه السلام لابنه محمّد بن الحنفیّه: کفر النِعم مُوق، ومجالسه الأحمق شؤم (۳)۱۰ – قال علیّ علیه السلام : لیس من التوفیق کفران النِعم (۴).

۱۱ – قال علیّ علیه السلام : کفران النِعم یزلّ القدم ویسلب النِعم (۵).

۱۲ – قال علیّ علیه السلام : النِعم یسلبها الکفران (۶).

۱۳ – قال علیّ علیه السلام : آفه النِعم الکفران (۷).

۱۴ – قال علیّ علیه السلام : مَن أنعم علی الکفور طال غیظه (۸).

۱۵ – عن محمّدبن عرفه قال:

۷ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

کفران کننده ی نعمت، کفران کننده ی احسان خدا است.

۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

به راستی ناسپاسی نعمت ها، پستی است

و همراهی نادان، نحس است.

۹ – امیرمؤمنان علی علیه السلام به پسرش محمد بن حنفیّه فرمود:

ناسپاسی نعمت ها حماقت است

و همنشینی با کودن نحس است.

۱۰ – امام علی علیه السلام فرمود:

کفران نعمت ها راه کامیابی نیست.

۱۱ – امام علی علیه السلام فرمود:

کفران نعمت ها قدم را می لغزاند و نعمت ها را [از انسان] می گیرد.

۱۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

کفران و ناسپاسی، نعمت ها را می رباید.

۱۳ - امام علی علیه السلام فرمود:

ناسپاسی، بلای نعمت ها است.

۱۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

هرکس بر ناسپاس نعمت بخشد، خشمش به درازا کشد.

۱۵ - محمد بن عرفه نقل می کندکه

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۹۷ ح ۶۷۲۱.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ:۱۴۲ح ۳۱۷۰.

۳- (۳)) الفقیه: ۳۹۰/۴ ضمن ح ۵۸۳۷ .

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ:۴۰۹ح ۶۹۴۲.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ:۳۹۶ح ۶۷۰۹.

۶- (۶)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۱ ح ۱۳۱۷.

۷- (۷)) عیون الحکم والمواعظ:۱۸۲ح ۳۷۲۵.

۸- (۸)) عیون الحکم والمواعظ:۴۲۵ح ۷۲۰۹.

قال أبو الحسن الرضا علیه السلام : یا ابن عرفه! إنّ النِعم کالإبل المعتقله فی عَطَنها علی القوم ما أحسنوا جوارها، فإذا أساؤوا معاملتها وإنالتها نفرت عنهم (۱).

۱۶ - قال أمیرالمؤمنین علیه السلام :

أحسنوا صحبه النِعم قبل فراقها، فإنّها تزول وتشهد علی صاحبها بما عمل فیها (۲).

۱۷ - قال علیّ علیه السلام : اضرب بطرْفک حیث شئت من الناس، فهل تبصر إلّافقیراً یکابد فقراً، أو غنیّاً بدّل نعمه اللّه کفراً... (۳).

۱۸ - عن الصادق علیه السلام فی کیفیه زیاره الحسین علیه السلام : اللّهمّ اجعلنی ممّن له مع الحسین بن علیّ قدمٌ ثابت، وأثبتنی فیمن استشهد معه، اللّهمّ العن الّذین بدّلوا نعمتک کفراً، سبحانک یا حلیم عمّا یعمل الظالمون فی الأرض (۴).

امام رضا علیه السلام فرمود:

ای فرزند عرفه! به راستی که نعمت ها نسبت به مردم همچون شتران بسته شده در استراحتگاه هستند تا زمانی که همسایگی آن ها را نیکو دارند؛ پس هرگاه در رفتار با آن ها و رسیدگی به آن ها بد کنند از آنان کوچ خواهند کرد.

۱۶ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

با نعمت ها خوب رفاقت کنید پیش از آن که جدا شوند؛ چرا که آن ها از دست می روند و بر ضدّ صاحب خود به دلیل رفتارش با آن ها، گواهی می دهند.

۱۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

در هر سو می خواهی به مردم نگاه کن، آیا جز فقیری که با فقر دست و پنجه نرم می کند یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده است می بینی؟...

۱۸ - امام صادق علیه السلام در سخنی درباره ی چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام فرمود:

بارالها! مرا از کسانی قرار ده که همراه حسین بن علی علیه السلام قدم استوار دارد، و مرا در زمره ی کسانی که همراه او به شهادت رسیدند ثبت فرما. بارالها! آنانی که نعمتت را به کفران تبدیل کردند از رحمت خود دور بدار. تو منزّهی ای خدای بردبار از آنچه ستمگران در روی زمین انجام می دهند.

۱- (۱)) الکافی: ۳۸/۴ ح ۱.

٢- (٢)) علل الشرائع: ۴۶۴ ب ٢٢٢ ح ١٢.
٣- (٣)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ١٨٧ضمن الخطبه ١٢٩.
۴- (۴)) كامل الزيارات: ٢۴٠ ب ٧٩ ضمن ح ١٨.

ب) نمونه هایی از کفران نعمت

۱ - قال الصادق علیه السلام : أنزل اللّه تعالی فیهم [بنی امیه]؛ أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُواْ نِعْمَتَ اللّهِ کُفْرًا وَ أَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (۱) ونعمه اللّه محمّد وأهل بیته، حبّهم إیمان یُدخل الجنّه، وبغضهم کفر ونفاق یُدخل النار.

فأسرّ رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم ذلک إلی علیّ وأهل بیته (۲).

۲ - عن الحارث النصری قال:

سألت أبا جعفر[الباقر] علیه السلام عن قول اللّه عزّ و جلّ الَّذِینَ بَدَّلُوانِعْمَتَ اللّهِ کُفْرًا (۳) قال: ما تقولون فی ذلک؟ قلت: نقول: هم الأفجران من قریش بنو امیّه وبنو المغیره. قال: ثمّ قال: هی واللّه قریش قاطبه، إنّ اللّه تبارک وتعالی خاطب نبیّه صلی الله علیه و آله و سلم فقال:

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تعالی درباره ی آنان [بنی امیّه] این آیه را نازل فرمود:

«آیا ندیدی کسانی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند؟ [به همان] جهنمی که در آن وارد می شوند، و بد قرارگاهی است» نعمت خدا، محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او است.

دوستی آنان ایمانی است که موجب ورود به بهشت می شود و دشمنی آنان کفر و نفاقی است که سبب ورود در آتش می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را پنهانی به علی و خاندانش فرمود.

۲ - حارث نصری می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ که فرمود «آنانی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند» پرسیدم.

حضرت فرمود: شما چه می اندیشید؟

عرض کردم:

ما می گوییم آنان دو گروه تبهکار از قریش یعنی قبیله بنی امیّه و بنی مغیره هستند.

حضرت فرمود: سوگند به خدا آنان همه ی قریش اند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی به پیامبر خود صلی الله علیه و آله خطاب فرمود

۱- (۱)) ابراهیم: ۲۸ و ۲۹.

۲- (۲)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۶۲۲.

۳- (۳)) ابراهیم: ۲۸.

إنّی فضّلت قریشاً علی العرب وأتممت علیهم نعمتی وبعثت إلیهم رسولی، فبدّلوا نعمتی کفراً وأحلّوا قومهم دار البوار (۱).

۳ - عن سدیر قال: سأل رجلٌ أبا جعفر[الباقر] علیه السلام عن قول اللّه عزّ و جلّ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعِّدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ (۲)فقال: هؤلاء قومٌ کان لهم قری متّصله ینظر بعضهم إلی بعض، وأنهار جاریه، وأموال ظاهره، فکفروا بأنعم اللّه وغیّروا ما بأنفسهم، فأرسل اللّه عزّ و جلّ علیهم سیل العرم فغرّق قراهم وأخرب دیارهم وأذهب بأموالهم وأبدلهم مکان جنّاتهم جنّتین ذواتی اکلٍ خمطٍ وأثلٍ وشیءٍ من سدرٍ قلیل،

ثمّ قال اللّه عزّ و جلّ: ذَ لِكَ جَزَيْنَهُم بِمَا كَفَرُواْ وَ هَلْ نُجَزِى إِلَّا الْكَفُورَ (۳). (۴)«من قریش را بر همه ی عرب برتری دادم، و نعمت خودم را برآنان کامل کردم و رسولم را به سویشان برانگیختم پس نعمتم را به ناسپاسی تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند».

۳ - سدیر گوید: مردی از امام باقر علیه السلام در باره ی این سخن خدای عزّ و جلّ پرسید که می فرماید

«پس گفتند "پروردگارا میان سفرهای ما دوری بیفکن" و بر خویشتن ستم کردند».

امام فرمود: اینان مردمی بودند که آبادی های متصل به هم - که در چشم انداز یکدیگر بودند - و رودخانه های روان و دارایی های فراوان داشتند؛ پس نعمت های الهی را ناسپاسی کردند و آنچه را در [دل های] خود داشتند دگرگون ساختند.

در پی آن، خدای عزّ وجلّ سیل بنیان کن را به سوی آن ها روان ساخت که آبادی هاشان را غرق و خانه هاشان را ویران و دارایی هاشان را نابود کرد و باغ های [پر برکت] آنان را به دو باغ [بی ارزش] با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر تبدیل نمود.

و خداوند فرمود: «برای ناسپاسی شان آنان را این گونه کیفر دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر می دهیم؟»

۱- (۱)) الکافی: ۱۰۳/۸ح۷۷.

۲- (۲)) سبأ: ۱۹.

۳- (۳)) سبأ: ۱۶.

۴- (۴)) الکافی: ۳۹۵/۸ ح ۵۹۶،عنه البحار: ۱۴۵/۱۴ ح ۳.

۴ – عن جعفر بن محمّد علیهما السلام أنّه سئل عن الصلاه علی کدس الحنطه، فنهی عن ذلک، فقیل له:

فإذا افترش فکان کالسطح؟ فقال: لا- یصلّی علی شیءٍ من الطعام، فإنّما هو رزق اللّه لخلقه ونعمته علیهم، فعظّموه ولاتطأوه ولاتستهینوا به، فإنّ قوماً فیمن کان قبلکم وسّع اللّه علیهم فی أرزاقهم، فاتّخذوا من الخبز النقیّ مثل الأفهار (۱)(فجعلوا یستنجون به، فابتلاهم اللّه عزّ و جلّ بالسنین (۲) والجوع، فجعلوا یتتبّعون ما کانوا یستنجون به فیأکلونه، ففیهم نزلت هذه الآیه:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْیَهً کَانَتْ ءَامِنَهً مُّطْمَئِنَّهً یَأْتیها رِزقُها رَغَداً مِن کُلِّ مکانٍ فَکَفَرَتْ بِأَنعُمِ اللّهِ فأذاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا کَانُوایَصْنَعُونَ (۳). (۴)۴ – از امام صادق علیه السلام از حکم نماز خواندن بر خرمن گندم سؤال شد.

آن حضرت از این کار نهی فرمود.

گفته شد: هر گاه پهن شود و همچون سطحی هموار گردد چطور؟

فرمود: بر چیز خوراکی نماز نمی خوانند؛ زیرا آن چیز، روزی خدا برای مردم و نعمت او بر آنان است، پس آن را بزرگ شمارید و پا روی آن نگذارید و آن را خوار نشمارید که از پیشینیان مردمانی بودند که خداوند روزی فراوان به آن ها داده بود و آنان به جای تکه های سنگ با نان پاکیزه مدفوع خود را پاک می کردند؛ از این رو خدای عزّ و جلّ آنان را به قحطی و گرسنگی گرفتار ساخت و چنان شد که نان هایی را که با آن خود را پاک کرده بودند، می جستند و می خوردند، و درباره ی آنان این آیه نازل شد:

«و خدا شهری را مثل زده است که امن و آرام بود و روزی آن به خوبی و فراوانی از هر جا می آمد تا آن که [مردمان آن] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، پس خداوند هم به سزای کارهایی که می کردند گرسنگی گسترده و ترس فراگیر را به آنان چشانید».

۱- (۱)) الفِهر: الحجر مِل الکفّ، وقیل: هو الحجر مطلقاً. (النهایه: ۴۸۱/۳).

۲- (۲)) أی بالجدب و قلّه الأمطار و المیاه. (مجمع البحرین: ۴۳۸/۲).

۳- (۳)) النحل:۱۱۲.

۴- (۴)) دعائم الإسلام: ۱۷۹/۱ ونحوه فی تفسیر العیّاشی:۲۷۳/۲ ح۷۹.

۵ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن ازلفت إلیه یـد کان علیه من الحقّ أن یجزی بها، فإن لم یفعل فلیُظهر الثناء، فإن لم یفعل فقد کفر النعمه (۱).

۶ – قال علیّ علیه السلام : مَن استعان بالنعمه علی المعصیه فهو الکفور (۲).

۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

لعن اللّه قـاطعی سُبل المعروف، قیـل: ومـا قاطعو سُبل المعروف؟ قال: الرجل یُصـنع إلیه المعروف فیکفره فیمتنع صاحبه من أن یصنع ذلک إلی غیره (۳).

۸ – حدّثنی شـهر[بن حوشب] قال: سـمعت أسـماء بنت یزید الأنصاریه تحدّث: زعمت أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم مرّ فی المسجد یوماً و عصبهٌ من النساء قعود، فألوی بیده إلیهنّ بالسّلام قال: إیّاکنّ وکفران المنعمین، إیّاکنّ وکفران المنعمین.

۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که خیری از کسی ببیند باید آن را جبران کند.

اگر نتوانست باید آشکارا ثنایش گوید و اگر این را انجام ندهد نعمت را ناسپاسی کرده است.

۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

هر کس از نعمت[خدا] بر نافرمانی [او] کمک گیرد بسیار ناسپاس است.

۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند قطع کنندگان راه های خیر را از رحمت خود دور بدارد.

عرض شد: قطع کنندگان راه های خیر چه کسانی اند؟

فرمود:

شخصی که کار نیکی در حقّش انجام می گیرد و آن را ناسپاسی می کند، از این رو شخص نیکی کننده از این که آن را در حق دیگری انجام دهد، خودداری می کند.

۸ – از شهر بن حوشب نقل شده است که أسماء بنت یزید انصاری گفت:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد گذر کرد در حالی که گروهی از زنان نشسته بودند.

آن حضرت با اشاره ی دست به آنان سلام کرد و فرمود:

مبادا ولی نعمتان را ناسپاسی کنید! مبادا ولی نعمتان را ناسپاسی کنید!

۱- (۱)) الإصابه: ۶۷۹/۳ رقم ۹۴۲۹ و کنز العمّال: ۲۶۵/۳ ح ۶۴۷۴.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ:۴۵۶ح۸۲۳۲ .

۳- (۳)) الکافی: ۳۳/۴ ح ۱ و نحوه فی الفقیه: ۵۷/۲ ح ۱۶۹۸.

قالت إحداهنّ: يا رسول اللّه! أعوذ باللّه يا نبيّ اللّه من كفران اللّه. قال:

بلي، إنّ إحداكنّ تطول أيمتها (۱)و يطول تعنيسها (۲) ثمّ يزوّجها اللّه البعل و يفيدها الولد و قرّه العين، ثمّ تغضب الغضبه فتقسم باللّه ما رأت منه ساعه خير قطّ، فذلك من كفران نِعم اللّه عزّ و جلّ، و ذلك من كفران المنعمين (۳).

۹ - قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنّه ليؤتى بعبدٍ يوم القيامه فيقال له:

اوتيت ذلك على يديه، فيقول: بل يكون جعلت شكر ذلك كلّه للّه، فيقال له: لم تشكر اللّه إذ لم تشكر من أجرى اللّه ذلك على يديه، ثمّ قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله و سلم : فمَن اوتى خيراً على يدَى أخيه أو صنع إليه صانعٌ معروفاً فليذكره، فإذا ذكره فقد شكره، وإذا كتمه فقد كفره (۴).

یکی از آنان عرضه داشت: پناه می بریم به خدا ای پیامبر خدا از ناسپاسی خدا.

آن حضرت فرمود: آری، یکی از شما مدت ها بی شوهر می ماند و سنی از او می گذرد تا این که خداوند او را به شوهر می رساند و فرزند و روشنایی چشم به او عطا می کند.

روزی او را خشمی می گیرد و به خدا قسم می خورد که هیچ گاه لحظه ای از او خیر و خوشی ندیده است.

این کار ناسپاسی نعمت های خدا است و این رفتار ناسپاسی ولی نعمتان است.

۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند و به او می گویند:

این [نعمت ها] از طریق فلانی به تو داده شد.

او می گوید: سپاس همه ی آن ها را برای خدا به جا آوردم.

به او گفته می شود: تو از خدا سپاس گزاری نکردی چون از کسی که این [نعمت] را از طریق او به تو رسانید سپاس گزاری نکردی.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس هرکه از طریق برادرش خیری به او رسد یا کسی کار نیکی درحقّش انجام دهد، باید آن را یاد کند؛ چون آن را یاد کرد از او سپاس گزاری کرده است و چون کتمان کرد او را ناسپاسی کرده است.

۱- (۱)) الأيمه: طول التعزّب.

۲- (۲)) عَنَست المرأه: إذا كبرت و عجزت فى بيت أبويها(النهايه: ۳۰۸/۳).

۳- (۳)) مسند أحمد: ۴۵۷/۶ ونحوه فى ص ۴۵۲ و مجمع الزوائد: ۳۱۱/۴.

۴- (۴)) مستدرک الوسائل: ۳۵۷/۱۲ ح ۱۴۲۸۵ عن کتاب الأخلاق لأبی القاسم الکوفی (مخطوط).

(۲)اسراف و تبذیر

الف) مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن ها

اسراف: زیاده روی ناپسند در هرکاری است که انسان انجام می دهد، چه در امور مالی باشد یا غیر مالی؛ البته کاربرد آن در امور مالی بیش تر است. بنابراین اسراف در امور مالی به معنی هزینه کردن و صرف کردن مال بیش از مقدار لازم است.

تبذیر: در اصلِ لغت به معنای انداختن بذر است، ولی به اصطلاحی تبدیل شده است برای ضایع کردن هر مالی. به عبارت دیگر تبذیر یعنی صرف کردن مال درجایی که سزاوار نیست. (مانند آن که بذری را در زمین غیرمساعد بکارند.)

تفاوت این دو: اولاً ـ تبذیر فقط در امور مالی کار برد دارد ولی اسراف هم در امور مالی و هم غیرمالی به کار می رود؛ ثانیاً تبذیر به معنی صرف کردن مال درجایی و در موردی است که سزاوار نیست در آن صرف شود، ولی اسراف به معنی صرف کردن بیش از اندازه است، یعنی اصل مصرف کردن مال در آن مورد بی اشکال است ولی زیادتر از حد لازم، اسراف می شود. در نتیجه تبذیر از اسراف بدتر است. (۱)

۱- (۱)) ر. ک. المفردات للراغب ومجمع البحرین ومعجم الفروق اللّغویّه.

ب) نکوهش اسراف و تبذیر

۱ – قال اللّه عزّوجلّ: یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۱).

۲ – وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ وَ الْمِسْکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِیراً * إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کانُوا إِخْوانَ الشَّیاطِینِ وَ کانَ الشَّیْطانُ لِرَبِّهِ کَفُوراً (۲).

۳ – وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَ جَنَّتٍ مَعْرُوشَتٍ وَغَیْرَ مَعْرُوشَتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُکُلُهُ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَیْرَ مُتَشَبِهٍ کُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَآ أَثْمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۳).

۴ – وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُواْ وَ لَمْ یَقْتُرُواوَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (۴).

۵ – ولا تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ (۵).

۱ – ای فرزنـدان آدم زینت خود را در هر مسـجدی برگیرید، و بخورید و بیاشامید و زیاده روی مکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد.

۲ – و حق خویشاونـد را به او بـده و [نیز حق] مستمند و در راه مانـده را، و تبذیر و ولخرجی مکن چرا که تبذیرکاران برادران شیطان هایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بوده است.

۳ – و اوست که باغ هایی از درختان داربستی [ماننـد انگور] و بدون داربست و نخل و زراعت با میوه های گوناگون، و زیتون و انار مشابه و غیرمشابه را پدیـد آورد. شـما از میوه ی آن به هنگامی که بار می دهـد بخوریـد، و روز چیـدنش حق آن را [به مستمندان] بپردازید ولی زیاده روی نکنید که او مسرفان را دوست ندارد.

۴ – و کسانی اند که چون انفاق کنند نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو، حد وسط را بر می گزینند.

۵ – و فرمان افراطگران راپیروی مکنید.

۱- (۱)) الأعراف: ۳۱.

۲- (۲)) الإسراء: ۲۶ و ۲۷.

۳- (۳)) الأنعام: ۱۴۱.

۴- (۴)) الفرقان: ۶۷.

۵- (۵)) الشعراء: ۱۵۱.

۶ – عن أبی عبـداللّه علیه السـلام قـال: إنّ القصـد أمرٌ یحبّه اللّه عزّ و جـلّ وإنّ السـرَف أمرٌ یبغضه اللّه، حتّی طرحک النواه فإنّها تصلح للشیء، وحتّی صبّک فضل شرابک (۱).

۷ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

من المروّه أن تقتصد فلا تسرف، و تَعِد فلا تخلف (۲).

۸ – عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال:

الإسراف مذمومٌ فی کلّ شیء إلّا فی أفعال البرّ (۳).

۹ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام : من العقل مجانبه التبذیر وحُسن التّدبیر (۴).

۱۰ – قال النبیّ صلی الله علیه و سلم : کلوا واشربوا والبسوا وتصدّقوا فی غیر إسراف ولا مخیله (۵).

۱۱ – قال النبیّ صلی الله علیه و سلم : إیّاکم و السرَف فی المال و النفقه، و علیکم بالاقتصاد، فما افتقر قومٌ قطّ اقتصدوا (۶).

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود:

میـانه روی کاری است که خداونـد عزّ وجلّ آن را دوست دارد و زیاده روی کاری است که خداونـد آن را دشـمن می دارد، حتی دور انداختن هسته، چرا که به کار می آید (فایده دارد)؛ و حتی ریختن باقی مانده ی نوشیدنی.

۷ – أمیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: از جوانمردی است که میانه رو باشی و اسراف نکنی، و وعده دهی و تخلّف نکنی.

۸ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

زیاده روی در هر چیزی نکوهیده است جز در کارهای نیک.

۹ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

از نشانه های خرد پرهیز از تبذیر، و تدبیر نیک است.

۱۰ – پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بخورید و بیاشامید و بپوشید و صدقه بدهید، ولی بدون اسراف و فخرفروشی.

۱۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اسراف در مال و هزینه ی زندگی بپرهیزید، و بر شما باد به میانه روی.

قومی که میانه روی پیشه کنند هرگز نیازمند نشوند.

۱- (۱)) الکافی: ۵۲/۴ ح ۲.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ:۴۷۳ح۸۶۷۸ .

۳- (۳)) غرر الحکم: ۸۳/۱ ح ۱۹۶۰،عنه المستدرک: ۲۷۱/۱۵ ح ۱۸۲۱۷.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ:۴۶۸ح۸۵۳۶ .

۵- (۵)) صحیح البخاری: ۱۸۲/۷.

۶- (۶)) کنزالعمّال: ۵۳/۳ ح ۵۴۵۴.

۱۲ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

ذر السرَف، فإنّ المسرف لایُحمد جوده ولایُرحم فقره (۱).

۱۳ – قال علیّ علیه السلام : کن سَمَحاً ولاتکن مبذّراً ،وکن مقدِّر اًولا تکن مقتّراً (۲).

۱۴ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام : آفه الجود التبذیر (۳).

۱۵ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

شَین السخاء السرَف (۴).

۱۶ – عن الصادق علیه السلام قال:

قال لقمان لابنه فی حدیث:

وکن مقتصداً، و لاتمسکه تقتیراً، ولاتعطه تبذیراً (۵).

۱۷ – قال السجّاد علیه السلام – فی مکارم الأخلاق ومرضیّ الأفعال – :

...اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله، وامنعنی من السـرَف، وحصّن رزقی من التلف، ووفّر ملکتی بالبرکه فیه، وأصب بی سبیل الهدایه للبرّ فیما انفق منه (۶).

۱۲ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

از اسراف بپرهیز که بخشش اسراف گر ستایش نشود و نیازمندی اش مورد ترحم قرار نگیرد.

۱۳ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بخشنده باش ولی ولخرج نباش، و اندازه گیر باش ولی سخت گیر و ممسک نباش.

۱۴ – امام علی علیه السلام فرمود: آفت بخشش، تبذیر است.

۱۵ – امام علی علیه السلام فرمود: زشتی بخشش در اسراف است.

۱۶ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

لقمان به فرزند خود گفت:

میانه رو و متعادل باش و در خرج کردن سخت مگیر و در بخشش زیاده روی مکن.

۱۷ - امام سجاد علیه السلام - در ضمن دعای مکارم الأخلاق - فرمود:

...بارالها! بر محمـد و خانـدان او درود فرست و مرا از اسـراف کردن بازدار، و روزی ام را از نابودی نگاهدار، و دارایی ام را با برکتی که به آن می دهی فراوان کن، و در مالی که از آن انفاق می کنم، مرا به راه هدایت به سوی نیکی برسان.

۱- (۱)) عیون الحکم و المواعظ: ۲۵۶ ح۴۷۳۷.

۲- (۲)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۴ الحکمه ۳۳.

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ:۱۸۲ح ۳۷۲۳.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ:۲۹۸ح۵۳۲۹ .

۵- (۵)) مستدرک الوسائل:۵۳/۱۳ح ۱۴۷۲۱.

۶- (۶)) الصحیفه السجّادیه الجامعه:۱۱۵ضمن دعاء ۵۵ .

ج) پیامدهای دنیوی و اخروی اسراف و تبذیر

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی: إِنَّ اللّهَ لَا يَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۱).

۲ - لَاجَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِی إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِی الدُّنْيَا وَ لَافِی الْآخِرَهِ وَ أَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَی اللّهِ وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَبُ النَّارِ (۲).

۳ - قال النبیّ صلی الله علیه و سلم : مَن اقتصد أغناه اللّه، و مَن بذّر أفقره اللّه (۳).

۴ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

لاخیر فی السرَف، ولاسرَف فی الخیر (۴).

۵ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

من لم یُحسن الإقتصاد أهلکه الإسراف (۵).

۶ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ السرَف یورث الفقر، وإنّ القصد یورث الغنی (۶).

۱ - خداوند کسی را که اسراف کار و بسیار دروغ گو است هدایت نمی کند.

۲ - بی تردید آنچه مرا به سوی آن دعوت می کنید، نه در دنیا دعوت [و حاکمیّتی] دارد و نه در آخرت.

و به راستی، برگشت ما تنها به سوی خدا است، و افراطگران اهل آتشند.

۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکه میانه رو باشد خداوند او را بی نیاز سازد، و هرکه ولخرجی کند خدا او را نیازمند گرداند.

۴ - أمیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

در اسراف هیچ خیری نیست و در کار خیر اسرافی نیست.

۵ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هرکس به خوبی میانه روی نکند، اسراف او را نابود می کند.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا زیاده روی و اسراف، موجب فقر می شود و میانه روی، بی نیازی را به ارمغان می آورد.

۱- (۱)) غافر: ۲۸.

۲- (۲)) غافر: ۴۳.

۳- (۳)) مجمع الزوائد: ۲۵۳/۱۰.

۴- (۴)) عوالی اللآلی: ۲۹۱/۱ ح ۱۵۴.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۴۵ ح ۷۸۰۹ وکذا فی غررالحکم:۶۴۱/۲ح ۵۵۱،عنه المستدرک:۵۴/۱۳ ضمن ح۱۴۷۲۴.

۶- (۶)) الکافی: ۵۳/۴ ح ۸ .

۷ - قال أبوعبداللّه علیه السلام : إنّ مع الإسراف قلّه البرکه (۱).

۸ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

التبذیر قرین مفلس (۲).

۹ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

التبذیر عنوان الفاقه (۳).

۱۰ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

الإسراف یُفنی الکثیر (۴).

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

اسراف و زیاده روی برکت را کاهش می دهد.

۸ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

ولخرجی، همنشین ورشکسته ای است.

۹ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

ولخرجی سرلوحه ی تنگدستی است.

۱۰ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

اسراف کردن [سرمایه ومال]، زیاد را نابود می کند.

۱- (۱)) الکافی: ۵۵/۴ ح ۳، عنه الوسائل: ۵۵۵/۲۱ ح ۲۷۸۵۹.

۲- (۲)) عیون الحکم و المواعظ: ۲۹ ح ۴۴۳.

۳- (۳)) عیون الحکم و المواعظ: ۴۱ ح ۹۳۷.

۴- (۴)) عیون الحکم و المواعظ: ۴۲ ح ۹۷۰.

د) نمونه هایی از اسراف و پرهیز از اسراف

۱ - عن الإمام الصادق علیه السـلام - فی قوله عزّ و جلّ إِنَّهُ لَایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۱) - قال: نهاهم عن الإسراف ونهاهم عن التقتیر، ولکن أمرٌ بین أمرین، لا یعطی جمیع ما عنده ثمّ یدعو اللّه أن یرزقه فلا یستجیب له (۲).

۲ - عن هشام بن المثّنی قال:

سأل رجلٌ أباعبداللّه علیه السـلام عن قول اللّه عزّ و جلّ: وَءَاتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۳) فقال: کان فلاـن بن فلاـن الأنصاری - سـمّاه - وکان له حرثٌ، وکان إذا أخـذ یتصـدّق به ویبقی هو وعیاله بغیر شـیءٍ فجعل اللّه عزّ و جلّ ذلک سرَفاً (۴).

۱ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ که «خداوند اسراف کاران را دوست نمی دارد» فرمود:

آنان را از زیاده روی بازداشت و از خسّت و سخت گیری نیز منع کرد؛ بلکه راه صحیح، میان این دو امر است.

[انسان] نباید همه ی آنچه را دارد ببخشد و آن گاه از خدا بخواهد روزی اش دهد که خداوند دعایش را اجابت نمی کند.

۲ - هشام بن مثّنی می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید که فرموده است:

«و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید و زیاده روی مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند.

خداوند این را اسراف دانست.

۱- (۱)) الأنعام: ۱۴۱ و الأعراف: ۳۱.

۲- (۲)) الکافی: ۶۷/۵ ضمن ح ۱، عنه الوسائل: ۲۶/۱۷ ح ۲۱۸۹۳.

۳- (۳)) الأنعام: ۱۴۱.

۴- (۴)) الکافی: ۵۵/۴ ح ۵،عنه الوسائل: ۵۵۸/۲۱ ح ۲۷۸۶۸.

۳ - عن أحمد بن محمّد البزنطی عن الرّضا علیه السلام قال: سألته عن قول اللّه عزّ و جلّ وَءَاتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ (۱)أیش الإسراف؟ قال: هکذا یقرأوها من قبلکم؟ قلت: نعم.

قال: افتح الفم بالحاء. قلت:

حَصادِهِ. وکان أبی علیه السلام یقول: من الإسراف فی الحصاد والجداد أن یصّدّق الرجل بکفّیه جمیعاً، وکان أبی علیه السلام إذا حضر حصد شیءٍ من هذا فرأی أحداً من غلمانه تصدّق بکفّیه صاح به وقال: أعطه بیدٍ واحده، القبضه بعد القبضه، والضغث بعد الضغث من السنبل، وأنتم تسمّونه الأندر (۲).

۴ - عن عبدالملک بن عمرو الأحول قال: تلا أبوعبداللّه علیه السلام هذه الآیه وَ الَّذِینَ إِذا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذلِکَ قَواماً (۳) قال: فأخذ قبضهً من حصی وقبضها بیده فقال: هذا الإقتار الّذی ذکره اللّه فی کتابه، ۳ - احمد بن محمد بزنطی می گوید: از امام رضا علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «و حق [بینوانان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید، و زیاده روی مکنید» پرسیدم که اسراف چیست؟ حضرت فرمود:

آیا پیش از شما نیز آیه را چنین قرائت می کردند؟ عرض کردم: آری؟ فرمود: هنگام گفتن حرف «حاء» دهانت را بگشا.

بعد فرمود: پدرم می فرمود هنگام برداشت محصول و چیدن آن، هرکس با دو دست خود صدقه دهد اسراف است، و پدرم چنین بود که هرگاه محصولی را برداشت می کرد و می دید یکی از غلامانش با دو دست خود از آن صدقه می دهد، او را ندا می کرد و می فرمود:

آن را با یک دست بده، یک مشت یک مشت و یک دسته یک دسته از خوشه ها؛ در حالی که شما آن را اندک می دانید.

۴ - عبدالملک بن عمرو أحول نقل کرده است که امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کرد:

«و کسانی اند که چون انفاق کنند نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را بر می گزینند». سپس حضرت یک مشت ریگ برداشت و مشت خود را بست و فرمود:

این است معنای «اقتار» که خداوند در قرآن فرموده است.

۱- (۱)) الأنعام: ۱۴۱.

۲- (۲)) قرب الإسناد: ۳۶۷ ح ۱۳۱۶،عنه البحار:۹۴/۹۶ ح ۶.

۳- (۳)) الفرقان: ۶۷.

ثمّ قبض قبضةً اخری فأرخی کفّه کلّها ثمّ قال: هذا الإسراف، ثمّ أخذ قبضةً اخری فأرخی بعضها وأمسک بعضها وقال: هذا القوام (۱).

۵ - عن أبی بصیر قال: سألت أباعبداللّه علیه السلام فی قوله وَ لَاتُبَذِّرْ تَبْذِیرًا (۲) قال: بذل الرّجل مالَه ویقعُد لیس له مال. قال: فیکون تبذیر فی حلال؟ قال: نعم (۳).

۶ - قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یجیء أحدکم بماله کلّه فیتصدّق به ویجلس یتکفّف الناس، إنّما الصّدقه عن ظهر غنی (۴).

۷ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: لو أنّ رجلاً أنفق ماله فی سبیل اللّه ما کان أحسن ولا أوفق له، ألیس اللّه یقول: وَلَا تُلْقُوابِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَهِ وَأَحْسِنُواإِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (۵) یعنی المتصدّقین (۶).

آن گاه مشت دیگری برداشت و دست خود را باز گذاشت و همه ی ریگ ها از دست مبارکش بر روی زمین ریخت و فرمود: این است معنای «اسراف».

سپس مشت دیگری برداشت که برخی از آن ها بر زمین ریخت و برخی را نگهداشت و فرمود: این است معنای «قوام».

۵ - ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند که فرمود «و تبذیر و ولخرجی مکن» پرسیدم.

حضرت فرمود: [مقصود] کسی [است که] همه ی اموالش را خرج کند و به وضعی درآید که هیچ مالی ندارد.

عرض شد: آیا در راه حلال نیز تبذیر هست؟ فرمود: آری.

۶ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی از شما همه ی اموالی را که به دست می آورد صدقه می دهد و می نشیند از مردم گدایی می کند؛ صدقه باید ازروی بی نیازی باشد.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کند برای او نیکو و مناسب نیست؛ مگر خداوند نمی فرماید

«و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد»؟ مقصود از محسنین صدقه دهندگان است.

۱- (۱)) الکافی: ۵۴/۴ ح ۱،عنه الوسائل: ۵۵۹/۲۱ ح ۲۷۸۷۱.

٢- (٢)) الاسراء: ٢٦.

٣- (٣)) تفسير العيّاشى: ٢٨٨/٢ ح ٥٤،عنه المستدرك: ٢٦٩/١٥ ح ١٨٢١٢.

۴- (۴)) مستدرک الوسائل: ٢۴٠/٧ ح ٨١٣٨ .

۵- (۵)) البقره: ١٩۵.

۶- (۶)) مستدرک الوسائل: ٢۴١/٧ ح ٨١۴٠ .

۸ – عن أبـان بن تغلب قـال: قـال أبوعبـداللّه علیه السـلام : أتری اللّه أعطی مَن أعطی من کرامته علیه ومنـع مَن منع من هوانٍ به علیه؟ لاـ ولکنّ المـال مال اللّه یضـعه عنـد الرجل ودایع، وجوّز لهم أن یأکلوا قصـداً، ویشـربوا قصـداً، ویلبسوا قصـداً، وینکحوا قصدا، ویرکبوا قصداً، ویعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین ویلمّوا به شعثهم، فمن فعل ذلک کان ما یأکل حلالاً ویشرب حلالاً، ویرکب حلالاً، وینکح حلالاً، ومَن عدا ذلک کان علیه حراماً.

ثمّ قال: وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۱) أتری اللّه ائتمن رجلاً علی مالٍ خوّل له أن یشتری فرساً بعشره آلاف درهم و یجزیه فرس بعشـرین درهماً و یشتری جاریهً بألف دینار و یجزیه جاریهً بعشرین دیناراً وقال: وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۲). (۳)۸ – ابـان بن تغلب نقـل کرده است که امـام صادق علیه السـلام فرمود: آیا می پنـداری که خداونـد به هرکس عطا کرده است به دلیل منزلت و بزرگی او نزد خداوند است و از هرکس بازداشـته است به خاطر پستی منزلت او نزد خداوند است؟ چنین نیست، بلکه همه ی اموال از آنِ خـدا است و آن ها را به امانت، نزد هر کسـی بخواهـد قرار می دهد و به آنان اجازه داده است که در حـد متوسـط از آن هـا برای خوردن، نوشـیدن، پوشـیدن، ازدواج کردن و سوار شـدن بهره ببرنـد و بـاقی مانـده ی آن ها را به نیازمندان اهل ایمان بازگردانند و به وسیله ی آن، گرفتاری هاشان را سامان بخشند.

پس هرکس چنین کنـد، آنچه را خورده و آشامیـده و سوار شـده و برای ازدواج اسـتفاده کرده است بر او حلال خواهد بود؛ و هر کس از این حدّ تجاوز کند، همه ی آن ها بر او حرام است.

آن گاه حضرت این آیه را قراءت فرمود:

«و زیاده روی نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد» [سپس ادامه داد:] آیا گمان می بری که خداوند شخصی را بر مـالی امین قرار داده و سـرپرست آن کرده است تـا اسبی به ده هزار درهم بخرد در حالی که اسبی با بیست درهم برایش کافی است، و کنیزی را با هزار دینار بخرد در حالی که کنیزی با بیست دینار برایش بس است و آن گاه فرموده است:

«زیاده روی نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد».

۱- ((۱)) الأنعام:۱۴۱ والأعراف: ۳۱.

۲- ((۲)) الأنعام:۱۴۱ والأعراف: ۳۱.

۳- ((۳)) تفسیر العیّاشی: ۱۳/۲ ح ۲۳،عنه الوسائل: ۵۰۰/۱۱ ح ۱۵۳۷۰،البحار:۳۰۵/۷۵ ح ۶.

۹ – عن النبیّ صلی الله علیه و آله : من أعطی فی غیرحقّ فقد أسرف و من منع عن حقّ فقد قتر (۱).

۱۰ – عن عبدالرّحمن بن الحجّاج قال: سألت أباعبداللّه علیه السلام عن قوله وَ لَاتُبَذِّرْ تَبْذِیرًا (۲) قال:

من أنفق شیئاً فی غیر طاعه اللّه فهو مبذّر و من أنفق فی سبیل الخیر فهو متقتصد (۳).

۱۱ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

ما فوق الکفاف إسراف. (۴)۱۲ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

کلّ ما زاد علی الاقتصاد إسراف (۵).

۱۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام : ...إنّما الإسراف فیما أتلف المال وأضرّبالبدن (۶).

۱۴ – عن سلیمان بن صالح قال:

قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : ما أدنی ما یجیء من الإسراف؟ قال:

ابتذالک ثوب صونک وإهراقک ۹ – از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

هرکس مال خود را نابجا مصرف نماید اسراف کرده است و چون از مصرف بجا خودداری کند تقتیر و سخت گیری نموده است.

۱۰ – عبدالرّحمان بن حجّاج می گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «و ولخرجی و تبذیر مکن» پرسیدم.

فرمود: هرکس چیزی را در راهی جز اطاعت خدا هزینه کند تبذیرگر است، و هرکس در راه خیر مصرف کند میانه رو است.

۱۱ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بیش از حدّ کفاف، اسراف است.

۱۲ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هر چیزی از حدّ اعتدال و میانه روی بگذرد اسراف است.

۱۳ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... إسراف در چيزى است كه مال را تلف كند و به بدن زيان رسانَد.

۱۴ - سليمان بن صالح مى گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم كم ترين حد اسراف چيست؟

فرمود: لباس رسمى و مجلسى خود را براى كار بپوشى،

ص:۲۲۶

۱- (۱)) مجمع البيان:۳۳۱/۷عنه البحار:۲۶۱/۶۹.

۲- (۲)) الإسراء: ۲۶.

۳- (۳)) تفسير العيّاشى: ۲۸۸/۲ ح ۵۳.

۴- (۴)) عيون الحكم والمواعظ:۴۷۶ح۸۷۲۳ .

۵- (۵)) عيون الحكم والمواعظ:۳۷۶ ح۶۳۶۸.

۶- (۶)) الكافى: ۴۹۹/۶ ح ۱۴.

فضل إنائک وأكلك التمر و رميک بالنوى هاهنا و هاهنا (۱).

۱۵ - عن إسحاق بن عمّار قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : یکون للمؤمن عشره أقمصه؟ قال: نعم، قلت: عشرون؟ قال: نعم، قلت:

ثلاثون؟ قال: نعم لیس هذا من السرَف، إنّما السرَف أن تجعل ثوب صونک ثوب بذلتک (۲).

۱۶ - عن إسحاق بن عمّار قال: سألت أباعبداللّه علیه السلام عن الرّجل یکون له عشره أقمصه یراوح بینها، قال: لا بأس (۳).

۱۷ - عن النّبی صلی الله علیه و آله : إنّ من الإسراف أن تأکل کلّ ما اشتهیت (۴).

۱۸ - قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

قلّه الأکل من العفاف و کثرته من الإسراف (۵).

و ته مانده ی آب خود را دور بریزی، و خرما را بخوری و هسته ی آن را این جا و آن جا بیندازی.

۱۵ - اسحاق بن عمّار می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

آیا [صحیح است] برای مؤمن ده پیراهن باشد؟

فرمود: بله.

گفتم: بیست پیراهن؟

فرمود: بله.

گفتم: سی پیراهن؟

فرمود: بله، این اسراف نیست؛

اسراف آن است که لباس مجلسی و رسمی خود را لباس کار قرار دهی.

۱۶ - اسحاق بن عمّار می گوید از امام صادق علیه السلام درباره ی مردی سؤال کردم که ده پیراهن دارد و آن ها را به نوبت می پوشد.

حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

۱۷ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

از موارد اسراف این است که هر چه را هوس کنی بخوری.

۱۸ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

کم خوری از پارسایی است و پرخوری از اسراف است.

۱- (۱)) الکافی: ۴۶۰/۶ ح ۲،عنه الوسائل: ۵۱/۵ ح ۵۸۷۵.

۲- (۲)) الکافی: ۴۴۱/۶ ح ۴.

۳- (۳)) الکافی: ۴۴۳/۶ ح ۱۰.

۴- (۴)) تفسیر راهنما: ۵۱۶/۵.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۲ ح ۶۲۸۰ونحوه فی غررالحکم:۵۳۶/۲ح۳۵، عنه المستدرک: ۲۱۳/۱۶ ح ۱۹۶۳۴.

۱۹ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : مَن سأل الناس شیئاً وعنده ما یقوته یومه فهو من المسرفین (۱).

۲۰ – عن عبداللّه بن عمرو أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم مرّ بسعد وهو یتوضّأ، فقال: ما هذا السرَف؟

فقال: أفی الوضوء إسراف؟

قال: نعم، وإن کنت علی نهرٍ جارٍ (۲).

۲۱ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: ربّ فقیر هو أسرف من الغنیّ، إنّ الغنیّ ینفق ممّااُوتی والفقیر ینفق من غیر ما اوتی (۳).

۲۲ – عن إسحاق بن عبدالعزیز قال: سئل أبوعبداللّه علیه السلام عن التّدلّک بالدّقیق بعد النوره، فقال: لا بأس، قلت: یزعمون أنّه إسراف، فقال:

لیس فیما أصلح البدن إسراف، إنّی ربما أمرت بالنِقْی فیلتّ (۴) لی بالزیت فأتدلّک به، إنّما الإسراف فیما أتلف المال وأضرّ بالبدن (۵).

۱۹ – امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه چیزی از مردم درخواست کند در حالی که غذای روز خود را دارد، از اسراف گران است.

۲۰ – عبداللّه بن عمرو می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار سعد گذشت در حالی که وضو می گرفت.

حضرت فرمود: این اسراف چیست؟

عرض کرد: آیا در وضو گرفتن نیز اسراف هست؟ فرمود: آری، هرچند کنار نهر روان باشی.

۲۱ – امام صادق علیه السلام فرمود:

بسا فقیری اسرافش بیش از توانگر باشد؛ زیرا شخص توانگر از آنچه به دست آورده است خرج می کند و شخص نیازمند از آنچه [با زحمت خود] به دست نیاورده است، هزینه می کند.

۲۲ – اسحاق بن عبدالعزیز می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی مالیدنِ آرد پس از نوره کشیدن پرسیدم؟

فرمود: اشکالی ندارد.

عرض کردم: گمان می کنند که اسراف است.

فرمود: در چیزی که موجب اصلاح بدن گردد اسراف نیست؛ من چه بسا دستور می دهم که آرد خالص را با روغن مخلوط سازند و آن گاه آن را بر بدنم می مالم.

اسراف تنها در چیزی است که مال را هدر دهد و به بدن ضرر رساند.

۱- (۱)) تفسیر العیّاشی: ۱۴/۲ ح ۲۸،عنه الوسائل: ۴۳۸/۹ ح ۱۲۴۳۲.

۲- (۲)) سنن ابن ماجه: ۱۴۷/۱ ح ۴۲۵.

۳- (۳)) الکافی: ۵۵/۴ ح ۴.

۴- (۴)) دقیقٌ ملتوت بالزیت: أی مخلوطٌ به، (مجمع البحرین: ۱۰۷/۴).

۵- (۵)) الکافی:۴۹۹/۶ح۱۴،عنه الوسائل:۷۸/۲ح۱۵۴۱

(۳)اقتار

الف) مفهوم اقتار

قَتْر واقتـار و تقتیر به معنی سـخت گیری کردن در دادنِ خرجی است. گفته می شود: قَتَرَ (وأقْتَرَ وقَتَّرَ) علی عیاله، یعنی: در دادن خرجی بر خـانواده ی خود سـخت گیری کرد. این فعـل در مقابل اسـراف قرار دارد و هر دو هم ناپسـندند، چنان که در آیه ی شریفه آمـده است: وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ یُسْرِفُواْ وَ لَمْ یَقْتُرُواْ وَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (۱). «وکسانی انـد که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو، حد وسط را برمی گزینند».

گاهی نیز این فعل درباره ی خداونـد به کار می رود و به معنی کم کردن روزی به وسـیله ی خداونـد است که در این صورت دیگر از صفات انسان نیست و مورد بحث ما در این جا قرار نمی گیرد؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: « إنّ اللّه عزّ وجلّ یقول: یحزن عبـدی المؤمن إن قتّرت علیه وذلـک أقرب له منّی و یفرح عبـدی المؤمن إن وسَّعتُ علیه وذلک أبعد له منّی» (۲). حضـرت فرمود: «خـدای عزّ وجلّ می فرماید: اگر بر بنده ی مؤمن خود تنگ و سـخت گیرم غمگین می شود در حالی که این کار، او را به من نزدیک تر می سازد واگر بر او وسـعت بخشم شادمان می شود در حالی که این کار او را از من دورتر می کند».

۱- (۱)) الفرقان: ۶۷.

۲- (۲)) الکافی: ۱۴۱/۲ ح ۵

ب) نكوهش اقتار

١ – قال اللّه تبارك وتعالى:

وَ الَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواوَ كَانَ بَيْنَ ذَ لِكَ قَوَامًا (١).

٢ – عن الإمام الصادق عليه السلام فى قوله عزّ و جلّ إِنَّهُ لَايُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (٢) قال: نهاهم عن الإسراف ونهاهم عن التقتير، ولكن أمرٌ بين أمرين... (٣).

٣ – عن النبىّ صلى الله عليه و آله : من أعطى فى غيرحقّ فقد أسرف و من منع عن حقّ فقد قتر (۴).

۴ – قال أميرالمؤمنين عليه السلام :

كان فيما وعظ به لقمان ابنه أن قال له: يا بُنيّ! ليعتبر مَن قصر يقينه وضعفت نيّته فى طلب الرّزق، إنّ اللّه تبارك وتعالى ١ – خداوند متعال در توصيف عباد الرّحمن مى فرمايد:

وكسانى اند كه چون انفاق كنند نه ولخرجى مى كنند و نه تنگ مى گيرند و ميان اين دو، حد وسط را بر مى گزينند.

٢ – امام صادق عليه السلام درباره ى سخن خداى عزّ و جلّ كه فرمود «خداوند اسراف گران را دوست ندارد» گفت:

آنان را از زياده روى بازداشت و [نيز] آنان را از سخت گيرى در خرج كردن بازداشت؛ بلكه بايد ميان اين دو امر باشد... .

٣ – از حضرت رسول اكرم صلى الله عليه و آله روايت شده است:

هركس مال خود را نابجا مصرف نمايد اسراف كرده است و چون از مصرف بجا خوددارى كند سخت گيرى نموده است.

۴ – أميرمؤمنان عليه السلام فرمود: از جمله اندرزهاى لقمان به فرزندش اين بود كه گفت:

فرزندم! كسى كه در طلب روزى، باورش ناقص و اراده اش ضعيف است، بايد از اين امر عبرت و پند بگيرد كه خداوند تبارك و تعالى

١– ((١)) الفرقان: ۶٧.

٢– ((٢)) الأنعام: ١۴١ والأعراف: ٣١.

٣– ((٣)) الكافى: ۶٧/۵ ضمن ح ١، عنه الوسائل: ٢۶/١٧ ح ٢١٨٩٣.

۴– ((۴)) مجمع البيان: ٣٣١/٧، عنه البحار:٢۶١/۶٩.

خلقه فی ثلاثه أحوال من أمره، و آتاه رزقه، ولم یکن له فی واحده منها کسب ولا حیله، إنّ اللّه تبارک وتعالی سیرزقه فی الحال الرّابعه. أمّا أوّل ذلک فإنّه کان فی رحِم امّه یرزقه هناک فی قرارٍ مکین حیث لا یؤذیه حرّ ولا برد، ثمّ أخرجه من ذلک وأجری له رزقاً من لبن امّه یکفیه به و یربّیه وینعشه من غیر حولٍ به ولا قوّه، ثمّ فطم من ذلک فأجری له رزقاً من کسب أبویه برأفهٍ و رحمهٍ له من قلوبهما لایملکان غیر ذلک حتّی أنّهما یؤثرانه علی أنفسهما فی أحوالٍ کثیره، حتّی إذا کبُر وعقل واکتسب لنفسه ضاق به أمره وظنّ الظنون بربّه وجحد الحقوق فی ماله و قتّر علی نفسه وعیاله مخافه إقتار رزق وسوء یقین بالخلَف من اللّه تبارک وتعالی فی العاجل والآجل، فبئس العبد هذا یا بُنیّ (۱).

۵ - عن الصادق علیه السلام قال: قال لقمان لابنه فی حدیث: وکن مقتصداً و لاتمسکه تقتیراً ولاتعطه تبذیراً (۲).

او را در سه مرحله از وجودش آفرید و روزی اش داد، در حالی که خود او در هیچ یک از این مراحل، نه تلاشی در به دست آوردن داشت و نه چاره و تدبیری؛ [پس] خداوند متعال در مرحله ی چهارم از زندگی اش نیز او را روزی می دهد. امّا در نخستین مرحله، او در رحم مادرش بود که خداوند در جایگاهی استوار و ایمن از گرما و سرما، روزی اش می داد. سپس [در مرحله ی دوم] او را از آن جا بیرون کرد و روزی او را از شیر مادرش روان ساخت؛ شیری که برایش کافی بود و او را می پرورانید و به او نیرو می بخشید، بدون این که خودش هیچ جنبش و نیرویی داشته باشد.

سپس [در مرحله ی سوّم] او را از شیر گرفتند و خداوند روزی او را از راه تلاش پدر و مادرش تأمین کرد و قلب آنان را بر او دلسوز و مهربان گردانید - که جز این هم نمی توانستند - تا آن جا که در موقعیت های فراوان او را بر خود مقدّم می داشتند.

چون [به مرحله ی چهارم رسید و] بزرگ و خردمند شد و خودش دنبال کسب و کار رفت، درمانده شد و سوء ظنّ ها به پروردگارش پیدا کرد و حقوق [خدا و بینوایان] را در مالش انکار کرد، و از بیم تنگی روزی و به سبب عقیده ی نا درست در مورد جبران خداوند متعال دردنیا و آخرت، بر خود و اهلش سخت گرفت.

ای فرزندم! چنین کسی بد بنده ای است.

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان در سخنی به فرزند خود گفت: میانه رو باش و مال را از روی سخت گیری نگه ندار و از روی ولخرجی نبخش.

۱- (۱)) الخصال: ۱۲۲ ح ۱۱۴، عنه البحار: ۱۳۶/۷۱ ح ۱۷.

۲- (۲)) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۱.

(۴)بخل

الف) مفهوم بخل و شحّ و تفاوت آن دو

الف – مفهوم بخل و شحّ:

بخل ضد سخاوت و بخشش است و به معنی منع کردن است و معمولاً ـ در مورد اموال به کار می رود، یعنی خودداری از بخشش؛ بنابراین بخیل کسی است که اموالش را از دیگران منع می کند یعنی از دادن مالش به دیگران خودداری و امساك می ورزد.

شحّ نیز به معنای منع از بخشش است؛ امّا بین مفهوم شحّ و بخل تفاوت هایی ذکر شده است : برخی گفته اند شحّ، بخل همراه با حرص است و باپستی همراه است؛ بنابراین شحیح شخص پستی را گویند که بر منع کردن و خودداری از انفاق، حریص است. همچنین گفته شده است که بخیل برآنچه در دست خودش هست بخل می ورزد ولی شحیح علاوه بر آن، در مورد آنچه در دست مردم است نیز بخل می ورزد به طوری که آرزو می کند هر آنچه در دست مردم است برای او باشد، چه از راه حلال و چه حرام. همچنین بخل در مورد امور مالی به کار می رود ولی شح هم در امور مالی و هم در مورد کارهای خیر دیگر به کار می رود، یعنی حرص زدن بر خودداری از خیر نه فقط خودداری از انفاق.

بنابراین شحّ شدیدتر و بدتر از بخل است. (۱)

۱- (۱)) ر. ك. مجمع البحرين ومعجم الفروق اللّغويّه.

ب) نکوهش بخل و پیامدهای آن

۱ - قال اللّه تبارک وتعالی:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَلٰهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمه وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ السَّمَوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱).

۲ - وَ أَمَّا مَن بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى * وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى * وَ مَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۲).

۳ - الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَآ ءَاتَلٰهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۳).

۴ - فَلَمَّآ ءَاتَلٰهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُواْ بِهِ وَتَوَلَّوا وهُم مُّعْرِضُونَ (۴).

۵ - هَأَنتُمْ هَؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ ۱ - و کسانی که در بخشیدن آنچه خدا از فضل خود به آن ها داده بخل می ورزند، مپندارند که این کار به سودشان است، بلکه برای آنان شرّ است؛ زودا که آنچه بخل ورزیده اند در روز رستاخیز طوق گردنشان شود. و میراث آسمان ها و زمین از آنِ خدا است و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۲ - واما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید. و آن [وعده ی] نیکو را انکار کرد. پس زودا که راهش را به سوی دشواری هموار کنیم. وچون هلاک شد، مالش به کارش نمی آید.

۳ - همان کسانی که بخل می ورزند و مردم را به بخل وا می دارند و آنچه را خدا از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پنهان می کنند. و برای کافران عذابی خفت بار آماده کرده ایم.

۴ - اما هنگامی که از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بُخل ورزیدند و با اعراض، روی برتافتند.

۵ - آگاه باشید! این شماها هستید

۱- ((۱)) آل عمران: ۱۸۰ .

۲- ((۲)) اللّیل: ۱۱ - ۸ .

۳- ((۳)) النّساء: ۳۷ .

۴- ((۴)) التوبه: ۷۶ .

لِتُنفِقُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَمِنكَم مَّن یَبْخَلُ وَ مَن یَبْخَلْ فَإِنَّمَا یَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَ اللَّهُ الْغَنِیُّ وَ أَنتُمُ الْفُقَرَآءُ ... (۱).

۶ - الَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَ یَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَن یَتَوَلَّ فَإِنَّ اللّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ (۲).

۷ - عن أبی عبداللّه علیه السلام فی قول اللّه عزّ و جلّ كَذَ ٰلِكَ یُرِیهِمُ اللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ حَسَرَ ٰتٍ عَلَیْهِمْ (۳) قال:

هو الرجل یدَع ماله لاـ ینفقه فی طاعه اللّه بخلاً، ثمّ یموت فیدعه لمن یعمل فیه بطاعه اللّه أو فی معصیه اللّه، فإن عمل به فی طاعه اللّه رآه فی میزان غیره فرآه حسرهً و قد كان المال له، و إن كان عمل به فی معصیه اللّه قوّاه بذلك المال حتّی عمل به فی معصیه اللّه عزّ و جلّ (۴).

۸ - عن أبی جعفر علیه السلام فی قول اللّه عزّ و جلّ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَیٰ وَ اتَّقَیٰ * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَیٰ :

كه برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، سپس برخی از شما بخل می ورزد. و هركس بخل ورزد فقط در حقّ خود بخل ورزیده و [گرنه] خدا بی نیاز است و شما نیازمندید... .

۶ - همان ها كه بخل می ورزند و مردم را به بخل وا می دارند. و هركه روی گرداند قطعاً خدا بی نیاز ستوده است.

۷ - امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خدای عزّ و جلّ كه «این گونه خداوند، كارهاشان را [به صورت] حسرت هایی به ایشان می نمایاند» فرمود: او مردی است كه مال خود را وا می گذارد و به سبب بخل، آن را در راه فرمانبری از خدا هزینه نمی كند؛ سپس از دنیا می رود و آن را برای كسی وا می گذارد كه آن را یا در راه فرمانبری از خدا یا در راه نافرمانی او به كار می گیرد [كه در هر دو صورت موجب حسرت است]؛ اگر مال را در راه فرمانبری از خدا به كارگیرد، آن را در ترازوی عمل دیگری می بیند، پس آن را [مایه ی] حسرت می بیند، چرا كه مال از آنِ او بوده است؛ و اگر آن را در راه نافرمانی خدا به كارگیرد، [در واقع] این فرد به وسیله ی این مال او را توانمند ساخته است كه آن را در راه نافرمانی خدای عزّ و جلّ به كار گیرد.

۸ - امام باقر علیه السلام درباره ی این سخن خدای عزّ و جلّ «امّا آن كه انفاق كرد و پارسایی نمود، و وعده ای نیكو را باور داشت» فرمود:

۱- ((۱)) محمّد: ۳۸ .

۲- ((۲)) الحدید: ۲۴ .

۳- ((۳)) البقره: ۱۶۷.

۴- ((۴)) الكافی: ۴۲/۴ ح ۲.

بأنّ اللّه تعالى يعطى بالواحده عشره إلى مائه ألف فما زاد، فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى قال: لايريد شيئاً من الخير إلّا يسّره اللّه له وأمّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى قال: بخل بما آتاه اللّه عزّ و جلّ، وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى بأنّ اللّه يعطى بالواحده عشره إلى مائه ألف فما زاد، فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى قال: لايريد شيئاً من الشرّ إلّايسّره له، وَ مَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱) قال: أما واللّه ما هو تردّى فى بئرٍ ولا من جبلٍ ولا من حائط، ولكن تردّى فى نار جهنّم (۲).

۹ - عن أبى بصير قال: قلت لأبى جعفر عليه السلام : كان رسول اللّه صلى الله عليه و آله يتعوّذ من البخل؟ فقال: نعم يا أبا محمّد فى كلّ صباح ومساء، ونحن نتعوّذ باللّه من البخل، يقول اللّه وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳)... (۴).

۱۰ - عن النبىّ صلى الله عليه و آله قال:أمرنى ربّى بالسخاء والبرّو نهانى عن البخل والجفاء، [باور] به این که خدای تعالی در برابر یکی ده، تا صدهزار و بیش تر عطا می کند. [و درباره ی این آیه] «به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت» فرمود: چیزی از خیر را اراده نکند جز این که خدا آن را برایش آسان سازد. [و درباره ی این آیه] «و امّا آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید» فرمود: در آنچه خدای عزّ وجلّ به او داده است، بخل می ورزد. [و درباره ی این آیه] «و [وعده ی] نیکو را انکار کرد» فرمود: [انکار] این که خدا در برابر یکی ده، تا صد هزار و بیش تر عطا می کند. [و درباره ی این آیه] «پس به زودی راهش را به سوی دشواری هموار کنیم» فرمود: چیزی از بدی را اراده نکند جز این که خداوند آن را برایش آسان سازد. [و درباره ی این آیه] «و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید» فرمود: به هوش باشید به خدا سوگند او با افتادن در چاه یاaز کوه یا دیوار هلاک نشود، بلکه با افتادن در آتش جهنم هلاک شود.

۹ - ابوبصیر می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله از بخل به خدا پناه می بُرد؟ حضرت فرمود: آری ای أبامحمد! در هر صبح و شام. و ما نیز از بخل به خدا پناه می بریم که خداوند می فرماید «کسانی که از بخل نفس خویش در امانند، پس آنان رستگارانند»... .

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به بخشندگی و نیکوکاری دستور داد و مرا از بخل و جفا بازداشت،

۱- (۱)) الآیات من سوره اللّیل: ۱۱ - ۵ .

۲- (۲)) الکافی: ۴۶/۴ ح ۵ .

۳- (۳)) الحشر: ۹.

۴- (۴)) علل الشرائع: ۵۴۸ باب ۳۴۰ ضمن ح ۴ .

و ما شیء أبغض إلی اللّه عزّ وجلّ من البخل وسوء الخلق (۱).

۱۱ – قال أمیرالمؤمنین علیه السلام :

لو رأیتم البخل رجلًا لرأیتموه مشوّهاً یغضّ عنه کلّ بصر و ینصرف عنه کلّ قلب (۲).

۱۲ – قال الصادق علیه السلام : حسب البخیل من بخله سوء الظنّ بربّه؛ مَن أیقن بالخلف جاد بالعطیه (۳).

۱۳ – قال علیّ علیه السلام : البخل بالموجود سوء الظنّ بالمعبود (۴).

۱۴ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : إیّاکم والبخل، فإنّه أهلکَ مَن کان قبلکم، أمرهم بالقطیعه فقطعوا، وأمرهم بالفجور ففجروا (۵).

۱۵ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : البخل وعُبوس الوجه یکسبان البغاضه، ویباعدان من اللّه، ویُدخلان النار (۶).

۱۶ – عن أمیر المؤمنین علیه السلام عن النبیّ صلی الله علیه و آله أنّه قال: إنّ اللّه عزّ و جلّ و هیچ چیزی نزد خدای عزّ و جلّ نفرت انگیزتر از بخل و بداخلاقی نیست.

۱۱ – امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

اگر بخل به صورت شخصی مجسّم می شد، آن قدر زشت بود که هر چشمی از او بسته و هر دلی از او روی گردان بود.

۱۲ – امام صادق علیه السلام فرمود: برای شخص بخیل همین بس که بهره ی بخلش بدگمانی به پروردگار است؛

هرکه به جایگزین شدن [مال بخشیده شده] یقین داشته باشد، عطا را نیکو می سازد.

۱۳ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن در آنچه موجود است، بدگمانی به خداوند است.

۱۴ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از بخل بپرهیزید؛ زیرا بخل کسانی را که پیش از شما بودند هلاک ساخت؛

آنان را به قطع رحم واداشت پس آنان قطع رحم کردند،

و آنان را به تبهکاری واداشت پس آنان تبهکار شدند.

۱۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بخل و ترش رویی، کینه و دشمنی به دنبال می آورند و از خدا دور می کنند و در آتش وارد می سازند.

۱۶ - امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: به راستی خدای عزّ و جلّ

۱- (۱)) مستدرک الوسائل:۳۲/۷ ح ۷۵۷۵.

۲- (۲)) غررالحکم: ۶۰۵/۲ ح ۳۱.

۳- (۳)) الاختصاص:۲۳۴،عنه المستدرک:۲۸/۷ح۷۵۵۹.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸ ح ۲۷.

۵- (۵)) مسند أحمد: ۱۶۰/۲ و ص ۱۹۵.

۶- (۶)) مستدرک الوسائل:۲۷/۷ضمن ح۷۵۵۴.

حرّم الجنّه علی المنّان والبخیل والقتّات (۱).

۱۷ – عن الرّضا علیه السلام : البخیل بعید من اللّه، بعید من الجنّه، بعید من الناس (۲).

۱۸ – عن الحسین بن أیمن عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال: قال:

یا حسین! أنفق و أیقن بالخلف من اللّه، فإنّه لم یبخل عبدٌ و لا أمهٌ بنفقه فیما یرضی اللّه عزّ و جلّ إلّاأنفق أضعافها فیما یسخط اللّه عزّ و جلّ (۳).

۱۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : خصلتان لا تجتمعان فی مسلم: البخل وسوء الخُلق (۴).

۲۰ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما یمحق الإیمان شیءٌ کتمحیق البخل له (۵).

۲۱ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

صلاح الأُمّه الیقین والزهد، وفسادها بالأمل و البخل (۶).

بهشت را بر منت گذار و بخیل و سخن چین حرام کرده است.

۱۷ – امام رضا علیه السلام فرمود:

بخیل، دور از خدا و دور از بهشت و دور از مردم است.

۱۸ – حسین بن أیمن از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ای حسین! انفاق کن و به جایگزین شدن از جانب خدا یقین داشته باش؛ زیرا هیچ مرد و زنی در هزینه کردن مالی در راه رضای خدای عزّ و جلّ بخل نورزد مگر آن که چندین برابر آن را در راهی هزینه کند که خدای عزّ و جلّ را ناخشنود سازد.

۱۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو ویژگی در مسلمان جمع نمی شوند:

بخل ورزیدن و بد خلقی.

۲۰ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ چیزی همچون بخل، ایمان را از بین نمی برد.

۲۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خیر و صلاح امت در داشتن یقین و پارسایی است، و تباهی آن در داشتن آرزوها و بخل ورزیدن است.

١- (١)) مستدرك الوسائل: ٢٩/٧ ح ٧٥٦٢.

٢- (٢)) بحارالأنوار: ٣٥٢/٧١ ح ٧.

٣- (٣)) الكافي:٤٣/٤ ح ٧.

۴- (۴)) الخصال: ۷۵ ح ۱۱۷.

۵- (۵)) مستدرك الوسائل: ۷ / ۲۷ ضمن ح ۷۵۵۴.

۶- (۶)) مستدرك الوسائل:۲۷/۷ضمن ح۷۵۵۴.

۲۲ – قال علیّ علیه السلام : البخل جامع لمساوی العیوب، وهو زمامٌ یقاد به إلی کلّ سوء (۱).

۲۳ – قال علیّ علیه السلام : ما اجتُلب سَخَط اللّه بمثل البخل (۲).

۲۴ – قال علیّ علیه السلام : مَن اجتمع له مع الحرص علی الدّنیا البخل بها فقد استمسک بعمودَی اللؤم (۳).

۲۵ – قال علیّ علیه السلام : ما أذلّ النفس کالحِرص، و لاشان العِرض کالبخل (۴).

۲۶ – قال علیّ علیه السلام : احذروا البخل فإنّه لؤم ومسبّه (۵).

۲۷ – قال علیّ علیه السلام : البخل یزری بصاحبه (۶).

۲۸ – قال علیّ علیه السلام : إیّاکم والبخل، فإنّ البخیل یلعنه الغریب وینفر منه القریب (۷).

۲۲ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن کانون تمام عیب ها است و مهاری است که با آن، انسان به سوی هر بدی کشیده می شود.

۲۳ – امام علی علیه السلام فرمود:

هیچ چیزی همانند بخل، خشم خدا را به دنبال نمی آورد.

۲۴ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هرکس حرص بر دنیا با بخل به آن در او گرد آید، به دو ستون پستی تمسک جسته است.

۲۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

چیزی همچون حرص و آز، انسان را خوار نسازد،

و چیزی همچون بخل آبرو را نبرد.

۲۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

از بخل بپرهیزید که [موجب] پستی و بدگویی است.

۲۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخل صاحب خود را بی ارزش می سازد.

۲۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

از بخل ورزیدن بپرهیزید که ناآشنا بخیل را لعنت می کند و آشنا از او نفرت دارد.

۱- (۱)) نهج البلاغه(شرح محمدعبده):۹۰/۴.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۶ ح۸۷۱۳ .

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۲۵ ح ۷۲۰۰ .

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۸۱ ح ۸۸۷۰ .

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۰۴ح ۲۳۴۶.

۶- (۶)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۳ ح ۵۸۹.

۷- (۷)) عیون الحکم والمواعظ:۱۰۱ح ۲۳۰۴.

۲۹ – قال السجّاد علیه السلام : إنّ اللّه لیبغض البخیل السائل الملحف (۱).

۳۰ – قال النبیّ صلی الله علیه و سلم : الجاهل السخیّ أحبّ إلی اللّه من العابد البخیل (۲).

۳۱ – قال علی علیه السـلام : عجبت للبخیل یسـتعجل الفقر الّذی منه هرب و یفوته الغنی الّذی إیّاه طلب، فیعیش فی الدّنیا عیش الفقراء و یحاسب فی الآخره حساب الأغنیاء (۳).

۳۲ – قال علیّ علیه السلام : البخیل خازن ورثته (۴).

۳۳ – قال علیّ علیه السلام : البخیل یبخل علی نفسه بالیسیر من دنیاه ویسمح لوارثه بکلّها (۵).

۳۴ – قال علیّ علیه السلام : بشّر مال البخیل بحادثٍ أو وارث (۶).

۳۵ – قال علیّ علیه السلام :البخل فقر (۷).

۲۹ – امام سجاد علیه السلام فرمود:

به راستی خداوند، بخیل گدای سمج را دشمن دارد.

۳۰ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نزد خداوند، نادان سخاوتمند محبوب تر از عابد بخیل است.

۳۱ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

عجب دارم از بخیل که به سوی فقری می شـتابد که از آن گریزان است و بی نیازی را از دست می دهد در حالی که در طلب آن است؛

پس در دنیا چون درویشان زندگی می کند و در آخرت به سان توانگران به حسابش رسیدگی می شود.

۳۲ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخیل خزانه دار وارثان خود است.

۳۳ – امام علی علیه السلام فرمود:

شخص بخیل، به اندک از دنیایش بر خود بخل می ورزد و همه ی آن را به وارثان خود می بخشد.

۳۴ – امام علی علیه السلام فرمود:

مال بخیل را به حادثه[ی ناگوار] یا میراث خوار وعده بده.

۳۵ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن، نیازمندی است.

۱- (۱)) تحف العقول: ۲۸۲.

۲- (۲)) مجمع الزوائد: ۱۲۷/۳.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۹۱الحکمه ۱۲۶.

۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۶ ح ۲۹۵.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۶ ح ۱۴۴۶.

۶- (۶)) عیون الحکم والمواعظ:۱۹۵ح ۳۹۸۱

۷- (۷)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۹ ح ۵۸.

۳۶ – قال علیّ علیه السلام :آفه الغنی البخل (۱).

۳۷ – قال علیّ علیه السلام : البخل جلباب المسکنه. الحرص علامه الفقر (۲).

۳۸ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یقول اللّه تعالی: وأیّما عبدٍ خلقته فهدیته إلی الإیمان و حسّنت خُلقه ولم أبتله بالبخل فإنّی ارید به خیراً (۳).

۳۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أیُّ داءٍ أدوی من البخل (۴) ؟

۴۰ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله : أقلّ الناس راحهً البخیل، وأبخل الناس مَن بخل بما افترض اللّه عزّ و جلّ علیه (۵).

۴۱ – عن علی بن موسی الرّضا علیهما السلام عن آبائه علیهم السلام قال: کان أمیرالمؤمنین علیه السلام یقول:

خلقت الخلائق فی قدره

(۶)۳۶ – امام علی علیه السلام فرمود: آفت و بلای بی نیازی بخل است.

۳۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخل لباس بینوایی است.

حرص نشانه ی فقر است.

۳۸ – رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که خداوند می فرماید:

و هر بنده ای را که آفریدم و او را به سوی ایمان رهنمون ساختم و اخلاقش را نیکو گردانیدم و او را به بخل گرفتار نکردم، پس همانا برای او خیر اراده کرده ام.

۳۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کدام بیماری از بخل دردناک تر است؟

۴۰ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کم آسایش ترین مردم، شخص بخیل است،

و بخیل ترین مردم کسی است که در آنچه خداوند عزّ وجلّ بر او واجب ساخته است بخل ورزد.

۴۱ – از امام رضا علیه السلام از نیاکانش علیهم السلام نقل کرده است که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود:

بندگان در قدرت و وسعت آفریده شده اند؛

پس برخی از آنان سخاوتمند و برخی بخیل هستند؛

امّا سخاوتمند در آسایش است؛

و امّا بخیل در ناخجستگی طولانی است.

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ:۱۸۱ح۳۷۱۰.

۲- (۲)) تحف العقول: ۹۰.

۳- (۳)) مستدرک الوسائل: ۳۳/۷ ح ۷۵۷۷.

۴- (۴)) الفقیه:۳۷۹/۴ح ۵۸۰۲.

۵- (۵)) أمالی الصدوق: ۲۷ م ۶ ضمن ح ۴ و نحوه فی معانی الأخبار:۱۹۵ضمن ح ۱.

۶- (۶)) عیون أخبارالرضا علیه السلام :۱۷۵/۲ ح ۶.

۴۲ – قال الصادق علیه السلام : لیست لبخیلٍ راحه (۱).

۴۳ – قال الصادق علیه السلام : عجبت لمن یبخل بالدّنیا و هی مقبله علیه أو یبخل بها و هی مدبره عنه،فلا الإنفاق مع الإقبال یضرّه، ولا الإمساک مع الإدبار ینفعه (۲).

۴۴ – عن الکاظم علیه السلام : طعام الجواد دواء و طعام البخیل داء (۳).

۴۵ – قال علیّ علیه السلام : النظر إلی البخیل یُقسی القلب (۴).

۴۶ – قال علیّ علیه السلام : ولا تُدخلنّ فی مشورتک بخیلاً یعدل بک عن الفضل ویعدک الفقر، ولا جباناً یضعفک عن الاُمور، ولا حریصاً یزیّن لک الشره بالجور، فإنّ البخل والجبن والحرص غرائز شتّی یجمعها سوء الظنّ باللّه (۵).

عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله لعلیّ علیه السلام .

۴۲ – امام صادق علیه السلام فرمود: بخیل آسودگی ندارد.

۴۳ – امام صادق علیه السلام فرمود: در شگفتم از آن کسی که دنیا به او روی آورده است ولی در مال دنیا بخل می ورزد،

یا آن کسی که دنیا به او پشت کرده است ولی از دهش خودداری می کند؛

چرا که اگر دنیا به کسی روی آورد، بذل و بخشش، او را زیان نرساند و اگر دنیا پشت کند، بخل و امساک، او را سودی ندهد.

۴۴ – امام کاظم علیه السلام فرمود: خوراک بخشنده، درمان است و خوراک بخیل، درد.

۴۵ – امام علی علیه السلام فرمود: نگاه به شخص بخیل دل را سخت و بی رحم می کند.

۴۶ – امام علی علیه السلام فرمود: [ای مالک] بخیل را در مشورت کردن دخالت مده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگدستی می ترساند،

و ترسو را در مشورت کردن دخالت مده که در انجام کارها روحیه ی تو را سست می کند،

و حریص را در مشورت کردن دخالت مده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد.

به راستی بخل و ترس و حرص غریزه های گوناگونی هستند که ریشه ی همه ی آن ها بدگمانی به خدا است.

١- (١)) مستدرك الوسائل:٢٩/٧ضمن ح ٧۵۶١.

٢- (٢)) بحارالأنوار: ٣٠٠/٧٣ ح ٣.

٣- (٣)) بحارالأنوار: ٢٩١/۶٢.

۴- (۴)) تحف العقول: ٢١۴.

۵- (۵)) نهج البلاغه(شرح محمّد عبده): ٨٧/٣ و نحوه فى الخصال: ١٠٢ ح ۵٧، و علل الشرائع: ۵۵٩ باب ٣۵٠ ح ١

۴۷ – قال علیّ لابنه الحسن علیهما السلام :

إ یّاک ومصادقه البخیل فإنّه یُبعدُ عنک أحوج ما تکون إلیه (۱).

۴۸ – قال علیّ علیه السلام :لایُبقی المال إلّاالبخل،والبخیل معاقَب ملوم (۲).

۴۹ – قال علیّ علیه السلام : هل تنظر إلّا ... بخیلًا اتّخذ البخل بحقّ اللّه وفراً... (۳) .

۵۰ – قال علیّ علیه السلام : ما أقبح البخل بذوی النَبل (۴).

۵۱ – قال علیّ علیه السلام : لا ینبغی أن یکون الوالی علی الفروج والدماء والمغانم والأحکام وإمامه المسلمین البخیل، فتکون فی أموالهم نَهمتُه (۵). (۶)۵۲ – قال الصادق علیه السلام : ... من بریء من البخل نال الشرف (۷).

۴۷ – امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود:

پسرم از دوستی با بخیل بپرهیز؛ زیرا چیزی را که سخت به آن نیاز داری از تو دور می سازد.

۴۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

مال را جز بُخل ماندگار نمی کند، و بخیل مورد کیفر و سرزنش است.

۴۹ – امام علی علیه السلام فرمود:

... آیا کسی جز بخیل را دیده ای که بخل به حق خداوند را موجب فراوانی ثروت قرار داده باشد؟...

۵۰ – امام علی علیه السلام فرمود:

چه زشت است بخل ورزیدن، از شخص با نجابت [وبزرگوار].

۵۱ – امام علی علیه السلام فرمود:

سزاوار نیست که بخیل، عهده دار ناموس و جان و غنایم و احکام و پیشوایی مسلمانان باشد؛ چرا که به اموال آنان حریص می شود.

۵۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

... هرکه از بخل ورزیدن دور باشد به شرافت و بزرگی می رسد.

١- (١)) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ١١/۴ و نحوه فی الكافی: ٣٧٧/٢ ح ٧ عن زين العابدين لابنه الباقر عليهما السلام .

٢- (٢)) عيون الحكم والمواعظ: ۵۴٣ ح ١٠٠٧٩.

٣- (٣)) عيون الحكم والمواعظ: ۵١١ ح ٩٣٠٨.

۴- (۴)) عيون الحكم والمواعظ: ۴٨١ ح ٨٨٧٢ .

۵- (۵)) نهم بالشیء: إذا ولع به، (مجمع البحرين: ٣٨٢/۴) .

۶- (۶)) نهج البلاغه(شرح محمّدعبده):٢/ ١۴.

٧- (٧)) تحف العقول: ٣١۶ .

۵۳ – قال علیّ علیه السلام : أقبح البخل منع الأموال من مستحقّیها (۱).

۵۴ – قال علیّ علیه السلام : کثره التعلّل آیه البخل (۲).

۵۵ – عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: أبخل النّاس من بخل بالسلام (۳).

۵۶ – عن الإمام السجّاد علیه السلام – فی دعائه للمهمّات – : ربّ وأعوذ بک من البخل والعجز والشحّ والحسد والحرص (۴).

۵۳ – امام علی علیه السلام فرمود:

زشت ترین بخل، بازداشتن اموال از مستحقّان آن است.

۵۴ – امام علی علیه السلام فرمود:

عذر و بهانه آوردن بسیار، نشانه ی بخل است.

۵۵ – پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

۵۶ – امام سجاد علیه السلام – در ضمن دعا برای امور مهمّ – می گوید:

پروردگارا! و به تو پناه می برم از بخل و ناتوانی و خسّت و حسد و حرص.

۱– (۱)) عیون الحکم والمواعظ:۱۱۷ح ۲۵۸۷.
۲– (۲)) عیون الحکم والمواعظ:۳۸۹ح ۶۵۸۳.
۳– (۳)) بحارالأنوار: ۱۲/۷۶ ح ۴۸.
۴– (۴)) أمالی الطوسی: ۱۸ ضمن ح ۱۹.

(۵) شحّ

اشاره

شحّ (۱) [۱]

نکوهش شحّ و آثار دنیوی و اخروی آن

۱ - قال اللّه تبارك و تعالی: وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲).

۲ - عن المفضّل بن أبی قرّه قال:

رأيت أباعبداللّه عليه السلام يطوف من أوّل اللّيل إلى الصّباح، وهو يقول: اللّهمّ قنی شحّ نفسی. فقلت! جعلت فداك ما سمعتك تدعو بغير هذا! فقال: وأىّ شيءٍ أشدّ من شحّ النفس؟ إنّ اللّه يقول:

وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳). (۴)۳ - عن أبی عبداللّه عليه السلام قال: ...ما رأيت شيئاً هو أضرّ ۱ - خداوند متعال فرمود: و هركس از بخل و آز نفس خويش مصون بماند، چنين كسانی رستگارانند.

۲ - مفضّل بن أبی قرّه می گويد:

امام صادق عليه السلام را ديدم كه از آغاز شب تا صبح طواف می كرد و می فرمود:

بارالها! مرا از بخل ورزی نفسم حفظ كن.

عرض كردم:

فدايت شوم! نشنيدم كه جز اين، دعا[ی ديگری] بكنی.

حضرت فرمود: كدام چيز بدتر از بخل نفس است؟

خداوند می فرمايد

«و كسانی كه از بخل ورزی نفس خويش مصون مانند، چنين كسانی رستگارانند».

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: ...هيچ چيزی را

۱- (۱)) در بخش گذشته (باب بخل)، مفهوم شح نیز بیان شد.

۲- (۲)) الحشر: ۹.

۳- (۳)) الحشر: ۹.

۴- (۴)) مستدرک الوسائل:۳۰/۷ح۷۵۶۵.

فی دین المسلم من الشحّ (۱).

۴ – قال علیّ علیه السلام : لا سوءه أسوأ من الشحّ (۲).

۵ – عن جعفر عن آبائه علیهم السلام أنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام سمع رجلًا یقول: إنّ الشّحیح أغدر (اعذر – خ ل) من الظالم، فقال له:

کذبت إنّ الظالم قد یتوب و یستغفر و یردّ الظلامه علی أهلها والشحیح إذا شحّ منع الزّکاه والصّدقه و صله الرّحم و قری الضّیف والنّفقه فی سبیل اللّه و أبواب البرّ، وحرام علی الجنّه أن یدخلها شحیح (۳).

۶ – قال علیّ علیه السلام : احذروا الشحّ فإنّه یکسب المقت و یَشین المحاسن ویُشیع العیوب (۴).

۷ – قال علیّ علیه السلام : زیاده الشحّ تَشین الفتوّه وتُفسد الاُخوّه (۵).

برای دین مسلمان، زیانبارتر از شحّ [بخل همراه با حرص] ندیدم.

۴ – امام علی علیه السلام فرمود: هیچ بدی بدتر از شحّ نیست.

۵ – امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل کرده است که امیرمؤمنان علیه السلام شنید کسی می گفت:

بخیل عذرش پذیرفته تر از ستمگر است.

فرمود: غلط گفتی؛ زیرا ستمگر چه بسا توبه کند و از خداوند آمرزش طلبد و حقّ مردم را به آن ها برگرداند،

امّا بخیل کسی است که با بخل ورزیدن، از دادن زکات و صدقه و صله ی رحم و مهمان نوازی و انفاق در راه خدا و هزینه کردن در کارهای خیر، خودداری می کند

و بر بهشت حرام است که بخیل را به خود بپذیرد.

۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

از بخل ورزیدن بپرهیزید که دشمنی به بار می آورد و خوبی ها را زشت جلوه می دهد و عیب ها را آشکار و شایع می سازد.

۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزی بسیار، جوانمردی را لکه دار می سازد و برادری را تباه می کند.

١- (١)) كتاب زيد النّرسی (ضمن الأُصول السّته عشر): ١٩٨ ح ١٨، عنه المستدرک: ٣١/٧ ح ٧٥۶۶.
٢- (٢)) عيون الحكم والمواعظ:٥٣٧ح ٩٨٨٨.
٣- (٣)) الكافى: ۴۴/۴ ح ١.
۴- (۴)) عيون الحكم والمواعظ:١٠٥ح ٢٣٥٧.
٥- (٥)) عيون الحكم والمواعظ:٢٧٧ح ٥٠٥١.

۸ – عن جعفربن محمّدعن آبائه علیهم السلام فی وصیّه النّبیّ صلی الله علیه و آله لعلیّ علیه السلام قال: یا علیّ ثلاث مهلکات: شحّ مطاع، وهویً متّبع، وإعجاب المرء برأیه (۱).

۹ – قال أمیرالمؤمنین علیه السلام فی صفه المؤمن المتّقی: ...لا یغلبه الهوی، ولا یقهره الشحّ، ولا یطمع فیما لیس له (۲).

۱۰ – قال علیّ علیه السلام : مَن لزِم الشحّ عَدِمِ النُصح (۳).

۱۱ – عن الصادق عن آبائه علیهم السلام :

أنّ رجلاً أتی النبیّ صلی الله علیه و آله فقال: یا رسول اللّه بأبی أنت وامّی! إنّی احسن الوضوء، واُقیم الصّلاه، وأؤتی الزّکاه فی وقتها، وأقرئ الضیف طیبه بها نفسی، محتسب بذلک أرجو ما عند اللّه، فقال:

بخٍّ بخٍّ بخٍّ، مالجهنّم علیک سبیل، إنّ اللّه قد برأک من الشحّ إن کنت کذلک (۴).

۱۲ – قال علیّ علیه السلام : علیک بالصدقه تنجُ من دناءه الشحّ (۵).

۸ – امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام فرمود: ای علی! سه چیز سبب هلاکت و نابودی است: بخلی که فرمان برداری شود، و هوای نفسی که پیروی گردد، و شیفته ی نظر خود بودن.

۹ – امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف مؤمن پارسا می فرماید:

... هوای نفس بر او چیره نمی شود و بخل، او را مغلوب نمی سازد و در چیزی که برای او نیست طمع نمی کند.

۱۰ – امام علی علیه السلام فرمود: هرکه با بخل همراه شد خیرخواهی را از دست داد.

۱۱ – امام صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام نقل کرده است که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا پدر و مادرم به فدایت! من نیکو وضو می سازم و نماز را به پا می دارم و زکات را در وقتش پرداخت می کنم و با خاطر خوش از مهمان پذیرایی می نمایم؛ من این ها را به حساب خدا می گذارم وبه پاداشِ نزد او امید دارم.

حضرت فرمود: آفرین، آفرین، آفرین؛ جهنّم راهی بر تو ندارد؛ همانا اگر چنین باشی خدا تو را از بخل پاک ساخته است.

۱۲ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بر تو باد به دادن صدقه تا از پستی بخل رهایی یابی.

١- (١)) وسائل الشيعه: ١٠٣/١ ح ٢۴٨عن الفقيه: ۴/٣۶٠ ح ۵٧۶۵.

٢- (٢)) أمالى الصدوق: ۴۶٠ م٨۴ ضمن ح ٢.

٣- (٣)) عيون الحكم والمواعظ:۴۴٢ح ٧٧٠٧.

۴- (۴)) قرب الإسناد: ٧۵ ح ٢۴١.

۵- (۵)) عيون الحكم والمواعظ:٣٣٣ح ۵۶٨٣.

(فصل چهارم):فرهنگ سازی پرهیز از اسراف

ص:۲۴۷

پیشوایان دین با گفتار و رفتار خود تلاش می کردند پیروانشان را به گونه ای آموزش دهند که پرهیز از اسراف و تبذیر، به صورت فرهنگ و شیوه ی رایج در زندگی آن ها درآید؛ از این رو به شکل های مختلف این موضوع را مورد توجه قرار می دادند، مانند این که مقدار مصرف آب در وضو و غسل را معین می کردند یا از دور ریختن هسته ی خرما - که در آن زمان و مکان به کار می آمده است - باز می داشتند. همچنین از پوشیدن لباس مهمانی و زینت در هنگام کار، نهی می کردند یا در دعاهای خود، از خداوند متعال می خواستند که آن ها را از اسراف و زیاده روی حفظ کند و روحیه ی میانه روی واقتصاد و بسنده کردن به مقدار کفاف، در آن ها به وجود آورد.

برخی احادیثی که به این امر مربوط بود در بخش های سابق گذشت. امّا به دلیل اهمّیت مسأله و تناسب آن با موضوع کتاب، سعی شده است روایاتی که به نظر می آید به صورت روشن تری به موضوع فرهنگ سازی و پرهیز از اسراف مربوط است، در این جا بیاید.

۱ - عن هشام بن المثنّی قال:

سأل رجلٌ أباعبداللّه علیه السلام عن قول اللّه عزّ وجلّ وَءَاتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَايُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱) فقال: كان فلان بن فلان الأنصاری - سمّاه - وكان له حرثٌ، وكان إذا أخذ يتصدّق به ويبقى هو وعياله بغير شيءٍ فجعل اللّه عزّ و جلّ ذلك سرَفاً (۲).

۱ - هشام بن مثنّی می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید «و حقّ [بینوایان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید، و زیاده روی مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند.

خداوند این را اسراف قرار داد.

۱- (۱)) الأنعام:۱۴۱.

۲- (۲)) الکافی:۵۵/۴ح ۵، عنه الوسائل: ۵۵۸/۲۱ ح ۲۷۸۶۸.

۲ - عن عبـداللّه بن عمرو، أنّ رسول اللّه صـلی الله علیه و سـلم مرّ بسـعد وهو یتوضّأ، فقال: ما هـذا السـرَف؟ فقال: أ فی الوضوء إسراف؟ قال:

نعم، وإن کنت علی نهرٍ جارٍ (۱).

۳ - قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : الوضوء مُـدّ و الغُسل صاع، وسـیأتی أقوامٌ بعـدی یسـتقلّون ذلک، فأُولئک علی خلاف سنّتی، والثابت علی سنّتی معی فی حظیره القدس (۲).

۴ - عن أبی جعفر الباقر علیه السـلام قال: کان رسول اللّه صـلی الله علیه و آله یتوضّأ بمُـدّ، ویغتسل بصاع، والمُـدّ رطلٌ ونصف، والصاع ستّه أرطال (۳).

۵ - عن سلیمان بن صالح قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : ما أدنی ما یجیء من الإسراف؟ ۲ - عبداللّه بن عمرو می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار سعد گذشت در حالی که وضو می گرفت.

حضرت فرمود:

این اسراف چیست؟

سعد گفت:

آیا در وضو گرفتن نیز اسراف هست؟

فرمود:

آری، هرچند کنار نهر روان باشی.

۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اندازه ی آب وضو یک مدّ [حدود ۷۵۰ گرم] و اندازه ی آب غسل یک صاع [حدود سه کیلوگرم] است.

به زودی مردمانی بعد از من خواهند آمد که آن را کم می شمرند.

آنان برخلاف سنت من رفتار می کنند و هرکه بر سنت من پایدار بماند در بهشت همراه من خواهد بود.

۴ - امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که با یک مُدّ آب وضو می گرفت و با یک صاع غسل می کرد، و اندازه ی مدّ یک

رطل و نصف [حدود ۷۵۰ گرم] و صاع شش رطل [حدود سه کیلوگرم] می باشد.

۵ - سلیمان بن صالح می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم کم ترین حد اسراف چیست؟

۱- (۱)) سنن ابن ماجه: ۱۴۷/۱ ح ۴۲۵.

۲- (۲)) الفقیه: ۳۴/۱ ح ۷۰، عنه الوسائل: ۴۸۳/۱ ح ۱۲۸۰ و نحوه فی الجعفریّات (ضمن قرب الإسناد):۱۶، عنه المستدرک: ۳۴۷/۱ح ۸۰۶ .

۳- (۳)) التهذیب: ۱۳۶/۱ ح ۳۷۹ والاستبصار: ۱۲۱/۱ ح ۴۰۹، عنهما الوسائل: ۴۸۱/۱ ح ۱۲۷۵.

قال: إبتذالک ثوب صونک وإهراقک فضل إنائک وأکلک التمر ورمیک بالنوی هاهنا و هاهنا (۱).

۶ - عن السجّاد علیه السلام - دعاؤه فی المعونه علی قضاء الدَین - :

اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله، واحجبنی عن السرَف و الإزدیاد، وقوّمنی بالبذل والإقتصاد، و علّمنی حُسن التّقدیر، واقبضنی بلطفک عن التّبذیر، وأجر من أسباب الحلال أرزاقی، و وجّه فی أبواب البرّ إنفاقی، و ازوِ عنّی من المال ما یحدث لی مخیلهً أو تأدّیاً إلی بغی، أو ما أتعقّب منه طغیاناً (۲).

۷ - عن السجّاد علیه السلام - من دعائه فی یوم عرفه - :

... ونبّهنی من رقده الغافلین وسِنه المسرفین ونعسه المخذولین (۳).

۸ - عن أمیرالمؤمنین علیه السلام أنّه قال: الإقتصاد ینمی القلیل.

وقال علیه السلام : الإقتصاد ینمی الیسیر.

فرمود:

لباس رسمی و مجلسی خود را برای کار بپوشی، و ته مانده ی آب خود را دور بریزی، و خرما را بخوری و هسته ی آن را این جا و آن جا بیندازی.

۶ - امام سجّاد علیه السلام در دعای خود برای کمک خواستن از خدا بر ادای دِین فرمود:

بارالاها! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار، و بر بخشش و میانه روی پایدار کن، و به من خوب اندازه گیری کردن [وسنجیدن] را بیاموز و با لطف خود مرا از هدر دادن مال نگهدار، و روزی هایم را از راه های حلال به سویم روان ساز، و انفاقم را در راه های خیر مقرر فرما، و آن اموالی را که خود برتربینی برایم پدید آورد یا مرا به ستمگری بکشاند یا از آن به سرکشی افتم، از من بازدار.

۷ - امام سجّاد علیه السلام در ضمن دعایش در عرفه فرمود:

...بارالها! مرا از خواب غافلان و از خواب آلودگی اسراف کاران و چرت زدن رهاشدگان بیدار کن.

۸ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

تعادل و میانه روی [اموال] کم را افزایش می دهد.

و فرمود: اعتدال و میانه روی اندک را می افزاید.

۱- (۱)) الکافی: ۴۶۰/۶ ح ۲،عنه الوسائل: ۵۱/۵ ح ۵۸۷۵.

۲- (۲)) الصحیفه السجّادیه الجامعه:۱۵۱دعاء ۷۹.

۳- (۳)) الصحیفه السجّادیه الجامعه:۳۲۷دعاء۱۴۷.

وقال علیه السلام : الإقتصاد نصف المؤونه.

و قال علیه السلام : لن یهلک من اقتصد.

وقال علیه السلام : لیس فی الإقتصاد تلف.

وقال علیه السلام : مَن لم یُحسن الإقتصاد أهلکه الإسراف. وقال علیه السلام : مَن اقتصد خفّت علیه المؤن. وقال علیه السلام :

مَن اقتصد فی الغنی والفقر فقد استعدّ لنوائب الدهر. وقال علیه السلام :

مَن صحب الإقتصاد دامت صحبه الغنی له، و جبر الإقتصاد فقره و خلله. وقال علیه السلام : من المروءه أن تقتصد فلاتسرف (۱).

۹ – قال النبیّ صلی الله علیه و آله خیار امّتی یتوضّأون بالماء الیسیر (۲).

۱۰ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

الرّضا بالکفاف خیرٌ من السعی فی الإسراف (۳).

۱۱ – قال علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام :

من أشرف الشرف الکفّ عن التبذیر والسرَف (۴).

و فرمود: میانه روی و تعادل نیمی از خرجی و آذوقه است.

و فرمود: هرکه میانه روی پیشه کند هرگز هلاک نشود.

و فرمود: در میانه روی نابودی نیست.

و فرمود: هرکس به شکلی نیکو میانه روی و تعادل را پیشه ی خود نسازد اسراف و زیاده روی او را تباه می کند.

و فرمود: هرکه میانه روی کند هزینه ها[ی زندگی] بر او سبک می شود.

و فرمود: هرکه در حال بی نیازی و فقر میانه روی کرد خود را در برابر گرفتاری های روزگار آماده نموده است.

و فرمود: هرکه با اعتدال و میانه روی همراه شد، همیشه بی نیازی همنشین او خواهد بود و میانه روی، فقر و کاستی های او را جبران می کند.

و فرمود: از جوانمردی است که میانه رو باشی و اسراف نکنی.

۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین های امت من، با آب کم وضو می سازند.

۱۰ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: راضی بودن به روزی کافی بهتر است از تلاشی که در اسراف [یعنی برای زیاده روی و ولخرجی] باشد.

۱۱ – أمیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: برترین شرافت ها خودداری ازولخرجی و زیاده روی است.

ص:۲۵۲

۱- (۱)) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۴عن غررالحکم.

۲- (۲)) مستدرک الوسائل: ۳۴۸/۱ ح ۸۰۸ ،عن لبّ اللّباب للراوندی (مخطوط).

۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۱ ح ۱۲۴.

۴- (۴)) عیون الحکم و المواعظ: ۴۷۳ ح ۸۶۷۷ .

۱۲ – عن علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام – فی قصّه تزویجه من فاطمه علیها السلام بعد أن أمر رسول اللّه صلی الله علیه و آله بلالاً أن یشتری طیباً لابنته – قال: ثمّ دعا[رسول اللّه صلی الله علیه و آله] امّ سلمه وقال لها: یا امّ سلمه! ابتاعی لابنتی فراشاً من حِلس مصر، و احشیه لیفاً، واتّخذی لها مدرعهً وعباءهً قطوانیه، و لاتتّخذی أکثر من ذلک فیکونا من المسرفین... (۱).

۱۳ – عن بشر بن مروان قال:

دخلنا علی أبی عبداللّه علیه السلام فدعا برُطب، فأقبل بعضهم یرمی بالنّوی ، قال: فأمسک أبوعبداللّه یده فقال:

لاتفعل، إنّ هذا من التّبذیر وإنّ اللّه لایحبّ الفساد (۲)۱۲ – امیرمؤمنان علی علیه السلام در داستان ازدواج خود با حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این که به بلال دستور داد تا عطری برای دخترش بخرد، امّ سلمه را فرا خواند و فرمود:

ای امّ سلمه! برای دخترم فرشی از زیلوی مصری بخر، و بر اطراف آن لیف خرما بدوز و برای او جامه ای گشاد و عبایی بلند [چادر] فراهم کن؛ ولی بیش از این ها چیزی نخر که مبادا از اسراف کاران باشند ... .

۱۳ – بشربن مروان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. حضرت خرما طلبید.

یکی از اطرافیان خواست که هسته ی آن را دور اندازد، حضرت دست او را گرفت و فرمود:

این کار را نکن، زیرا این [نوعی] تباه کردن است و خداوند تباهکاری را دوست ندارد.

۱- (۱) دلائل الإمامه للطبری: ۱۵ ونحوه فی البحار: ۸۸/۱۰۴ عن مسند فاطمه علیها السلام .

۲- (۲) تفسیر العیّاشی: ۲۸۸/۲ ح ۵۸، عنه المستدرک: ۲۶۸/۱۵ ح ۱۸۲۰۸،والبحار: ۳۰۳/۷۵ ح ۵ .

بخش سوّم: دولتمردان و مصرف

اشاره

ص:۲۵۵

از آنجـا که دولتمردان رفتارشـان مـورد نظر است و مردم آن هـا را الگو قرار می دهنـد (النـاس علی دین ملوکهم) پیشوایـان ما برای مصـرف به حاکمین زمان توصـیه هایی کرده اند، علاوه بر آن خودشان با عمل، به دولتمردان روش زندگی و مصرف را آموزش داده اند.

در این بخش ما بعضی روایاتی که از پیشوایان معصوم علیهم السلام صادر شده را می آوریم.

روایـات این بخش زنـدگی و ساده زیستی پیامبر و امیرالمؤمنین و سایر انبیاء و اوصـیاء الهی صـلوات اللّه علیهم اجمعین را بیان می کند، همهٔ این روایات نشان می دهد که آنها هیچگونه دلبستگی به دنیا نداشته اند و در اوج قدرت همانند ساده ترین مردم زندگی می کردند یا در حد متعارف مردم؛ در عین حال روایاتی موجود است که متناسب زمان و مکان باید زندگی کرد و از نعمت های الهی بهره منـد شـد ولی در همهٔ روایات، از دلبسـتگی به دنیا و خود باختگی و دنیاطلبی و جمع آوری زر و سـیم و مال دنیا و ریاست طلبی شدیداً نهی شده است وتشویق شده که دولتمردان همچون پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام آنچه را - از ریاست و امکانات - در اختیار دارند امانت و تکلیف الهی ببینند.

می توان گفت برای دولتمردان و خانواده آنها که دوسـتدار پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام می باشند و در این زمان می خواهند اسلامی زندگی و خدمت کنند از جمع بندی میان روایات این امور استفاده می شود:

۱ - دولتمردان قلباً دلبسته به دنیا نباشند.

۲ - سعی کنند در زندگی شخصی تا می شود ساده ترین زندگی را انتخاب کنند.

ص:۲۵۷

۳ - مواظب خود و اطرافیان باشند که حکومت را طعمه و ابزار زر اندوزی قرار ندهند.

۴ - در این زمان (قبل از حکومت حضرت حجه عجل اللّه تعالی فرجه) مانند متوسط مردم زندگی کنند بگونه ای که در چشم مردم کشور و مردم دنیا ژنده پوش یا مروج تشریفات و اشراف گرائی نباشد - درجه متوسط توده های میلیونی باشند - .

۵ - سعی کنند پس از آنکه توده مردم از نعمتی بهره مند شدند آنها از آن نعمت بهره مند گردند و پیشگام در مصرف نعمت ها نباشند.

۶ - دولتمردان با گفتار و کردار و گاهی عکس العمل های خود به اطرافیان بفهمانند که با دنیاگرائی و تشریفات غیر متعارف و غیر مردمی مخالفند.

۷ - در ساده زیستی باید نزدیکان دولتمردان از گفتار و عمل آنان استقبال کنند و آن را موجب اجر اخروی بدانند.

خلاصه این که از مجموع روایات می شود استفاده کرد که زمامداران اسلامی در زمان غیبت کبری تا امکان دارد در حد ضعیفترین افراد جامعه زندگی کنند و گر نه از حدّ توده های میلیونی و متوسط مردم فراتر نروند.

سیرهٔ پیامبران صلوات اللّه علیهم أجمعین

«علی علیه السلام ازسیره و زندگی برخی پیامبران مخصوصاً زندگی پیامبر خاتم صلی اللّه علیه و آله سخن می گوید»

۱ -عن علیّ علیه السلام قال:... لقد کان فی رسول اللّه صلی الله علیه و آله کافٍ لک فی الاُسوه. ودلیلٌ لک علی ذمّ الدنیا وعیبها، وکثره مخازیها ومساویها، إذ قُبضت عنه أطرافها، ووطّئت لغیره أکنافها، وفُطم عن رضاعها، وزوی عن زخارفها.

وإن شئت ثنّیتُ بموسی کلیم اللّه صلی الله علیه و سلم إذ یقول: رَبِ ّ إِنِّی لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ (۱) واللّه ما سأله إلّاخبزاً یأکله لأنّه کان یأکل بقله الأرض، ولقد کانت خُضره البقل تُری من شفیف صفاق بطنه لهزاله وتشذّب لحمه.

وإن شئت ثلّثتُ بداود صلّی ا للّه علیه پیامبر أعظم صلی الله علیه و آله الگوی کامل

۱ - علی علیه السلام فرمود: به راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تو الگویی بسنده (و شایسته) است و رهنمون تو است به ناپسندی و عیب دنیا و رسوایی های زیاد و بدی های فراوان آن، زیرا نعمت های دنیا از او گرفته (وبازداشته) شد و همه چیز آن برای غیر او آماده گشت و او از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن چشم پوشید.

حضرت موسی علیه السلام

اگر خواستی دومین نمونه موسی همسخن خدا را به تو معرفی می کنم که گفت «پروردگارا! همانا من به خیری که بر من فرستی نیازمندم»؛ به خدا سوگند او جز نانی که بخورد درخواست نکرد زیرا او گیاه زمین می خورد و به سبب لاغری و آب شدن گوشت بدنش سبزی گیاه از زیر پوست شکمش دیده می شد.

حضرت داود علیه السلام

و اگر خواستی نمونه ی سوم داود

۱- (۱)) القصص: ۲۴.

صاحب المزامیر وقارئ أهل الجنّه، فلقد کان یعمل سفائف الخوص بیده، ویقول لجلسائه:

أیّکم یکفینی بیعها؟ ویأکل قرص الشعیر من ثمنها.

وإن شئت قلتُ فی عیسی بن مریم علیه السلام ، فلقد کان یتوسّد الحجر ویلبس الخشن ویأکل الجشِب.

وکان إدامه الجوع، وسراجه باللّیل القمر، وظلاله فی الشّتاء مشارق الأرض ومغاربها، وفاکهته وریحانه ما تنبت الأرض للبهائم. ولم تکن له زوجه تَفتنه، ولا ولد یحزنه، ولا مال یلفته، ولا طمع یذلّه.

دابّته رجلاه، وخادمه یداه.

فتأسّ بنبیّک الأطیب الأطهر صلی الله علیه و آله ، فإنّ فیه اسوهً لمن تأسّی، وعزاءً لمن تعزّی وأحبّ العباد إلی اللّه المتأسّی بنبّیه والمقتصّ لأثره.

قضم الدنیا قضماً، ولم یعرها طرفاً، أهضمُ أهل الدنیا کشحاً، وأخمصُهم من الدنیا بطناً.

عُرضت علیه الدنیا فأبی أن یقبلها، وعلم أنّ اللّه سبحانه أبغض شیئاً فأبغضه، وحقّر شیئاً فحقّره، وصغّر شیئاً فصغّره.

صاحب سرودها و خواننده بهشتیان- درود خدا بر او - را برایت بیاورم که از برگ خرما زنبیل می بافت و به همنشینانش می گفت: «کدام یک از شما آن را برایم می فروشد»؟و با پول آن قرص گرده ی نان جوین می خورد.

حضرت عیسی علیه السلام

و اگر خواستی برایت از عیسی پسر مریم بگویم که سنگ را بالش می گرفت و لباس خشن می پوشید و غذای ناگوار می خورد، خورشش گرسنگی و چراغش در شب مهتاب بود وسر پناهش در زمستان سرتاسر زمین بود(سر پناهی نداشت) میوه و سبزی او چیزی بود که زمین برای چهار پایان می رویاند، نه همسری داشت که گرفتارش کند و نه فرزندی که اندوهگینش سازدونه مالی که او را به خود مشغول کند و نه طمعی که خوارش نماید، سواری او پاهایش بود و خادم او دستانش.

جلوه ی از زندگانی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

پس به پیامبرت آن پاک ترین و پاکیزه ترین [آفریدگان خدا] تأسّی کن، زیرا بی گمان[روش ورفتار] او سرمشق است برای کسی که از او پیروی کندو مایه ی دلداری است برای کسی که دلداری جوید، و محبوب ترین بندگان پیش خد اآ ن کس است که به پیامبرش تأسّی بجوید و راه او بپوید، آن بزرگوار به راستی به اندک از دنیا بسنده کرد وتوجهی به آن نداشت ،از تمام مردم دنیا نزار ترو شکمش از همه خالی تر بود ،دنیا براو عرضه شد ولی آن رانپذیرفت و چون بدانست که خداوند سبحان چیزی رادشمن می دارد او نیزآن را دشمن می داشت و چیزی را خداوند خوار می سازد او هم خوارمی ساخت و چیزی را خدا کوچک و خوار می شمارد او نیزکوچک و خوا رمی شمرد.

ولو لم یکن فینا إلّاحبّنا ما أبغض اللّه ورسوله وتعظیمنا ما صغّر اللّه ورسوله لکفی به شقاقاً للّه ومحادّهً عن أمر اللّه.

ولقد کان صلی الله علیه و آله یأکل علی الأرض، ویجلس جلسه العبد، ویخصف بیده نعله، ویرقع بیده ثوبه، ویرکب الحمار العاری ویردف خلفه، ویکون السَتر علی باب بیته فتکون فیه التصاویر فیقول: یا فلانه – لإحدی أزواجه – غیّبیه عنّی فإنّی إذا نظرت إلیه ذکرت الدنیا وزخارفها. فأعرض عن الدنیا بقلبه، وأمات ذِکرها من نفسه، وأحبّ أن تغیب زینتها عن عینه، لکیلا یتّخذ منها ریاشاً، ولا یعتقدها قراراً، ولا یرجو فیها مقاماً، فأخرجها من النفس، وأشخصها عن القلب ، وغیّبها عن البصر، وکذا مَن أبغض شیئاً أبغض أن ینظر إلیه وأن یُذکر عنده.

ولقد کان فی رسول اللّه صلی الله علیه و آله ما یدلّک علی مساوی الدنیا وعیوبها، إذ جاع فیها مع خاصّته، وزویت عنه زخارفها مع عظیم زُلفته، در دشمنی با خدا و سرپیچی از فرمان خدا همین ما را بس که ما چیزی را دوست بداریم که خدا و رسول صلی الله علیه و آله او آن را دشمن می دارند و چیزی را بزرگ بشماریم که خدا و رسول صلی الله علیه و آله او آن را کوچک و پست می دانند.

روش زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله آینه تمام نمای خوبی ها وبدیهای دنیا

برزمین غذا می خوردو به روش بردگان می نشست و کفشش را با دست خود پینه می زد و لباس خود را با دست خود وصله می کرد و بر الاغ برهنه سوار می شد و دیگری را پشت سر خود سوار می کرد، (وقتی) پرده ای بر در خانه اش آویخته بود که نقش و نگار داشت به یکی از همسرانش فرمود «خانم! این (پرده) را از پیش چشم من دور کن که هر گاه به آن نگاه می کنم به یاد دنیا و زیورهای آن می افتم». پس دل از دنیا برید و یاد آن را در جان خود نابود کرد و دوست داشت که زینت های دنیا از پیش چشمش پنهان شود تا از آن اثاث زندگی بر نگیرد و آن را جای سکونت نداند و به ماندن در آن دل نبندد، از این رو آن را از جان بدر کرد و از دل بیرون راند واز پیش چشم خود دور ساخت و چنین است کسی که با چیزی دشمن است خوش ندارد که آن را ببیند و نامی از آن نزد او به میان آید.

بی شک روش زندگانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (چنان است که) بدی ها و عیب های دنیا را به تو نشان می دهد زیرا او با آن مقام والایش (نزد خداوند) در دنیا گرسنگی کشید و با آن بزرگی منزلت از زیورهای دنیایی بر کنار ماند،

فلینظر نـاظر بعقله أکرم اللّه محمّـداً بـذلک أم أهانه؟ فإن قال أهانه فقـد کـذب والعظیم، وإنّ قال أکرمه فلیعلم أنّ اللّه قـد أهان غیره حیث بسـط الـدنیا له وزواهـا عن أقرب الناس منه. فتأسّـی متأسٍّ بنبیّه، واقتصّ أثره، وولـج مولجه، وإلّا فلا یأمن الهلکه، فإنّ اللّه جعل محمّداً صلی الله علیه و آله عَلماً للساعه، ومبشّراً بالجنّه، ومنذراً بالعقوبه.

خرج من الـدنیا خمیصـاً، وورد الآخره سلیماً. لم یضع حجراً علی حجر حتّی مضـی لسبیله، وأجاب داعیَ ربّه. فما أعظم منّه اللّه عندنا حین أنعم علینا به سـلفاً نتّبعه، وقائداً نطأُ عقِبه. واللّه لقد رقعتُ مدرعتی هذه حتّی اسـتحییتُ من راقعها، ولقد قال لی قائل: ألا تنبذها؟ فقلت: اغرب عنّی فعند الصباح یَحْمَد القومُ السُریٰ (۱).

پس انسان بینا با عقل خود ببیند که آیا خدا با این کار محمد صـلی الله علیه و آله را گرامی داشت یا خوار کرد؟ اگر بگوید او را خوار کرد سوگنـد به (خداونـد) بزرگ قطعا دروغ می گویـد و اگر بگوید او را گرامی داشت پس بداند که خداوند جز او (یعنی دنیـادار) را خوار نمود که (خوان) دنیـا را برایش گسترد و از نزدیـک ترین مردم به خود، آن را دریغ داشت پس انسـان پیرو بایـد از پیامبرش پیروی کنـد و به دنبال او برود و پا جای پای او نهـد و گر نه از هلاکت نخواهـد رهیـد که همانا خـداوند محمد صلی الله علیه و آله را نشانه ی قیامت و مژده دهنده ی به بهشت و بیم دهنده ی از کیفر (جهنم) قرار داد.

او بـا شـکم خـالی از دنیـا رفـت و سـالم بـه واپسـین خـانه وارد شـد، سـنگی روی سـنگ نگـذاشت تـا بـه راه خـویش رفـت و پروردگارش را اجابت کرد، خدا چه منت بزرگی بر ما دارد که پیشروی به ما داده که از او پیروی کنیم و راهبری که پا در پی او نهیم.

به خدا سوگند این جامه را آن قدر وصله زدم که از وصـله گر شـرمنده شدم، کسی به من گفت «آیا آن را دور نمی افکنی؟» (در جوابش) گفتم «از من دور شو! که بامدادان، سفر شبانه را خواهند ستود (۲)».

ص:۲۶۲

۱- (۱)) نهـج البلاغه (شـرح محمّد عبده): ۵۷/۲ - ۶۱. (ترجمه دشتی: ۲۹۸ -۳۰۲ خ ۱۶۰)، و قوله «فعند الصـباح یَحْمَدُ القومُ السُـریٰ» مثلٌ یُضـرب لمتحمّل المشقّه لیصل إلی الراحه، و أصله أنّ القوم یسیرون لیلاً فیحمدون عاقبه ذلک إذا أصحبوا. (مجمع البحرین: ۲۵/۲).

۲- (۲)) ضرب المثل است، یعنی آینده از آنِ استقامت کنندگان است.

مصارف پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج قدرت، و دیون او در حال وفات

۲ –عن علیّ أمیرالمؤمنین علیه السلام – فی و صفه زهد رسول اللّه صلی الله علیه و آله – قال: محمّد صلی الله علیه و آله أزهد الأنبیاء... ما رفعت له مائده قطّ وعلیها طعام، ولا أکل خبز برّ قطّ ، ولا شبع من خبز شعیر ثلاث لیالٍ متوالیات قطّ.

توفّی رسول اللّه صلی الله علیه و آله ودرعه مرهونه عند یهودی بأربعه دراهم،

ما ترک صفراء ولا بیضاء مع ما وطّئ له من البلاد ومکّن له من غنائم العباد،

ولقد کان یقسّم فی الیوم الواحد الثلاثمائه ألف وأربعمائه ألف ویأتیه السائل بالعشی فیقول:

والّذی بعث محمّداً بالحقّ ما أمسی فی آل محمّد صاع من شعیر، ولا صاع من برّ، ولا درهم، ولا دینار.

۲ – امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره ی زهد رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: محمد صلی الله علیه و آله زاهدترین پیامبران بود... هیچ گاه سفره ای از جلو او جمع نشد که غذایی در آن باشد و هیچ گاه نان گندم نخورد و هیچ گاه سه شب (شبانه روز) پی در پی از نان جو سیر نبود، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی از دنیا رفت که زره اش پیش یک نفر یهودی برای چهار درهم، در گرو بود. با آن که کشور پهناوری زیر فرمان داشت و غنیمت های مردم در اختیارش بود زر و سیمی از خود به جا نگذاشت، در یک روز سیصد هزار و چهارصد هزار را میان مردم تقسیم می کرد شامگاهان که مددجویی از او درخواست کمک می کرد می فرمود «سوگند به کسی که محمد را به حق به پیامبری بر انگیخت هیچ پیمانه ای از جو و گندم و هیچ درهم و دیناری در خاندان محمّد صلی الله علیه و آله ، به شب نمانده است».

ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و پرهیز از راحت طلبی

۳ –عن عبداللّه بن سنان قال:

۳ – عبداللّه بن سنان گوید: الاحتجاج: ۲۲۵.

ص:۲۶۳

سمعت أبا عبداللّه علیه السلام یقول:

دخل علی النبیّ صلی الله علیه و آله رجلٌ وهو علی حصیر قد أثّر فی جسمه، ووساده لیف قد أثّرت فی خدّه فجعل یمسح ویقول:

ما رضی بهذا کسری ولا قیصر أنّهم ینامون علی الحریر والدیباج وأنت علی هذا الحصیر؟

قال: فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لأنا خیرٌ منهما واللّه، لأنا أکرم منهما واللّه، ما أنا والدنیا؟! إنّما مثل الدنیا کمثل رجلٍ راکب مرّ علی شجرهٍ ولها فیء فاستظلّ تحتها فلمّا أن مال الظلّ عنها ارتحل فذهب وترکها (۱).

از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: شخصی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که آن حضرت روی حصیری بود که اثر آن روی بدنش نمایان بود و بالشی از لیف خرما که اثر آن در گونه ی حضرت دیده می شد، آن مرد دست می کشید و می گفت «کسرا و قیصر این گونه زندگی نمی کنند، همانا آنان روی حریر و دیبا می خوابند و تو بر این حصیر». رسول خدا فرمود «به خدا بی تردید من از آنان بهترم به خدا من از آنان گرامی ترم مرا با دنیا چه کار؟» به راستی مَثَل دنیا همانند مثل سواره ای است که در راه به درختی می رسد که سایه دارد، در سایه آن می آرمد، همین که سایه ی آن گشت کوچ می کند و می رود و آن را وا می گذارد.

پرده خیبری فاطمه علیها السلام و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله

۴ –عن أبی هریره وثوبان أنّهما قالا: کان النبیّ صلی الله علیه و آله یبدأ فی سفره بفاطمه ویختم بها، فجعلت وقتاً ستراً من کساء خیبریه لقدوم أبیها وزوجها، فلمّا رآه النبیّ صلی الله علیه و آله تجاوز عنها، وقد عُرف الغضب ۴ – ابو هریره و ثوبان گویند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفرش را با رفتن به دیدار فاطمه علیها السلام شروع می کرد و با دیدار او (پس از سفر) به پایان می برد، یکبار آن بانوی بزرگوار به مناسبت بازگشت پدر و همسرش از سفر، پرده ای از پارچه ی خیبری تهیه کرد، همین که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را دید از خانه ی او با صورتی بر افروخته از خشم بیرون آمد

ص:۲۶۴

۱- (۱)) کتاب الزهد للحسین بن سعید الکوفی:۵۰ح ۱۳۴،عنه البحار: ۳۸۲/۱۶ ح ۱۲۹، و: ۱۲۶/۷۰ ح ۱۲۴. نحوه فی مسند أحمد: ۳۹۱/۱.

فی وجهه حتّی جلس عند المنبر، فنزعت قلادتها وقرطیها ومسَکتیها ونزعت الستر فبعثت به إلی أبیها وقالت: اجعل هذا فی سبیل اللّه، فلمّا أتاه قال صلی الله علیه و آله :

قد فعلت فداها أبوها - ثلاث مرّات - ما لآل محمّد وللدنیا فإنّهم خُلقوا للآخره وخُلقت الدنیا لغیرهم.

وفی روایه أحمد: فإنّ هؤلاء أهل بیتی ولا احبّ أن یأکلوا طیّباتهم فی حیاتهم الدنیا (1).

و رفت کنار منبر نشست. فاطمه علیها السلام (که چنین دید) گردن بند و گوشواره ها و دست بندهای خود را در آورد و پرده را کند و آن ها را نزد پدر فرستاد و گفت «آن ها را در راه خدا انفاق کن»، همین که آن ها را نزد پیامبر آوردند (آن حضرت) سه بار فرمود: «پدرش به قربانش! آن چه را انتظار داشتم انجام داد، خاندان محمد را با دنیا چکار!؟ آنان برای آخرت آفریده شده اند و دنیا برای غیر آنان». و در روایت احمد آمده است «زیرا اینان خاندان من هستند و دوست ندارم که نعمت های پاکیزه ی خود را در زندگانی دنیا به مصرف رسانند» (2).

روش پیامبر صلی الله علیه و آله در نشستن و غذا خوردن

۵ -عن علیّ بن المغیره قال:

سمعت أبا عبداللّه علیه السلام یقول:

إنّ جبرئیل علیه السلام أتی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فخیّره وأشار علیه بالتواضع وکان له ناصحاً، فکان رسول اللّه صلی الله علیه و آله یأکل أکله العبد ویجلس جلسه العبد تواضعاً للّه تبارک و تعالی.

۵ - علی بن مغیره گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

همانا جبرئیل علیه السلام به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و او را (میان تسلط یافتن بر گنجینه های زمین و زندگی شاهانه و میان زندگی فقیرانه) مخیر ساخت، و از روی خیرخواهی از او خواست که در برابر خداوند فروتنی کند.

روش رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین بود که از روی فروتنی در برابر خداوند تبارک و تعالی همچون بردگان غذا می خورد، و همانند بردگان می نشست.

ص:۲۶۵

۱- (۱)) المناقب لابن شهرآشوب: ۳۴۳/۳،عنه البحار: ۸۵/۴۳ ضمن رقم ۸. و راجع مسند أحمد: ۲۷۵/۵، و المعجم الکبیر: ۱۰۳/۲.

۲- (۲)) این موضوع مفصل تردرص۲۶۹ح۱۳ خواهد آمد.

ثمّ أتاه عند الموت بمفاتيح خزائن الدنيا فقال: هذه مفاتيح خزائن الدنيا، بعث بها إليك ربّك ليكون لك ما أقلّت الأرض من غير أن ينقصك شيئاً، فقال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : في الرفيق الأعلى (١).

در وقت مرگ، جبرئيل عليه السلام كليدهای گنجينه های دنيا را برايش آورد و عرض كرد «اينها كليدهای گنجينه های دنيا است كه پروردگارت برای تو فرستاده تا هرچه روی زمين است از آن تو باشد بدون آن كه از مقام تو چيزی بكاهد»، رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود «من شيفته ی ديدار برترين يارم».

لباس و غذای رسول اللّه صلى الله عليه و آله

۶ -عن الحسن عن أنس بن مالك قال:

لبس رسول اللّه صلى الله عليه و سلم الصوف واحتذى المخصوف.

وقال: أكل رسول اللّه صلى الله عليه و آله بشعاً ولبس خشناً. فقيل للحسن:

ما البشِع؟ قال: غليظ الشعير، ما كان يسيغه إلّابجرعه ماء (٢).

۶ - حسن از انس بن مالك نقل می كند كه او گويد:

رسول خدا صلی الله عليه و آله جامه پشمينه (زبر و زمخت) می پوشيد و كفش پينه دار به پا می كرد و هم او گويد «رسول خدا صلی الله عليه و آله غذای ناگوار (و ناسازگار) می خورد و لباس زبر می پوشيد»، از حسن پرسيدند «غذای ناگوار (كه پيامبر صلی الله عليه و آله می خورد) چه بود؟» پاسخ داد «(نان) جو زبر؛ كه جز به كمك (جرعه ی) آب نمی توانست آن را فرو برد».

مصرف رسول خدا صلى الله عليه و آله

۷ -عن عائشه قالت: مارفع النبیّ صلى الله عليه و آله غداءً لعشاء ولا عشاءً ۷ - عايشه گويد:

پيامبر صلی الله عليه و آله هيچ گاه صبحانه اش آن اندازه نبود كه چيزی از آن را برای شام بگذارد و شامش آن قدر نبود

۱- (۱)) الكافی: ۱۳۱/۸ ح ۱۰۱ و ۱۰۲. (شرح محلاتی ج۱۹۱/۱ح۱۰۱و۱۰۲)

۲- (۲)) سنن ابن ماجه: ۱۱۱۱/۲ ح ۳۳۴۸.

قطّ لغداء، ولا اتّخذ من شـيء زوجين، ولا قميصين ولا رداءين ولا إزارين ولا من النعال، ولا رؤی قطّ فارغاً فی بیته إمّا یخصف نعلًا لرجل مسکین أو یخیط ثوباً لأرمله (۱).

که چیزی از آن را برای صبحانه بردارد و از یک چیز دو دست برنگرفت، (در یک زمان) دو پیراهن یا دو عبا یا دو شلوار و یا دو جفت کفش تهیه نکرد. هیچ گاه دیده نشد که در خانه بی کار باشد یا برای مرد بینوایی کفش پینه می زد و یا برای بیوه زنی لباس می دوخت.

خانه ساده رسول خدا صلی الله علیه و آله و ساده زیستی او

۸ – قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : لمّا قدم عدیّ بن حاتم إلی النبیّ صلی الله علیه و آله أدخله النبیّ صلی الله علیه و آله بیته ولم یکن فی البیت غیر خصفه (۲) ووساده من أدم فطرحها رسول اللّه صلی الله علیه و آله لعدیّ بن حاتم (۳).

۸ – امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:چون عدی بن حاتم (که هم خود ازبزرگان قبیلۀ طی بوده وهم پدرش حاتم طایی معروف است)برپیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شد آن حضرت صلی الله علیه و آله او رابه خانۀ خود برد، ودر خانه جزتکۀ حصیری و بالشی از پوست چیزی نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را برای عدی بن حاتم پهن کرد (و خود روی زمین نشست).

ساده زیستی رسول خدا و پرهیز از تشریفات

۹ –عن أبن عبّاس قال:کان (۴)۹ – ابن عباس گوید

ص:۲۶۷

۱- (۱)) تاریخ مدینه دمشق: ۱۰۱/۴. نحوه فی صفه الصفوه: ۸۷/۱.

۲- (۲)) الخَصَفه: واحده الخصَف، و هی الجُلّه الّتی یُکنز فیها التمر... و هو ضمّ الشیء إلی الشیء لأنّه شیءٌ منسوجٌ من الخوص. (النهایه: ۳۷/۲).

۳- (۳)) الکافی: ۶۵۹/۲ ح ۳ (ترجمه و شرح مصطفوی: ۴۷۹/۴- ۴۸۰ ح ۳).

۴- (۴)) مفهوم روایت فوق این است که این خصلت و ویژگی روش رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است چون این گونه ترکیب و بافت جمله «کان...» در زبان عربی معنایش استمرار و همیشگی بودن می باشد از این رو روایت مذکور معنایش این است که این کار یعنی ساده زیستی در تمامی ابعاد زندگی و پرهیز از تشریفات جزء سیره و روش آن حضرت بوده است.

رسول اللّه صلی الله علیه و آله یجلس علی الأرض، ویأکل علی الأرض، ویعتقل الشاه، ویجیب دعوه المملوک علی خبز الشعیر (۱).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله روی زمین می نشست و روی زمین غذا می خورد و گوسفند می دوشید و دعوت بردگان را به خوردن نان جو می پذیرفت».

جهیزهٔ ساده فاطمه زهراء علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱۰ - قال علیّ علیه السلام لمّا أتیت رسول اللّه صلی الله علیه و آله خاطباً ابنته فاطمه علیها السلام قال: و ما عندک لتسعدنی؟ قلت له: لیس عندی إلّابعیری و فرسی و درعی، فقال: أمّا بعیرک فحامل أهلک، و أمّا فرسک فلابدّ لک منه تقاتل علیه، و أمّا درعک فقد زوّجک اللّه بها.

قال: فخرجت من عنده والدرع علی عاتقی الأیسر، فذهبت إلی سوق اللیل فبعتها بأربعمائه درهم سود هَجَریه، ثمّ أتیت بها إلی النبیّ فصببتها بین یدیه، فواللّه ما سألنی عن عددها ،و کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله سریّ الکفّ، فدعا ۱۰ - علی علیه السلام فرمود: هنگامی که پیش رسول خدا برای خواستگاری دخترش فاطمه علیه السلام رفتم، فرمود «چه چیزی داری تاکه بتوانی (در تهیه ی جهیزیه) به من کمک کنی؟»

گفتم «چیزی جز یک شتر و یک اسب و یک زره ندارم»

پس آن حضرت فرمود «شترت باشد برای حمل و نقل خانواده ات و به اسبت برای جنگیدن بر روی آن نیاز داری و این زره تو است که خداوند با آن به تو همسر می دهد»

علی علیه السلام می فرماید «از محضر رسول خدا بیرون آمدم در حالی که زره بر دوش چپم بود آن را به سوق اللیل بردم و به چهارصد درهم سیاه هَجَری فروختم و (پول) آن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برده پیش روی آن حضرت گذاشتم، به خدا سوگند از من نپرسید چه مقدار است»،

رسول خدا بخشنده بود،

۱- (۱)) أمالی الطوسی: ۳۹۳ ح ۱۴،عنه الوسائل: ۱۰۸/۱۲ ح ۱۵۷۸۰. نحوه فی المعجم الکبیر: ۵۲/۱۲، و کنزالعمّال: ۱۵۳/۷ ح ۱۸۴۸۲.

بلالاً و ملأ قبضته و قال:

یا بلال! ابتع بها طیباً لابنتی فاطمه، ثمّ دعا امّ سلمه و قال لها: یا امّ سلمه! ابتاعی لابنتی فراشاً من حلس مصر واحشیه لیفاً واتّخذی لها مدرعه و عباءه قطوانیه، ولا تتّخذی أکثر من ذلک فیکونا من المسرفین.

و صبرتُ أیّاماً ما أذکر فیها شیئاً لرسول اللّه صلی الله علیه و آله من أمر ابنته حتّی دخلتُ علی امّ سلمه، فقالت لی: لم لا تقول لرسول اللّه یدخلک علی أهلک؟ قلت: استحی منه أن أذکر له شیئاً من هذا، فقالت امّ سلمه: ادخل علیه فإنّه سیعلم ما فی نفسک. قال: فدخلت علیه ثمّ خرجت، ثمّ دخلت ثمّ خرجت، فقال:

أحسبک أنّک تشتهی الدخول علی أهلک؟ قلت: نعم فداک أبی و امّی یا رسول اللّه، فقال: غداً إن شاء اللّه (۱).

بلال را فراخواند و مشتش را پر کرد و فرمود «بلال! با این (پول) برای دخترم فاطمه عطریات بخر»، سپس امّ سلمه را خواست و فرمود «امّ سلمه! برای دخترم تشکی از پارچه ی مصری بخر و آن را با لیف درخت خرما پر کن و یک جُبّه ی پشمین و یک عبای قطوانی برایش بگیر، بیش از این تهیه نکن که آن دو (حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام) به اسراف نیفتند».

چند روز صبر کرده به رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ی دخترش چیزی نگفتم تا این که (یک روز) به دیدن امّ سلمه رفتم او به من گفت «چرا به رسول خدا نمی گویی که تو را به همسرت برساند؟» گفتم «خجالت می کشم چیزی در این باره به او بگویم»، امّ سلمه گفت «به دیدنش برو او خواسته ات را خواهد فهمید» (علی علیه السلام) فرمود «به خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و پس از درنگی در محضرش، از خانه بیرون آمدم، دو باره بر او وارد شده و کمی بعد بیرون آمدم»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «فکر می کنم بسیار مایلی به همسرت برسی»، عرض کردم «پدر و مادرم به فدایت آری!» فرمود «فردا انشاء اللّه».

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله با ساده ترین وضع به منزل علی علیه السلام می رود

۱۱ - عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

۱۱ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱- (۱) - دلائل الإمامه: ۱۵. و راجع المناقب للخوارزمی: ۳۴۸ ضمن ح ۳۶۴.

أدخل رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علی علیّ علیهما السلام وسترها عباءً، وفرشها إهاب کبش، ووسادتها أدم محشوّه بمسد (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام فرستاد در حالی که پوشش او عبا و فرشش پوست گوسفند و متکایش از چرم پر شده با لیف خرما بود.

صبر فاطمه علیها السلام در برابر تلخی های دنیا و پاداش خداوندی

۱۲ - عن جابر الأنصاری أنّه رأی النبیّ صلی الله علیه و آله فاطمه وعلیها کساء من أجلّه الإبل وهی تطحن بیدیها وترضع ولدها، فدمعت عینا رسول اللّه صلی الله علیه و آله فقال: یا بنتاه! تعجّلی مراره الدنیا بحلاوه الآخره، فقالت:

یا رسول اللّه! الحمد اللّه علی نعمائه والشکر للّه علی آلائه، فأنزل اللّه:

وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی (۲).

۱۲ - جابر انصاری (۳) گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیه السلام را دید که در پوششی از پلاس شتر است و با دستان خود دستاس می گرداند و در همان حال بچه اش را شیر می دهد، از دیدگان رسول خدا اشک فرو ریخت و فرمود «دخترم! تلخی کنون دنیا را برای شیرینی آخرت تحمل کن»، فاطمه عرض کرد «ای رسول خدا! خدا را سپاس بر نعمت هایش و خدا را شکر بر عطاهایش»، پس خداوند [این آیه را] نازل فرمود «و زود باشد که پروردگارت [آن قدر] عطایت کند که راضی شوی».

پدرش به قربانش آنچه از او انتظار داشتم انجام داد

۱۳ - عن محمّد بن قیس قال:

۱۳ - محمد بن قیس گوید:

۱- (۱)) دلائل الإمامه: ۱۵.

۲- (۲)) المناقب لابن شهرآشوب: ۳۴۲/۳،عنه البحار: ۸۶/۴۳ ضمن رقم ۸. و رواه الإسکافی أیضاً فی التمحیص: ۷، والثعلبی فی الکشف و البیان: ۲۲۵/۱۰.والآیه۵من سوره الضحی.

۳- (۳)) جابر بن عبد اللّه بن عمرو بن حرام خزرجی انصاری مکنی به ابو عبداللّه صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستدار خاندان آن حضرت می باشد. در صفین در رکاب امیرمؤمنان علیه السلام بود. نخستین کسی است که امام حسین علیه السلام را پس از شهادتش زیارت کرد در سن ۹۴ سالگی در مدینه در گذشت و... سفینه البحار: ۱ / ۵۳۲ - ۵۳۶.

كان النبيّ صلى الله عليه و آله إذا قدم من سفر بدأ بفاطمه عليها السلام فدخل عليها، فأطال عندها المكث. فخرج مرّةً فی سفر فصنعت فاطمه عليها السلام مسَكتين من ورِق (۱) وقلاده وقرطين وستراً لباب البيت لقدوم أبيها وزوجها عليهما السلام .

فلمّا قدم رسول اللّه صلی الله علیه و آله دخل عليها فوقف أصحابه على الباب لا يدرون أيقفون أو ينصرفون لطول مكثه عندها، فخرج عليهم رسول اللّه صلی الله علیه و آله وقد عُرف الغضب فی وجهه حتّى جلس عند المنبر، فظنّت فاطمه عليها السلام أنه إنّما فعل ذلك رسول اللّه صلی الله علیه و آله لما رأى من المسَكتين والقلاده والقرطين والستر، فنزعت قلادتها وقرطيها ومسَكتيها، ونزعت الستر، فبعثت به إلى رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، وقالت للرسول:قل له صلی الله علیه و آله :تقرأ عليك ابنتك السلام وتقول: اجعل هذا فی سبيل اللّه. فلمّا أتاه وخبّره قال صلی الله علیه و آله : فعلت فِداها أبوها – ثلاث مرّات – ليست الدنيا من محمّد ولا من آل محمّد، ولو كانت الدنيا تعدل پيامبر صلی الله علیه و آله هنگامی كه از سفری باز می گشت نخست به ديدن فاطمه عليها السلام می رفت و پيش او زياد می ماند، يک بار به سفر رفت (در مدتی كه پيامبر در سفر بود) فاطمه دو دستبند نقره ای و يک گردن بند و يک جفت گوشواره و يک پرده برای در خانه برای ورود پدر و شوهر خود تهيه كرد، زمانی كه رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر آمد برای ديدن فاطمه عليها السلام وارد خانه شد، ياران او جلو در ايستادند و نمی دانستند بايستند يا به جهت اين كه ممكن است ماندن پيامبر طول بكشد بروند، (در اين حال) ديدند پيامبر از خانه خارج شد و آثار ناراحتی در چهره اش نمايان بود تا آن كه كنار منبر نشست، فاطمه عليها السلام فهميد كه پيامبر به جهت ديدن دستبندها و گردن بند و گوشواره ها و پرده اين چنين كرد، گردن بند و گوشواره و دستبند را در آورد و پرده را كند و آن ها را برای پيامبر فرستاد و به فرستاده گفت «به رسول خدا بگو دخترت به تو سلام می فرستد ومی گويد اين ها را در راه خدا بده»، همين كه پيک به نزد رسول خدا آمد وپيام فاطمه عليها السلام را به او داد، سه بار فرمود: «پدرش به قربانش آن چه از او انتظار داشتم انجام داد، دنيا شايسته محمد و آل محمد نيست، اگر دنيا

۱- (۱)) أی السوار من الفضّه. راجع (النهايه:۳۳۱/۴، و: ۱۷۵/۵).

عند اللّه من الخير جناح بعوضه ما أسقى منها كافراً شربه ماء. ثمّ قام فدخل عليها (۱).

پیش خدا به اندازه ی بال مگسی ارزش داشت شربت آبی از آن را به کافر نمی داد» سپس به پا خاست و نزد فاطمه علیها السلام رفت.

ساده زیستی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۴ – عن أسماء بنت عمیس قالت: کنت عند فاطمه علیها السلام إذ دخل علیها رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم وفی عنقها قلاده من ذهب کان اشتراها لها علیّ بن أبی طالب علیه السلام من فیء، فقال لها رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

یا فاطمه! لا یقول الناس إنّ فاطمه بنت محمّد تلبس لبس الجبابره.

فقطعتها وباعتها واشترت بها رقبه فأعتقتها، فسرّ بذلک رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم (۲).

۱۴ – اسماء بنت عمیس گوید: نزد فاطمه علیها السلام بودم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او وارد شد گردن بندی از طلا در گردن فاطمه بود که علی بن ابی طالب آن را از مال غنیمتی برایش خریده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود

«فاطمه جان! مردم نمی گویند که فاطمه دختر محمد همچون ستمگران لباس می پوشد؟!».

در پی این سخن، فاطمه علیها السلام آن را در آورد و فروخت و با پول آن برده ای خرید و آزاد کرد و با این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله شادمان گردید.

تو از من هستی فاطمه جان!

۱۵ – قال علیّ علیه السلام : إنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله دخل علی ابنته فاطمه علیها السلام وإذا فی عنقها قلاده، ۱۵ – علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دیدن دخترش فاطمه به منزل او در آمد، دید گردن بندی در گردن اوست،

۱– (۱)) أمالی الصدوق: ۳۰۵ المجلس ۴۱ ح ۷.

۲– (۲)) عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۴۴/۲ ب ۳۱ ح ۱۶۱.

فأعرض عنها، فقطعتها ورمت بها، فقال لها رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

أنتِ منّی یا فاطمه.

ثمّ جاء سائل فناولته القلاده، ثمّ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

اشتدّ غضب اللّه وغضبی علی مَن أهرق دمی وآذانی فی عترتی (۱).

از او روی بگردانید، فاطمه علیها السلام (که چنین دید) گردن بند را پاره کرد و دور انداخت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود «تو از من هستی فاطمه جان!» پس از آن سائلی (به در خانه) آمد آن بانو گردن بند را به او داد، آن گاه رسول خدا فرمود «کسی که خون مرا بریزد و با آزردن عترتم مرا بیازارد خشم خدا و خشم من بر او سخت خواهد بود».

احترام به پارۀ نان

۱۶ - عن عائشه قالت: دخل النبیّ صلی الله علیه و سلم البیت فرأی کِسره ملقاه، فأخذها فمسحها ثمّ أکلها، وقال:

یا عائشه ! أکرمی کریماً، فإنّها ما نفرت عن قومٍ قطّ فعادت إلیهم (۲).

۱۶ - عایشه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خانه شد پاره نانی را دید که بر زمین افتاده آن را بر داشت و بر آن دست کشید و سپس آن را خورد و فرمود «ای عایشه! چیز ارزشمند را ارج بنه، که چنین است هر گاه مردمی چیز ارزشمندی را از دست دادند دیگر (هرگز) به آن دست نیافتند».

ص:۲۷۳

۱- (۱)) أمالی الصدوق: ۵۵۲ المجلس ۷۱ ح ۸،عنه البحار: ۲۲/۴۲ ح ۱۵. و قریبٌ منه فی المناقب لابن شهرآشوب: ۳۴۳/۳، عنه البحار: ۸۶/۳ ضمن رقم ۸.

۲- (۲)) المصدر السابق: ۱۱۱۲/۲ ح ۳۳۵۳.

هشدارهای تکاندهنده علی علیه السلام به حاکمان دنیا زده

سرزنش عثمان بن حنیف از شرکت در مجلس تشریفاتی

۱ - من کتابٍ لعلیّ علیه السلام إلی عثمان بن حُنیف و هو عامله علی البصره:

أمّا بعد، یا ابن حُنیف! فقد بلغنی أنّ رجلاً ـ من فتیه أهل البصره دعاک إلی مأدبه فأسرعتَ إلیها تُستطاب لک الألوان وتُنقل إلیک الجِفان، وما ظننتُ أنّک تجیب إلی طعام قوم عائلهم مجفوّ، وغنیّهم مدعوّ.

فانظر إلی ما تقضمُه من هذا المقضَم، فما اشتبه علیک علمه فالفِظه، وما أیقنت بطیب وجوهه فنل منه.

ألا ـ وإنّ لکلّ مأمومٍ إماماً یقتدی به ویستضیء بنور علمه، ألا وإنّ إمامکم قد اکتفی من دنیاه بطمریه، ۱ - (نامه امام علی علیه السلام به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت مهمانی سرمایه داری از مردم بصره را پذیرفت).

۱) ضرورت ساده زیستی کارگزاران

پس ازیاد خدا ودرود! ای پسر حُنیف،به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره، تورا به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند، وکاسه های پراز غذاپی درپی جلوی تونها دندگمان نمی کردم مهمانی مردمی راپبذیری که نیازمند انشان با ستم محروم شده، و ثروتمند انشان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن در کجایی؟ وبر سرکدام سفره می خوری؟پس آن غذایی که حلال وحرام بودنش را نمی دانی دور بیفکن، وآنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن.

۲) امام الگوی ساده زیستی

آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می کند، و از نور دانشش روشنی می گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده،

ومن طُعمه بقرصيه. ألا وإنّكم لا تقدرون على ذلك ولكن أعينونى بورعٍ واجتهاد، وعفّةٍ وسداد، فواللّه ما كنزتُ من دنياكم تِبراً، ولا ادّخرت من غنائمها وفراً، ولا أعددت لبالى ثوبَيَّ طِمراً.

بلى كانت فى أيدينا فدك من كلّ ما أظلّته السماء، فشحّت عليها نفوسُ قوم وسخت عنها نفوسُ آخرين. ونِعم الحَكم اللّه، وما أصنع بفدك وغير فدك والنفس مظانّها فى غدٍ جدث (۱)تنقطع فى ظلمته آثارها، وتغيب أخبارها، وحفره لو زيد فى فسحتها وأوسعت يدا حافرها لأضغطها الحجر والمدر، وسدّ فُرَجَها التراب المتراكم، وإنّما هى نفسى أروضها بالتقوى لتأتى آمنه يوم الخوف الأكبر، وتثبت على جوانب المزلق، ولو شئتُ لاهتديتُ الطريق إلى مصفّى هذا العسل ولباب هذا القمح ونسائج هذا القَزّ.

و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید امّا با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.

پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته، و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام و بر دو جامه ی کهنه ام جامه ای نیفزودم، (و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه ی تلخ درخت بلوط ناچیزتر است!).

آری از آنچه بر آن سایه افکنده، فَدَک (۲) در دست ما بود که مردمی بر آن بُخل ورزیده، و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و بهترین داور خداست.

مرا با فَدَک و غیرفَدَک چه کار؟ در حالی که جایگاه فردای آدمی گور است، که در تاریکی آن، آثار انسان نابود و اخبارش پنهان می گردد، گودالی که هر چه بر وسعت آن بیفزایند، و دست گورکن فراخش نماید، سنگ و کلوخ آن را پر کرده و خاک انباشته رخنه هایش را مسدود کند.

من نفس خود را با پرهیزکاری می پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک ترین روزها است در أمان، و در لغزشگاه های آن ثابت قدم باشد.

۳) هیچ گاه از مستمندان غفلت نکرد

من اگر می خواستم، می توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم،

۱- (۱)) أی القبر. (النهایه: ۲۴۳/۱).

۲- (۲)) پس از فتح خیبر دیگر یهودیان آن سامان را رسول خدا صلی الله علیه و آله صلح کردندو باغات «فَدَک» رابه آن حضرت بخشیدند، ورسول خدا صلی الله علیه و آله] آن را به فاطمه زهرا علیها السلام اهداء فرمود، و سندی برای آن تنظیم

کرد و ۵ سال در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در دست فاطمه علیها السلام قرار داشت اما در حکومت ابابکر آن را غصب کردند. (به کتاب فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام حرف ف، فدک مراجعه کنید).

ولکن هیهات أن یغلبنی هوای ویقودنی جشعی إلی تخیّر الأطعمه، ولعلّ بالحجاز أو الیمامه مَن لا طمع له فی القرص ولا عهد له بالشبع، أو أبیت مبطاناً وحولی بطون غرثی وأکباد حرّی، أو أکون کما قال القائل:

وحسبک داء أن تبیت ببِطنه وحولک أکباد تحنّ إلی القِدّ

أأقنع من نفسی بأن یقال أمیرُالمؤمنین ولا اشارکهم فی مکاره الدهر؟ أو أکون اسوهً لهم فی جُشوبه العیش؟ فما خُلقتُ لیشغلنی أکل الطیّبات کالبهیمه المربوطه همّها علفها، أو المرسله شغلها تقمّمها، تکترش من أعلافها وتلهو عمّا یراد بها، أو اترک سدیً أو اهمل عابثاً، أو اجرَّ حبل الضلاله، أو أعتسف طریق المتاهه.

وکأنّی بقائلکم یقول:

امّا هیهات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام های لذیذ برگزینم، در حالی که در «حجاز» یا «یمامه» (1) کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم هایی که از گرسنگی به پُشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت

«این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند».

۴) در تلخی های روزگار با مردم شریک بود

آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین علیه السلام خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی های زندگی الگوی آنان نگردم؟

آفریده نشده ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان افسار بسته پرواری که تمام همّت او علف، و یا چون حیوان رها شده که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده و از آینده ی خود بی خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم؟ و یا در راه سرگردانی قدم بگذارم؟.

۵) نقش تحمل سختی ها در رشد شخصیت انسان.

گویا می شنوم که شخصی از شما می گوید

۱- ((۱)) یمامه: سرزمینی در جنوب عربستان.

إذا كـان هـذا قوت ابن أبی طالب فقـد قعـد به الضـعف عن قتال الأقران ومنازله الشـجعان. ألا وإنّ الشـجره البرّيه أصـلب عوداً، والروائع الخضـره أرقّ جلوداً، والنباتـات البـدويه أقوى وقوداً وأبطأ خموداً، وأنـا من رسول اللّه كالصـنو من الصـنو والـذراع من العضد.

واللّه لو تظاهرت العرب على قتالی لمـا ولّيتُ عنها، ولو أمكنت الفرص من رقابها لسارعتُ إليها، وسأجهـد فی أن اطهّر الأرض من هذا الشخص المعكوس والجسم المركوس حتّى تخرج المدره من بين حَبّ الحصيد.

إليكِ عنّی يا دنيا، فحبلكِ على غاربكِ، قـد انسـللتُ من مخالبكِ، وأفلتُّ من حبائلكِ، واجتنبتُ الـذهاب فی مداحضكِ، أين القرون الّذين غررتِهم بمداعبِك؟ أين الأُمم الّذين فتنتِهم بزخارفكِ؟ هاهم رهائن القبور ومضامين اللحود. واللّه لو كنتِ شخصاً مرئيّاً وقالباً حسّيّاً لأقمتُ عليكِ حدود اللّه فی عبادٍ غررتِهم بالأمانی، واُمم ألقيتِهم فی المهاوی، «اگر غذای فرزند ابيطالب همين است، پس سُستی او را فرا گرفته و از نبرد با هماوردان و شجاعان بازمانده است». آگاه باشيد! درختان بيابانی، چوبشان سخت تر، و درختان كناره ی جويبار پوستشان نازک تر است. درختان بيابانی كه با باران سيراب می شوند آتش چوبشان شعله ورتر و پر دوام تر است.

۶) شجاعت بی مانند آن حضرت.

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله چونان روشنايی يک چراغيم، يا چون آرنج به يک بازو پيوسته ايم، به خدا سوگند! اگر اعراب در نبرد بـا من پشت به پشت يكـديگر بدهنـد، از آن روی برنتابم، و اگر فرصت داشـته باشم به پيكار همه می شـتابم، و تلاش می كنم كه زمين را از اين شـخص مسـخ شده «معاويه» و اين جسم كج انديش، پاک سازم تا سـنگ و شن از ميان دآنه ها جدا گردد.

۷) امام و دنيای دنيا پرستان

ای دنيـا از من دورشو، مَهارت را بر پُشت تو نهاده، وازچنگال های تو رهايی يافتم، و از دام های تو نجات يافته، و از لغزشـگاه هايت دوری گزيـده ام. كجاينـد بزرگانی كه به بازيچه های خود فرِيبِشان داده ای؟ كجاينـد امّت هايی كه با زَر و زيورت آن ها را فريفتی؟ كه اكنون در گورها گرفتارند! و درون لَحَدها پنهان شده اند.

أی دنيا به خـدا سوگند! اگر شخصـی ديدنی بودی، وقالب حس كردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می كردم، به جهت بندگانی كه آن ها را با آرزوهايت فريب دادی، وملّت هايی كه آن ها را به هلاكت افكندی،

وملوكٍ أسلمتِهم إلى التلف وأوردتِهم موارد البلاء، إذ لا ورِدَ ولا صَدَرَ. هيهات مَن وطئ دحضكِ زلق، ومَن ركب لججكِ غرق، ومَن ازورّ عن حبائلكِ وفّق. والسالم منكِ لا يبالى إن ضاق به مُناخه، والدنيا عنده كيومٍ حانَ انسلاخه.

اعزبى عنّى، فواللّه لا أذلّ لكِ فتستذلّيني، ولا أسلس لكِ فتقودينى . وأيمُ اللّه يميناً أستثنى فيها بمشيئه اللّه لأروضنّ نفسى رياضه تهشّ معها إلى القرْص إذا قدَرَت عليه مطعوماً، وتقنع بالملح مأدوماً، ولأدعنّ مقلتى كعين ماءٍ نضب معينُها مستفرغةً دموعها. أتمتلئ السائمه من رعيها فتبرُك؟ وتشبع الربيضه من عُشبها فتربِض؟ ويأكل علىّ من زاده فيهجع؟ قرّت إذاً عينه إذا اقتدى بعد السنين المتطاوله بالبهيمه الهامله والسائمه المرعيه.

طوبى لنفس أدّت إلى ربّها فرضها، وعركت بجنبها بؤسها.

وهجرت فى الليل غُمضها، حتّى إذا غلب الكرى عليها افترشت و قدرتمندانى كه آن ها را تسليم نابودى كردى، و هدف انواع بلاها قرار دادى كه ديگر راه پس و پيش ندارند، امّا هيهات! كسى كه در لغزشگاه تو قدم گذارد سقوط خواهد كرد، و آن كس كه بر امواج تو سوار شد غرق گرديد، كسى كه از دام هاى تو رهايى يافت پيروز شد، و آن كس كه از تو به سلامت گذشت نگران نيست كه جايگاهش تنگ است، زيرا دنيا در پيش او چونان روزى است كه گذشت.

از برابر ديدگانم دورشو، سوگند به خدا، رام تو نگردم كه خوارم سازى، و مهارم را به دست تو ندهم كه هر كجا خواهى مرا بكشانى، به خدا سوگند، سوگندى كه تنها اراده ى خدا در آن است، چنان نفس خود را به رياضت وادارم كه به يک قرص نان، هرگاه بيابم شاد شود، و به نمک به جاى نان خورش قناعت كند، و آنقدر از چشم ها اشک ريزم كه چونان چشمه اى خشک درآيد، و اشک چشمم پايان پذيرد.

آيا سزاوار است كه چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند، و گله ى گوسفندان پس از چرا كردن به آغُل رو كنند، و على نيز [همانند آنان] از زاد و توشه ى خود بخورد و استراحت كند؟ چشمش روشن باد! كه پس از ساليان دراز، چهارپايان رها شده، و گلّه هاى گوسفندان را الگو قرار دهد!!

خوشا به حال آن كس كه مسؤوليت هاى واجب را در پيشگاه خدا به انجام رسانده، و در راه خدا هرگونه سختى و تلخى را به جان خريده، و به شب زنده دارى پرداخته است، و اگر خواب بر او چيره شده بر روى

أرضـها وتوسّدت كفّها فی معشـر أسهر عيونهم خوف معادهم، وتجافت عن مضاجعهم جنوبهم. وهمهمت بذِكر ربّهم شفاهُهم، وتقشّـعت بطول اسـتغفارهم ذنوبهم أُوْلَٰٓئِكَ حِزْبُ اللّهِ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱) فـاتّق اللّه يـا ابن حُنيف، ولتكفِك أقراصُک ليکون من النار خلاصُک (۲).

زمین خوابیده، و کف دست را بالش خود قرار داده و درگروهی است که ترس از معاد خواب را از چشـمانشان ربوده، وپهلواز بسترها گرفته، و لبهایشان به یاد پروردگار در حرکت و با استغفار طولانی گناهان را زدوده اند «آنان حزب خداوندند، و همانا حزب خدا رستگار است».

پس از خدا بترس ای پسر حُنیف (۳)، و به قرص های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

سفارش به صرفه جویی و حفظ اموال مسلمین

۱ - عـن جعفر بن محمّـد عن آبـائه عليهم السـلام أنّ أميرالمـؤمنين عليه السـلام كتب إلى عمّـاله: أدقّوا أقلامكم، وقـاربوا بين سطوركم، واحذفوا عنّى فضولكم، واقصدوا قصد المعانى، وإيّاكم والإكثار، فإنّ أموال المسلمين لا تحتمل الإضرار (۴).

۱ - امام جعفر صادق علیه السـلام از پدرانش نقل می کند که امیر مؤمنان علیه السـلام به کارگزارانش (این چنین) نوشت: قلم هایتان را نازک کنید و سطرها را به هم نزدیک کنید، برای من عبارات اضافی را حذف کنید، در پی فهماندن معنی باشید و از زیاده گویی بپرهیزید، چرا که اموال مسلمانان تحمل ضرر ندارد (نباید به اموال مسلمانان ضرر وارد شود).

۱- ((۱)) المجادله: ۲۲.

۲- ((۲)) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده): ۷۰/۳ - ۷۵ (ترجمه دشتی: ۵۵۲ - ۵۵۷ نامه ۴۵).

۳- ((۳)) الخصال: ۳۱۰ ح ۸۵، عنه البحار: ۱۰۵/۴۱ ح ۶، و: ۴۹/۷۶ ح ۲، و: ۲۷۵/۱۰۴ ح ۱.

۴- ((۴)) عثمـان بن حنيف بن وهب الأنصاری الأوسـی صـحابی است. در جنگ احـد و جنگ های پس از آن شـرکت کرد از جانب عمر ولایت سواد کوفه به وی داده شـد. و از جانب امیرمؤمنان علی علیه السـلام ولایت بصـره را یافت و هنگامی که فتنه جمـل برخـاست یـاران عایشه وی را بر ضـد علی علیه السـلام دعوت کردنـد، و او نپـذیرفت پس موی ریش و ابرو و سـرش را کندند و او به علی پیوست پس از شـهادت آن حضـرت زنده بود و در زمان معاویه در کوفه از دنیا رفت. «نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۰۵/۱۶ و منتهی الآمال: ۲۸۸/۱، الأعلام زرکلی چاپ اول: ۶۲۵».

نامه هشدار دهنده امام علیه السلام به حاکمی از حاکمان

اهمیت دادن امام به گزارشات مردمی

۱ - کتب [علیّ] علیه السلام إلی زیاد - وهو خلیفه عبداللّه بن العبّاس بالبصره - یستحثّه بحمل مال مع سعد مولاه، فاستحثّه فأغلظ له زیاد وشتمه،

فلمّا قدم سعد علی علیّ شکا إلیه وعابه عنده وذکر منه تجبّراً وإسرافاً، فکتب علیّ علیه السلام إلیه:

إنّ سعداً ذکر لی أنّک شتمته ظالماً وجبَهته تجبّراً وتکبّراً، وقد قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

الکبریاء والعظمه للّه فمَن تکبّر سخط اللّه علیه.

وأخبرنی أنّک مستکثر من الألوان فی الطعام، وأنّک تدهن فی کلّ یوم.

فماذا علیک لو صمت للّه أیّاماً وتصدّقت ببعض ما عندک محتسباً ۱ - علی علیه السلام به زیاد - که جانشین عبداللّه بن عباس در بصره بود - نامه ای نوشت و در آن نامه مصرانه از او خواست که هر چه زودتر اموالی را به همراهی غلام آزاد شده اش به نام سعد به نزد آن حضرت بفرستد، سعد نیز با پافشاری از زیاد خواست که اقدام کند. به جهت اصرار او، زیاد با او تندی کرد و به او ناسزا گفت. هنگامی که سعد از بصره بازگشت و به محضر علی علیه السلام رسید پیش او از زیاد شکایت کرد و بر او عیب گرفت و از خود بزرگ بینی و ولخرجی او یاد کرد. در پی آن، علی علیه السلام به او چنین نوشت: سعد می گوید «که به ناحق به او دشنام داده ای و با غرور و نخوت با او برخورد کرده ای» با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: بزرگ منشی و عظمت ویژه ی خدا است پس کسی که خود را بزرگ پندارد خدا بر او خشم گیرد، او باز به من خبر داد که «از غذاهای رنگارنگ بسیار استفاده می کنی و این که تو هر روز روغن به خود می زنی» چه می شد اگر روزهایی را روزه بگیری وپاره ای از چیزهایی را که داری برای خدا صدقه دهی

وأكلت طعامك فی مرّه مراراً أو أطعمته فقيراً؟ أتطمع – وأنت متقلّب فی النعيم تستأثر به علی الجار المسكين والضعيف الفقير والأرمله واليتيم – أن يجب لک أجر الصالحين المتصدّقين؟

وأخبرنی أنّک تتكلّم بكلام الأبرار وتعمل عمل الخطّائين، فإن كنت تفعل ذلک فنفسک ظلمت وعملک أحبطت، فتب إلی ربّک وأصلح عملک واقتصد فی أمرک وقدّم الفضل ليوم حاجتک إن كنت من المؤمنين، وادّهن غبّاً ولا تدّهن رفهاً، فإنّ رسول اللّه صلی الله عليه و آله قال: ادّهنوا غبّاً ولا تدّهنوا رفهاً، والسلام (۱).

و غذای یک وعده ات را چندین بار بخوری یا به بینوایی بخورانی؟ آیا تو – با آن که در نعمت غوطه وری و همسایه بیچاره و ناتوان بینوا و زن بیوه و بچه یتیم را از آن بی نصیب گذاشته و تنها خودت از آن بهره می بری – امید داری که پاداش شایستگان و پرهیزگاران به تو داده شود؟

به من گزارش داد که سخن نیکان بر زبان رانی ولی کار خطاکاران کنی اگر چنین می کنی به خود ستم کرده ای و تلاش خود را تباه ساخته ای پس اگر از گروه مؤمنان هستی به سوی پروردگارت باز گرد و کارت را اصلاح کن و میانه روی (در زندگی) را پیشه ساز و زیادی را برای روز نیازت پیش فرست، یک روز در میان روغن بزن ولی از روی هوس رانی نباشد زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود «یک روز در میان روغن بزنید و به جهت رفاه طلبی روغن نزنید» و السلام.

توجه ویژه به طبقه پایین و محروم

۱ – ضمن عهد له عليه السلام كتبه للأشتر النخعی – قال عليه السلام : اللّه اللّه فی الطبقه السفلی من الّذين لاحيله لهم والمساكين والمحتاجين وأهل البؤسی والزمنی، ۱) سیمای محرومان و مستضعفان

سپس – حضرت خطاب به مالک اشتر – فرمود: خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان.

۱– (۱)) جُمل من أنساب الأشراف: ۳۹۲/۲.

فإنّ فی هذه الطبقه قانعاً ومعترّاً.

واحفظ للّه ما استحفظک من حقّه فیهم، واجعل لهم قسماً من بیت مالک وقسماً من غلّات صوافی الإسلام فی کلّ بلد،

فإنّ للأقصی منهم مثل الّذی للأدنی، وکلٌّ قد استُرعیتَ حقّه فلا یشغلنّک عنهم بطر، فإنّک لا تعذر بتضییعک التافه لإحکامک الکثیر المهمّ، فلا تشخص همّک عنهم، ولا تصعّر خدّک لهم.

وتفقّد امور مَن لا یصل إلیک منهم ممّن تقتحمه العیون وتحقِره الرجال، ففرّغ لُاولئک ثقتک من أهل الخشیه والتواضع، فلیرفع إلیک امورهم،

ثمّ اعمل فیهم بالإعذار إلی اللّه یوم تلقاه، فإنّ هؤلاء من بین الرعیه أحوج إلی الإنصاف من غیرهم، وکلٌّ فأعذر إلی اللّه فی تأدیه حقّه إلیه.

وتعهّد أهل الیُتم وذوی الرقّه فی السنّ ممّن لا حیله له ولا ینصب للمسأله نفسه، وذلک علی الولاه ثقیل،

والحقّ کلّه ثقیل، همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می دارند، پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معیّن فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غلّه های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می باشی.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیّت های کوچک تر نخواهد بود.

پس همواره در فکر مشکلات آنان باش ،و از آنان روی برمگردان، به ویژه امورکسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند.

۲) تعیین یک شخص برای رسیدگی به نیازمندیهای آنان

برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیّت بیشتر از دیگران به رعایت انصاف نیازمندند، و حق آنان را به گونه ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند. و دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجویی کن و این مسؤولیّتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حقّ، همه اش سنگین است،

وقـد يخفّفه اللّه على أقوام طلبوا العاقبه فصبّروا أنفسـهم ووثقوا بصدق موعود اللّه لهم. واجعل لذوى الحاجات منك قسـماً تفرّغ لهـم فيـه شـخصك، وتجلس لهم مجلساً عامّاً فتتواضـع فيه للّه الّـذى خلقـک، وتُقعِـد عنهم جنـدك وأعوانـک من أحراسـک وشُـرَطك ، حتّى يكلّمك متكلّمهم غيرَ متتعتع، فإنّى سـمعت رسول اللّه صلى الله عليه و آله يقول فى غير موطن: «لن تقدّس امّه لا يؤخذ للضعيف فيها حقّه من القوىّ غير متتعتع».

ثمّ احتمل الخُرق منهم والعِيّ.

ونـحّ عنك الضـيق والأنَف يبسط اللّه عليك بـذلك أكناف رحمته، ويوجب لك ثواب طاعته. وأعط ما أعطيت هنيئاً، وامنع فى إجمالٍ وإعذار... (۱).

ثمّ قـال عليه السـلام : وأمّـا بعـد، فلا تطوّلنّ احتجابـک عن رعيّتـك، فإنّ احتجاب الولاه عن الرعيه شـعبه من الضـيق، وقلّه علم بالاُمور، والاحتجاب منهم يقطع و خداوند آن را بر مردمى آسان مى كند كه سـرانجام نيک را خواهانند و خود را بر شـكيبايى وا مى دارند، و به وعده هاى پروردگار اطمينان دارند.

۳) ديدار رو در رو با مردم

پس بخشـى از وقت خود را به كسـانى اختصـاص ده كه به تو نياز دارنـد، تا شـخصاً به امور آنان رسـيدگى كنى، و در مجلس عمومى با آنان بنشـينى پس و در برابر خدايى كه تو را آفريده فروتن باش، و سربازان و ياران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور كن تا سـخنگوى آنان بدون اضـطراب درسخن گفتن با تو گفتگو كند، من از رسول خدا صلى الله عليه و آله بارها شنيدم كه مى فرمود:

«ملّتى كه حق ناتوانان را از زورمندان، بى اضطراب و بهانه اى باز نستاند، رستگار نخواهد شد»

پس درشتى و سـخنان نـاهموار آنـان را بر خود هموار كن، و تنگ خويى و خودبزرگ بينى را از خود دورساز تا خـدا درهاى رحمت خود را به روى تو بگشايد، و تو را پاداش اطاعت ببخشايد، آنچه به مردم مى بخشـى بر تو گوارا باشد، و اگر چيزى را از كسى باز مى دارى با مهربانى و پوزش خواهى همراه باشد... .

۴) از مردم غافل نباش و هميشه به آن ها توجّه كن

سپس فرمـود:هيـچ گـاه خـود را فراوان از مردم پنهـان مـدار، كه پنهـان بـودن رهـبران، نمونه اى از تنـگ خويى و مـايه ى كم اطّلاعى در امور جامعه مى باشد. پنهان شدن

۱- (۱)) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده) : ۱۰۰/۳ - ۱۰۲ (ترجمه دشتى: ۵۸۴ - ۵۸۷).

عنهم علم ما احتجبوا دونه، فیصغر عندهم الکبیر، ویعظم الصغیر، ویقبُح الحسن ویحسُن القبیح، ویُشابُ الحقّ بالباطل.

وإنّما الوالی بشرٌ لا یعرف ما تواری عنه الناس به من الاُمور، ولیست علی الحقّ سمات تُعرف بها ضروب الصدق من الکَذب، وإنّما أنت أحد رجلین: إمّا امرؤٌ سخَت نفسک بالبذل فی الحقّ ففیم احتجابک من واجب حقّ تعطیه أو فعل کریم تسدیه؟ أو مبتلی بالمنع فما أسرع کفّ الناس عن مسألتک إذا أیسوا مِن بَذلِک؟ مع أنّ أکثر حاجات الناس إلیک ممّا لا مؤونه فیه علیک، من شَکاه مظلمه أو طلب إنصاف فی معامله.

ثمّ إنّ للوالی خاصّهً وبطانهً فیهم استئثار وتطاول، وقلّه إنصاف فی معامله، فاحسم مادّه اولئک بقطع أسباب تلک الأحوال، ولا تقطعنّ لأحدٍ من حاشیتک وحامّتک قطیعه، ولا یطمعنّ منک فی اعتقاد عقده تضرّ بمن یلیها من الناس فی شربٍ أوعملٍ مشترک یحملون از رعیّت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می نماید، و باطل به لباس حق درآید. همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی داند، و حق را نیز نشانه ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود، و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می باشی:

یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کرده ای که در این حال، نسبت به حقّ واجبی که باید بپردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می داری؟ و یا مردی بخیل و تنگ نظری، که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند مأیوس شده از درخواست کردن باز مانند.

با اینکه بسیاری از نیازمندی های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت، که شکایت از ستم دارند و خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند.

۵) اخلاق رهبری با خویشاوندان

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را واگذار مکن، و به گونه ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک؛

مؤونته علی غیرهم، فیکون مَهنأ ذلک لهم دونک، وعیبُه علیک فی الدنیا والآخره... (۱).

ثمّ قال علیه السلام : وإیّاک والمنّ علی رعیّتک بإحسانک، أو التزیّد فیما کان من فعلک أو أن تَعِدَهم فتُتبع موعدک بخُلفک، فإنّ المنّ یبطل الإحسان، والتزیّد یَذهب بنور الحقّ، والخُلف یوجب المقت عند اللّه والناس، قال اللّه تعالی: کَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَاتَفْعَلُونَ (۲).

که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند... .

۶) هشدار از منّت گذاری

سپس فرمود: مبادا هرگز با خدمت هایی که انجام دادی بر مردم منّت گذاری، یا آنچه را انجام داده ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده ای داده، سپس خُلف وعده نمایی!

منّت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویید وعمل نکنید»

۱- (۱)) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده): ۱۰۳/۳ - ۱۰۵ (ترجمه دشتی: ۵۸۴ - ۵۸۷ نامه ۵۳).
۲- (۲)) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۱۰۹/۳. (ترجمه محمددشتی:۵۸۹ - ۵۹۱نامه ی ۵۳) و الآیه ۳ من سوره الصفّ.

علی علیه السلام و حدود چهارگانه سرای دنیوی

۱ – روی أنّ شریح بن الحارث قاضی أمیرالمؤمنین علیه السلام اشتری علی عهده داراً بثمانین دیناراً، فبلغه ذلک فاستدعاه وقال له: بلغنی أنک ابتعت داراً بثمانین دیناراً وکتبت کتاباً وأشهدت فیه شهوداً، فقال شریح: قد کان ذلک یا أمیرالمؤمنین. قال: فنظر إلیه نظر مغضب ثمّ قال له: یا شریح! أما إنّه سیأتیک مَن لاـ ینظر فی کتابک، ولاـ یسألک عن بیّنتک حتی یخرجک منها شاخصاً، ویُسلمک إلی قبرک خالصاً. فانظر یا شریح لا تکون ابتعت هذه الدار من غیر مالک أو نقدت الثمن من غیر حلالک، فإذاً أنت قد خسرت دار الدنیا ودار الآخره. أما إنّک لو أتیتنی عند شرائک ما اشتریت لکتبت لک کتاباً علی هذه النسخه فلم ترغب فی شراء هذه الدار بدرهم فما فوق.

۱) برخورد قاطعانه با خیانتِ کارگزاران

– به امام خبر دادند که شریح بن الحارث، قاضی منسوب از جانب امام خانه ای به ۸۰ دینار خرید، – حضرت او را احضار کرده فرمود:

به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای، وسندی برای آن نوشته ای، و گواهانی آن را امضاء کرده اند.

شریح گفت: آری ای امیرمؤمنان (۱)، امام علیه السلام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود:

ای شریح! به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند، و از گواهانت نمی پرسد، تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد.

ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.

اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سَنَدی می نوشتم که دیگر برای خرید آن حتّی به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی کردی،

۱- (۱)) شریح بن حارث را عمر منصب قضاوت داد و حدود ۶۰ سال در مقام خود باقی ماندامّا سه سال در دوران عبداللّه بن زبیر از قضاوت کناره گرفت و در زمان حجّاج استعفا داد،در دوران حکومت امام علیه السلام خلافی مرتکب شد که او را به روستای در اطراف مدینه تبعید کرد و دوباره به کوفه بازگرداند.

والنسخه: هذا ما اشترى عبدٌ ذليل من عبدٍ قد ازعج للرحيل، اشترى منه داراً من دار الغرور من جانب الفانين وخطّه الهالكين، ويجمع هذه الدار حدودٌ أربعه: الحدّ الأوّل ينتهى إلى دواعى الآفات، والحدّ الثانى ينتهى إلى دواعى المصيبات، والحدّ الثالث ينتهى إلى الهوى المُردى، والحدّ الرابع ينتهى إلى الشيطان المُغوى، وفيه يُشرع باب هذه الدار. اشترى هذا المغترّ بالأمل من هذا المزعج بالأجل هذه الدار بالخروج من عزّ القناعه والدخول فى ذُلّ الطلب والضراعه، فما أدرك هذا المشترى فيما اشترى من دَرَكٍ، فعلى مبلبِل أجسام الملوك وسالب نفوس الجبابره ومزيل مُلك الفراعنه مثل كسرى وقيصر، وتُبّع وحِميَر، ومن جمع المال على المال فأكثر، وبنى وشيّد وزخرف، ونجّد وادّخر، واعتقد ونظر بزعمه للولد إشخاصهم جميعاً إلى موقف العَرْض والحساب، وموضع الثواب والعقاب. إذا وقع الأمر آن سند را چنين مى نوشتم:

۲) هشدار از بى اعتبارى دنياى حرام

اين خانه اى است كه بنده اى خوار آن را از بنده ى آماده ى كوچ خريده، خانه اى از سراى غرور، كه در محلّه نابودشوندگان، و كوچه هلاك شدگان قرار دارد، اين خانه به چهار جهت منتهى مى گردد:

يك سوى آن به آفت ها و بلاها، سوى دوّم آن به مصيبت ها، و سوى سوم به هوا وهوس هاى سُست كننده، وسوى چهارم آن به شيطان گمراه كننده ختم مى شود و دَرِخانه به روى شيطان گشوده است.اين خانه را فريب خورده ى آزمند، از كسى كه خودبه زودى از جهان رخت برمى بندد،به مبلغى كه او را از عزّت و قناعت خارج و به خوارى و دنيا پرستى كشانده، خريدارى كرده است.

هرگونه نقصى در اين معامله باشد، بر عهده ى پروردگارى است كه اجساد پادشاهان را پوسانده، و جان جبّاران را گرفته، و سلطنت فرعون ها چون كسرىٰ و قيصر و تُبَّع و حمير را نابوده كرده است (۱).

۳) عبرت از گذشتگان

آنان كه مال فراوان گردآورده بر آن افزودند، و آنان كه قصرها ساخته، ومحكم كارى كردند، طلاكارى كرده، و زينت دادند، فراوان اندوختند، و نگهدارى كردند، وبه گمان خود براى فرزندان خود باقى گذاشتند همگى آنان به پاى حسابرسى الهى، و جايگاه پاداش و كيفر رانده مى شوند، آنگاه كه فرمان داورى

۱- (۱)) فرعون، لقب پادشاهان مصر، و كسرىٰ، لقب پادشاهان ايران و قيصر، لقب امپراطوران روم، و تُبع، لقب فرمانگزاران يَمن، و حمير لقب پادشاهان جنوب عربستان پيش از اسلام بود.

بفصل القضاء وَ خَسِرَ هُنالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۱) شهد علی ذلک العقل إذا خرج من أسر الهوی وسلم من علائق الدنیا (۲).

و قضاوت نهایی صادر شود «پس تبهکاران زیان خواهند دید»

به این واقعیّت ها عقل گواهی می دهد هرگاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته، و از دنیاپرستی به سلامت بگذرد.

۱- (۱)) غافر: ۷۸.

۲- (۲)) نهج البلاغه (شرح محّمد عبده): ۴/۳ (ترجمه محمّد دشتی: ۴۸۰-۴۸۳نامه ی ۳).

آیا همه بانوان مهاجران با چنین گردن بندی زینت می کنند؟

۱ – عن علیّ بن أبی رافع قال:

کنت علی بیت مال علیّ بن أبی طالب علیه السلام و کاتبه، و کان فی بیت ماله عقد لؤلؤ کان أصابه یوم البصره. قال: فأرسلت إلیَّ بنت علیّ بن أبی طالب علیه السلام فقالت لی:

بلغنی أنّ فی بیت مال أمیرالمؤمنین علیه السلام عقد لؤلؤ و هو فی یدک و أنا احبّ أن تعیرنیه أتجمّل به فی أیّام عید الأضحی، فأرسلت إلیها: عاریه مضمونه مردوده یا بنت أمیرالمؤمنین؟ فقالت: نعم عاریه مضمونه مردوده بعد ثلاثه أیّام، فدفعته إلیها، و أنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام رآه علیها فعرفه، فقال لها: من أین صار إلیکِ هذا العقد؟ فقالت:

استعرته من علیّ بن أبی رافع خازن بیت مال أمیرالمؤمنین لأتزیّن به فی العید ثمّ أردّه، قال:

فبعث إلیَّ أمیرالمؤمنین علیه السلام فجئته، فقال لی: أتخون المسلمین یا ابن أبی رافع؟!! ۱ – علی بن ابی رافع گوید: من خزانه دار بیت المال علی بن ابیطالب علیه السلام و منشی او بودم. در بیت المال او گردن بند مرواریدی از غنیمت های جنگ بصره بود، دختر علی بن ابیطالب علیه السلام (کسی را) پیش من فرستاد وگفت: به من گفته اند که در بیت المال امیر مؤمنان گردن بند مرواریدی است که در اختیار تو است و من می خواهم تو آن را به من عاریه دهی تا در روز عید قربان از آن بهره ببرم (به او پیام دادم که) ای دختر امیرمؤمنان! به این شرط (می دهم) که عاریه مضمونه باشد و پس از سه روز برگردانده شود، او پذیرفت که عاریه مضمونه بوده پس از سه روز آن را برگرداند، گردن بند را برایش فرستادم، امیرمؤمنان علیه السلام آن را در گردن او دید و شناخت، به او گفت «این گردن بند از کجاست؟» عرض کرد «از علی بن ابی رافع خزانه دار بیت المال امیرمؤمنان علیه السلام ، آن را عاریه گرفته ام تا در روز عید خود را با آن بیارایم و بعد به او برگردانم».

امیر مؤمنان مرا احضار کرد، به محضرش رفتم (مرا که دید) فرمود «ای پسر ابی رافع! آیا به مسلمانان خیانت می کنی؟»

فقلت له: معاذ اللّه أن أخون المسلمين، فقال: كيف أعرتَ بنت أميرالمؤمنين العقد الّذی فی بيت مال المسلمين بغير إذنی ورضاهم؟!!فقلت:ياأميرالمؤمنين! إنّها ابنتك و سألتنی أن اعيرها إيّاه تتزيّن به فأعرتها إيّاه عاريه مضمونه مردوده فضمنته فی مالی و علیَّ أن أردّه سليماً إلی موضعه، قال: فردّه من يومك و إيّاك أن تعود لمثل هذا فتنالك عقوبتی. ثمّ قال: أولی لابنتی لو كانت أخذت العقد علی غير عاريه مضمونه مردوده لكانت إذاً أوّل هاشميّه قطعت يدها فی سرقه. قال: فبلغ مقالته ابنته فقالت له: يا أميرالمؤمنين! أنا ابنتك و بضعه منك فمَن أحقّ بلبسه منّی؟ فقال لها أميرالمؤمنين عليه السلام : يا بنت علیّ بن أبی طالب! لا تذهبنّ بنفسكِ عن الحقّ أكلّ نساء المهاجرين تتزيّن فی هذا العيد بمثل هذا؟! قال:

فقبضته منها ورددته إلی موضعه (۱).

عرض كردم «به خدا پناه می برم از اين كه به مسلمانان خيانت كنم»، فرمود «چگونه بدون اجازه ی من و رضايت مسلمانان، گردن بندی را كه در بيت المال مسلمانان بود به دختر اميرمؤمنان عاريه دادی؟» عرض كردم، «ای امير مؤمنان! او دختر شما بود و از من خواست كه آن را برای زينت كردن به او عاريه دهم من هم به صورت عاريه مضمونه ای كه بر می گردد به او دادم و از مال خودم آن را ضمانت كردم و بر من است كه آن را سالم به جايش برگردانم»، (آن حضرت) فرمود «همين امروز آن را برگردان و مبادا دگرباره چنين كاری از تو سرزند كه تو را كيفر خواهم داد» سپس فرمود «وای بر (حال) دخترم اگر گردن بند را بدون شرط عاريه مضمونه مردوده گرفته بود، بی شك در اين صورت او نخستين زن هاشمی بود كه دستش را به جرم دزدی قطع می كردم»، سخن امير مؤمنان به گوش دخترش رسيد به او گفت «ای اميرمؤمنان! من دختر شما و پاره ی تن شما هستم چه كسی از من سزاوارتر است كه از آن بهره برد؟» (علی عليه السلام) به او فرمود «از حق تجاوز نكن آيا همه زنان مهاجران در اين عيد با چنين گردن بندی زينت می كنند؟» ابن ابی رافع گويد «گردن بند را از او گرفتم و به جای خود برگرداندم».

۱- (۱)) تهذيب الأحكام: ۱۵۱/۱۰ ح ۶۰۶، عنه المناقب لابن شهرآشوب: ۱۰۸/۲.

لباس امیرمؤمنان علیه السلام

۱ – استعدی زیاد بن شدّاد الحارثی (صاحب رسول اللّه صلی الله علیه و آله) علی أخیه عُبیداللّه بن شدّاد فقال:

یا أمیرالمؤمنین! ذهب أخی فی العباده وامتنع أن یساکننی فی داری ولبس أدنی ما یکون من اللباس، قال: یا أمیرالمؤمنین! تزیّنت بزینتک ولبست لباسک، قال: لیس لک ذلک، إنّ إمام المسلمین إذا ولی امورهم لبس لباس أدنی فقیرهم لئلّا یتبیّغ بالفقیر فقره فیقتله، فلأعلمنّ ما لبست إلّامن أحسن زیّ قومک وَأَمّا بِنِعْمَهِ رَبِّک فَحَدِّث (۱)فالعمل بالنعمه أحبّ إلیَّ من الحدیث بها (۲).

۲ – عن مُعلّی بن خُنَیس عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ علیّاً علیه السلام کان عندکم فأتی بنی دیوان واشتری ثلاثه ۱ – زیاد بن شدّاد حارثی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از دست برادرش عبیداللّه بن شدّاد، امیرمؤمنان علیه السلام را به یاری طلبید و عرض کرد «ای امیرمؤمنان! برادرم به عبادت روی آورده است و از این که با من در خانه ام زندگی کند پرهیز می کند و بی ارزش ترین جامه را پوشیده است».

عبیداللّه بن شدّاد عرض کرد «ای امیرمؤمنان! من هم چون شما خود را آراسته ام و مانند شما لباس پوشیده ام».

حضرت فرمود «این کار برای تو روا نیست؛ زیرا پیشوای مسلمانان چون امور آنان را عهده دار شود پست ترین لباس نیازمندان آنان را می پوشد تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا بدر نبرد که او را بکشد، پس همانا به تو می گویم که نپوشی مگر از نیکوترین لباس مناسب در میان نزدیکان و آشنایانت» [و این آیه را قراءت فرمود] «و امّا نعمت پروردگارت را بازگوی» [و ادامه داد:] پس به کار بستن نعمت، نزد من محبوب تر است از بیان کردن آن.

۲ – مُعلّی بن خُنَیس از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: حضرت علی علیه السلام که در [میان] شما [مردم] بود نزد قبیله ی بنی دیوان رفت و سه

۱- (۱)) الضحی:۱۱.

۲- (۲)) الاختصاص: ۱۵۲، عنه المستدرک:۲۳۷/۳ ح ۳۴۷۱.

أثواب بـدينار، القميص إلى فوق الكعب، والإزار إلى نصف الساق، والرداء من بين يديه إلى ثدييه ومن خلفه إلى أليتيه، ثمّ رفع يـده إلى السـماء، فلم يزل يحمـد اللّه على مـا كساه حتّى دخل منزله ثمّ قال: هـذا اللّباس الّذى ينبغى للمسـلمين أن يلبسوه، قال أبوعبداللّه عليه السلام : ولكن لا يقدرون أن يلبسوا هذا اليوم، ولو فعلناه لقالوا: مجنون، ولقالوا:

مرائى، واللّه تعالى يقول: وَ ثِيابَکَ فَطَهِّرْ (۱) قال:وثيابك ارفعهاولا تجرّها، وإذا قام قائمنا كان هذا اللّباس (۲).

۳ - قال علىّ أميرالمؤمنين عليه السـلام فى كتابه لزياد بن أبيه: فـدع الإسـراف مقتصـداً، واذكر فى اليوم غداً، وأمسک من المال بقدر ضـرورتک، وقدّم الفضل ليوم حاجتک، أترجو أن يعطيک اللّه أجر المتواضعين وأنت عنده من المتكبرين؟! وتطمع وأنت متمرّغ فى النعيم تمنعه الضـعيف والأرملة أن يوجب لک ثواب المتصـدّقين؟! وإنّما المرء مَجْزىّ بما أسـلف، وقادم على ما قـدّم (۳).

لباس به يک دينار خريد: يک پيراهن تا بالای مچ پا، يک لباس [شلوار] تا وسط ساق پا و يک ردا [روپوش] که از جلو تا سينه ها و از پشت تا ران هايش را پوشش می داد.

آن گاه دست به آسـمان بلند کرد وپيوسـته خدا را برای اين لباس ها می ستود تا وارد منزلش شد، پس فرمود «اين لباسی است که سزاوار است مسلمانان بپوشند».

آن گاه امام صادق عليه السـلام فرمود: ولی امروز مسلمانان نمی توانند اين گونه بپوشند و ما اگر [اين گونه] بپوشيم می گويند ديوانه است، و می گوينـد رياكار است. و خداونـد متعال می فرمايد «و لباست را پاک کن» [يعنی] و لباست را بالا بزن و روی زمين نکشان. و آن گاه که قائم ما قيام کند لباس اش، آن گونه خواهد بود.

سفارش به ساده زيستی و قناعت

۳ - اميرمؤمنان علی عليه السـلام در نامه ی خود به زياد بن أبيه نوشت: [ای زياد] از اسراف بپرهيز و ميانه روی را برگزين، و از امروز در فکر فردا بـاش، و از اموال دنيـا به انـدازه ی کفـاف خويش نگهـدار و زيادی را برای روز نيازمنـدی ات [در آخرت] پيش فرست. آيا اميـد داری که خداوند پاداش فروتنان را به تو بدهد در حالی که نزد خدا از متکبرانی؟! و وقتی خود در ناز و نعمت غوطه می خوری و تهی دسـتان و بيوه زنـان رااز آن محروم ساخته ای، آيا طمع داری که اين رفتار،تو را به پاداش انفاق کنندگان برساند؟! همانا انسان به آنچه پيش فرستاده است پاداش می گيرد و به آن وارد خواهد شد.

۱- (۱)) المدّثّر: ۴.

۲- (۲)) الكافى: ۴۵۵/۶ ح ۲.

۳- (۳)) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده):۱۹/۳، عنه البحار: ۴۹۰/۳۳ ضمن ح ۶۹۵.

۴ – عن أبی خداش المهری قال:

مرّ بنا بالبصره مولیً للرضا علیه السلام یقال له عُبید، فقال: دخل قوم من أهل خراسان علی أبی الحسن علیه السلام فقالوا له: إنّ النـاس قـد أنکروا علیـک هـذا اللباس الّـذی تلبسه، قال: فقال لهم : إنّ یوسف بن یعقوب علیه السـلام کان نبیّاً ابن نبیّ، ابن نبیّ وکان یلبس الدیباج ویتزرّر بالذهب ویجلس مجالس آل فرعون، فلم یضعه ذلک، وإنّما یذمّ لو احتیج منه إلی قسطه، وإنّما علی الإمام أنّه إذا حکَم عـدَل، وإذا وعـدَ وفی، وإذا حـدّث صـدق . وإنّما حرّم اللّه الحرام بعینه ما قلّ منه وما کثر، وأحلّ اللّه الحلال بعینه ما قلّ منه وما کثر (۱).

۵ – عن محمّد بن عیسی قال:

أخبرنی مَن أخبر عنه – یعنی الرضـا علیه السـلام – أنّه قال: إنّ أهل الضـعف من موالیّی یحبّون أن أجلس علی اللّبود (۲) وألبس الخشن، ولیس یتحمّل الزمان ذلک (۳).

رعایت تناسب زمان وموقعیت و وظیفه حاکم

۴ – از ابی خِداش مهری نقل شده است که گفت:

در بصره، یکی از غلامان امام رضا علیه السلام که به او عبید می گفتند با ما برخورد کرد. او گفت:

گروهی از اهل خراسان بر امام رضا علیه السلام وارد شدند و به او عرضه داشتند:

مردم این لباس را که شما پوشیده اید مناسب نمی دانند.

حضـرت به آنان فرمود: یوسف فرزند یعقوب علیهما السـلام که پیامبر و فرزند پیامبر و نوه ی پیامبر بود لباس دیبا می پوشـید و دگمه ی طلاـ به کـار می برد و در مجـالس آل فرعون [حـاکمـان آن زمـان] می نشـست و این از شـأن او نمی کـاست؛ بلی در جایی که عدالت آن (پیشوا) مورد نیاز باشد [و او کوتاهی کند] نکوهش می شود.

وظیفه امام این است که اگر داوری کند به عدل حکم کند و هنگامی که وعده کرد وفا کند و اگر سخن گفت راست بگوید؛ و خداوند عین حرام را حرام کرده است، چه کم باشد چه زیاد و عین حلال را حلال شمرده است، چه کم باشد چه زیاد.

۵ – محمد بن عیسی نقل می کند که از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

دوستان کوته فکر من دوست دارند که من بر روی نمد بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که زمانه آن را نمی پذیرد.

۱– (۱)) مکارم الاخلاق: ۱ / ۲۲۰ ح ۶۴۷.

٢- ((٢)) اللّبد: الصوف. (الصّحاح: ٢/٥٣٣).

٣- ((٣)) مكارم الأخلاق: ١/٢٢٠ ح ٦٤٨.

۶ - عن حمّاد بن عثمان قال: كنت حاضراً عند أبی عبداللّه علیه السلام إذ قال له رجل: أصلحک اللّه، ذكرتَ أنّ علیّ بن أبی طالب علیه السلام كان یلبس الخشن، یلبس القمیص بأربعه دراهم، وما أشبه ذلک، ونری علیک اللّباس الجیّد؟! قال فقال له: إنّ علیّ بن أبی طالب علیه السلام كان یلبس ذلک فی زمان لا ینكر، ولو لبس مثل ذلک الیوم لشُهر به، فخیر لباس كلّ زمان لباس أهله، غیر أنّ قائمنا إذا قام، لبس لباس علیّ علیه السلام وسار بسیرته (۱).

۷ - عن معمر ابن خلاد، قال: «ذكر القائم عند أبی الحسن الرضا علیه السلام ، فقال:

أنتم الیوم أرخی بالا منكم یومئذ، قالوا:

وكیف؟ قال: لو قد خرج قائمنا علیه السلام لم یكن إلا العلق والعرق والنوم علی السروج، وما لباس القائم علیه السلام إلا الغلیظ، وما طعامه إلا الجشب» (۲).

۶ - حمّاد بن عثمان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام حاضر بودم که مردی به او گفت:

خداوند امورت را اصلاح کند! خود فرمودی که أمیرمؤمنان علیه السلام لباس خشن می پوشید، پیراهن چهاردرهمی و مشابه آن می پوشید، و اکنون بر تن تو لباس فاخر می بینیم؟!

امام به او فرمود: أمیرمؤمنان علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید که ناپسند دانسته نه می شد و اگر امروز کسی آن را بپوشد انگشت نما می شود.

بهترین لباس برای هر زمان لباس اهل آن زمان است، جز این که وقتی قائم ما قیام کند لباس علی علیه السلام رامی پوشد و به روش او عمل می کند.

۷ - معمر بن خلاد می گوید در محضر امام رضا علیه السلام از حضرت قائم (عج) سخن به میان آمد حضرت فرمود: امروز خاطر شما آسوده و راحتی است نسبت به زمان ظهور آن حضرت اگر در رکابش باشید - عرض شد چگونه؟

فرمود: اگر قائم ما (حضرت مهدی) ظهور کند جز سختی و گرفتاری وریختن عرق و خوابیدن بر زین های اسب (کنایه از این که همیشه باید آماده پیکار ونبرد باشید) نخواهید بود و لباس جامه قائم خشن و خوراکش غذای ناگوار است) (۳).

۱- (۱)) الكافی: ۴۴۴/۶ ح ۱۵.

۲- (۲)) كتاب الغیبه - محمد بن إبراهیم النعمانی - ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۳- (۳)) لازم به ذکر است که این دو روایت (۶ و ۷) مربوط به سیرۀ حکومتی امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه و دولتمردان و نزدیکان حضرت است، ولی طبق روایات دیگر در آن زمان زمین نعمت های خود را آشکار می کند و همۀ مردم در رفاه و عدالت زندگی می کنند.

۸ – عن المفضل بن عمر، قال:

«كنت عند أبی عبد اللّه علیه السلام بالطواف، فنظر إلی، وقال: یا مفضل، ما لی أراک مهموما متغیر اللون؟ قال:

فقلت له: جعلت فداک، نظری إلی بنی العباس وما فی أیدیهم من هذا الملک والسلطان والجبروت، فلو کان ذلک لکم لکنا فیه معکم، فقال: یا مفضل، أما لو کان ذلک لم یکن إلا سیاسه اللیل، وسباحه النهار، وأکل الجشب، ولبس الخشن، شبه أمیر المؤمنین علیه السلام وإلا فالنار، فزوی ذلک عنا فصرنا نأکل ونشرب وهل رأیت ظلامه جعلها اللّه نعمه مثل هذا؟!» (۱).

۸ – مفضل بن عمر می گوید: همراه امام صادق علیه السلام طواف می کردم حضرت به من نگاه کرد و فرمود: ای مفضل چه شده است؟ که تو را اندوهگین وناراحت می بینم؟

عرض کردم فدایت شوم درباره بنی عباس و قدرت و عظمت می اندیشم و آنچه را که در اختیار دارند از حکومت و پادشاهی اگر حکومت از آن شما بود ما نیز همراه شما از آن بهره مند می شدیم. حضرت فرمود: ای مفضل! اگر چنین بود باید پیوسته مشغول تدبیر امور مردم و محافظت آنها از خطرات و اداره کارهای اجتماعی و تأمین نیازهای زندگی آنان و رسیدگی به مهمات امورشان می بودیم غذای ناگوار می خوردیم و لباس خشن می پوشیدیم همچون امیرمؤمنان علیه السلام اگر جز این می بود عذاب می شدیم خداوند این را از ما دور کرد، اکنون با آرامش می خوریم و می نوشیم، آیا تا کنون دیده ای که خداوند متعال مانند این مورد، ظلم و ستم را نعمت قرار دهد؟

۱– (۱)) کتاب الغیبه – محمد بن إبراهیم النعمانی – ص ۲۹۷.

ضمائم

اشاره

ص:۲۹۷

کتاب حاضر مربوط به هزینه و مصرف است و در آن آیات و روایاتی آمده است که مربوط به مصرف کردن و هزینه کردن اموال است. روشن است که باید کار و تولید کرد تا بتوان مصرف معقول و مناسب داشت، اسلام برای به دست آوردن اموال توجه ویژه ای به مسأله ی کار و تلاش دارد و از یک سو بر کار و تلاش برای به دست آوردن روزی تأکید می کند و از سوی دیگر انسان را از حرص و طمع و دنیا گرایی باز می دارد.

از این رو با توجه به این که کار و تلاش و تولید، مقدمه ای برای مصرف است، بر آن شدیم که برخی آیات و روایات مربوط به کار و تلاش و نیز پرهیز از حرص و طمع را به صورت ضمیمه ای بر مباحث کتاب بیاوریم.

(۱)کار و تلاش

کار و تلاش

۱ – قال الصادق علیه السلام : الکادّ علی عیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل اللّه (۱).

۲ – عن موسی بن بکر قال: قال لی أبوالحسن [الکاظم] علیه السلام : مَن طلب هذا الرّزق من حلّه لیعود به علی نفسه وعیاله کان کالمجاهد فی سبیل اللّه عزّ و جلّ، فإن غُلب علیه فلیستدِنْ علی اللّه وعلی رسوله ما یقوت به عیاله، فإن مات ولم یقضه کان علی الإمام قضاؤه، فإن لم یقضه کان علیه وزره... (۲).

۳ – قال أبوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام :إنّ اللّه تعالی لیبغض العبد النوّام، ۱ – امام صادق علیه السلام فرمود:

آن کس که برای تأمین هزینه ی عیال خود از راه حلال تلاش کند همچون جهاد کننده در راه خدا است.

۲ – موسی بن بکر می گوید امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

هرکس رزق را از راه حلالش بجوید تا آن را هزینه ی خود و عیالش نماید، همچون پیکار کننده در راه خدای عزّ و جلّ است؛ پس اگر تهی دست شد، بر ذمّه ی خدا و رسولش [به حساب آن ها] هزینه ی تأمین خانواده اش را قرض کند.

پس اگر از دنیا رفت و آن را [قرضش را] نپرداخت، بر امام است که آن را ادا کند، و اگر امام ادا نکند گناهش به گردن او خواهد بود... .

۳ – امام کاظم علیه السلام فرمود:

خداوند متعال بنده ی پرخواب را دشمن می دارد.

۱- (۱)) الفقیه: ۱۶۸/۳ ح ۳۶۳۴ والکافی: ۸۸/۵ح ۱.

۲- (۲)) الکافی: ۹۳/۵ ح۳ والتهذیب: ۱۸۴/۶ ح ۳۸۱ وقرب الإسناد: ۳۴۰ح ۱۲۴۵.

إنّ اللّه تعالی لیبغض العبد الفارغ (۱).

۴ - عن أسباط بن سالم قال:

دخلت علی أبی عبداللّه علیه السلام فسألَنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت:

صالح، ولکنّه قد ترک التجاره، فقال أبوعبداللّه علیه السلام : عمل الشیطان - ثلاثاً - أما علم أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم اشتری عِیراً أتت من الشام فاستفضل فیها ما قضی دَینه وقسّم فی قرابته؟ یقول اللّه عزّ و جلّ: رِجَالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَابَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللّهِ (۲) - إلی آخر الآیه - یقول القصّاص (۳) «إنّ القوم لم یکونوا یتّجرون»، کذبوا، ولکنّهم لم یکونوا یدَعون الصلاه فی میقاتها، وهو أفضل ممّن حضر الصلاه ولم یتّجر (۴).

خدای متعال بنده ی بیکار را دشمن می دارد.

۴ - اسباط بن سالم می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم.

حضرت از ما پرسید عمربن مسلم چه کار می کند؟

عرض کردم: خوب است، ولی تجارت را کنار گذاشته است.

فرمود: شغل شیطان را پیشه کرده است.

- این را سه بار فرمود. -

آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کاروانی را که از شام آورده بودند فروخت و در آن سود کرد، به طوری که با سود آن بدهی خود را پرداخت و [بخشی را هم] میان خویشاوندان خود تقسیم کرد.

خداوند عزّ و جلّ می فرماید «مردانی که تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» - و تا آخر آیه را خواند -

[آن گاه فرمود:] قصه گویان و دروغ پردازان آیه را این گونه تفسیر می کنند:

«قومی که تجارت نمی کنند».

آنان دروغ گفته اند، بلکه آن ها نماز را در وقت خودش ترک نمی کنند، و این برتر است از کسی که در نماز حاضر شود و تجارت نکند.

١- (١)) الفقيه: ١۶٩/٣ ح ٣۶٣٨، عنه الوسائل: ۵٨/١٧ح ٢١٩٧١.

٢- (٢)) النّور: ٣٧.

٣- (٣)) القصّاص: رواه القصـص و الأكاذيب، عبرّ عليه السلام عن مفسّرى العامّه و علمائهم به لابتناء امورهم على الأكاذيب، و لعلّهم أوَّلوا الآيه بترك التجاره لئلّا تلهيهم عن الصلاه والذِكر(مرآه العقول:١٩/١٩).

۴- (۴)) الكافى:٧۵/۵ح٨ والتهذيب:٣٢۶/۶ ح٨٩٧ ،عنهماالوسائل:١۴/١٧ح ٢١٨۶٠.

۵ – عن علیّ علیه السلام قال: إنّی لأبغض الرجل یکون کسلان من أمر دنیاه، لأنّه إذا کان کسلان من أمر دنیاه فهو عن أمر آخرته أکسل (۱).

۶ – قال أبوجعفر علیه السلام : إنّی أجدنی أمقت الرجل یتعذّر علیه المکاسب فیستلقی علی قفاه ویقول: اللّهمّ ارزقنی، ویدَع أن ینتشر فی الأرض ویلتمس من فضل اللّه، والذّرّه (۲) تخرج من جُحرها تلتمس رزقها (۳).

۷ – قال معلّی بن خنیس:

سأل أبوعبداللّه علیه السلام عن رجل وأنا عنده فقیل له: أصابته الحاجه، قال: فما یصنع الیوم؟ قیل: فی البیت یعبد ربّه، قال: فمن أین قوته؟ قیل: من عند بعض إخوانه، فقال أبوعبداللّه علیه السلام : واللّه للّذی یقوته أشدّ عبادهً منه (۴).

۵ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

من دوست ندارم کسی در مورد امور دنیوی خود تنبل باشد، زیرا هرکه در امور دنیوی اش تنبل باشد در امور اخروی خود تنبل تر خواهد بود.

۶ – امام باقر علیه السلام فرمود: خود را می بینم که نفرت دارم از مردی که کسب و کار برایش دشوار شده است، پس بر پشت می خوابد و می گوید

«بارالاها! روزی ام ده» و خودداری می کند از این که در زمین به راه افتد و از فضل خدا بجوید [و روزی به دست آورد]؛ در حالی که مورچه از لانه اش بیرون می آید و در پی به دست آوردن روزی خود جست وجو می کند.

۷ – معلّی بن خنیس می گوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که احوال کسی را پرسید.

به حضرت عرض شد: نیاز [و گرفتاری] پیدا کرده است.

فرمود: اکنون چه کار می کند؟

گفتند: در خانه به عبادت پروردگارش مشغول است.

فرمود: پس خوراکش از کجا می آید؟

گفتند: از سوی یکی از برادرانش.

حضرت فرمود: سوگند به خدا کسی که خورد و خوراک او را می دهد عابدتر از او است.

١- (١)) دعائم الإسلام: ١۴/٢ ح ٢.

٢- (٢)) الذّرّ: النمل الأحمر الصغير، واحدتها ذرّه، (النهايه: ١۵٧/٢) .

٣- (٣)) الفقيه: ١۵٨/٣ ح ٣۵٨٢، عنه الوسائل: ٣٠/١٧ ح ٢١٩٠٠ .

۴- (۴)) الكافى:٧٨/۵ح۴و التهذيب:٣٢۴/۶ح٨٨٩ ، عنهما الوسائل: ٢۵/١٧ ح ٢١٨٩٠ .

۸- عن أيّوب أخى أديم بيّاع الهروى قال: كنّا جلوساً عند أبى عبداللّه عليه السلام إذ أقبل العلاء بن كامل فجلس قدّام أبى عبد اللّه عليه السلام فقال: ادع اللّه أن يرزقنى فى دعه، فقال: لا أدعو لك، اطلب كما أمرك اللّه عزّ و جلّ (۱).

۹ - قال أبوعبداللّه عليه السلام : ...إذا صلّيتم الصبح وانصرفتم فبكّروا فى طلب الرّزق واطلبوا الحلال، فإنّ اللّه عزّ و جلّ سيرزقكم ويعينكم عليه (۲).

۸ - ايّوب هروى مى گويد: نزد امام صادق عليه السلام نشسته بوديم كه علاء بن كامل آمد و روبه روى حضرت نشست و عرض كرد:

از خدا بخواه كه روزىِ آسان [بى دردسر] به من عطا كند.

حضرت فرمود: دعا نمى كنم؛ همان طور كه خداى عزّ وجلّ دستور داده است در طلب [روزى] باش.

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود:... هرگاه نماز صبح را خوانديد و از آن فارغ شديد، صبح زود در جست وجوى روزى برآييد و حلال را طلب كنيد كه خداى عزّ وجلّ به زودى شما را روزى مى دهد و شما را بر آن يارى مى كند.

۱- (۱)) الكافى: ۷۸/۵ ح ۳ والتهذيب: ۳۲۳/۶ ح ۸۸۸ ، عنهما الوسائل:۲۰/۱۷ ح ۲۱۸۷۴.

۲- (۲)) الكافى: ۷۹/۵ ح ۸،عنه الوسائل:۲۲/۱۷ ح ۲۱۸۷۹.

(۲)حرص

الف) مفهوم حرص و تفاوت آن با طمع

طمع به معنی آزمندی و میل و رغبت داشتن به چیزی است. حرص نیز به همین معنا است. البته گفته شده است که حرص به معنی میل و رغبت فراوان و شدید است؛ به عبارت دیگر حرص همان طمع شدید و زیاد است (۱).

ب) نکوهش حرص و زیان های آن

۱ - قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم :الحریص محروم، وهو مع حرمانه مذموم فی أیٍّ کان، وکیف لا یکون محروماًوقدفرّ من وثاق اللّه تعالی عزّوجلّ، وخالف قول اللّه تعالی:

الَّذِی خَلَقَکُمْ ثُمَّ رَزَقَکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ (۲).

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخص حریص محروم است و علاوه بر محرومیت، نکوهیده است، در هر [موردی] که باشد. چگونه محروم نباشد در حالی که از پیمان خدای متعال و مقتدر و شکوهمند گریخته است و سخن خدای متعال را مخالفت کرده است که فرمود «خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید، آن گاه شما را می میراند و پس از آن زنده می گرداند».

ص:۳۰۳

۱- (۱)) ر. ک. المصباح المنیر ومعجم الفروق اللّغویّه والمنجد.

۲- (۲)) الرّوم: ۴۰ .

والحریص بین سبع آفات صعبه: فکرٌ یضرّ بدنه ولا ینفعه، و همٌّ لا یتمّ له أقصاه، وتعبٌ لا یستریح منه إلّاعند الموت ویکون عند الراحه أشدّ تعباً، وخوفٌ لا یورثه إلّاالوقوع فیه، وحزنٌ قد کدّر علیه عیشه بلا فائده، وحسابٌ لامخلص له معه من عذاب اللّه تعالی إلّاأن یعفو اللّه عنه، وعقابٌ لا مفرّ له منه ولا حیله. والمتوکّل علی اللّه تعالی یصبح ویمسی فی کَنف اللّه تعالی منه و هو فی عافیه، وقد عجّل اللّه کفایته وهیّأ له من الدّرجات ما اللّه تعالیٰ به علیم.

والحرص ما یجری فی منافذ غضب اللّه تعالیٰ، وما لم یحرم العبد الیقین لا یکون حریصاً، والیقین أرض الإسلام وسماء الإیمان (۱).

۲ - قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : إنّ علامه الراغب فی ثواب الآخره زهده فی عاجل زهره الدّنیا، أما إنّ زهد الزاهد فی هذه الدّنیا شخص حریص در میان هفت آفت دشوار گرفتار است:

اندیشه ای که به جسمش زیان می رساند و سودی برایش ندارد، دغدغه ای که پایان نمی پذیرد، رنجی که از آن آسوده نمی شود جز به هنگام مردن و در این هنگام رنج او شدیدتر است، بیمی که جز وقوع در آن برایش ثمری ندارد، اندوهی بی فایده که زندگی را بر او ناخوشایند می سازد، حسابی که با آن رهایی از عذاب خدا برایش نیست مگر این که خدا بگذرد، و عقابی که راه گریز و چاره ای از آن برایش وجود ندارد.

و کسی که بر خدای متعال توکل کند، در حمایت خدای متعال صبح و شب می کند در حالی که در سلامتی است، و خدا در تأمین مخارج او شتاب می کند، و برایش درجاتی را فراهم می سازد که تنها خدای متعال به آن آگاه است.

حرص چیزی است که در روزنه های خشم خداوند متعال جریان پیدا می کند و تا زمانی که بنده، یقین را از دست ندهد حریص نمی شود

و یقین، زمینِ اسلام و آسمانِ ایمان است.

۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: بی میلی به زیبایی های زودگذر دنیا نشانه ی اشتیاق به ثواب آخرت است.

به هوش باشید که کناره گیری زاهد از دنیا،

ص:۳۰۴

۱- (۱)) مصباح الشریعه: ۱۱۷،عنه المستدرک: ۶۰/۱۲ ضمن ح ۱۳۵۰۹، والبحار: ۱۶۵/۷۳ ضمن ح ۲۶.

لا ینقصه ممّا قسم اللّه عزّ و جلّ له فیها وإن زهد، وإنّ حرص الحریص علی عاجل زهره [الحیاه] الدّنیا لا یزیده فیها وإن حرص، فالمغبون من حرم حظّه من الآخره (۱).

۳ – قال أبوجعفر الباقر علیه السلام :

مثَل الحریص علی الدّنیا کمثَل دوده القزّ، کلّما ازدادت علی نفسها لفّاً کان أبعد لها من الخروج حتّی تموت غمّاً (۲).

۴ – قال علیّ علیه السلام فی خطبته المعروفه بالوسیله: الحرص داعٍ إلی التقحّم فی الذّنوب و هوداعٍ إلی الحرمان (۳).

۵ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: حُرم الحریص خصلتین، ولزمته خصلتان: حُرم القناعه فافتقد الراحه، وحُرم الرضا فافتقد الیقین (۴).

۶ – قال الصادق علیه السلام : لا ـ تحرص از آنچه خدای عزّ و جلّ در دنیا برایش مقرّر کرده است نمی کاهد، گرچه زهد ورزد؛

و حرص ورزیدن حریص بر جلوه های زندگی، برایش افزونی نمی آورد، گرچه حرص ورزد؛

پس شخص زیان دیده کسی است که از بهره ی آخرت خود محروم ماند.

۳ – امام باقر علیه السلام فرمود: حکایت شخص حریص به دنیا، همچون حکایت کرم ابریشم است که هر چه بیش تر بر خود تار تند، راه بیرون آمدنش سخت تر شود تا آن که از غصّه بمیرد.

۴ – امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای که معروف به «وسیله» است فرمود:

حرص، انسان را به فرو رفتن در گناهان دعوت می کند، و به محرومیت فرا می خواند.

۵ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

شخص حریص از دو ویژگی محروم و با دو ویژگی پیوسته همراه است:

از ویژگی قناعت محروم است پس راحتی ندارد

و از ویژگی خشنودی محروم است پس یقین ندارد.

۶ – امام صادق علیه السلام فرمود:

بر چیزی حریص مباش

۱- (۱)) الكافي: ۱۲۹/۲ ح ۶،عنه الوسائل: ۱۱/۱۶ ح ۲۰۸۲۹.

۲- (۲)) الكافي: ۱۳۴/۲ ح ۲۰ و ص ۳۱۶ ح ۷،عنه البحار: ۶۸/۷۳ ح ۳۶.

۳- (۳)) تحف العقول: ۹۳، عنه البحار: ۲۸۱/۷۷ ضمن ح ۱.

۴- (۴)) الخصال: ۶۹ ح ۱۰۴، عنه الوسائل: ۲۰/۱۶ ح ۲۰۸۵۶، والبحار: ۱۶۱/۷۳ ح ۶.

علی شیءٍ لو ترکته لوصل إلیک وکنت عند اللّه تعالی مستریحاً محموداً بترکه ومذموماً باستعجالک فی طلبه وترک التوکّل علیه والرّضا بالقسم، فإنّ الدّنیا خلقها اللّه تعالی بمنزله الظلّ، إن طلبته أتعبک ولا تلحقه أبداً، وإن ترکته تبعک و أنت مستریح (۱).

۷ – قال علیّ علیه السلام : الحریص فقیرٌ ولو ملک الدّنیا بحذافیرها (۲).

۸ – قال علیّ علیه السلام : إنّ أکیس الناس مَن اقتنی الیأس و لزم [القنوع] الورع، وبرئ من الحرص و الطمع، فإنّ الطمع والحرص الفقر الحاضر، وإنّ الیأس والقناعه الغنی الظاهر (۳).

۹ – قال علیّ علیه السلام : ...الحرص مفقره (۴).

۱۰ – قال أبوعبداللّه علیه السلام : أغنی الغنی مَن لم یکن للحرص أسیراً (۵).

که اگر آن را رهاکنی به تو می رسد، و تو در نزد خداوند متعال به سبب ترک آن آسوده و ستوده هستی و به سبب شتاب در طلب آن و ترک توکل بر خدا و راضی نبودن به سهم خود، مذموم هستی؛

زیرا خداوند دنیا را همچون سایه آفریده است که اگر در پی آن باشی تو را خسته می کند و هرگز به آن نمی رسی و اگر آن را واگذاری به دنبالت می آید در حالی که تو راحت هستی.

۷ – امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص، بی نوا (نیازمند) است حتی اگر تمام دنیا را مالک شود.

۸ – امام علی علیه السلام فرمود:

زیرک ترین مردم کسی است که نومیدی از غیر خدا را به دست آورد و ملازم پارسایی باشد و از حرص و طمع پاک باشد؛ زیرا طمع و حرص، فقر حاضر و آماده است و نومیدی و قناعت، بی نیازی آشکار است.

۹ – امام علی علیه السلام فرمود:

... حرص (آزمندی) سبب نیازمندی است.

۱۰ – امام صادق علیه السلام فرمود: بی نیازترین بی نیازها کسی است که گرفتار حرص نباشد.

۱- (۱)) مصباح الشریعه: ۱۱۷،عنه المستدرک: ۶۰/۱۲ صدر ح ۱۳۵۰۹.

٢- (٢)) عيون الحكم والمواعظ: ٢٢ ح ١۶١.

٣- (٣)) عيون الحكم والمواعظ:١۵٩ح ٣۴٣٠.

۴- (۴)) الخصال: ۵٠۵ ضمن ح ٣، عنه البحار: ٣٧٩/۶٩ ضمن ح ٣۵.

۵- (۵)) الكافي: ٣١۶/٢ ضمن ح ٧، عنه الوسائل: ٢٠/١۶ ضمن ح ٢٠٨۵٣.

۱۱ – عن عليّ عليه السلام : إيّاك والحرص فإنّه يَشين الدّين و يُبعد القرين (۱).

۱۲ – عن الزهريّ قال:

سمعت عليّ بن الحسين عليهما السلام يقول: مَن لم يتعزّ بعزاء اللّه تقطّعت نفسه على الدّنيا حسرات، واللّه ما الدّنيا والآخره إلّا ككفّتي الميزان، فأيّهما رجح ذهب بالآخر.

ثمّ تلا قوله عزّ و جلّ: إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ يعنى القيامه لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ * خَافِضَةٌ خفضت واللّه بأعداء اللّه إلى النار رَافِعَةٌ (۲) رفعت واللّه أولياء اللّه إلى الجنّه.

ثمّ أقبل على رجلٍ من جلسائه فقال له: اتّق اللّه وأجمل في الطلب ولا تطلب ما لم يُخلق، فإنّ مَن طلب ما لم يُخلق تقطّعت نفسه حسرات ولم ينل ما طلب.

ثمّ قال: وكيف ينال ما لم يُخلق؟ فقال الرجل:

۱۱ – امام على عليه السلام فرمود: از حرص بپرهيز كه دين را معيوب مى سازد و نزديكان را دور مى كند.

۱۲ – زهرى مى گويد: از امام سجاد عليه السلام شنيدم مى فرمود: هر كه با تسليت و دلجويى خداوند تسلى نجويد [دلش به وعده هاى خداوند آرام نشود] وجودش از حسرت هاى پى درپى بر دنيا پاره پاره مى شود. سوگند به خدا دنيا و آخرت همچون دو كفه ى ترازو هستند كه هر كدام برترى يابد ديگرى را مى برد. آن گاه حضرت اين آيه را قراءت فرمود: «هنگامى كه آن واقعه رخ دهد» [وفرمود:] يعنى قيامت، [آن گاه آيات را ادامه داد:] «در وقوع آن دروغى نيست، پايين آورنده است» [و در اين باره فرمود:] سوگند به خدا دشمنان خدا را به سوى آتش پايين مى برد [و ادامه ى آيه را خواند:] «بالابرنده است» [و در توضيح آن فرمود:] سوگند به خدا دوستان خدا را به سوى بهشت بالا مى برد.

سپس به مردى از همنشينانش رو كرد و فرمود:

تقواى الهى داشته باش و خواسته ى خود را مختصر كن [در طلب دنيا ميانه رو باش و حرص نزن]، و چيزى را كه آفريده نشده نخواه؛ زيرا هركه چيزى را بجويد كه آفريده نشده است، حسرت هاى پى درپى جانش را پاره پاره مى كند و به آنچه مى جويد نمى رسد.

سپس فرمود: و چگونه دست يابد به چيزى كه آفريده نشده است؟ آن مرد پرسيد:

۱- (۱)) عيون الحكم والمواعظ: ۹۶ ح ۲۲۱۰.

۲- (۲)) الواقعه: ۳ – ۱.

وکیف یطلب ما لم یُخلق؟ فقال:

مَن طلب الغنی والأموال والسعه فی الدّنیا فإنّما یطلب ذلک للراحه، والراحه لم تُخلق فی الدّنیا ولا لأهل الدّنیا، إنّما خُلقت الراحه فی الجنّه ولأهل الجنّه، و التعب والنصب خُلقا فی الدّنیا ولأهل الدّنیا، وما اعطی أحدٌ منها جفنه إلّااُعطی من الحرص مثلیها، ومَن أصاب من الدّنیا أکثر کان فیها أشدّ فقراً، لأنّه یفتقر إلی الناس فی حفظ أمواله، ویفتقر إلی کلّ آلهٍ من آلات الدّنیا، فلیس فی غنی الدّنیا راحه، ولکنّ الشیطان یوسوس إلی ابن آدم أنّ له فی جمع [ذلک] المال راحه، وإنّما یسوقه إلی التعب فی الدّنیاوالحساب علیه فی الآخره.

ثمّ قال علیه السلام : کلّا ما تعب أولیاء اللّه فی الدّنیا للدّنیا، بل تعبوا فی الدّنیا للآخره. ثمّ قال: ألا ومَن اهتمّ لرزقه کتب علیه خطیئه کذلک.

قال المسیح[عیسی] علیه السلام للحواریّین:

إنّما الدّنیا قنطره فاعبروها ولاتعمروها (۱).

چگونه طلب می کند چیزی را که آفریده نشده است؟ حضرت فرمود: هر که در پی بی نیازی و ثروت و گسترش دنیا باشد، آن را برای آسایش دنیا می طلبد، در حالی که آسایش در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است؛ همانا آسایش در بهشت و برای اهل بهشت آفریده شده است و رنج و گرفتاری در دنیا و برای اهل دنیا آفریده شده اند. به هیچ کس به اندازه ی کاسه ای از دنیا داده نشد جز آن که از حرص، دو برابرِ آن داده شد. هرکه از مال دنیا بهره بیش تری به دست آورد در دنیا نیازمندتر است؛ زیرا او در حفظ اموالش به مردم نیازمند است و به هر ابزاری از ابزارهای دنیا احتیاج دارد. پس در بی نیازی دنیا آسایشی وجود ندارد؛ ولی شیطان فرزند آدم را وسوسه می کند که در گردآوری مال، آسایش و راحتی نهفته است و او را به سوی رنج در دنیا و حساب رسی در آخرت می راند.

سپس فرمود: نه چنان است؛ اولیای خدا در دنیا خستگی و ناملایمات را برای دنیا به جان نمی خرند، بلکه خستگی در دنیا را پذیرا می شوند برای آخرت. آن گاه فرمود: به هوش باشید که هر کس اندوه روزی اش را بخورد، خطایی نیز بر او ثبت خواهد شد. مسیح علیه السلام به حواریین خود فرمود: «دنیا پل است، پس باید از آن بگذرید نه این که آن را آباد سازید».

۱- (۱)) الخصال:۶۴ح۹۵،عنه البحار:۹۲/۷۳ح۶.

۱۳ – عن الحسن المجتبی علیه السـلام قـال: هلاـک النـاس فی ثلاث: الکبر و الحرص و الحسـد؛ فالکبر هلاک الـدین و به لُعن إبلیس، و الحرص عدوّ النفس و به اخرج آدم من الجنّه، و الحسد رائد السوء و منه قتل قابیلُ هابیلَ (۱).

۱۴ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

لمّـا هبـط نوح علیه السـلام من السـفینه أتـاه إبلیس فقـال له: مـا فی الأـرض رجـلٌ أعظم منّهً علیَّ منـک، دعوت اللّه علی هؤلاء الفسّاق فأرحتنی منهم. ألا اعلّمک خصلتین: إیّاک والحسد فهو الّذی عمل بی ما عمل، وإیّاک والحرص فهو الّذی عمل بآدم ما عمل (۲).

۱۵ – قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله و سلم : من علامات الشقاء: جمود العین، وقسوه القلب، وشدّه الحرص فی طلب الدّنیا، والإصرار علی الذنب (۳).

۱۳ – امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: نابودی انسان در سه چیز است:

خود برتربینی، حرص و حسد.

خود برتربینی دین را نابود می سازد و به سبب آن، ابلیس از رحمت خدا دور شد؛

حرص دشمن جان آدمی است و به سبب آن، آدم از بهشت بیرون شد؛

حسد پیشگام بدی ها است و به دلیل آن، قابیل هابیل را کشت.

۱۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد، شیطان نزد آن حضرت آمد و به او گفت:

هیچ کسی در زمین بیش از تو بر من منّت ننهاد؛ تو این تبهکاران را نفرین کردی و مرا از آنان آسوده ساختی.

آیا دو ویژگی را به تو نیاموزم؟

از حسد بپرهیز که همان چیزی است که با من کرد آنچه کرد،

و از حرص بپرهیز که همان چیزی است که با آدم کرد آنچه کرد.

۱۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از نشانه های بدبختی است.

خشکی چشم، بی رحمی دل، حرص زیاد در طلب دنیا، و پافشاری بر گناه.

۱- (۱)) کشف الغمّه: ۱۹۷/۲،عنه البحار: ۱۱۱/۷۸ ضمن ح ۶.

۲- (۲)) الخصال: ۵۰ ح ۶۱، عنه المستدرک: ۱۸/۱۲ ح ۱۳۳۹۱.

۳- (۳)) الکافی: ۲۹۰/۲ ح ۶.

۱۶ – عن الصادق علیه السلام قال:

تبع حکیمٌ حکیماً سبعمائه فرسخ فی سبع کلمات، فلمّا لحق به قال له: یا هذا! ما أرفع من السماء...

وأشدّ حراره من النار... فقال له:

یا هذا! الحقّ أرفع من السماء...

والحریص الجشع أشدّ حراره من النار... (۱).

۱۷ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

کان فیما أوصی به رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم علیّاً علیه السلام :

یا علیّ! أنهاک عن ثلاث خصال عظام: الحسد، والحرص، والکذب (۲).

۱۸ – عن علیّ علیه السلام : لایُلفی الحریص مستریحاً (۳).

۱۹ – قال علیّ علیه السلام : الحریص متعوبٌ فیما یضرّه (۴).

۲۰ – قال علیّ علیه السلام : لن توجد القناعه حتّی یُفقد الحرص (۵).

۱۶ – امام صادق علیه السلام فرمود:

حکیمی در پی حکیمی هفتصد فرسخ را برای آموختن هفت سخن پیمود.

چون به او رسید گفت:

ای حکیم! برتر از آسمان چیست و ...داغ تر از آتش کدام است؟

...حکیم دیگر گفت:

ای حکیم! حقّ برتر از آسمان است...

و حریصِ طمع کار، داغ تر از آتش است... .

۱۷ – امام صادق علیه السلام فرمود:

از جمله چیزهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به آن سفارش فرمود، این بود:

ای علی! تو را از سه ویژگی بزرگ باز می دارم:

حسد، حرص و دروغ.

۱۸ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص به آسایش نمی رسد.

۱۹ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص برای به دست آوردن آنچه به او زیان می رساند، خسته می شود.

۲۰ - امام علی علیه السلام فرمود:

تا حرص ناپدید نشود قناعت هرگز پدیدار نگردد.

ص:۳۱۰

۱- (۱)) أمالی الصدوق: ۲۰۳ م ۴۳ ح ۱.
۲- (۲)) الخصال: ۱۲۴ صدر ح ۱۲۱، عنه البحار: ۳۷۰/۶۹ ح ۱۳.
۳- (۳)) عیون الحکم والمواعظ:۵۳۷ح ۹۸۷۷.
۴- (۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۰ ح ۴۷۷.
۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ ح ۶۸۹۶.

۲۱ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم :

یـا علیّ! لاـ تشـاورنّ جبانـاً فإنّه یضـیّق علیک المخرج، ولا تشاورنّ البخیل فإنّه یقصـر بک عن غایتک، ولا تشاورنّ حریصاً فإنّه یزیّن لک شرّها. واعلم یا علیّ أنّ الجبن و البخل والحرص غریزه واحده یجمعها سوء الظنّ (۱).

۲۲ – قال أبوعبداللّه علیه السلام :

...وأقلّ الأشیاء غناءاً النصیحه لمن لا یقبلها ومجاوره الحریص... (۲).

۲۳ – عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

ما فتح اللّه علی عبدٍ باباً من أمر الدّنیا إلّافتح اللّه علیه من الحرص مثله (۳).

۲۴ – عن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم قال:

یهرم ابن آدم ویشبّ منه اثنان:

الحرص علی المال، والحرص علی العمر (۴).

۲۱ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

یا علی! هرگز با ترسو مشورت مکن که راه برون رفت را بر تو تنگ می سازد.

و هرگز با بخیل مشورت مکن که تو را از رسیدن به هدفت باز می دارد.

و هرگز با حریص مشورت مکن که بدی های دنیا را بر تو زینت می بخشد.

و ای علی! بدان که ترس و بخل و حرص یک غریزه اند که ریشه ی همه ی آن ها بدگمانی [به خدای سبحان] است.

۲۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

...اندرز دادن به کسی که آن را نمی پذیرد و نیز همدمی با شخصِ حریص از کم ترین دارایی ها است... .

۲۳ – امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند دری از دنیا را بر بنده ای نگشاید مگر این که همانند آن، دری از حرص بر او باز کند.

۲۴ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فرزند آدم پیر می شود در حالی که دو خصلت در او جوان می گردد:

حرص بر [جمع آوری] ثروت و حرص بر [افزایش] عمر.

ص:۳۱۱

۱- (۱)) الخصال:۱۰۲ ح ۵۷ والفقیه: ۴۰۹/۴ ح ۵۸۹۲،عنهماالوسائل:۴۶/۱۲ح۱۵۶۰۷.

۲- (۲)) الکافی: ۲۴۳/۸ ضمن ح ۳۳۷.

۳- (۳)) الکافی: ۳۱۹/۲ ح ۱۲،عنه البحار: ۱۶/۷۳ ح ۴.

۴- (۴)) الخصال: ۷۳ ح ۱۱۲، عنه المستدرک: ۵۸/۱۲ ح ۱۳۵۰۲.

۲۵ – عن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم قال:

یهرم ابن آدم ویبقی منه اثنان:

الحرص و الأمل (۱).

۲۶ – عن علیّ علیه السلام : الحریص عبد المطامع (۲).

۲۷ – دعاء الإمام السجّاد علیه السلام – فی الاستعاذه من المکاره و سیّیی الأخلاق ومذامّ الأفعال – :

اللّهمّ إنّی أعوذ بک من هیجان الحرص، وسَوره الغضب، وغلبه الحسد، وضعف الصبر، وقلّه القناعه، وشکاسه الخلق، وإلحاح الشهوه، وملکه الحمیّه، ومتابعه الهوی، ومخالفه الهُدی، وسِنه الغفله، وتعاطی الکلفه، وإیثار الباطل علی الحقّ (۳).

۲۵ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فرزند آدم پیر می شود و دو ویژگی در او باقی می ماند:

حرص و آرزو.

۲۶ – امام علی علیه السلام فرمود: شخص حریص بنده ی آزمندی ها است.

۲۷ – در دعای امام سجاد علیه السلام که در زمینه پناه بردن به خدا از ناخوشی ها و اخلاق زشت و کارهای ناپسند است – آمده است:

خدایا به تو پناه می برم از: برانگیخته شدن آزمندی و برافروختگی خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کمی قناعت و بدخلقی و پافشاری شهوت و تعصب گرایی و هواپرستی و هدایت ستیزی و غفلت زدگی و تکلف گرایی و برتری دادن باطل بر حق.

۱- (۱)) روضه الواعظین: ۴۲۹ و نحوه فی الخصال: ۷۳ ح ۱۱۳، عنه البحار: ۱۶۱/۷۳ ح ۸ ، و المستدرک: ۵۸/۱۲ ح ۱۳۵۰۳. و راجع مسند أحمد بن حنبل: ۱۱۵/۳ و ۱۱۹ و ۱۶۹ و ۲۷۵، و فی الجمیع «اثنتان».

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰ ح ۹۱۱.

۳- (۳)) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۶۹ دعاء ۲۶.

(۳)طمع

اشاره

طمع

۱ - قـال الإمـام الکـاظم علیه السـلام فی وصـیّته لهشام بن الحکم: یا هشام! إیّاک والطمع، وعلیک بالیأس ممّا فی أیـدی الناس، وأمت الطمع من المخلوقین، فإنّ الطمع مفتاح للذّل و اختلاس العقل واختلاق المروّات وتدنیس العِرض والذهاب بالعِلم (۱).

۲ - قال علیّ علیه السلام : مَن لم ینزّه نفسه عن دناءه المطامع فقد أذلّ نفسه، وهو فی الآخره أذلّ وأخزی (۲).

۳ - عن علیّ بن الحسین - صـلوات اللّه علیهمـا - قال: رأیت الخیر کلّه قـد اجتمع فی قطع الطمع عمّا فی أیـدی الناس، ومَن لم یرج الناس فی شیءٍ و ردّ أمره ۱ - امام کاظم علیه السلام در سفارش خود به هشام بن حکم فرمود:

ای هشـام! از طمـع بـپرهیز؛ و بر تو بـاد به نومیـدی از آنچه در دسـتان مردم است؛ و طمع به آفریـدگان را در خود بمیران، زیرا طمع، کلید خواری و [سبب] ربودن خرد و فرسودگی جوانمردی ها و آلوده نمودن آبرو و از بین بردن دانش است.

۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

هرکه خود را از پستی طمع ورزی ها پاک نسازد، خود را خوار ساخته است و در آخرت خوارتر و بی ارزش تر خواهد بود.

۳ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

تمامی خیر و نیکی را در قطع طمع از آنچه در دستان مردم است دیدم.

و کسی که در هیچ چیز امیدی به مردم نداشته باشد و همه ی امور خود را

۱- (۱)) تحف العقول: ۳۹۹.

۲- (۲)) عیون الحکم والمواعظ:۴۵۸ح۸۲۹۶ .

إلی اللّه عزّ و جلّ فی جمیع اموره استجاب اللّه عزّ وجلّ له فی کلّ شیء (۱).

۴ – قال عیسی علیه السلام : ... وبحقّ أقول لکم: إنّ الزقّ إذا لم ینخرق یوشک أن یکون وعاء العسل، کذلک القلوب إذا لم تخرقها الشهوات أو یدنّسها الطمع أو یقسها النِعم، فسوف تکون أوعیه الحکمه (۲).

۵ – قال علیّ فی وصیّته لولده الحسن علیهما السلام : ...إیّاک أن توجف بک مطایا الطمع فتوردک مناهل الهلکه، وإن استطعت أن لا یکون بینک وبین اللّه ذو نعمه فافعل، فإنّک مُدرک قسمَک وآخذ سهمک. وإنّ الیسیر من اللّه سبحانه أعظم وأکرم من الکثیر من خلقه وإن کان کلٌّ منه (۳).

۶ – قال علیّ علیه السلام :الطمع رقّ مؤبّد (۴).

۷ – قال علیّ علیه السلام :أعظم الناس ذُلًّا به خدای مقتدر و شکوهمند واگذارد، خدای عزّ و جلّ هر چیزی را برایش اجابت می کند.

۴ – حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

...حقیقت را برای شما می گویم:

مشک تا زمانی که پاره نشود، قابلیت دارد که ظرف عسل باشد؛

همچنین دل ها تا زمانی که شهوت ها آن ها را ندرد، یا طمع، آن ها را آلوده نسازد، یا نعمت ها آن ها را بی رحم نکند، جایگاه حکمت خواهند بود.

۵ – امام علی علیه السلام – در سفارش به فرزندش علیه السلام – فرمود:

...بپرهیز از آن که مرکب های طمع، تو را با شتاب پیش ببرد و تو را به آبشخورهای نابودی وارد کند.

و اگر توانستی [کاری کنی] که میان تو و خدا هیچ صاحب نعمتی نباشد این کار را انجام ده،

پس همانا تو به قسمت خود می رسی و سهم خود را می گیری.

و اندکی که از خدای سبحان باشد بزرگ تر و ارجمندتر از فراوانی است که از آفریده ی او باشد، هرچند همه از او است.

۶ – امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

طمع ورزی، بردگی همیشگی است.

۷ – امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

خوارترین مردمان،

ص:۳۱۴

۱- (۱)) الکافی: ۱۴۸/۲ ح ۳،عنه الوسائل: ۴۴۹/۹ ح ۱۲۴۹۹.

۲- (۲)) عُدّه الداعی: ۱۰۷،عنه المستدرک: ۳۴۱/۱۱ ح ۱۳۲۱۵.

۳- (۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح):۴۰۱کتاب۳۱.

۴- (۴)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۰۱ الحکمه ۱۸۰، عنه البحار: ۱۷۰/۷۳ ضمن ح ۷.

الطامع والحريص و المريب (۱).

۸ – عن أبان بن سويد عن أبی عبداللّه علیه السلام قال قلت: ما الّذی يثبت الإيمان فی العبد؟ قال:

الّذی يثبته فيه الورع، والّذی يخرجه منه الطمع (۲).

۹ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ...إيّاكم واستشعار الطمع فإنّه يشوب القلب شدّه الحرص، ويختم علی القلوب بطبائع حبّ الدّنيا... (۳).

۱۰ – قال لقمان لابنه: إن أردت أن تجمع عزّ الدّنيا فاقطع طمعك ممّا فی أيدی الناس، فإنّما بلغ الأنبياء والصدّيقون ما بلغوا بقطع طمعهم (۴).

۱۱ – قال علیّ علیه السلام : لو كانت الدّنيا عند اللّه محمودةً لاختصّ بها أولياءه، لكنّه صرف قلوبهم عنها ومحا عنهم منها المطامع (۵).

طمع کار و حریص و شکّاک هستند.

۸ – ابان بن سوید می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

آن چیست که ایمان را در بنده پایدار می سازد؟

فرمود: آنچه ایمان را در بنده پایدار می سازد پارسایی است،

و آنچه ایمان را از او بیرون می کند طمع است.

۹ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

...از راه دادن طمع به دل بپرهیزید؛ زیرا حرص زیاد دل را در هم (و آشفته) می کند و با سرشت های دنیادوستی بر دل ها مهر می زند ... .

۱۰ – لقمان به فرزندش فرمود:

اگر می خواهی عزّت دنیا را به دست آوری طمع خود را از آنچه در دستان مردم است ببُر که انبیا و اولیا با بریدن طمعشان به این مقام رسیدند.

۱۱ – امام علی علیه السلام فرمود:

اگر دنیا نزد خداوند ستوده بود آن را ویژه ی اولیای خود می ساخت؛

ولی خداوند دل های آنان را از دنیا برگرداند و طمع های آنان را به دنیا از بین برد.

۱- (۱)) عیون الحکم والمواعظ:۱۲۳ ح ۲۸۰۰.

۲- (۲)) الخصال: ۹ ح ۲۹، عنه الوسائل: ۳۵۸/۲۰ ح ۲۵۸۲۴.

۳- (۳)) أعلام الدین: ۳۴۰،عنه البحار:۱۸۴/۷۷ضمن ح ۲۴.

۴- (۴)) قصص الأنبیاء للراوندی: ۱۹۵ ضمن ح ۲۴۴.

۵- (۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۱۵ ح ۷۰۵۶.

۱۲ – قال الإمام الباقر علیه السـلام لجابر الجعفی: ...اطلب بقاء العزّ بإماته الطمع، وادفع ذلّ الطمع بعزّ الیأس، واسـتجلب عزّ الیأس ببُعد الهمّه، وتزوّد من الدّنیا بقصر الأمل...ولا ذلّ کذلّ الطمع (۱).

۱۳ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و سلم : خیار المؤمنین القانع وشرارهم الطامع (۲).

۱۴ – قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

...أفقر الناس الطمّاع، وأغنی الناس مَن لم یکن للحرص أسیراً (۳).

۱۵ – قال علیّ علیه السلام : أکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع (۴).

۱۶ – قال علیّ علیه السلام :إنّ الطمع مورد غیر مصدر، وضامن غیر وفیّ... (۵).

۱۷– قال أبولیلی: شـیّعَنا الحسن بن علیّ[المجتبی] علیه السـلام ، فلمّا ذهبنا ننصرف قلنا له: أوصنا، قال: اتّقوا اللّه، وإیّاکم والطمع
۱۲ – امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود:

...مانـدگاری عزّت را در از بیـن بردن طمـع جسـتجو کن، و خـواری طمـع را بـا عزّت نومیـدی [از غیر خـدا] دور کن، و عزّت نومیدی را با بلندهمتی به دست آور، و با کوتاهی آرزو از دنیا توشه بردار... و هیچ خواری همچون خواری طمع نیست.

۱۳ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین مؤمنان شخص قانع است و بدترین آن ها شخص طمع کار.

۱۴ – رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

... نیازمندترین مردم شخص پرطمع است و بی نیازترین مردم کسی است که در بند حرص نباشد.

۱۵ – امام علی علیه السلام فرمود:

بیش ترین زمین خوردنِ خرَدها زیر برق طمع ها است.

۱۶ – امام علی علیه السلام فرمود:

طمع به هلاکتگاه می کشاند و نجات نمی دهد، و ضامنی است که [به ضمانت خود] وفادار نیست.

۱۷ – ابولیلی می گوید:

ما امام حسن مجتبی علیه السلام را بدرقه کردیم.

وقتی خواستیم برگردیم از حضرت خواستیم ما را نصیحتی کند.

ایشان فرمود:از خدا پروا کنید و از طمع بپرهیزید؛

۱- (۱)) تحف العقول: ۲۸۶، عنه المستدرک: ۶۹/۱۲ ح ۱۳۵۳۴.

۲- (۲)) الجامع الصغیر: ۲۴۳ ح ۳۹۷۲.

۳- (۳)) معانی الأخبار: ۱۹۶ ضمن ح ۱.

۴- (۴)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۰۷ الحکمه ۲۱۹.

۵- (۵)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۲۴ الحکمه ۲۷۵.

فإنّ الطمع يصير طبعاً (۱).

۱۸ – قال المسيح عليه السلام : أخرج الطمع عن قلبك يحلّ القيد من رجلك (۲).

۱۹ – قال عليّ عليه السلام : لا تطمعنّ نفسک فيما فوق الكفاف فتغلبک بالزياده (۳).

۲۰ – عن مهزم الأسدى قال:

قال أبوعبداللّه عليه السلام : يا مهزم! ...شيعتنا من لا يهرّ هرير الكلب ولا يطمع طمع الغراب ولا يسأل عدوّنا وإن مات جوعاً (۴).

زيرا طمع، خوى انسان مى شود.

۱۹ – حضرت مسيح عليه السلام فرمود:

طمع را از دلت بيرون كن كه بند از پايت گشوده مى شود.

۲۰ – امام على عليه السلام فرمود:

نفس خود را به بيش از اندازه ى نياز به طمع نينداز كه با زياده خواهى، تو را مغلوب مى كند.

۲۱ – مهزم اسدى نقل كرده است كه امام صادق عليه السلام فرمود:

اى مهزم! ...شيعه ى ما كسى است كه همچون سگ پارس نكند و همچون كلاغ طمع نورزد و از دشمنان ما چيزى درخواست نكند، گرچه از گرسنگى بميرد.

۱- ((۱)) روضه الواعظين: ۴۲۰.

۲- ((۲)) روضه الواعظين: ۴۵۶.

۳- ((۳)) عيون الحكم والمواعظ: ۵۲۲ ح ۹۵۰۵.

۴- ((۴)) الكافى: ۲۳۸/۲ ح ۲۷،عنه البحار: ۱۸۰/۶۸ ح ۳۹.

سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی رحمه الله ورهبر معظم انقلاب اسلامی دام ظلّه الوارف

نقش رسانه در ترویج مصرف گرائی

امام خمینی قدس سره در این زمینه می گوید: رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزار مؤثر تباهی و تخدیر ملت ها – خصوصاً نسل جوان – بوده است.

در این صد سال اخیر – به ویژه نیمه دوم آن – چه نقشه های بزرگی از این ابزار – چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمت گزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق – کشیده شد و از آن ها برای درست کردن بازار کالاها – خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش؛ از تقلید در ساختمان ها و تزئینات و تجملات آن ها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آن ها – استفاده کردند به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شؤون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن – به ویژه در خانم های مرفه و نیمه مرفّه – بود (۱).

خیانت دودمان پهلوی

امام راحل رحمه الله می گوید: اینجانب نمی گویم ما خودمان همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور – خصوصاً و در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی، خصوصاً مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز کوچک دیدن ها و یا ناچیز دیدن ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان – خصوصاً طبقه جوان – به اقسام اجناس وارداتی از قبیل

۱- (۱)) – صحیفه نور: ۲۱ / ۱۹۴ تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۵..

ابزار آرایش و تزئینـات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشانـدن خانواده ها و مصـرفی بار آوردن هر چه بیشتر - که خود داسـتان غم انگیز دارد - و سـرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها - که عضو فعال هسـتند. با فراهم کردن مراکز فحشا و عشرت کده ها و ده ها از این مصائب حساب شده برای عقب نگه داشتن کشورها است (۱).

مراوده با مستمندان وظیفه کارگزاران نظام

همهٔ مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیّونِ نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مسـتمندان و پابرهنه ها، بیشتر حشـر و نشـر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشـته باشـند تا متمکّنین و مرفّهین؛ و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض انان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می دهد (۲).

ساده زیستی عامل پیش برد روحانیت

یکی از امور مهم هم این است که روحـانیون بایـد سـاده زنـدگی کننـد. آن چیزی که روحـانیّت را پیش برده تـا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی، ساده زندگی کردند (۳).

هنری که مورد قبول قرآن است

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صـیقل دهنـدهٔ اسـلام ناب محمـدی صـلی الله علیه و آله اسـلامِ ائمهٔ هدی علیهم السـلام ، اسـلامِ فقرای دردمند، اسـلامِ پابرهنگان، اسـلامِ تازیانه خوردگان تاریخِ تلخ و شـرم آورِ محرومیت ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبندهٔ سـرمایه داری مدرن و کمونیسمِ خون آشام و نابود کنندهٔ اسـلامِ رفاه و تجمّل، اسـلام التقاط، اسلامِ سازش و فرومایگی، اسلامِ مرفهینِ بی درد و در یک کلمه، «اسلام امریکایی» باشد (۴).

۱- ((۱)) - صحیفه نور: ۲۱ / ۷۴ تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۵.

۲- ((۲)) صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۲۸ تاریخ ۱۳۶۶/۵/۶.

۳- ((۳)) صحیفه نور ۱۹ ص ۱۵۷ تاریخ ۱۳۶۴/۲/۱۶.

۴- ((۴)) صحیفه نور ج ۲۱ ص ۳۰ تاریخ ۱۳۶۷/۶/۳۰.

اثر انقلاب در بازگشت به سنت های اسلامی

انقلاب اسلامی که آمد مثل مشتی به سینه مهاجم خورد او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد.

مردم ظرف مـدت کوتاهی تغییرات اساسـی در خلقیات خودشان احساس کردنـد: گذشت در بین مردم زیاد شد آز و طمع کم شد، هم کاری زیاد شد گرایش به دین زیاد شد. اسـراف کم شد قناعت زیاد شد. فرهنگ این ها است فرهنگ اسلامی این ها است (۱).

بی توجهی نسبت به هزینه کردن منابع ملی اسراف و ولخرجی در مصرف

مـا در زمینه ی مصـرف، در زمینه ی هزینه کردن منـابع مـالی کشور که به وسـیله ی خود مـا و به وسـیله ی همه ی برادران هم میهن ما و به وسیله ی مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می آید، دچار نوعی بی توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه واهتمام خاص.

ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم (۲).

مدیریت عاقلانه مصرف

مـا بایستی مصـرف کردن را مـدبرانه و عاقلانه مـدیریت کنیم. مصـرف نه فقط از نظر اسـلام، بلکه از نظر همه ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد (۳).

با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می کند، نمی شود مصرف را مدیریت کرد (۴).

عدم مدیریت مدبرانه مصرف موجب شکاف بین فقرا و اغنیاء

شکـاف بین فقرا و اغنیـاء زیـاد می شود، عـده ای در حسـرت اوّلیـات زنـدگی می ماننـد و عـده ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می دهند.

۱- ((۱)) - بیانات رهبر انقلاب در دیدار وزیر و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱..

۲- ((۲)) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

۳- ((۳)) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

۴- ((۴)) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

اسراف، روز به روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق تر می کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤولِ بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا و سیما - باید وظیفهٔ خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمّل گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازهٔ لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند.

مصرف گرایی، جامعه را از پای در می آورد (۱).

مردم و دولت حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه ی اول - چه قوه ی مقننه، چه قوه ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه ی قضائیه و غیر آن ها - و اشخاص و شخصیتها در رتبه های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید... الگوی مصرف را اصلاح کنند

فعالیت مردم و دولت در زمینه اصلاح الگوی مصرف

من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می کنم، خواهش می کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه ریزی کنند.

من این سال را، سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» می دانم و امیدوارم که این عنوان برای همه ی ما دستور العمل باشد و همه ی ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم. که «اصلاح الگوی مصرف» است حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نمائیم (۲).

مبارزه با اسراف در جهت حرکت به سمت الگوی مصرف

مسئله ی مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف،

۱- (۱)) خطبه های نماز عید سعید فطر ۸۱/۹/۱۵..

۲- (۲)) پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

جلوگیری از ولخرجی ها و تضییع اموال جامعه است.

صرفه جوئی از خطوط اساسی برنامه ریزی ها باشد

لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله ی صرفه جوئی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم.

معنای صرفه جوئی درست مصرف کردن است

صرفه جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. جامعه ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد.

افزایش تولید بر مصرف و هزینه

یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد.

لطمه مادی و معنوی اسراف

اسراف، هم لطمه ی اقتصادی می زند، هم لطمه ی فرهنگی می زند. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می گذارد.

مسئله ی صرفه جوئی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده ی کشور را تهدید می کند.

نمونه هایی از اسراف در جامعه

آمارهای تکان دهنده اسراف نان.

بر حسب بررسی میدانی ای که در تهران و بعضی از مراکز استان ها شده است،

گفته می شود که ۳۳ درصدِ نان ضایعات است. یک سوم همه ی نانی که در این شهرها تولید می شود، دور ریخته می شود.

در مورد آب.

تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسراف هائی دارد.

در مورد انرژی.

ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حامل های انرژی - مصرف می کنیم.

اسراف فردی، خانوادگی...

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسرافِ فردی صورت می گیرد.

تجمل گرائی ها، چشم و هم چشمی ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ این ها از موارد اسراف است.

وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ این ها چیزهائی است که ما برای آن ها پول صرف می کنیم. پولی که می تواند در تولید مصرف شود، سرمایه گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، این چیزهای ناشی شده ی از هوس، چشم و هم چشمی، آبروداری های خیالی.

اسراف در مهمانی ها...

مسافرت می روند، می آیند، میهمانی درست می کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه ای که رفته اند، بیشتر است! - عروسی می گیرند، عزا می گیرند؛ هزینه ای که برای این میهمانی ها مصرف می کنند هزینه های گزافی است... در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اوّلیات هم محرومند.

میهمانی درست می کنیم، عزا درست می کنیم، هی رخت و برِ روز به به روز دگرگون برای خودمان درست می کنیم. ... عقلای عالم این کار را نمی کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می فرماید: وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ و لَايُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ،كُلُوا وَاشْرَبُواْ وَلَا تُسْرِفُواْ ؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده روی نکنید. در آیه ی شریفه

دیگر: (کُلُواْ مِن ثَمَرِهِ ی إِذَآ أَثْمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُ و یَوْمَ حَصَادِهِ ی وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ و لَایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ . خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.

در روایت دارد که کسی میوه ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه ی خرما استفاده کنید. آن وقت در هتل ها میهمانی درست کنند و به یک عده ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه ی این که بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه ی اسلامی است؟ اینجوری می شود به عدالت رسید؟

ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه

باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته ایم؛ به مجرد این که یک مدل بالاتر وارد بازار می شود، و ان مدل جدید را باید بخریم؛ این چه هوس بازی ای است که ما به آن دچار هستیم.

اسراف ملّی ووظیفه مسؤولان

مسئولان موظفند.

اسراف فقط در زمینه ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می شود. برق و انرژی، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه های ارتباطی، شبکه های انتقال برق، سیم های برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می رود.

شبکه های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می رود. اینها اسراف های ملی است؛

اسراف سازمانی

اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می افتد. مصرف بی رویّه در مورد سازمان خودشان اتفاق می افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمان های گوناگون.

ص:۳۲۴

وظیفه قوای مقننه و مجریه

بایـد برنـامه ریزی کننـد. قـوه ی مقننه و قوه ی مجریه موظفنـد به پیگیری. برنـامه ریزی کننـد، قانونگـذاری کننـد، قـانون را با قاطعیتِ تمام اجراء کنند.

راهکارهای صرفه جوئی

صرفه جوئی ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت:

در مورد آب

آب را صـرفه جوئی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صـیانت کنیم، شـبکه های آبرسانی را اصـلاح کنیم، آبیاری های با صـرفه ی در کشاورزی را آموزش بدهیم.

زمینه سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی.

در امر نان،

تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست (۱).

وظیفه ونقش مسؤولین در اصلاح الگوی مصرف

امسال ما اعلام کردیم سال اصلاح الگوی مصرف؛ همه هم استقبال کردند.

اصلاح الگوی مصرف مخصوص یک سال نیست؛ سالها طول می کشد. شاید ده سال طول بکشد که انسان بخواهد این کار را بکند؛ اما باید شروع کنیم.

مسئولین بایـد در این زمینه تلاش کنند، کار کنند، همکاری کنند، دانشـگاه ها، افراد مطلع، حوزه های علمیه، هر کدام نقشـی دارند؛ ان شاء اللّه این نقش را ایفا کنند (۲).

صرفه جوئی باید فرهنگ شود

فلان مسـئول اگر اهل تجمل و اشـرافیگری باشد، مردم را به سـمت اشـرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه

۱- ((۱)) بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تاریخ: ۱۳۸۸/۱/۱..

۲- (۲))) خطبه های نماز عید سعید فطر تاریخ: ۱۳۸۸/۶/۲۹..

کند؛ این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم.

یکی از اساسی ترین کارها برای این که ما جلوی اسراف را بگیریم این که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافیگری نباشند (۱).

اسراف بد است؛ حتی در انفاق راه خدا هم می گویند. خدای متعال در قران به پیغمبرش می فرماید وَ لَاتَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَیٰ عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ ؛ در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه روی؛ میانه روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم.

قرآن می فرماید: وَ الَّذِینَ إِذَآ أَنفَقُواْ ؛ کسانی که وقتی می خواهند خرج کنند، لَمْ یُسْرِفُواْ وَ لَمْ یَقْتُرُواْ نه اسراف می کنند. زیاده روی می کنند. نه تنگ می گیرند و با فشار بر خودشان زندگی می کنند، نه، اسلام این را هم توصیه نمی کند.

اسلام نمی گوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آنچنانی زندگی کنند؛ معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند.

ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده روی نمی کند، اسراف نمی کند. خوب، بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی شود (۲).

امروز ما ان مقداری که از ضایعات نان ضرر می بینیم از هیچ ضایعه مادّی ای ضرر نمی بینیم! یعنی همین نان خشکی که از خانه من و شما خارج می شود، معادل بخش عظیمی از قیمت گندم وارداتی ماست!

اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب بازی بچه و در وسایل تجمّلاتی!

اسراف همان کاری را با کشور می کند که دشمن می خواهد (۳)!

ص:۳۲۶

۱- ((۱)) بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج تاریخ: ۱۳۸۸/۲/۲۲..

۲- ((۲)) خطبه های نماز عید سعید فطر تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۲۱..

۳- ((۳)) بیانات مقام معظم رهبری در صحن مطهّر حضرت ثامن الحُجج، امام رضا علیه السلام تاریخ: ۱۳۷۷/۱/۱..

معیار قانون خوب و بد

مسئولین اقتصادی دولت، برنامه کشور را طوری تنظیم می کنند که هیچ گونه ضربه ای بر مسائل اساسی کشور وارد نیاید.

اگر قانونی می گذاریم که روح قانون شکنی و بی اعتنائی به قانون را در مردم به وجود می آورد - ولو به طور غیر مستقیم - این مرجوح است. اگر قانونی می گذاریم که روح قناعت را در مردم تقویت می کند، این خوب است؛ اگر روح اسراف را در مردم تقویت می کند، این بد است. اگر روح دینداری را در مردم تقویت می کند، این خوب است؛ اگر روح لاابالیگری را در مردم تقویت می کند، این بد است.

نمایندگان محترم در قانونگذاری ها نگاهشان به کل کشور باشد. قانون برای همه است.

نگذارید جوری بشود که مجلس شورای اسلامی آن حالت پارسائی و زهد را از دست بدهد. (۱)بعضی ها تا دستشان به دهانشان می رسد برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده شان به فلان کشور خارجی - که حالا نمی خواهم اسم بیاورم - می روند این ها اسراف قطعی است این ها همان اسرافی است که حرام است (۲).

این جانب از این که کسانی می کوشند در میان مردم ما رسم تجمل گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند شدیداً نگران و متأسفم و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند به خدا پناه می برم (۳).

مسئولان و توجه به ساده زیستی...

این شعار، شعار بسیار مهمی است یک وقت ما در زندگی شخصی خود

۱- ((۱))) بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۳..

۲- ((۲))) خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۱/۴..

۳- ((۳))) پیام به گردهمایی سراسر فرماندهان بسیج ۱۳۶۸/۹/۲..

حرکت اشراف گونه ای داریم بین خودمان و خدا، که اگر مردم باشد حرام است، اگر مکروه باشد، مکروه است اگر مباح باشد مباح است اما یک وقت ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی گری می دهیم، این دیگر مباح و مکروه ندارد، همه اش حرام است به خاطر این که تعلیم دهنده اشرافی گری است؛ اولاً:

زیردست خودمان ثانیاً: آحاد مردم به این کار تشویق می شوند... ریخت و پاش، اولاً از جیب مان نیست از بیت المال است، ثانیاً ریخت و پاش، مشوق دیگران است. واقعاً الناس علی دین ملوکهم . ملوک در این جا به معنی پادشاهان نیست که بگوئیم ما پادشاه نداریم. نه ملوک شماها هستید. الناس علی دین ماها (۱).

از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می کند نمود اشرافی گری در مسئولان بالای کشور است.

در این زمینه مسؤولان درجه یک بسیار نقش دارند تلویزیون بسیار نقش دارد مَنِش ما و شما بسیار نقش دارد (۲).

یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه ها می شود، نوع آبیاری کشاورزی، هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر می دهیم.

هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیر لازم و تشریفاتی و زیادی حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی ارتباطی ندارد یک کار مسرفانه است (۳).

مصرف گرایی به صورت اسراف یکی از بیماری های خطرناک هر ملتی است (۴).

زیاده روی، وقت به وقت و زمان به زمان تفاوت می کند؛ در امر لباس، در امر مسائل زندگی، در اتومبیلهای گرانقیمت (۵).

برای متمکنین، میانه روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛

۱- ((۱)) بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸..

۲- ((۲)) بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵..

۳- ((۳)) بیانات در دیدار کارگران و معلمان هفته معلم و روز کارگر ۸۱/۲/۱۱ ..

۴- ((۴)) بیانات در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱..

۵- ((۵)) خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۱۰/۴..

و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه ای انقلابی و رسمی اسلامی است (۱).

اگر ما اسراف نکنیم، می توانیم نیاز کشور را برآورده کنیم.

آبها را که هرز می رود، مهار کنیم. آبها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدبرانه می شود استفادهٔ بهینه کرد (۲).

راه تقسیم عادلانهٔ بیت المال

امروز کسانی که با بیت المال مسلمین سرو کار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانهٔ بیت المال است. اگر مسؤولی خدای ناخواسته، در امر بیت المال اسراف بورزد، یا ان را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطین خود مصرف کند، این تخلف از عدل وقرار واقعی در امر بیت المال است (۳).

همه موظفند اسراف نکنند

اسراف بد است و از نظر شرعی، گناه و حرام محسوب می شود. از نظر منطق عقلانی و ادارهٔ کشور هم، یک کار ممنوع و زشت است و مخصوص کسان خاصی نیست. همه موظفند اسراف نکنند - هم مسؤولان و کارگزاران و کسانی که مأمور انجام کارهایی در دولت هستند و هم آحاد مردم (۴).

انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده روی و اسراف (۵).

اصل اسراف بد است؛ اصل تجمّل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است (۶).

۱- (۱)) پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج ۱۳۶۸/۹/۲.

۲- (۲)) بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.

۳- (۳)) بیانات در جمع مسؤولان و... عید غدیر ۱۳۷۱/۳/۳۰.

۴- (۴)) پیام نوروزی آغاز سال جدید ۱۳۷۵/۱/۱.

۵- (۵)) پیام نوروزی آغاز سال جدید ۱۳۷۴/۱/۱.

۶- (۶)) بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴.

اسراف، یک لجنزار است. ریخت و پاش مالی، یک وسوسهٔ شیطانی است (۱).

اسراف یعنی تضییع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی.

کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می آید؛ مثل اسراف در مصرف بی رویهٔ آب، ضروری است.

وظیفه همگان تنظیم زندگی بر معیار دین و عقل سلیم است

ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می طلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضییع نعمت خداست (۲).

نقش مسؤولان در ترویج اشرافیگری

وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن چنانی می کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می بیند، بر او اثر می گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم.

تجمل گرائی مانع تحقق عدالت اجتماعی

تجمّل گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیهٔ برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همهٔ کشورها و همهٔ جوامع، بخصوص جامعهٔ ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد (۳).

من آنچه را که می خواهم در این برهه عرض کنم این است که ملت عزیز جداً از اسراف و زیاده روی پرهیز کنند (۴).

ص:۳۳۰

۱- (۱) بیانات در حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام ۷۴/۱/۳..

۲- (۲) پیام نوروزی ۱۳۷۶/۱/۱..

۳- (۳) بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۷۸/۱۰/۴..

۴- (۴) پیام نوروزی ۷۷/۱/۱..

معنای اسراف در اموال و...

اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند بدون این که این مصرف، اثر و کارائی داشته باشد. در حقیقت هدر دادن مال است (۱).

صرفه جویی صحیح قناعت

اسراف در جامعه، لازمهٔ اشرافیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مایهٔ تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است (۲).

صرفه جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست (۳).

یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه ها دچار مصیبت هستیم، اخلاق حسنهٔ مهم اسلامی را فراموش کرده ایم (۴).

روحیه مصرف گرایی مانع کمک به نیازمندان

یکی از عواملی که نمی گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیهٔ مصرف گرایی و تجمّل در جامعه است (۵).

مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است (۶).

۱- ((۱)) بیانات در حرم رضوی ۷۶/۱/۱..

۲- ((۲)) بیانات در حرم رضوی ۷۶/۱/۱..

۳- ((۳)) پیام نوروزی ۷۶/۱/۱..

۴- ((۴)) دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۸۳/۹/۱۱..

۵- ((۵)) خطبه های عید سعید فطر ۸۱/۹/۱۵..

۶- ((۶)) پیام نوروزی ۱۳۷۱/۱/۱..

مسؤولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجمّلانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود (۱).

مصرف گرایی... ستم بزرگ بر بانوان

سوق دادن به تجمّل و مصرف گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین تبدیل شدن به یک وسیلهٔ مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلّی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می نماید (۲).

پرهیز از اسراف شرط لازم پیوند با مردم

پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافیگری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهودهٔ خارجی از کیسهٔ مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است (۳).

۱- (۱)) خطبه های نماز جمعه تهران ۷۹/۹/۲۵..

۲- (۲)) بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۶۹/۱۰/۱۶..

۳- (۳)) پیام به مناسبت آغاز کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۶..

فهرست منابع

۱ – القرآن الکریم.

۲ – الإختصاص: شیخ مفید، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه .

۳ – الأدب المفرد: محمّد بن اسماعیل بخاری، دارالمعرفه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۰ ه .

۴ – الإرشاد: شیخ مفید، تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه .

۵ – الإستبصار: شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ه .

۶ – الإصابه فی تمییز الصحابه: ابن حجر عسقلانی، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول ۱۳۲۸ ه .

۷ – الاُصول الستَّه عشر: تحقیق ضیاءالدین محمودی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه .

۸ – اُصول کافی: شیخ کلینی، ترجمهٔ سید جواد مصطفوی، انتشارات ولی عصر علیه السلام ، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش .

۹ – أعلام الدین: حسن دیلمی، تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه .

۱۰ – الأمالی: شیخ صدوق، مؤسّسه الأعلمی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ه .

۱۱ – الأمالی: شیخ طوسی، منشورات مکتبه الداوری، قم.

۱۲ – الأمالی: شیخ مفید، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم.

۱۳ – بحار الأنوار: علّامه مجلسی، مؤسّسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه .

۱۴ – بشاره المصطفی: طبری امامی، تحقیق جواد قیّومی، مؤسسه النشر الإسلامی،قم، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ه .

ص:۳۳۳

۱۵ – تحف العقول: ابن شعبه حرّانی، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الإسلامی، قم، چاپ هفتم، ۱۴۲۵.

۱۶ – تفسیر أبوالفتوح رازی: کتابفروشی اسلامیه، تهران.

۱۷ – تفسیر الإمام العسکری علیه السلام : تحقیق مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹.

۱۸ – تفسیر راهنما: هاشمی رفسنجانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۱۹ – تفسیر الطبری: محمّد بن جریر طبری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه .

۲۰ – تفسیر العیّاشی: محمّد بن مسعود سمرقندی، المکتبه العلمیه الإسلامیّه، طهران.

۲۱ – تفسیر القمّی: علی بن إبراهیم قمی، منشورات مکتبه الهدی، النجف، ۱۳۸۷ ه .

۲۲ – التمحیص: أبی علی اسکافی (ضمن کتاب المؤمن) تحقیق مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه .

۲۳ – تنبیه الخواطر: ورّام بن أبی فراس، دارالتعارف، بیروت.

۲۴ – تهذیب الأحکام: شیخ طوسی، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ه .

۲۵ – تهذیب الکمال: یوسف مزّی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ه .

۲۶ – تهذیب اللغه: محمّد بن احمد ازهری، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه .

۲۷ – ثواب الأعمال: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، طهران،۱۳۹۱ ه .

۲۸ – جامع الأخبار: محمد سبزواری، تحقیق علاء آل جعفر، مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه .

– جامع البیان تفسیر الطبری.

– الجامع الصحیح سنن الترمذی.

۲۹ – الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۳۰ – الجعفریات: محمّد بن أشعث کوفی (ضمن قرب الإسناد) مکتبه نینوی الحدیثه، طهران.

ص:۳۳۴

۳۱ – الخصال: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ه .

۳۲ – الدرّ المنثور: جلال الدین سیوطی، منشورات مکتبه آیه اللّه المرعشی، قم.

۳۳ – الدرّه الباهره: شهید اول، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۳۴ – دعائم الإسلام: قاضی نعمان مغربی، تحقیق آصف فیضی، دارالأضواء، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه .

۳۵ – دلائل الإمامه: منشورات الرضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.

۳۶ – روضه الواعظین: فتّال نیسابوری، انتشارات الشریف الرضی، قم چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۳۷ – الزهد: حسین بن سعید اهوازی، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۹۹ ه .

۳۸ – سنن ابن ماجه: محمّد بن یزید قزوینی، دارالفکر، بیروت.

۳۹ – سنن أبی داود: سلیمان سجستانی، دارإحیاء التراث العربی، بیروت.

۴۰ – سنن الترمذی: محمّد بن عیسی، دار عمران؛ بیروت، ۱۳۸۱ ه .

۴۱ – السنن الکبری: احمد بن حسین بیهقی، دارالفکر، بیروت.

۴۲ – شرح نهج البلاغه: ابن أبی الحدید، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه .

۴۳ – الصافی: فیض کاشانی، تحقیق سید محسن امینی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه .

۴۴ – الصحاح: اسماعیل جوهری، تحقیق احمد عبدالغفّور عطّار، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۹۹۰ م.

۴۵ – صحیح البخاری: محمّد بن اسماعیل بخاری، دارالجیل، بیروت.

۴۶ – الصحیفه السجّادیه الجامعه: سید محمّد باقر أبطحی، مؤسّسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۳ ه .

۴۷ – عُدّه الداعی: ابن فهد حلّی، دارالکتاب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه .

۴۸ – علل الشّرایع: شیخ صدوق، منشورات المکتبه الحیدریه، النجف، ۱۳۸۵ ه .

۴۹ – عوالی اللئالی: ابن أبی جمهور احسائی، تحقیق آقا مجتبی عراقی، مطبعه سید الشهداء، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه .

۵۰ – عیون أخبار الرّضا علیه السلام : منشورات المطبعه الحیدریه، النجف، ۱۳۹۰ ه .

۵۱ – عیون الحِکم والمواعظ: لیثی واسطی، تحقیق حسین بیرجندی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه .

۵۲ – غرر الحِکم ودرر الکِلم: ترجمۀ محمّد علی انصاری، دارالکتاب، قم.

۵۳ – الفردوس: شیرویه دیلمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه .

۵۴ – الفضائل: شاذان بن جبرئیل، منشورات المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۱ ه .

۵۵ – فقه الرّضا: تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه .

۵۶ – القاموس المحیط: فیروز آبادی، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه .

۵۷ – قرب الإسناد: عبداللّه حمیری، تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه .

۵۸ – قصص الأنبیاء: سید نعمه اللّه جزائری، دارالأضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ه .

۵۹ – قصص الأنبیاء: قطب الدین راوندی، مؤسّسه المفید، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه .

۶۰ – الکافی: شیخ کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالتعارف، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ه .

۶۱ – کامل الزّیارات: محمّد بن قولویه، المطبعه المرتضویه، النجف، ۱۳۵۶ ه .

۶۲ – الکامل فی ضعفاء الرّجال: عبداللّه جرجانی، دارالفکر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ه .

۶۳ – کتاب جعفر بن محمّد بن شریح الحضرمی: (ضمن الاُصول السّته عشر).

۶۴ – کتاب زید النرسی: (ضمن الاُصول السّته عشر).

۶۵ – کشف الغمّه: علی إربلی، دار الکتاب الإسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ ه .

۶۶ – کنز العمّال: متقی هندی، مؤسّسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹.

۶۷ – کنز الفوائد: ابوالفتح کراجکی، مکتبه المصطفوی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.

۶۸ – لسان العرب: ابن منظور، نشر أدب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ه .

۶۹ – لغت نامه: علی اکبر دهخدا، مؤسّسۀ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۷۰ – مجمع البحرین: فخرالدین طریحی، تحقیق سید احمد حسینی، مکتب نشر الثقافه الإسلامیه، طهران، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه .

۷۱ – مجمع البیان: فضل بن الحسن طبرسی، مؤسّسه الهدی، طهران، ۱۴۱۷ ه .

۷۲ – مجمع الزّوائد: علی هیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ه .

۷۳ – المحاسن: أحمد بن محمّد برقی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، ۱۳۷۰ ه .

۷۴ – مرآه العقول: علّامه مجلسی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه .

۷۵ – المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیسابوری، دارالکتب العلمیه؛ بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه .

۷۶ – مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری، تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه .

۷۷ – مستطرفات السرائر: ابن ادریس حلّی، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه .

۷۸ – مسند أحمد بن حنبل: دار صادر، بیروت.

۷۹ – مسند الشّهاب: محمّد قضاعی، مؤسّسه الرساله، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵.

۸۰ – مشکاه الأنوار: علی بن حسن طبرسی، مؤسّسه دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه .

۸۱ – مصادقه الإخوان: شیخ صدوق، منشورات مکتبه الإمام صاحب الزمان علیه السلام ، الکاظمیه، ۱۴۰۳ ه .

۸۲ – مصباح الشریعه: امام صادق علیه السلام ، مؤسّسه الأعلمی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ه .

۸۳ – مصباح المتهجّد: شیخ طوسی، تحقیق علی اصغر مروارید، مؤسّسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول.

۸۴ – المصباح المنیر: احمد فیّومی، المطبعه الأمیریه، القاهره، چاپ هفتم، ۱۹۲۸ م.

۸۵ – المصنّف: ابن ابی شیبه، تحقیق سعید محمّد لحّام، دارالفکر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۴ ه .

۸۶ – معانی الأخبار: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ه .

۸۷ – المعجم الکبیر: سلیمان طبرانی، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه .

۸۸ – المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی، المکتبه المرتضویه، طهران، ۱۴۱۱ ه .

۸۹ – المقنع: شیخ صدوق، مؤسّسه الإمام الهادی علیه السلام ، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه .

۹۰ – مکارم الأخلاق: حسن بن فضل طبرسی، تحقیق علاء آل جعفر، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ ه .

۹۱ – المنجد: لویس معلوف، انتشارات اسماعیلیان، تهران، چاپ ۲۳.

۹۲ – من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه .

۹۳ – المؤمن: حسین بن سعید اهوازی، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۱۱ ه .

۹۴ – المیزان: سید محمّد حسین طباطبائی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه .

۹۵ – نزهه الناظر: محمّد حلوانی، تحقیق مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸.

۹۶ – نظم درر السمطین: محمّد بن یوسف زرندی، مکتبه نینوی الحدیثه، طهران.

۹۷ – النوادر: فضل اللّه راوندی، تحقیق سعید رضا عسکری، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۹۸ – النهایه: ابن اثیر جزری، مؤسسهٔ اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.

۹۹ – نهج البلاغه: تحقیق صبحی صالح، مؤسّسه دارالهجره، قم، چاپ پنجم.

۱۰۰ – نهج البلاغه: شرح محمّد عبده، مؤسّسه الأعلمی، بیروت.

۱۰۱ – الهدایه: شیخ صدوق، مؤسّسه الإمام الهادی علیه السلام ، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه .

۱۰۲ – الوافی: فیض کاشانی، منشورات مکتبه الامام أمیرالمؤمنین علیه السلام ، اصفهان،چاپ دوم، ۱۴۱۲ ه .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹